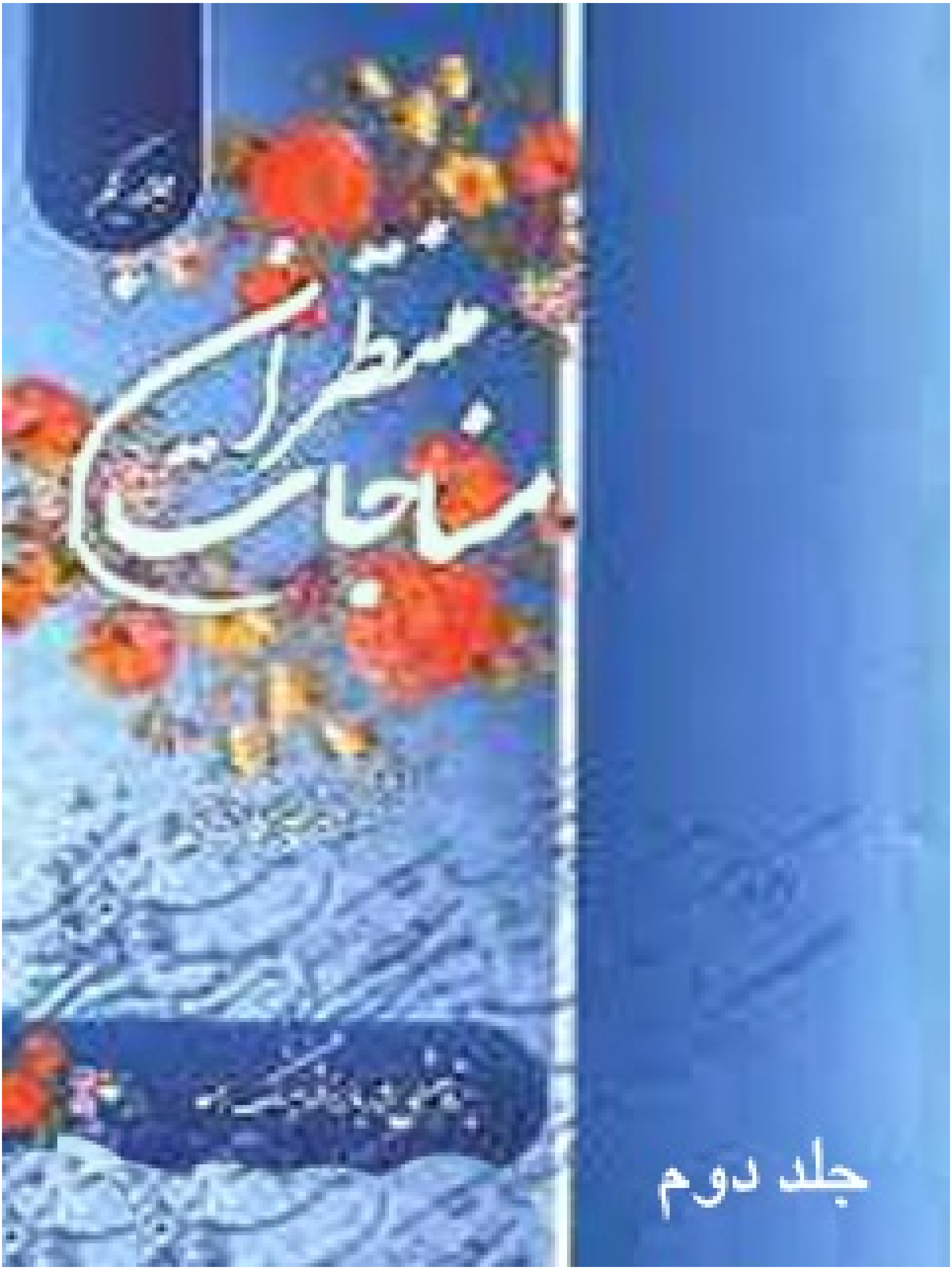

جلد دوم

بسم الله الرحمن الرحیم

# مناجات منتظران

نویسنده:

محمد بنی هاشمی

ناشر چاپی:

منیر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# مناجات منتظران جلد ۲

## مشخصات کتاب

سرشناسه : بنی هاشمی، سیدمحمد، ۱۳۳۹ -

عنوان و نام پدیدآور : مناجات منتظران/ محمد بنی هاشمی.

مشخصات نشر : تهران: منیر، ۱۳۸۷-

مشخصات ظاهری : ج.

شابک : ۷۰۰۰۰ ریال (دوره) ؛ ج. ۱ : ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۰۴۰-۰ ؛ ج. ۲، چاپ دوم ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۰۶۹-۱ :

وضعیت فهرست نویسی : برونسپاری (فاپا/ چاپ دوم)

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : ج. ۲ (چاپ دوم: ۱۳۸۷).

یادداشت : کتابنامه.

مندرجات : ج.۱. پژوهشی درباره فرهنگ دعا.- ج. ۲. جایگاه دعا در باورداشت مهدویت

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - -- غیبت

موضوع : مهدویت-- انتظار

موضوع : دعاهای امام زمان(عج).

رده بندی کنگره : BP۲۲۴/۴/ب۹م۸ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۶۹۷۶۳

ص: ۱

## بخش دوم: دعا در حقّ حضرت ولی عصر عجّل الله تعالی فرجه الشّریف

## اشاره

پس از بیـان کلّیّاتی درباره دعا (جایگاه اعتقادی- آثار و نتایـج - اجابت و کیفیّت آن) و نیز عـدم منافات آن با رضا به قضای الهی اکنون در بخش دوم کتاب می خواهیم در خصوص دعا برای وجود مقـدّس امام زمان علیه السـلام مباحثی را طرح کنیم. البتّه هدف اصلی کتاب همین موضوع بوده است و آنچه در بخش اول گذشت نیز به همین بهانه طرح گردید.

ص: ۲

## فصل ۱- انگیزه ها و محتوای دعا برای امام زمان علیه السّلام

### اشاره

اوّلین بحثی که درباره دعا در حقّ امام زمان علیه السلام مطرح می شود، انگیزه های این دعاست. ابتدا انگیزه های مختلفی که برای دعـا در حقّ دیگری وجود دارد را معرّفی می کنیم و سپس یـک یـک آنهـا را در مورد مولای از یاد رفته مان تطبیق می دهیم.(۱)

به طور معمول دعای انسان در حقّ دیگری ۵ انگیزه می تواند داشته باشد:

### انگیزه های دعا برای دیگری

۱- شـفقت و رحمت: دعا از روی دلسوزی و ترحّم مثل دعای پـدر و مادر در حقّ فرزنـد و دعای برادر در حقّ برادر می باشد. همچنین است دعای فرشتگان برای زائران قبر سیّدالشّهداء علیه السلام.

۲- تلافی کردن احسان: دعـا برای کسـی که به انسان نیکی نموده یا یک بـدی را از او دفع کرده، از این قبیل است. همچنین دعـای شاگرد در حقّ معلّم و امثال آن. به طور کلّی وقتی کسـی به انسان احسانی می کنـد، یکی از مراتب شـکرگزاری از آن احسان کننده، دعای خیر در حقّ اوست. نیز اگر کسی انسان را از یک گرفتاری نجات دهد یا از ۱.



---

۱- در این قسـمت از مطالبی که در کتاب گرانقدر «مکیال المکارم فی فوائد الدّعاء للقائم علیه السـلام» آمده کمال اسـتفاده را می نماییم، ج ۱، ص ۴۴۹ تا ۴۵۱.

رسیدن شرّی به او جلوگیری نماید، آن فرد عاقل فطرتاً خود را مدیون او دانسته و برایش دعا می کند. معلّم هم چون به شاگردانش احسان کرده، آنها برای تلافی کردن خیر او برایش دعا می نمایند.

۳- چشم دوختن به احسان: گاهی انسان به امید اینکه خیری از دیگری به او برسد، برایش دعا می کند. انگیزه دوم این بود که احسانی صورت گرفته و انسان برای تلافی آن برای احسان کننده دعا می کند، ولی سومی این است که هنوز احسانی صورت نگرفته و دعا به انگیزه چشم دوختن به احسان دیگری است. مثال این قسم دعایی است که فقرا و مستمندان برای جلب کمک دیگران در حقّ آنان می کنند. گاهی فقیر وقتی می خواهد کسی را به صدقه دادن تحریک و ترغیب نماید، درباره او دعاهای خیر می کند، مثلاً «خدا خیرت بدهد، خدا سایه ات را از سر خانواده ات کم نکند، خدا عمرت بدهد و ...» اینها دعاهای رجا است، یعنی چون امید دارد که به او احسانی شود، چنین دعاهایی می کند. اگر امید نداشت، دعا هم نمی کرد. این دعاها را می کند تا مورد ترحّم کسی که در حقّش دعا کرده، قرار بگیرد.

۴- بزرگداشت و اظهار تواضع: دعایی که در حقّ بزرگان و اشراف و علمای بزرگ می شود، می تواند به این انگیزه باشد. خود دعا کردن در این موارد مصداق تعظیم و بزرگداشت کسانی است که در حقّشان دعا می شود. حتّی در مواردی که چنین بزرگداشتی توقّع می رود، کوتاهی کردن در دعا می تواند موجب هتك حرمت و توهین به آن بزرگان شود. به عنوان مثال در مجلسی که برخی از علمای بزرگ حاضر هستند، تعظیم و تکریم ایشان به وسیله سخنران بجا و بلکه لازم است. کوتاهی کردن در این امر مصداق بی احترامی و بی اعتنایی به ایشان می باشد.

این چهار انگیزه را مرحوم صاحب مکیال المکارم به مناسبت بحثی که درباره «تواضع» داشته اند، طرح کرده اند. ما می توانیم یك انگیزه دیگر را به اینها اضافه کنیم:

۵- پاسخ به التماس دعا: گاهی انگیزه انسان برای دعا در حقّ دیگری التماس

دعـای او به انسـان است. وقـتی مـؤمنی از انسـان می خواهـد که برایش دعـا کنـد، وظیفه برادری ایمـانی حکم می کنـد که به درخواست او پاسـخ مثبت داده شود. لذا اگر هیچ یک از انگیزه های قبلی هم نباشد، التماس دعای شـخص برای اینکه دیگران دعایش کنند، کافی است.

این پنـج انگیزه ممکن است به تنهایی یا با هم، مؤثّر در دعای انسان باشـند. گاهی فقط یکی از آنها هست و گاهی بیشتر. مثلاً اگر فرزنـدی به پـدر یـا مـادرش احسـان نمایـد، دعـای آنها در حقّ او هم به انگیزه اوّل است و هم دوم. هم از روی شـفقت و رحمت است و هم تلافی کردن احسان. اگر فرزنـد به والدین خود التماس دعا گفته باشد، انگیزه پنجم هم در دعای آنها مؤثّر خواهـد بـود. به همین ترتیب ممکن است دو انگیزه دیگر هم در همین مـورد وجود داشـته باشـد و به این ترتیب جمع بین همه آنها یا برخی از آنها در یک مورد خاص امکان پـذیر است. البتّه ناگفته نماند که ما دلیلی برای منحصـر کردن انگیزه های دعا در این پنـج عنوان نـداریم. ممکن است برخی انگیزه های دیگر هم در دعای انسان مؤثّر باشـد ولی شایـد بتوان گفت که مهم ترین انگیزه هـای دعاها همین ها هسـتند. حال که اهمّ این انگیزه ها بیان شـد، بایـد ببینیم کـدام یک از آنها بر دعای انسان در حقّ امام زمانش تطبیق می نماید.

## ۱- دعای شفقت و رحمت برای امام زمان علیه السلام

اوّلین انگیزه، شـفقت و رحمت دعاکننده است که در مورد دعا در حقّ امام زمان علیه السلام هم مصداق پیدا می کند. به تعبیر مؤلّف کتاب مکیال المکارم همه موجبات رحمت و شـفقت نسبت به حضرت مهدی (عجّل الله تعالی فرجه الشّریف) در وجود مقـدّس ایشـان جمع شـده است. آنگاه برخی از آنها را که هرکـدام می توانـد مسـتقلّاً انگیزه دعا برای ایشان باشـد، را ذکر می فرماید که مجموع آنها دوازده عنوان می شود:

۱- پـدر حقیقی بودن برای اهـل ایمـان: انسان برای پـدرش از سر شـفقت و رحمت دعای خیر می کنـد. اگر پـدری خود اهل دلسوزی و شـفقت بر فرزنـدانش باشـد، این انگیزه برای فرزنـد قوی تر و شدیـدتر می شود. به فرموده امـام هشـتم علیه السـلام وجود مقدّس امام

زمان علیه السلام «الوالد الشّفیق»(۱) برای همه اهل ایمان هستند. پس این انگیزه در خصوص دعای مؤمنان برای پدر حقیقی خود، بسیار قوی و عمیق است.

۲- برادر واقعی بودن برای اهل ایمان: هر انسانی هرچند بی ایمان به طور طبیعی و فطری برای برادرش از سر شفقت و حمایت کننده از او، این انگیزه برای دعا در حقّ او پررنگ تر خواهد شد. امام رضا علیه السلام در ادامه فرمایش خود که امام علیه السلام را معرّفی می کنند، فرموده اند: «و الأخ الشّقیق»(۲). «شقیق» یعنی نصف شده و منظور برادری است که گویی نیمه دیگر برادرش است. دو برادری که چنان به فکر یکدیگر و دلسوز هم هستند که هیچ گاه چیزی را منحصراً برای خود نمی خواهند، بلکه در همه امور مساوی اند؛ گویی دو نیمه از یک چیز هستند. آری امام عصر علیه السلام چنین برادری برای اهل ایمان هستند، پس جا دارد که مؤمنان برای ایشان از روی شفقت و رحمت به صورت جدّی دعا نمایند.

۳- غربت و کم بودن یاران: اگر کسی غریب و بی کس باشد و چنانچه شایسته اوست، مورد توجّه و مراجعه و یاد کردن و ... قرار نگیرد، انسان در حقّش دلسوزی و ترحّم می کند و برایش دعا می نماید. به نظر می رسد که اگر به معانی «غربت» آگاه باشیم، کسی را در روی زمین غریب تر از امام زمانمان پیدا نمی کنیم.(۳)

۴- غیبت و دوری از دوستان و سرزمین: امام عصر علیه السلام در زمان غیبت از جمع دوستان و سرزمین مورد علاقه خود دور هستند. کسی که جایگاهش در همه عالم منحصر به فرد است، از اینکه در میان دوستداران خود حاضر باشد و چون دیگران در خانه و سرزمین محبوب خویش آشکارا زندگی نماید، محروم است و به خاطر رضای خداوند این عزلت و تنهایی را تحمّل می فرماید. آیا این شرایط شفقت و رحمت انساند.



---

۱- اصول کافی، کتاب الحجّه، بابٌ نادرٌ جامعٌ فی فضل الامام و صفاته، ح ۱.

۲- همان.

۳- معانی مختلف «غربت» و اثبات غربت امام عصر علیه السلام به همه معانی آن را می توانید در کتاب «آفتاب در غربت» مطالعه فرمایید.

را برنمی انگیزد که برای چنین بزرگواری به پیشگاه الهی دعا کند؟

۵- مظلوم بودن به خاطر غصب شدن حقوقش: حقوق امام عصر علیه السلام همچون اجداد بزرگوارشان غصب شده و ستمگران عالم، ایشان را از بسیاری از حقوقشان محروم داشته اند. این ویژگی هم موجب شفقت انسان بر ایشان می شود که دست به دعا بلند کند و از خدای منّان یاری این بزرگ ترین مظلوم عالم را طلب نماید.

۶- مظلوم بودن به علّت اینکه پدر و اجداد و ارحام و نزدیکانش به شهادت رسیده و ایشان خونخواه همه آنها هستند: این جهت دیگری از مظلومیّت مولا و سرور ماست که پدرانشان و نزدیکانشان توسّط ظالمان به ناحق کشته شده اند و منتقم خون های همه آنها، امام زمان علیه السلام ما هستند، ولی هنوز زمان آن فرا نرسیده و اجازه این خونخواهی به ایشان داده نشده است. همین امر موجب دلسوزی و رقّت بر حال این بزرگوار است که می تواند انگیزه دعا در حقّ ایشان باشد.

۷- ایمان: مؤمن بودن امام زمان علیه السلام کفایت می کندکه انسان بر حال ایشان شفقت و رحمت آورد و هر مؤمنی بر سایر اهل ایمان این حق را دارد که برایش دلسوزی کنند و به فکر حال و وضع او باشند. هرچه درجه ایمانی شخص بالاتر باشد، حقّ او بر دیگران بیشتر خواهد بود. آیا کسی را در رتبه ایمانی امام علیه السلام سراغ داریم؟

۸- زیادی دشمنان و ناتوانی دوستان ایشان: همه ستمگران عالم و پیروان آنها اعمّ از مسلمان و غیر مسلمان به خصوص کسانی که به نام اسلام و قرآن با اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و شخص امام زمان علیه اسلام دشمن هستند، متأسّفانه همیشه تعداد زیادی داشته اند و در مقابل، دوستان حضرت و کسانی که با حقوق ایشان به خوبی آشنا هستند، نسبت به گروه اوّل تعدادشان بسیار کمتر بوده است. آیا حال کسی که دشمنانش زیاد و دوستانش کم و ناتوان هستند موجب شفقت و رحمت نیست؟

۹- گرفتاری و همّ و غمّ زیاد ایشان به خاطر آنچه در زمان غیبت بر دوستان و شیعیان ایشان وارد می شود: از چند جهت می توان یقین کرد که امام زمان علیه السلام به خاطر مصیبت های شیعیان خود، زیاد غم و غصّه می خورند: یکی از جهات، ایمان ایشان

است. هرکس ایمانش بالاتر باشد، غم و غصّه اش به خاطر وقوع معصیت بیشتر است، به خصوص اگر دوستان و پیروان خود را مبتلا به گناه ببینـد. جهت دیگر، پـدر بودن ایشان است که وقتی فرزنـدان خود را گرفتار می بینـد، نمی تواند بی تفاوت باشـد بلکه بیش از خود فرزند ناراحت و غمناک می شود. جهت دیگر، امام بودن ایشان است که خود را مسئول هدایت و دستگیری خلق می دانـد و وقتی مشاهـده می کنـد که همین خلق محتاج و گرفتار چگونه از سـفینه نجات و باب هدایت الهی اعراض می کننـد، چقـدر انـدوهگین می شود؟ و بسیاری جهات دیگر در این امر مـدخلیّت دارد که این جا مجال طرح آنها نیست ولی با کمال تأسّف بایـد بگوییم اگر همه غم و غصّه های اهل ایمان را که به خاطر ایمان و غیرت دینی خود متحمّل می شوند، روی هم بریزیم، به انـدازه نـاراحتی و غم مولایمـان نمی شود. حـال در نظر بگیریـد که این یگانه دوران و نادره روزگار، چنـدین و چنـد سال و بلکه چندین قرن است که چنین غم هایی را در سـینه دارد. قطعاً کمّ و کیف آن برای هیچ یک از ما قابل درک و تصوّر هم نیست.(۱) امّا همین قدر هست که دل های ما را به درد آورد و رحمت و شـفقت ما را برانگیزد که برای رفع این غم و غصّه ها به پیشگاه خداوند دعا کنیم. اگر دعای ما ذرّه ای از ناراحتی های ایشان بکاهد، عبادت بسیار بزرگی انجام داده ایم.

نویسـنده رو سـیاه این سطور واقعاً در خود احساس خجالت و شرمندگی می کند که مبادا اعمال و رفتارش موجب ازدیاد غم و غصّه های امام عصر علیه السـلام بوده باشـد. و اگر چنین بوده است، بایـد ابتـدا از وجود مقـدّس آن عزیز به خاطر ایذاء ایشان عـذرخواهی کند و با توبه واقعی خود، موجبات رفع همّ و غمّ ایشان را فراهم آورد. آنگاه از دیگران بخواهد که برای تسـکین آلام و غم های آن سرور دعا کنند.

۱۰- طولانی بودن زمان گرفتاری ایشان: هرچه مـدّت زمان گرفتاری مؤمنی بیشتر باشد، دلسوزی و رقّت انسان بر حال او بیشتر می شود. آیا با توجّه به حجم عظیمد.



---

۱- گوشه ای از گرفتـاری هـای امام عصـر علیه السـلام به خاطر شـیعیانشان را می توانیـد در کتاب «سلوک منتظران» بخش ۲، فصل ۲ ملاحظه فرمایید.

گرفتاری های حضرت، کس دیگری را سراغ داریم که تاکنون نزدیک به دوازده قرن متحمّل اینها بوده باشد؟

۱۱- ناشناخته بودن منزلت ایشان بین مردم و منحرف بودن آنها از مسیر آن حضرت: یکی از وجوه غربت عزیز و سرور ما این است که قدر و منزلت ایشان حتّی در میان دوستانش ناشناخته مانده است. متأسّفانه انحرافات عقیدتی زیادی در شناخت صحیح امام علیه السلام در میان شیعیان وجود دارد که همین انسان مؤمن را به حال شفقت و ترحّم بر حال امام ناشناخته اش درمی آورد.

۱۲- کوتاهی کردن مؤمنان به ایشان در پیروی و خدمتگزاری به آن حضرت: قطعاً انتظاری که حضرت بقیّه الله ارواحنا فداه از معتقدین به خود دارند، این است که فقط در ایّام نیمه شعبان به شرکت در جشن میلاد یا پخش گل و شیرینی اکتفا نکنند، بلکه باید اعمال و رفتارشان گویای اقتدا به آن حضرت باشد. متأسّفانه همان درصد بسیار کمی از مسلمانان که با امام زمان خود آشنا هستند و حدّاقلّ لازم از معرفت ایشان را دارند، در عمل، بسیار بسیار از آنچه باید باشند دورند و گاهی حتّی در مراسم جشن مربوط به امام زمان علیه السلام، کارهایی می کنند که قطعاً و یقیناً دل مقدّس ایشان را به درد می آورد. چه رسد به اینکه در خدمت به آن حضرت بخواهند حقّ ایشان را ادا نمایند. نویسنده خود را بیش از هرکس در این زمینه شرمنده و مقصّر می بیند و از آن مولای عزیز می خواهد که با بزرگواری از سر تقصیراتش بگذرد و اجازه خدمت خالصانه به محضرش را برای او و سایر دوستان خود صادر فرماید.

این دوازده عنوان را نویسنده فقیه مکیال المکارم در توضیح موجبات شفقت و رحمت بر امام عصر علیه السلام مطرح کرده و سپس افزوده اند که اگر کسی در احوال آن امام بزرگوار تأمّل کافی کند، بسیاری جهات دیگر از همین قبیل را پیدا می کند که باید بر این وجوه بیفزاید. ما عرض می کنیم که توجّه و تفطّن به این امور شایستگی و لیاقت و معرفت عمیقی لازم دارد که در میان عالمان هم به ندرت پیدا می شود، چه رسد به افراد جاهلی چون حقیر که اگر تذکّرات امثال صاحب مکیال نبود، هرگز به این امر توجّه نداشتم و حالا هم که نوشته هایش هست یا به آنها مراجعه نمی کنم و یا اگر هم

می خوانم و می فهمم، چنان که باید حقّش را ادا نمی کنم. خداوند می تواند با کسانی همچون مرحوم میرزا محمّد تقی اصفهانی (نویسنده مکیال المکارم) بر ما احتجاج نماید و راه هرگونه عذر آوردن در تقسیر را بر ما ببندد.

در پایان این قسمت فرموده اند که اگر مؤمنی با هر یک از این انگیزه ها، برای امامش با اخلاص دعا کند، فوائدی که در هر یک از این دوازده عنوان اشاره شد را درک خواهد کرد. مثلاً اگر به انگیزه جهت اوّل (پدر حقیقی بودن امام زمان علیه السلام) برای ایشان دعا کند، ثواب نیکی کردن به پدر را می برد. اگر جهت دوم (برادر واقعی بودن امام علیه السلام) انگیزه دعا را در او به وجود آورد، ثواب رعایت حقّ برادر را در راه خدا می برد و همچنین ثواب یاری رساندن به غریب و مظلوم و نصرت مؤمن واقعی و رفع گرفتاری از گرفتار و غمگین و ... .

تذکّر این نکته هم لازم است که دعا به انگیزه هرکدام از این وجوه، فوائد و آثار ارزنده زیادی دارد و اگر همه اینها با هم جمع شوند، برکات فوق العاده ای خواهند داشت که قلم، توان بیان آنها را ندارد؛ فقط باید از خدا خواست که معرفت شایسته برای ایجاد همه این انگیزه ها را به انسان عنایت کند که در این صورت حال و هوا و فکر و ذکر انسان در همه لحظات زندگی اش بودن امام زمان علیه السلام را می گیرد. رزقنا الله بفضله و کرمه.

### ۲- دعا برای امام عصر علیه السلام به خاطر تلافی کردن احسان ایشان

دومین انگیزه دعا در حقّ دیگری، تلافی کردن احسان او به دعا کننده است. از این جهت هم می توان ضرورت دعا برای امام عصر علیه السلام را اثبات نمود. در این بحث هم از تذکّرات سازنده و ارزشمند صاحب کتاب مکیال المکارم استفاده می کنیم. اوّلین تذکّر این است که بدانیم همه نعمت هایی که در اختیارمان بوده است، هست و خواهد بود، به وساطت و برکت وجود آن امام همام علیه السلام است.[1] علاوه بر این ایشان انواع و اقسام احسان ها را در حقّ ما انجام می دهند. یکی از مصادیق آن، دعایی است که در حقّد.



---

۱- توضیح این مطلب را می توانید در کتاب «آفتاب در غربت»، بخش دوم مطالعه فرمایید.

دوستان خود می کنند. خود ایشان در ضمن توقیعی که به مرحوم شیخ مفید - اعلی الله مقامه الشّریف - مرقوم فرموده اند، چنین آورده اند:

... یَعمِدُ بِکَیدِهِ اَهلَ الایمانِ ولا یَبلُغُ بِذلِکَ غَرَضَه مِنَ الظُّلمِ وَ العُدوانِ، لِأنّنا مِن وَراءِ حِفظِهِم بالدُّعاءِ الّذی لا یُحجَبُ عَن مَلِكِ الأرضِ و السَّماءِ فَلیَطمَئِنَّ بِذلِکَ مِن اَولیاءِنا القُلُوبُ.(۱)

... (آن منافق) با نیرنگ خود اهل ایمان را قصد می کند ولی به هدفش که ظلم و تجاوز است نمی رسد، زیرا ما در پی محافظت از آنانیم با دعایی که از پادشاه زمین و آسمان پوشیده نمی ماند، پس دل های دوستان ما بر این امر مطمئن باشد.

ایشان در نامه خود به جناب شیخ مفید از منافق پلیدی سخن گفته اند که از راه مکر و نیرنگ خواسته است که اهل ایمان را مورد ظلم و تجاوز خویش قرار دهد ولی امام علیه السلام اطمینان داده اند که او به هدفش نمی رسد و علّت ناکامی او را دعای خود در حقّ مؤمنان دانسته اند. همان دعایی که از خداوند آسمان و زمین پوشیده نمی ماند و قطعاً به هدف اجابت می رسد و سپس تأکید فرموده اند که مؤمنان باید به این امر اطمینان کامل داشته باشند.

حقیقتاً اگر دعاهای خیر آن عزیز غایب از نظر نبود، مؤمنان مورد تجاوز انواع دشمنان اعمّ از انس و جن قرار گرفته و نمی توانستند در دین و دنیای خود در عافیت به سر برند. البتّه این سخن معنایش این نیست که هیچ درد و بلا و مصیبتی گریبان گیر هیچ مؤمنی در هیچ زمانی نمی شود. این ادّعا قطعاً صحیح نیست و ما هم چنین ادّعایی نداریم. سنّت خدای متعال بر امتحان و ابتلای خلائق است به خصوص اهل ایمان که مطابق قرآن و احادیث بیشتر از هرکس مورد بلا و آزمایش الهی قرار می گیرند. این جا سخن در این است که اگر می بینیم بحمدالله مؤمنانی هستند که با وجود اینکه ناشکری و معصیت در بین ایشان کم نیست، می توانند ایمان و معرفت خود را حفظ کنند و به۵.



---

۱- احتجاج طبرسی، ج۲، ص۳۲۴ و ۳۲۵.

طور نسبی در امنیّت و عافیت خوبی به سر ببرند، همین نعمت را به برکت دعاهای حضرت ولیّ عصر علیه السلام دارا هستند وگرنه، اگر قرار بود اهل ایمان به تناسب کوتاهی های خود، به گرفتاری و مصیبت مبتلا می شدند، آن وقت درصد زیادی از ایشان به بدبختی و فلاکت و بیچارگی دینی و دنیوی دچار می شدند. این عبارت از سخنان خود امام زمان علیه السلام است که در یکی از توقیعات شریف خود فرموده اند:

إنّا غَیرِ مُهمِلینَ لِمُراعاتِکُم وَلا ناسینَ لِذِکرِکُم وَلَولا ذلِکَ لَنَزَلَ بِکُم اللَّأواءُ أو اصطَلَکُمُ الاَعداءُ.(۱)

همانا ما در محافظت و توجّه به شما اهمال نمی کنیم و یاد (کردن) شما را فراموش نمی کنیم و اگر چنین نبود، بلاهای سخت بر سر شما فرود می آمد یا دشمنان شما را ریشه کن می کردند.

این جا به طور کلّی فرموده اند که اگر مراقبت و محافظت و توجّه این پدر عزیز امّت نبود، یا شیعیان به سختی های بزرگ گرفتار می شدند و یا دشمنان ریشه آنها برمی کندند. آری همین قدر امنیّت و سلامت و عافیت که برای شیعیان در زمان غیبت آقایشان در سطح دنیا وجود دارد، به برکت عنایات و توجّهات مولایشان می باشد. پس به امر خود آقا و امام علیه السلام باید مطمئن باشیم که دعاهای مستجاب ایشان بدرقه راهمان هست و این تنها یکی از احسان های آن عزیز در حقّ دوستانشان است.

یکی دیگر از مصادیق احسان ایشان، «حلم» آن حضرت نسبت به مؤمنان است. ما با خطاها و گناهان خود، اینقدر بی معرفتی و ناشکری می کنیم که جا دارد امام علیه السلام با ما قهر و بی اعتنایی کنند؛ امّا حلم و بردباری می ورزند و باز هم ما را تحویل می گیرند و از خودشان طردمان نمی کنند.

احسان دیگر آن بزرگوار، افاضات علمی به مؤمنان است. هم نعمت های مادّی و هم معنوی افاضه امام علیه السلام بر ماست و یکی از بزرگ ترین این نعمت ها، الطاف علمی ایشان است. باید یقین داشته باشیم که اگر علوم و معارف الهی و صحیحی به ما می رسد،۳.

ص: ۱۲

---

۱- همان، ص۳۲۳.

لطف امام عصر علیه السلام در حقّ ماست که جدّ شریفشان حضرت زین العابدین علیه السلام در تشریح این مطلب به ابوحمزه فرمودند:

... اِنَّ اللّه یُقَسِّمُ فی ذلِکَ الوَقتِ اَرزاقَ العِبادِ وَ علی أیدینا یُجریها.(۱)

... همانا خداوند در آن وقت (بین الطّلوعین) روزی های بندگان را تقسیم می کند و آنها را به دست ما جاری می سازد.

روزی هایی که به دست امام علیه السلام جاری می شود، هم مادّی است و هم معنوی و علوم و معارف نیز یکی از همین روزی هاست.

از دیگر مصادیق احسان امام علیه السلام به ما، شفاعت ایشان در حقّ ماست. این شفاعت فقط در قیامت نیست بلکه در دنیا هم وجود دارد و ما ایشان را برای حوائج مادّی و معنوی خود واسطه قرار می دهیم و به وساطت ایشان حاجت هایمان برآورده می شود.

این پنج مصداق احسان حضرت به ما (دعا، دفع دشمنان، حلم، افاضات علمی و شفاعت) فقط از باب نمونه ذکر شده وگرنه به تعبیر نویسنده کتاب مکیال المکارم، زبان از بیان همه احسان های ایشان عاجز و قلم از نوشتن آن قاصر می باشد. پس از تذکّر این الطاف باید به این دو آیه کریمه قرآن توجّه کنیم که:

هَل جَزاءُ الاِحسانِ الّا الاِحسانُ، فَبِأَیِّ آلاءِ رَبِّکُما تُکَذِّبانِ.(۲)

آیا احسان جز با احسان تلافی می شود؟ پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را تکذیب می کنید؟!

در کتاب مکیال المکارم پس از ذکر این آیات شریفه، تذکّرات بجایی آمده است که ما ترجمه آن را عیناً نقل می کنیم:

پس ای کسی که قدرت تلافی کردن نعمت های مولایت را - که آنچه آرزویت بوده به تو احسان فرموده - نداری، آیا قدرت این را هم نداری که لحظاتی از ساعات شب یا روزت را - که بدون اختیار تو می گذرد - به دعا برای۱.



---

۱- بصائر الدّرجات، جزء۷، باب۱۴، ح۹.

۲- الرّحمن/۶۰ و ۶۱.

صاحب الزّمان علیه السلام اختصاص بدهی؟ به همان کسی که انواع نعمت ها را عطایت کرده و به صورت های مختلفی که قابل شمارش و توصیف نیست، احسانت نموده است. بلکه در تمام عمرت آنچه به دست می آوری، نعمتی است از نعمت های خداوند که به واسطه ایشان به تو داده است.

این عبارات نشانگر کمال توجّه و قدرشناسی نویسنده آن است که این طور دلسوزانه فرد غافل از امام عصر علیه السلام را خطاب می کند و به او توجّه می دهد که بدان: اولاً توان تلافی کردن احسان های امامت را نداری، ثانیاً فراموشت نشود که روزی تمنّا می کردی که جزء دوستان و دلسوختگان آن حضرت باشی و در زمره دلدادگان به ایشان قرار بگیری، حال ببین که به لطف و عنایت خود آن بزرگوار لذّت محبّت و انس با ایشان را حس کرده ای و اگر قدر نعمت بدانی، معرفت و محبّت ایشان را با هیچ یک از نعمت های دنیوی تعویض نمی کنی. آیا این کم نعمتی است که همه آرزویت پذیرفته شدن خدمتگزاریت در درگاه ایشان است؟ آیا در خود لیاقت این همه نعمت را می دیدی؟ آیا عقلت به این گونه الطاف معنوی که اکنون نصیبت شده، می رسید؟ اینها و امثال اینها همه و همه به برکت مولایت به تو عطا شده است، آیا تلافی احسان های آن بزرگوار اقتضا نمی کند که در شبانه روز لحظاتی را به دعا کردن در حقّ این ولیّ نعمت هایت اختصاص دهی؟ آیا این مقدار قدرشناسی هم در وجودت نیست؟ این جاست که آن عارف واقعی به امام علیه السلام، از این همه ناسپاسی دوستانش به ستوه می آید و بر من غافل نهیب می زند و می فرماید:

پس چقدر جفاکاری! باز هم چقدر جفاکاری! اگر قلبت از آنچه به گوشت رساندیم، تکان نخورد و زبانت برای دعا در حقّ مولایت به حرکت درنیامد! از خواب لهو (سرگرمی) بیدار شو و بایست و آرزوهای طولانی واهی را از مقابل دیدگانت دور کن و بدان که پیشوا (آنکه جلوتر می رود) به اهل خود دروغ نمی گوید و وظیفه ما جز ابلاغ نیست.(۱)

سفارشات مهمّی است از زبان کسی که به قول خودش جلو می رود و خاضعانه۱.



---

۱- ترجمه مکیال المکارم، ج۱، ص۴۵۱.

می گوید: آنکه پیشاپیش می رود، به اهل خود دروغ نمی گوید. یعنی آنها که خالصانه این نصیحت ها را می کنند، جز خیر اهل خود را نمی خواهند. ما هم باید باور کنیم که آنها که راه را بلد هستند با ما دروغ نمی گویند و صادقانه سخن می گویند.

### ۳- دعا در حقّ امام عصر علیه السلام از روی امید به احسان ایشان

یکی از انگیزه های دعا در حقّ دیگری این است که به این وسیله توجّه و احسان او را به سوی خود جلب کنیم. مثالی که برای این نوع دعا بیان شد، فقیری است که به خاطر جلب صدقه دیگری در حقّش دعا می کند. واقعیّت این است که ما نسبت به امام عصر علیه السلام از هر گدایی محتاج تر هستیم. بنابراین کسی که ذرّه ای از الطاف بیکران حضرت را به دوستانش چشیده باشد، دیگر در خانه ایشان را رها نمی کند و با هر وسیله ای از جمله دعا در حقّ ایشان، خواهان جلب توجّه و تصدّق ایشان می گردد.

نکته لطیفی را مؤلّف کتاب ارزشمند «مکیال المکارم» در این باب تذکّر داده اند که شنیدنی است. می فرمایند:

دعای ما در حقّ امام عصر علیه السلام از باب هدیه ای است که یک شخص حقیر فقیر به یک پادشاه بزرگ گرانقدر تقدیم می کند و بدون شک این کار نشانگر نیاز این فقیر به عطا و پاداش آن سلطان بزرگ است و این عادتی است که بردگان نسبت به ارباب خود و هر فرد دانی نسبت به عالی دارد.(۱)

در مقام تمثیل می توانیم موری را ذکر کنیم که در روز عید، ران ملخی را به حضرت سلیمان علیه السلام تقدیم کرد، سپس چون خودش می دانست که هدیه اش در مقایسه با سایر هدایا بی ارزش است، این عبارت را بر لب زمزمه می کرد:

اِنَّ الهَدایا عَلی مِقدارِ مُهدیها.(۲)

همانا هدیه ها به قدر و منزلت هدیه کننده اش بستگی دارد.ن.



---

۱- همان، ص۲۹۹.

۲- همان.

این جمله از جملات حکیمانه ای است که بنا به نقل، به زبان مورچه ای جاری شده و درس بزرگی است برای کسانی که می خواهند به طریقی ارادت و محبّت خود را به مولایشان عرضه بدارند.

آری دعا در حقّ امام زمان علیه السلام توفیقی است برای شخص دعاکننده و نشانه احتیاج اوست به کرم و لطف مولایش. کسی که چشم به احسان آن کریم دوخته است، با دعاهای خود در حقّ آن بزرگورا می خواهد به ایشان عرض کند که: من هم جزء دوستداران و ارادتمندان شما هستم، بنابراین بی لیاقتی من باعث نشود تا از لطف و کرم خویش دورم کنید. می گویند وقتی حضرت یوسف صدّیق علیه السلام را برای فروختن به بازار بردگان آوردند، هرکس به اندازه وسع و توانایی خود طالب خرید ایشان بود. پیرزنی را دیدند که با یک کلاف نخ در آنجا حضور دارد. از او پرسیدند که برای چه آمده ای، گفت: برای خرید یوسف! گفتند: با چه چیزی می خواهی او را بخری؟ گفت: با این کلاف نخ! گفتند: مگر با این کلاف یوسف را به تو می دهند؟ گفت: می دانم نمی دهند امّا می خواهم وقتی خریداران یوسف را می شمرند، مرا هم جزء آنان به حساب آورند!!

این داستان هرچند که مدرک و منبعی موثّقی ندارد ولی آموزه خوبی برای دوستداران مهدی عالم (عجّل الله تعالی فرجه الشّریف) می باشد. چه درس زیبایی آن پیرزن به همه ما داده است. حقیقت این است که ما چیزی نداریم که بتوانیم به خاطر آن لیاقت دوستی و خدمتگزاری امام عصر علیه السلام را داشته باشیم. دست ما از آن کلاف نخ هم تهی است. حسن آن پیرزن در این بود که خود و بضاعت مزجاتش را کمتر از این می دید که در خور آقایی همچون یوسف علیه السلام باشد، ما هم باید باور داشته باشیم که هرچند گاه گاهی به عرض خدمتی به محضر مولایمان سعادتمند شده ایم، امّا اینها لیاقت و استحقاق نمی آورد که مورد توجّه آن بزرگ قرار گیریم، هرچه هست لطف و کرم ایشان است و از جانب ما جز کوتاهی و عرض تقصیر، هیچ نه!

امّا دعای ما در حق آن بزرگوار به هیچ وجه قابل ایشان نیست و به قدر و اندازه ناچیز خودمان است. ما با دعای خود در حقّ امامـان می خواهیم بگوییم: در زمانی که بسیاری از مسلمانان و حتّی شیعیان ولیّ نعمت خود را فراموش کردند و با پنهانی اش،

خودش را هم کنـار گذاشـتند و از یـاد بردنـد، ما جزء کسانی نبودیم که به این مقـدار کفران نعمت کنیم ولـذا چشم به کرم و احسان مولایمان دوخته ایم تا با لطفش – نه به خاطر استحقاق ما که استحقاقی در کار نیست – ما را جزء خریدارانش بپذیرد و از درگاهش مردودمان نکند.

### ۴– دعا برای امام زمان علیه السلام به انگیزه تعظیم و تجلیل ایشان

اگر هیـچ یکـ از انگیزه های قبلی برای دعا در حقّ امام زمان علیه السـلام نباشد، صـرف تعظیم و بزرگداشت ایشان ایجاب می کند که برایشان دعا کنیم. قطعاً تجلیل از این بزرگوار از بهترین مصادیق عبادت و بندگی خدا شـمرده می شود. در این جا هم مرحوم صاحب مکیال تذکّرات مفید و سازنده ای داده اند، می فرمایند:

آیا کسـی را می شناسـی که قدر و منزلتش از ایشان بالاتر و بلند مرتبه تر و کریم النّفس تر و بزرگوارتر و آبرومندتر و مسن تر و نَسَـبَش شـریف تر و مرتبـه اش رفیـع تر و برهـان حقّـانیّتش واضـح تر و احسـانش بیشـتر و علمش برتر و حلمش عظیـم تر و کمالاتش بیشتر و جلال و هیمنه اش بالاتر و زیباتر از مولایت صاحب الزّمان (عجّل الله تعالی فرجه و ظهوره) باشد؟

اگر کسـی در پاسخ بگوید: آری (می شـناسم)، می گویم: تو گمراه و احمق هستی و اگر بگوید: نه (نمی شـناسم)، می گوید: «مالَکُم لا تَرجُونَ لِلّهِ وَقاراً»(۱). چرا حرمت خداوند را نگه نمی دارید؟ مگر فرمایش پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم را نشنیده ای که فرمود: از مصادیق بزرگـداشت خـدا، احترام گذاشـتن به مسـلمان سپید موست... پس اگر تجلیل بزرگترها و سنّ و سال داراهای مسلمان چنین فضیلتی دارد، پس چه کسی می تواند فضیلت عملی را بیان کند که با انجام آن تجلیل از بهترین مشایخ مسـلمان و آقا و امام و عالم ترین ایشان حاصل می شود؟ همان بزرگواری که قلم از توصـیف ایشان عاجز است و خداونـد هر زمان بخواهد او را برای آشکار کردن عدل خود، ظاهر می فرماید.(۲)۱.



---

۱– نوح/۱۳.

۲– ترجمه مکیال المکارم، ج ۱، ص ۴۵۱.

پس از بیان این تذکّرات، بحث زیبایی در کتاب «مکیال المکارم» مطرح شده که ما خلاصه و عصاره آن را در این جا می آوریم. محور بحث ایشان این است که همه عالم هستی محضر امام عصر علیه السلام است و همان طور که دعا برای بزرگان وقتی در محضر ایشان باشیم، مصداق بزرگداشت و اظهار فروتنی نسبت به آنان است، پس دعا در حقّ امام علیه السلام نیز از مصادیق تعظیم و تجلیل ایشان است. بنابراین مؤمن در هر مکان و موقعیّتی باید در انجام این امر مقدّس بکوشد.

ایشان برای اثبات اینکه همه اقطار عالم محضر امام زمان علیه السلام می باشد، احادیث متعدّدی را ذکر کرده اند تا اثبات کنند که هرچند ایشان از دیدگان مردم در ظاهر پنهان هستند ولی در دلهای ایشان حضور دارند و بر همه خلایق در هر جای عالم که باشند، شاهد و ناظر هستند. این مسأله در اعتقادات شیعه مسلّم و قطعی است و ما در این جا به ذکر دو حدیث اکتفا می کنیم.(۱) حدیث اوّل از امام جعفر صادق علیه السلام است که فرمودند:

اِنَّ الدُّنیا تَمَثَّلَ لِلإمامِ فی فِلقَهِ الجَوزِ فما تَعَرَّضَ لِشَیءٍ مِنها وَ إنَّه لَیَتَناوَلُها مِن أَطرافِها کما یَتَناوَلُ اَحَدُکُم مِن فَوقِ مائِدَتِهِ ما یَشاءُ فلا یَعزُبُ عنه منها شَیءٌ.(۲)

همانا دنیا برای امام علیه السلام در نصف گردو تمثّل یافت ولی متعرّض چیزی از آن نشد و او از این طرف و آن طرف دنیا برمی دارد، همان طور که یکی از شما از روی سفره اش آنچه را می خواهد، برمی گیرد. پس چیزی از آن (دنیا) از امام علیه السلام پوشیده نیست.

احاطه امام علیه السلام بر همه اطراف دنیا چنان است که از آن - همچون ما که از سفره غذا برمی داریم - هرچه می خواهد به سادگی برمی دارد و استفاده می کند.۳.



---

۱- دو حدیث دیگر در این باب در کتاب «معرفت امام عصر علیه السلام»، ص ۴۱۴ و کتاب «سلوک منتظران»، ص ۹۰ آمده است.

۲- بصائر الدّرجات، جزء۸، باب۱۴، ح۳.

حدیث دوم از امام موسی بن جعفر علیهما السلام است که فرمودند:

إنَّما مَنزِلَهُ الاِمامِ فی الاَرضِ بِمَنزِلَهِ القَمَرِ فی السَّماءِ و فی مَوضِعِهِ هو مُطَّلِعٌ علی جَمیعِ الاَشیاءِی کُلِّها.(۱)

جز این نیست که جایگاه امام علیه السلام در زمین به منزله ماه در آسمان و او در جایگاه خود از همه اشیا مطّلع و آگاه است.

همان طور که ماه در آسمان در جایگاه بلندی است که بر همه زمین اشراف و آگاهی دارد، جایگاه امام علیه السلام نیز چنین است و از منظری بالاـ بر همه زمین می نگرد و احاطه دارد. با این ترتیب می توان پذیرفت که شرق و غرب عالم محضر امام عصر علیه السلام است و احاطه ایشان بر انسان ها و اعمالشان مسلّم و قطعی است. اگر کسی به این واقعیت یقین پیدا کند و با لطف و عنایت حضرت، وجدانی اش شود؛ آن گاه در او انگیزه تجلیل و بزرگداشت ایشان برای دعا در حقّشان ایجاد می شود و در حالی که خود را در محضر آن امام علیه السلام احساس می کند، در حقّش دعا می نماید.

انصافاً اگر انسان در حال زیارت امام زمان علیه السلام و دعای برای ایشان به این حقیقت توجّه کند که در حضور ایشان ایستاده و مشغول زیارت یا دعاست، معنویت و لذّت خاصّی در قلب خود احساس می کند و حال بهتری در دعا خواهد داشت. دعایی که در حضور یک بزرگی به قصد تجلیل و تعظیم از ایشان می شود، بسیار شیرین و دلنشین است و اگر این انگیزه با انگیزه های قبلی جمع شود، اتّصال روحی قوی تری در حال دعا پیدا می شود که خود زمینه استجابت آن را بیشتر فراهم می سازد.

### ۵- دعا در حقّ ولیّ عصر علیه السلام در پاسخ به التماس دعای ایشان

یکی از انگیزه های دعا برای دیگری می تواند درخواست خود او باشد و این امر در مورد دعا برای حضرت ولیّ عصر علیه السلام صادق است. یکی از شواهد نقلی بر این مطلب را مرحوم شیخ صدوق به این صورت نقل فرموده که کسی از امام صادق علیه السلام سئوال می کند:۸.

ص: ۱۹

---

۱- همان، جزء۹، باب۱۲، ح۸.

شخصی در نماز واجب، خود را با تکلّف به گریه می آورد تا اینکه گریه اش می گیرد.

حضرت می فرمایند:

قُرَّهُ عَینٍ وَاللهِ وَ قال: اذا کانَ ذلِکَ فَاذکُرنی عِندَه.(۱)

قسم به خدا چشم روشنایی است ... اگر چنین حالی پیدا شد، مرا در آن حالت یاد کن.

در بخش اوّل کتاب یکی از آداب دعا را «تباکی» دانستیم یعنی وقتی انسان به طور معمول گریه اش نمی گیرد با زحمت و تکلّف خود را به حال گریه درمی آورد، مثلاً با یاد کردن از مصیبت های شخصی خود. این کار نه تنها اشکالی ندارد بلکه مورد تأیید و تأکید اهل بیت علیهم السلام نیز هست. حال اگر این کار در ضمن خواندن نماز واجب باشد، به فرموده امام صادق علیه السلام باعث چشم روشنی است. شاهد بحث ما در حدیث فوق این است که امام علیه السلام پس از تأیید و تصویب کلّی «تباکی» در حال نماز واجب، به سئوال کننده فرمودند که اگر چنین حالی پیدا شد، در همان وقت ایشان را یاد کند و قطعاً یکی از آثار و نشانه های یاد کردن از امام علیه السلام دعا در حقّ ایشان می باشد. نتیجه ای که از حدیث شریف می گیریم این است که به قول مرحوم میرزا محمّد تقی اصفهانی، امر امام صادق علیه السلام به آن شخص به این جهت بوده که ایشان امام زمان او و صاحب حق بر او بودند، پس خوب است که هر مرد و زن مؤمنی به این امر نسبت به امام زمان خویش عمل نماید تا حقّ آن حضرت را با قلب و زبان خود ادا کرده باشد.(۲)

ملاحظه می کنیم که امام معصوم علیه السلام خود از شیعه اش می خواهد که در حالات معنوی اش به یاد ایشان باشد. بنابراین خوب است که همه دوستان امام عصر علیه السلام به خواسته ایشان ترتیب اثر داده و در حالات خویش معنوی خود - به خصوص در ضمن نماز و بعد از آن- امامشان را یاد کنند و برای وجود مبارکشان دعا نمایند.۸.

ص: ۲۰

---

۱- وسائل الشّیعه، ج۴، ص ۱۲۵۰، باب۵، ح ۱.
۲- مکیال المکارم، ج۲، ص۴۷، ذیل حدیث ۱۰۹۸.

## برخی مضامین دعا برای امام عصر علیه السلام

### اشاره

حال که اهمّ انگیزه های دعا برای امام عصر علیه السلام را شناختیم، خوب است در حدّ اشاره به محتوای دعا برای ایشان هم بپردازیم. آنچه در دعاهای مأثور (صادر شده از معصومین علیهم السلام) درباره امام زمان علیه السلام آمده، نشان می دهد که انواع دعا در حقّ ایشان با مضامین متنوّع و مختلف، مطلوب و محبوب خداوند است.

### ۱- دعا برای دفع شرور از امام زمان علیه السلام

به عنوان نمونه می توانیم به دعایی که حضرت امام رضا علیه السلام به یونس بن عبدالرّحمن تعلیم کرده، اشاره کنیم. ایشان امر فرموده اند که این دعا در حق حضرت ولیّ عصر علیه السلام خوانده شود. ابتدای دعا با جمله «اللّهمَّ ادفَع عَن وَلیِّکَ وَ خَلیفَتِکَ...» آغاز می شود و مضامین آن متنوّع و متعدّد است. اوّلین درخواست، دفع شرور از وجود مقدّس آن امام عزیز است. «دفع» به این است که شرّی به ایشان نرسد و حضرتش از انواع و اقسام بلایا مصون و محفوظ بمانند.

### ۲- دعا در جهت حفظ امام علیه السلام

در ادامه دعا به زبان دیگری برای ایشان طلب عافیت شده است. عبارت دعا این است:

وَاحفَظهُ مِن بَینِ یَدَیهِ وَ مِن خَلفِهِ وَ عَن یَمینِهِ وَ عَن شِمالِهِ وَ مِن فَوقِهِ وَ مِن تَحتِهِ... .

معنای این عبارت این است که خداوند امام علیه السلام را از پیش رو و پشت سر و راست و چپ و بالا و پایین حفظ فرماید. وقتی دعا می کنیم که ایشان از شش جانب در پناه خداوند حفظ شوند، در واقع سلامت و عافیت کامل حضرت را از گزند هر آفتی طلب می کنیم. این محافظت فقط شامل حفظ جسمانی و مادّی نیست بلکه شامل حفظ شئون معنوی و مقامات الهی ایشان هم می گردد. لذا چنین دعا می کنیم:

ص: ۲۱

وَحفَظ فیه رَسُولَکَ وَ آباءَهُ أَئِمَّتَکَ وَ دَعائِمَ دینِکَ... .

مقصود از حفـظ رسول گرامی صـلّی الله علیه و آله و سـلّم در وجود مقـدّس امـام عصـر علیه السـلام این است که ایشان وارث حقیقی و جامع همه کمالات پیامبر صـلّی الله علیه و آله و سـلّم و جانشـینانش علیهم السـلام هستند، بنابراین از خدا می خواهیم که شـئون آن بزرگواران را در این تنها باقیمانده خاندان عصمت و طهارت حفظ فرماید. حفظ ایشان حفظ همه آنها و مقامات و کمالاتشان می باشد.

جنبه دیگری که در دعا برای حفظ آن حضـرت می توانـد مـدّنظر باشـد این است که خداونـد وجود مقـدّس حضـرت بقیّه الله ارواحنا فداه را برای انجام رسالت بی نظیری که بر عهده اش گذاشته شده، حفظ فرماید. آنچه این آخرین وصیّ حضرت خاتم الانبیاء صـلّی الله علیه و آله و سـلّم متحمّل شده و قرار است که با ظهور خود به طور کامل ادا نماید، مسـئولیّت و رسالت بسیار بسـیار بزرگی است که برای حسن انجـام آن، عنـایت خـاصّ و ویژه الهی لازم است. از مـا خداونـد می خواهیم ایشان را برای تحمّل این بار سنگین در حال غیبت و ظهور حفظ فرماید. به دوش کشیدن ودایع بزرگ امامت، هم در زمان غیبت - که به امر خداوند بدون آشـکار شدن علنی برای مردم است - بسـیار سنگین می باشد و هم در هنگامه ظهور که امیدها و آرزوهای همه انبیا و اولیای الهی را از ابتدای خلقت حضـرت آدم علیه السـلام بر روی زمین محقّق خواهد فرمود و هر دوی اینها نیاز به حفظ و مراقبت ویژه خداوند از این تنها ولیّ حیّ خود دارد.

### ۳- دعا برای دوستان و علیه دشمنان امام علیه السلام

فراز بعدی دعا مربوط به دوستان و دشمنان ایشان است. عرضه می داریم:

«وَ والِ مَن والاهُ وَ عادِ مَن عاداهُ».

از خـدا می خواهیم که با دوسـتان امام زمان علیه السـلام دوستی و با دشـمنان ایشان دشـمنی کند. این درخواست، دعا در حقّ خود امام عصر علیه السلام هم هست. وقتی خداوند دوستان حضرت را دوست بدارد و آنها را در جهت پیشبرد اهداف مقدّس ولیّش یاری فرماید،

ص: ۲۲

در حقیقت خود امام علیه السلام را یاری فرموده است و همچنین وقتی دشمنان حضرت را دشمن بدارد و آنان را خوار و ذلیل نماید، در واقع شرّ آنان را از وجود امام علیه السلام دور ساخته است.

### ۴- دعا برای شادی امام علیه السلام به خاطر رعیّتش

یکی دیگر از فرازهای این دعای مبارک، عبارت زیبای ذیل است:

«اللّهُمَّ اَعطِهِ فی نَفسِهِ وَ اَهلِهِ و وُلدِهِ وَ ذُرِّیَّتِهِ وَ اُمَّتِهِ وَ جَمیعِ رَعِیَّتِهِ ما تُقِرُّ بِهِ عَینَه وَ تَسُرُّ بِهِ نَفسَه».

یعنی خدایا در مورد خود وجود مقدّس امام علیه السلام و نزدیکان و فرزندان و نسل و امّت ایشان و نیز همه کسانی که رعیّت آن حضرت هستند، آن چیزهایی را که باعث چشم روشنی و شادمانی ایشان می گردد؛ به حضرتش عطا بفرما. انصافاً دعای جامع و زیبایی است؛ هم بهترین دعا در حقّ نزدیکان و فرزندان و امّت امام علیه السلام است و هم طلب یکی از بهترین خیرات برای خود آن عزیز. مانند این است که برای یک پدر دعا کنیم که خداوند در مورد فرزندش چیزی را که باعث خوشحالی او می شود، به او عطا نماید. البتّه یک پدر معمولی ممکن است به چیزی برای فرزندش خوشحال شود که به صلاح او نباشد، ولی در مورد امام عصر علیه السلام چنین فرضی منتفی است. اگر ایشان به چیزی در مورد یکی از فرزندان و رعیّتش خوشحال شود، قطعاً آن چیز به خیر و صلاح فرزند هم هست. پس بهترین دعاها در حقّ امّت امام زمان علیه السلام همین دعاست که هم طلب خیر و صلاح برای آحاد امّت است و هم اجابت آن موجب خوشحالی و سرور امام علیه السلام می گردد.

در این گونه دعا کردن، مشخّص نمی کنیم که چه چیزی را برای امّت آن حضرت می خواهیم و چه بسا همین مشخّص نکردن، برای خودمان بهتر باشد، گاهی ممکن است از روی جهل و نادانی بر درخواست چیزی تأکید و اصرار بورزیم که به صلاح خودمان یا دیگران نباشد. ولی وقتی به طور مبهم و کلّی می خواهیم که خداوند آنچه

باعث سرور و شادمانی امام علیه السلام می شود، به امّت ایشان و با واسطه به خود ایشان عطا فرماید، در حقیقت از شرّ آنچه به صلاحمان نیست، در امان می مانیم.

### ۵- دعا برای تعجیل فرج امام علیه السلام

در همین دعـای شـریف علاوه بر چهار عنوان گذشـته، عبارات متعـدّدی وجود دارد. که در هرکـدام به زبانی تعجیل فرج امام عصر علیه السلام درخواست شده است. به عنوان نمونه:

اللّهمَّ... اَمِت بِهِ الجَورَ وَ اَظهِر بِهِ العَدلَ... وَ اَبِر بِهِ الکـافِرینَ وَ جَمیعَ المُلحِدینَ فی مَشارِقِ الاَرضِ وَ مَغارِبِهـا وَ بَرِّهـا وَ بَحرِها وَ سَهلِها وَ جَبَلِها حَتّی لا تَدَعَ مِنهُم دَیّاراً ولا تُبقِیَ لَهُم آثاراً.(۱)

وقتی از خداوند می خواهیم که به دست ایشان ظلم را بمیراند و عدل را آشـکار فرماید یا اینکه کافران و ملحدان را در سراسر گیتی - اعم از خشـکی و دریا و دشت و کوه - نابود و هلاک گردانـد و اثری از هیـچ یک از آنان باقی نگذارد، در واقع فرج نهـایی و کامـل امـام زمـان علیه السـلام را درخواست کرده ایم. این دعا بالاترین و کامل ترین تقاضایی است که می توانیم در حقّ امام علیه السـلام به درگاه ایزد منّان عرضه بـداریم. اگر خداونـد این دعا را مسـتجاب فرماید، همه دعاهای قبلی و بالاتر از آن، هم در حقّ خود ایشان و هم دوسـتانشان برآورده خواهـد شد. بنابراین می توانیم جامع ترین و کامل ترین دعا را برای امام عصـر علیه السـلام، دعا برای تعجیل فرج ایشان بـدانیم و به همین جهت بیشترین بحث خود را در فصول آینـده کتاب بر محور همین دعا قرار دهیم.۹.

ص: ۲۴

---

۱- جمال الاسبوع، ص۳۰۷ تا ۳۰۹.

## فصل ۲- ضرورت دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام

### اشاره

اوّلین بحث درباره دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام توجّه به ضرورت آن است. این ضرورت را از دو جهت می توانیم اثبات کنیم: یکی برای رفع بلای غیبت امام علیه السلام، دوم از جهت امتثال امر ایشان به اکثار دعا برای تعجیل فرج.

### الف- رفع بلای غیبت به وسیله دعا

### تذکّر به بلا و مصیبت غیبت

در درجه اوّل باید به این واقعیّت تلخ اذعان کنیم که غیبت امام زمان علیه السلام از بلاها و گرفتاری هایی است که خداوند به وسیله آن مردم زمان غیبت را می آزماید. اگر بخواهیم از این امتحان موفّق و سربلند خارج شویم، قدم اوّل این است که درد و رنج این بلا و مصیبت را وجدان کنیم. کسی که به مصیبتی گرفتار می شود، اگر درد آن را احساس نکند، به فکر چاره نمی افتد و به دنبال یافتن راه نجات از آن نمی گردد. امّا هر قدر عمق مصیبت را بیشتر حسّ کند، تلاش بیشتری برای خلاصی از آن انجام می دهد و به هر وسیله ای که امید بخش رهایی از آن بلاست، متوسّل می شود. یکی از کارسازترین وسایل برای رفع گرفتاری ها دعاست و بنابراین قدم دوم - پس از وجدان درد غیبت امام عصر علیه السلام - روی آوردن به دعا برای رفع آن است.

در فصل پایانی از بخش گذشته هشدار نهیب گونه قرآن را نقل کردیم که فرمود:

ص: ۲۵

قُل ما یَعبَؤُ بِکَم ربّی لَولا دُعاؤُکم.(۱)

و فهمیـدیم که تا دست به دعا بلند نکنیم و پایان غیبت امام عصـر علیه السـلام را از خداوند نخواهیم، مورد اعتنای او قرار نمی گیریم. همچنین دانستیم که یکی از حکمت های خداوند در گرفتار کردن بندگانش به بلاها و سـختی ها این است که آنان به زاری و تضرّع در پیشـگاه خـدا بیفتنـد و اگر چنیـن نکننـد، مـورد مؤاخـذه او قرار خواهنـد گرفـت. کلاـم حقّ الهی را در این خصوص بار دیگر به گوش جان بشنویم که فرمود:

... فَأَخَذناهُم بِالبَأساءِ و الضَّرّاءِ لَعَلَّهُم یَتَضَرَّعُونَ* فَلَولا إذ جاءَهُم بَأسُنا تَضَرَّعُوا وَلکِن قَسَت قُلُوبُهم و زَیَّنَ لَهُمُ الشَّیطانُ ما کانُوا یَعمَلُونَ.(۲)

می بینیم با لحن بسیار شدید و تندی تضرّع نکردن امّت را در هنگام نزول بلا و گرفتاری مذمّت فرموده و آن را معلول قساوت قلب آنهـا و بازیچه شـیطان شـدنشان دانسـته است. بنابراین جا دارد که به خود بگوییم: تاکنون برای رفع بلای غیبت امام زمان علیه السـلام چقـدر به پیشـگاه خداونـد تضـرّع کرده ایم؟ آیا اصـلاً چنین فکری به خاطرمان خطور کرده است؟ نکنـد مبتلا به سنگدلی و بازیچه شـیطان شده باشـیم؟ آیا باور کرده ایم که در صورت دعا نکردن برای تعجیل فرج امام علیه السـلام خداوند هیچ اعتنایی به ما نخواهد فرمود؟

### احساس نیاز به دعا برای تعجیل فرج

انسـان اگر احسـاس نیاز به کاری نکنـد به آن روی نمی آورد و دعا کردن هم از این قاعـده مسـتثنا نیست. اگر احساس نیاز به دعـا نکنیم، یـا اصـلاً دعـا نمی کنیم و یا به صورت تصـنّعی و با تکلّف به آن رو می آوریم. احساس نیاز به دعا وقتی پیـدا می شود که انسان سختی و شدّت بلا را بیشتر حس کند و این احساس هر قدر قوی تر شود، کمّ و کیف۳.



---

۱- فرقان/۷۷.

۲- انعام/۴۲ و ۴۳.

دعای انسان هم بهتر می شود، البتّه به شرطی که عقیده به کارگشایی و تأثیر دعا برای رفع بلا داشته باشد. پس اگر می خواهیم اهـل دعـا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السـلام شویم، بایـد اوّلاً درد غیبت ایشان را بچشـیم و ثانیاً در تلاش برای رفع آن از طریق دعا احساس سـستی نکنیم، به عبارت دیگر یقین داشته باشیم که با دعا به پیشگاه خدا و اهتمام و اصرار داشتن بر آن می توانیم افق طلوع فرج امامان را مشاهده نماییم.

### سستی نکردن در مورد این دعا

این جاست که باید هشدار و تذکّر امام هشـتم علیه السـلام را برای خود زنده کنیم که از قول جدّشان امام باقر علیه السلام نقل فرمودند:

لَیسَ اِذا ابتُلِیَ فَتَرَ.(۱)

(مؤمن) وقتی گرفتار می شود، سست نمی گردد.

ایمان مؤمن اجازه نمی دهـد که در وقت گرفتاری، سـستی نشان دهـد و برای رفع آن تلاش نکنـد. او می داند که گرفتاری ها زمینه امتحـان الهی است و برای موفّقیّت در این امتحان بایـد به دعا روی آورد. این را هم می دانـد که نبایـد از دعا به پیشـگاه خدا خسـته و ملول شود، چون از رسول گرامی اسـلام صـلّی الله علیه و آله و سـلّم شـنیده است که خداوند خسـته و ملول نمی گردد مگر آنکه بنده اش چنین شود:

... فإذا فَتَحَ لِاَحَدِکُم بابَ دُعاءٍ فَلیَجهَد فإنّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ لا یَمَلُّ حَتّی تَمَلُّوا.(۲)

به همین خـاطر است که مؤمن در دعـایش جـدّ و جهـد می کنـد تـا حاجتش را که فرج مولایش امام عصـر علیه السـلام است، محقّق ببیند. پس تا وقتی به مطلوب خود نرسیده از دعا کردن و اعمال جهد در راه تحقّق آن کوتاهی نمی کند.ی.



---

۱- بحارالانوار، ج۹۳، ص۳۶۷، ح۱، به نقل از قرب الاسناد.
۲- همان، ص۳۶۴، ح۸، به نقل از امالی طوسی.

## اطمینان به نزدیک شدن ظهور

نکته دیگر اینکه: مطابق احادیثی که برخی از آنها در بخش اوّل کتاب گـذشت، اگر انسان در هنگام بلا به فکر دعا بیفتـد می توانـد مطمئن شود که باب اجابت باز شـده و رفع بلا نزدیک است و برعکس اگر از دعا کردن کوتاهی نماید، باید از طولانی شدن بلا بترسد. کلام نورانی امام هفتم علیه السلام در این باب چنین بود:

ما مِن بَلاءٍ یَنزِلُ علی عَبدٍ مُؤمِنٍ فَیُلهِمُهُ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ الدُّعاءَ الّا کان کَشفُ ذلکَ البَلاءِ وَشیکاً وَ ما مِن بَلاءٍ یَنزِلُ عَلی عَبدٍ مُؤمِنٍ فَیُمسِکَ عَنِ الدُّعاءِ اِلّا کانَ ذلِکَ البَلاءُ طَویلاً فإذا نَزَلَ البَلاءُ فَعَلَیکُم بِالدُّعاءِ وَ التَّضَرُّعِ اِلَی اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ.(۱)

طبق این فرمـایش و امثـال آن می توانیم از وضـعیّت مؤمنان در ارتباط با بلای غیبت امام عصـر علیه السـلام به طولانی یا کوتاه بودن مـدّت زمـان آن پی ببریم. اگر دیـدیم که اهـل ایمـان برای رفع آن به تکـاپو افتاده و از جان و دل دست به دعا بلنـد می کننـد، می توانیم به نزدیک بودن ظهور امام زمان علیه السـلام دلگرم شویم و اگر مشاهده کردیم که عنایت کافی به دعا برای تعجیل فرج نمی شود، بایـد خود را برای طولانی تر شـدن غیبت امامـمان آماده نماییم. شایـد در احادیث هیچ معیار دیگری که به این روشـنی، طولانی یا کوتاه بودن زمان غیبت را مشـخّص کنـد، به دست نـداده باشـند. خود امام صادق علیه السـلام وقتی خواسـته انـد برای اصـحاب خـود این نکته را روشن نماینـد، آن را به عنـوان نشـانه طولانـی یـا کوتـاه بودن مـدّت بلاء معرّفی فرمودند. ابتدا پرسیدند:

هَل تَعرِفُونَ طُولَ البَلاءِ مِن قَصرِهِ؟

و آنگاه در پاسخ به پرسش خود فرمودند:

هرگاه در هنگام بلا به کسی (از شما) الهام شد که دعا کند، بدانید که زمان آن بلا کوتاه است.(۲)۱.



---

۱- اصول کافی، کتاب الدّعاء، باب الهام الدّعاء، ح ۲.

۲- همان، ح ۱.

پس ما از میزان اهتمام یا عدم اهتمام مؤمنان در دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام می توانیم به زود یا دیر بودن آن پی ببریم. البتّه کاملاً توجّه داریم که مقصود در این جا دعا با حفظ همه شرایط اجابت و رفع همه موانع آن است وگرنه کثرت دعاهایی که به اجابت نمی رسند، ملاک قضاوت نیست.

### یقین به اجابت دعای تعجیل فرج

یکی از مهم ترین شرایط برای اجابت دعا این است که انسان به تأثیر عمیق دعا در رفع بلا یقین داشته باشد و آن را به تعبیر امام صادق علیه السلام از سر نیزه تیزکاری تر بداند:

الدُّعاءُ اَنفَذُ مِنَ السِّنانِ الحَدیدِ.(۱)

نیز از آن به عنوان سلاح انبیاء و سپر مؤمن یاد کرده اند.(۲)

آیا ما در زمان غیبت مولایمان با چنین اعتقادی برای تعجیل فرج دعا می کنیم؟ آیا باور کرده ایم که دعاهای ما در جلو انداختن ظهور امام عصر علیه السلام از هر سلاح برنده ای کارسازتر است؟ اگر واقعاً چنین باوری وجود داشته باشد، نوع اهتمام و کمّ و کیف دعاهایمان با آنچه اکنون شاهد هستیم تفاوت جدّی خواهد کرد.

اعتقاد دیگری که تأثیر عمیقی در روی آوردن ما به دعای واقعی با همه شرایط لازمش دارد، این است که بدانیم با شروع و استمرار در دعا، خداوند جریان اجابت آن را به راه می اندازد و ما نباید از دعا کردن خسته و ملول شویم یا دچار «استعجال» گردیم. فراموش نکنیم فرمایش امام صادق علیه السلام را که فرمودند:

اِنَّ العَبدَ اِذا دَعا لَم یَزَلِ اللّٰهُ تَبارَکَ وَ تَعالی فی حاجَتِهِ مالَم یَستَعجِل.(۳)

اگر این حدیث شریف و امثال آن را باور کرده باشیم، وقتی برای تعجیل فرج مولایمان دعا می کنیم، از صمیم جان معتقد می شویم که خداوند در کار اجابت۱.



---

۱- اصول کافی، کتاب الدّعاء، باب أنّ الدّعاءَ سلاح المؤمن، ح۷.

۲- همان، ح۴و۵.

۳- اصول کافی، کتاب الدّعاء، باب الالحاح فی الدّعاء و التّلبّث، ح۱.

دعایمان است و وقتی چنین باشد حال و هوا و جدّیّت دیگری برای دعا در انسان پیدا می شود.

احتمـال دیگری که در اجابت همه دعاهـا وجود دارد، تأخیر آن از زمان مورد انتظار است. گاهی انسان دعایش مسـتجاب می شود ولی اثر آن را سـال هـا بعـد می بینـد. در بخش اوّل کتـاب بیـان کردیم که طبق احـادیث، وقتی دعـای حضـرت نوح علیه السـلام مسـتجاب شد، پنجاه سال بعد طوفان واقع گردید.(۱) بنـابراین ممکن است دعـایی که الآـن برای تعجیل فرج امام زمان علیه السـلام می شود، مستجاب باشد ولی اثر اجابت آن سال ها بعد دیده شود. اگر انسان دعایش را مستجاب ببیند، با اعتقاد و عمق بیشتری به دعا کردن می پردازد.

یکی از آداب دعا – مطابق آنچه در احادیث آمـده- یقین دعاکننـده به اجابت آن است. رسول گرامی اسـلام صـلّی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

اُدعُوا اللهَ وَ اَنتُم مُوقِنُونَ بِالإجابَه.(۲)

اگر انسان با علم و یقین به اجابت دعا کنـد، قطعاً طرز دعا کردنش با وقتی که امیـدی یا اطمینانی به اجابت نـدارد، تفاوت می کنـد. روشن است که یقین به اجـابت خود عامل مؤثّری در اجابت دعاست. حال از خود بپرسـیم: چنـد درصـد از دعاهایی که برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام می شود، با یقین به اجابت آن است؟

### تأثیر اعتقاد به خدایی بودن امر ظهور در کیفیّت دعا برای آن

متأسّـفانه شاهـدیم که بسیاری از شـیعیان و دوسـتان امـام عصـر علیه السـلام نه تنها یقین به اجابت دعا برای تعجیل فرج ایشان ندارنـد، بلکه در ذهن خود برای ظهور حضـرت پیش شـرط هـایی را فرض گرفته انـد که براسـاس آنهـا احتمـال اجابت فوری دعای خود و دیگران را هم نمی دهند، چه رسد به اطمینان و یقین به اجابت. بنابراین لازم است بهی.



---

۱- کمال الدّین، باب۲، ح۲.

۲- بحارالانوار، ج۹۳، ص۳۰۵، ح۱، به نقل از عدّه الدّاعی.

این حقیقت با همه وجود معتقد شده باشیم که فرج کلّی و نهایی امام زمان علیه السلام هیچ گونه پیش شرط بشری ندارد و زمینه و مقدّمه ای که ایجاد آن به دست بشر باشد، لازم ندارد. یعنی امر ظهور ایشان بیش از هر کار دیگری «خدایی» است نه «بشری». توضیح و اثبات این موضوع مهم در محلّ مناسب خود آمده است.(۱)

ما انسان ها هرچه کاری خدایی تر باشد، برای تحقّق آن بیشتر روی دعا حساب می کنیم و از آنجا که ظهور امام زمان علیه السلام هیچ مقدّمه و پیش نیاز ضروری ندارد، بنابراین هیچ عاملی امید انسان را از اجابت دعا برای تعجیل فرج کمرنگ نمی کند. پس در این دعای خاص حال «انقطاع الی الله» می تواند بسیار زیاد باشد. این سخن هرگز به معنای کم اهمّیّت دانستن سایر وظایف دوستداران حضرت در زمان غیبت نیست، بلکه صرفاً برای بالا بردن اهتمام ایشان در وظیفه دعا برای تعجیل فرج است. تا این جا اشاره ای داشتیم به ضرورت دعا برای تعجیل فرج از جهت وظیفه ای که برای رفع بلا به طور کلّی به خصوص برای رفع بلا و مصیبت غیبت امام عصر علیه السلام داریم. امّا از جهت دیگری هم می توانیم این ضرورت را اثبات نماییم.

### ب – امتثال امر امام علیه السلام به اکثار دعا

حضرت ائمّه اطهار علیهم السلام با لحن اکیدی به دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام سفارش فرموده اند. ما در این جا صرفاً دستور خود امام عصر علیه السلام را نقل می کنیم و از آنچه پدران بزرگوار ایشان فرموده اند فعلاً صرف نظر می نماییم. عبارتی که در توقیع شریف ایشان آمده این است:

اَکثِرُوا الدُّعاءَ بِتَعجیلِ الفَرَجِ فإنّ ذلِکَ فَرَجُکُم.(۲)

برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید زیرا آن فرج شماست.

این عبارتدر ضمن توقیع مفصّلی خطاب به اسحاق بن یعقوب صادر شده که۴.



---

۱- رجوع کنید به کتاب «راز پنهانی و رمز پیدایی» بخش سوم، فصل سوم.

۲- کمال الدّین، باب ۴۵، ح۴ و احتجاج، ج۲، ص۲۸۴.

مرحوم شیخ صدوق با دو واسطه از او نقل فرموده است. واسطه اوّل جناب محمّدبن یعقوب کلینی است که اعتماد ایشان و سایر مشایخ امامیّه به اسحاق بن یعقوب خود دلیل جلالت قدر و وثاقت آن بزرگوار می باشد. علاوه بر اینکه در انتهای همین توقیع امام زمان علیه السلام بر او سلام داده اند.

### معنای دقیق عبارت توقیع امام علیه السلام

عبارات خود توقیع نشان می دهد که منظور از کلمه «الفرج» در کلام حضرت، فرج نهایی و پایان یافتن غیبت ایشان است. امّا در اینکه مشارٌالیه کلمه «ذلک» چیست، سه احتمال وجود دارد:

احتمال اوّل: مراد از «ذلک»، فرج امام زمان علیه السلام باشد، یعنی کلمه «الفرج» در عبارت توقیع مشارٌالیه باشد. در این صورت معنای عبارت «فانّ ذلک فرجکم» چنین است: فرج امام عصر علیه السلام فرج شماست. این مطلب به عنوان علّت امر امام به دعا کردن (یاد زیاد دعا کردن) برای فرج ایشان ذکر شده و مُفاد آن این است که: برای تعجیل فرج زیاد دعا کنید چون با فرج ایشان، فرج شما حاصل می شود. منظور این است که فرج همه اهل ایمان به فرج امام زمان علیه السلام محقّق و عملی خواهد شد و این مطلب حق و صحیحی است که احادیث متعدّدی آن را تأیید می کند.(۱)

در این فرض دو احتمال در معنای کلّ عبارت وجود دارد: یکی اینکه جمله «فانّ ذلک فرجکم» علّت برای امر به اصل دعا کردن برای تعجیل فرج باشد و دوم آنکه این جمله علّت امر به زیاد دعا کردن برای تعجیل فرج باشد. در هر دو صورت مشارٌالیه کلمه «ذلک» فرج امام عصر علیه السلام است، هرچند که معنای کلّ عبارت با این دو احتمال متفاوت می شود.

احتمال دوم: مراد از «ذلک» دعا کردن باشد، یعنی کلمه «الدّعاء» در عبارت توقیعت.



---

۱- به عنوان نمونه رجوع کنید به بحارالانوار، ج۹۸، ص۱۵۸ و ۱۵۹، به نقل از اقبال الاعمال، توضیح این حدیث شریف در کتاب «معرفت امام عصر علیه السلام» ص۴۰۲ آمده است.

مشارٌالیه باشد. در این صورت معنای جمله «فانّ ذلک فرجکم» این است: دعا کردن برای تعجیل فرج، فرج شماست.

احتمال سوم: مراد از «ذلک» زیاد دعا کردن باشد، یعنی معنای اکثار در دعا که از جمله «اکثر و الدّعاء» فهمیده می شود، مشارٌالیه باشد. در این فرض مرجع اسم اشاره، معنوی است نه لفظی و معنای جمله «فانّ ذلک فرجکم» چنین خواهد بود: زیاد دعا کردن برای تعجیل فرج، فرج شماست.

تفاوت سه احتمال با یکدیگر کاملاً روشن است و به نظر قاصر حقیر احتمال سوم ترجیح دارد چون «ذلک» اسم اشاره به بعید است و مرجع دورتر در این سه احتمال، همان معنای «اکثار دعا» است که در احتمال سوم مطرح می شود. البتّه احتمال دوم را ردّ نمی کنیم، همان طور که مرحوم صاحب مکیال المکارم هر دو احتمال را با هم پذیرفته اند؛(۱) ولی شاید احتمال سوم ارجح باشد. بنابراین از کلّ عبارت چنین برداشت می شود که زیاد دعا کردن برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام فرج دعاکننده خواهد بود.

## ضرورت اهتمام به امتثال امر امام علیه السلام

به هر حال مهم این است که امام علیه السلام در این توقیع شریف امر به زیاد دعا کردن فرموده اند و این نشانگر کمال عنایت ایشان به لزوم اهتمام اهل ایمان به دعا برای تعجیل فرج امامشان است. حضرت در این عبارت به دعای کم رضایت نداده و به اکثار آن دستور فرموده اند. وقتی کثرت کاری محبوب و مأمورٌ به باشد، قطعاً آن کار عبادت بسیار بزرگ و بابرکتی است و اگر کسی از زیاد انجام دادن آن معذور یا محروم است، نباید از اصل و مقدار کم آن دریغ ورزد.

اگر بخواهیم درباره مفاد این امر (اکثار دعا) از دیدگاه فقهی بحث کنیم، علی القاعده نظر مرحوم صاحب مکیال را ترجیح می دهیم که آن را امر استحبابی دانسته اند نه وجوبی.(۲) امّا صرفنظر از جنبه فقهی، وقتی به انجام عملی با قید «اکثار»۹.



---

۱- مکیال المکارم، ج۱، ص۳۰۸.

۲- همان، ص۳۰۹.

امر می شود، روشن است که آن عمل به طور مؤکّد مطلوب و محبوب خداست. بنابراین کوتاهی کردن در آن به هیچ وجه پذیرفتنی نیست. در اوامر استحبابی هم اگر کسی حالت بی اعتنایی و بی توجّهی و خدای ناکرده اعراض از یکی از آنها داشته باشد، قطعاً کار صحیحی انجام نداده است هرچند که به لحاظ فقهی مرتکب معصیت نشده باشد. از این رو با این همه تأکیدی که بر دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام صورت گرفته، حدّاقل این است که فرد مؤمن نسبت به آن حالت بی تفاوتی و بی اعتنایی نداشته باشد و آن را یکی از برنامه های جدّی زندگی اش قرار دهد. کم یا زیاد آن به میزان معرفت و درجه ایمانش مربوط می شود.

## فصل ۳- آثار و فوائد دعا در حقّ حضرت ولی عصر علیه السلام

### اشاره

دعاهـایی که ما در حقّ امام زمانمان به پیشـگاه خـدای متعال عرضه می داریم، دارای دوگونه فایـده و نتیجه است. یکی آثار و نتایجی که به مولایمان می رسد و دیگر آنچه نصیب خودمان می شود. ما هریک از این دو را جداگانه بسط و شرح می دهیم.

### الف- فوائد دعاهای ما برای امام عصر علیه السلام

قبل از بیان برخی از فوائدی که از طریق دعاهای ما ممکن است به مولایمان امام عصر علیه السلام برسد، خوب است به این دو پرسش پاسخ دهیم:

۱- اگر همه خیرات و برکات به خاطر وجود مقدّس امام علیه السلام به ما می رسد، ایشان چه نیازی به دعاهای امثال ما دارند؟

۲- مگر ممکن است ما که در همه کمالاتمان نیاز به امام علیه السلام داریم، واسطه حصول فایده و کمالی برای ایشان باشیم؟

ما این دو سئوال را به صورت جداگانه پاسخ می دهیم.

### عدم احتیاج امام زمان علیه السلام به دعاهای ما

۱- اگر بگوییم که دعای ما می تواند مفید فایده و اثری برای امام زمان علیه السـلام باشد، این مطلب به هیچ وجه نیاز ایشان را به دعاهای ما ثابت نمی کند. خدای متعال می تواند

همه آثار و نتایج دعاهای ما را بدون آنکه دعای ما را واسطه تحقّق آنها قرار دهد، برای امامان حاصل فرماید. بنابراین اگر بنا به حکمت و مصلحتی بخواهد دعاهای ما را مقدّمه و زمینه آنها قرار دهد، این امر نیاز امام علیه السلام را به ما نمی رساند.

به تعبیر دیگر می توانیم بگوییم: امام عصر علیه السلام برای رسیدن به کمالات خود نیازمند خدا هستند نه ما و خداوند می تواند از راه های مختلفی حجّت خود را به کمال برساند. یکی از این راه ها این است که دعا و درخواست امثال ما را مقدّمه و زمینه اعطای آن کمال به امام علیه السلام قرار دهد و اگر چنین کند، حضرت محتاج ما نمی شوند. احتیاج وقتی است که فردی بدون کمک «محتاجٌ الیه» (کسی که نیاز به او هست) به کمالی نائل نشود، امّا در این جا چنین چیزی اتّفاق نمی افتد. ما نمی توانیم ادّعا کنیم که اگر دعای ما نباشد، امام علیه السلام به فلان کمال نائل نمی شوند، چه بسا خداوند - در فرض دعا نکردن ما - همان کمال یا بالاترش را به بهانه دیگری به امام علیه السلام اعطا فرماید. در واقع دعاهای ما بهانه ای است که خداوند از طریق آن حجّت حیّ خویش را به مراتب بالاتری از کمالات می رساند. وجود این بهانه عمدتاً برای خودمان مفید است، هرچند که به لطف و فضل الهی زمینه ساز عنایت بیشتر پروردگار به امام زمان علیه السلام هم می شود.

## فایده بخش بودن دعای ما در حقّ امام علیه السلام به برکت خود ایشان

### اشاره

۲- مفید بودن دعاهای ما برای امام زمان علیه السلام منافاتی با واسطه بودن حضرت در همه فیوضات الهی برای ما ندارد. ما بنا بر ادلّه متعدّد نقلی - اعمّ از کتاب و سنّت - معتقدیم که همه کمالات برای ما به واسطه حضرت بقیّه الله ارواحنا فداه حاصل می گردد و همه خلایق روزی مادّی و معنوی خود را از داستان با برکت آن حضرت دریافت می کنند.(۱)

حتی دعاهای ما در حقّ ایشان هم به برکت خودشان مستجاب می شود. این یک اصل مسلّمی است که هیچ شیعه متفقّه در دین شکّی نسبت به آن روا نمی دارد. حال۹)



---

۱- اشاره به فرمایش امام سجّاد علیه السلامبه ابوحمزه: اِنَّ اللهَ یُقَسِّمُ... اَرزاقَ العِبادِ وَ عَلی اَیدینا یُجریها. (بصائر الدرجات، جزء۷، باب۱۴، ح۹)

اگر خداونـد خواسـته باشد که دعاهای ما برای امام زمان علیه السـلام را به خاطر خود ایشان مسـتجاب فرماید، آیا وساطت آن حضرت در اعطای کمالات به ما نقض می شود؟ هرگز. بهترین مثالی که برای روشن شدن این موضوع می توانیم مطرح کنیم، مثال «صـلوات» است. مطابق آنچه در روایات آمده، دعای صلوات همیشه مستجاب است.(۱) یعنی هرکس - چه مسلمان و چه کافر - در هر شـرایطی و به هر نیّتی صـلوات بفرستد، خدا دعایش را به اجابت می رساند. محتوای صلوات، درخواست رحمت از خداوند برای پیامبر صـلّی الله علیه و آله و سـلّم و عترت ایشان علیهم السـلام است. خداوند این درخواست را به خاطر لطفی که به خود اهل بیت علیهم السلام دارد مستجاب می فرماید و به دعاکننده کاری ندارد. استجابت همین دعا هم به وساطت این انوار مقدّسه صورت می گیرد. اهل بیت علیهم السـلام محبوب های بالذّات خدای متعال هسـتند، چنانچه در زیارت آل یس از زبان امام عصر علیه السلام می خوانیم:

لا حَبیبَ إلّا هُوَ و اَهلُه.(۲)

یعنی محوب های خداوند کسـی جز پیامبر صـلّی الله علیه و آله و سـلّم و عترت ایشان علیهم السلام نیستند و هر کس دیگر هم اگر محبوب خداونـد باشـد، به دلیـل اتّصـال و ارتباط با این انوار پاک خواهـد بود. بنابراین خداونـد به هر بهانه ای می خواهد خیر و رحمت بیشتری به آنان برساند. در واقع چه من دعا بکنم و چه نکنم، خدای متعال مقام ایشان را بالاتر می برد؛ حال اگر من بخواهم فایده ای ببرم و بهره ای نصیبم شود، با فرستادن صلوات، خود را در طریق بهره بردن از جریان رحمت بیکران الهی که به سوی اهل بیت علیهم السلام سرازیر است، قرار می دهم.

همـان طور که گـذشت مقام و منزلت کسـی که صـلوات می فرسـتد، در اصل اجابت آن تأثیری نـدارد، هرچنـد در زود یا دیر شدن آن می تواند مؤثّر باشد. اگر یک شـخص فاسق و فاجر یا حتّی کافر صـلوات بفرستد، خدای متعال به خاطر محبّتی که به اهل بیت علیهم السلام۷.



---

۱- رجوع شود به بخش اوّل کتاب، فصل ۵، عنوان۸.

۲- احتجاج طبرسی، ج۲، ص۳۱۷.

دارد، دعای او را در حقّ ایشان مستجاب می فرمایـد. همان طور که در بخش اوّل کتاب بیان شـد، خداوند ممکن است دعای یـک یهودی را در حقّ مؤمنـان مستجاب کنـد، در حـالی که دعـای او را در حقّ خودش مسـتجاب نکنـد.(۱) اهـل بیت علیهم السـلام در صدر اهل ایمان هسـتند و خداوند دعای کافران را هم در حق پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم و عترت ایشان علیهم السلام به اجابت می رساند. این منافاتی با واسطه فیض بودن آنان در مورد همه کمالات به خلایق ندارد.

همینبیانی که در مورد دعای صلوات و استجابت آن گفتیم، در مورد هر دعای دیگری هم که در حقّ اهل بیت علیهم السلام و بالأخص وجود مقدّس امام عصـر علیه السـلام بشود، می توانیم مطرح کنیم. خداوند دعاهای ما در حقّ آن بزرگوار را به خاطر محبّتی که به خود آن حضـرت دارد، مسـتجاب می فرمایـد و ما - هرچند که شـرایط لازم برای اینکه دعایمان به هدف اجابت برسد را نداشـته باشـیم امّا - نباید از اجابت آن ناامید باشـیم. به همین جهت با دعا در حقّ امام زمان علیه السلام سعی می کنیم که خود را در مسـیر ریزش رحمت بیکران الهی بر وجود مقـدّس ایشان قرار دهیم. در واقع می خواهیم خودمان فایده ای ببریم و بهانه برای عنایت خدای متعال به حجّت بی نظیر خود شویم.

جـالب این جـاست که همین بهـانه شـدن هم لطف و عنایتی است که به برکت و وساطت امام زمان علیه السـلام نصـیب ما می شود. خداونـد می توانـد از غیر این مسـیر و بـدون آنکه دعای ما را بهانه لطف بیشتر خود به اماممان کند، کمالات بیکرانی به آن حضـرت عطا فرماید. امّا اگر خدا خیر کسـی را بخواهد، توفیق دعا برای امام عصـر علیه السلام را نصیبش می کند تا از این طریق، به آثار و نتایـج این عبادت بزرگ نائل شود. پس با اینکه دعاهای ما می توانـد در حقّ امام علیه السـلام مفیـد باشـد، امّا همین مفیـد بودن هم به خاطر خود حضـرت است. چون خداوند دعای هرکس را که برای ایشان دعا کند، به سـبب محبّتی که به آن حضرت دارد، مستجاب می فرماید. لذا مفید بودن دعای ما برای ایشان۴.

ص: ۳۸

---

۱- رجوع شود به بخش ۱، فصل ۳، در توضیح فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام در بحارالانوار، ج۹۳، ص۲۹۴.

منافاتی بـا وساطت فیض آن بزرگوار در همه نعمت های الهی نـدارد. به همین دلیل می توانیم بگوییم که هرچنـد با دعای در حقّ امام علیه السـلام خـدمتی و کاری برای ایشان انجام می دهیم، امّا در حقیقت خود حضـرت بر ما منّت دارنـد که اجازه این خـدمتگزاری را به ما می دهنـد. اگر لطف ایشان بر ما نبود، اصـلاً اهل چنین دعاهایی نمی شدیم. این حکم در هر نوع خدمت دیگری - غیر از دعـا کردن - کـه در حقّ امامـان انجـام دهیم نیز جـاری و سـاری می باشـد. از اصـل معرفت و محبّت به آن بزرگوار گرفته تا عرض ارادت به ایشان به اشکال مختلف، همه و همه الطاف خود حضرت است که در حقّ دوستانشان مبذول می فرماینـد. با این ترتیب هیچکس واسـطه فیض خداوند - به معنای واقعی کلمه - به امام زمان علیه السـلام نمی تواند باشد و اصولاً در نظام جاری عالم که هر فیضـی از ناحیه خداونـد به سبب امام علیه السـلام به ما می رسد، اصـلاً امکان ندارد که کار برعکس شود و نعمتی به خاطر دیگری به آن حضرت برسد.

پس اگر می گوییم دعای ما می تواند برای امام عصـر علیه السـلام مفید باشد، منظور نوع فایده رساندنی که نسـبت به دیگران داریم نیست. ایشـان بـا هرکس دیگری در عـالم، تفاوت دارنـد. تنها معنای صـحیح آن همان است که بیان شـد: خـدای متعال دعای ما را بهانه رسانـدن حضـرت به کمالات بالاتر قرار می دهـد و این کار خدا حکمت ها و فوائدی دارد از جمله اینکه می خواهد از این طریق خیری به دعاکننده برسد.

تا این جا پاسـخ دو پرسـش مقـدّماتی را بیان کردیم. اکنون با توجّه به نکات مطرح شـده، می خواهیم برخی از فوائد دعای در حقّ امام عصـر علیه السـلام را برای ایشان برشـمریم؛ در عین حال اذعان می کنیم که اینها اموری است که با الهام از روایات به عقل ناقص ما می رسـد و هرگز مدّعی نمی شویم که این فوائد جامع همه خیراتی است که می تواند بر دعای ما در حقّ ایشان مـترتّب شـود. بـا تـوجّه به این نکته و بـا اسـتمداد از بحثی که در کتـاب شـریف «مکیـال المکـارم» در همین خصـوص مطرح شده(۱)، به سه فایده دعاهایمان برای امام زمان علیه السلام در این جا اشاره می کنیم.۲.



---

۱- مکیال المکارم، ج ۱، ص۲۹۹ تا ۳۰۲.

### فایده اوّل: رفع و دفع بلایا از امام عصر علیه السلام به دعای ما

ائمّه علیهم السلام چون بشر هستند، برخی از بلایا و مصائبی که در دیگران هست، برای آنها هم اتّفاق می افتد. مثلاً ایشان مریض می شوند، غم و غصّه پیدا می کنند و به خاطر عواطفی که در وجودشان هست ناراحتی هایی برایشان بوجود می آید. امیرالمؤمنین علیه السلام - چنانچه معروف است - در روزهای اوّل جنگ خیبر چشم درد سختی داشتند. به طوری که نمی توانستند از جای خود حرکت نمایند. هم ایشان وقتی در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان با شمشیر زهرآلود ابن ملجم فرق مبارکشان شکافته شد، در محراب مسجد افتادند و با کمک دیگران به خانه آمدند، آنگاه طبیبی آوردند تا ایشان را معالجه نماید.

به طور کلّی امامان علیهم السلام به مقتضای بشر بودنشان یک سری ناراحتی ها و رنج ها و غصّه را متحمّل می شوند و از این بابت گرفتاری پیدا می کنند. خداوند برای رفع انواع گرفتاری ها اسباب و وسائطی قرار داده که ائمّه علیهم السلام هم خودشان به آنها متوسّل می شدند و هم برای دیگران رجوع به اسباب را توصیه می فرمودند. به عنوان مثال برای رفع بیماری هم معالجات پزشکی مؤثّر و مفید است و هم دعا، و ائمّه علیهم السلام هر دو کار را تجویز می فرمودند؛ خودشان هم بر همین روال عمل می کردند. بنابراین اگر انسان خودش یا نزدیکانش بیمار شوند، برای رفع آن می تواند - بلکه باید - به اسبابی که خداوند آنها را مؤثّر در رفع بیماری قرار داده، متوسّل شود. یعنی هم به پزشک رجوع نماید و هم دست به دعا بلند کند. چنانچه در بخش اوّل کتاب گذشت یک بار وقتی حضرت صادق علیه السلام بیمار شده بودند، کسی را به حرم حسینی علیه السلام روانه کردند تا برای رفع بیماری آن حضرت در آن مکان مقدّس دعا کند. با توضیحی که خود امام صادق علیه السلام دادند، معلوم می شود که ایشان دعای آن فرد عادی را زیر قبّه سیّدالشّهداء علیه السلام برای رفع بیماری خود مؤثّر می دانستند.(1)

با این بیان روشن می شود که دعاهای ما می تواند در رفع بلایا و گرفتاری های امام۷.



---

۱- رجوع شود به بخش اوّل کتاب، فصل ۴، عنوان ۱۷.

زمان علیه السلام مؤثر باشد. قطعاً امامی که نزدیک به هزار و صد و هفتاد سال از امامتش می گذرد، در این مدّت طولانی گرفتاری های زیادی داشته و غم و غصّه های فراوانی متحمّل شده و می شود. هر مؤمنی به اندازه عشق و علاقه ای که به مولایش دارد، از ناراحتی ایشان ناراحت می شود. حتّی اگر احتمال بدهد که مولایش به خاطر ناملایمات زمان غیبت در رنج و غصّه و نگرانی می باشد، از هر طریقی که فکر می کند مؤثّر باشد، برای رفع آلام امام علیه السلام یا حدّاقل تسکین و کاستن از آنها تلاش می کند. مسلّماً یکی از بهترین راه ها برای رسیدن به این مقصود، دعا در حقّ ایشان است.

با توجّه به آنچه در بخش اوّل گذشت، دعا به اذن پروردگار در رفع بلای نازل شده و تغییر مقدّرات بسیار مؤثّر است. همچنین با دعا می توانیم بلاهای مقدّر و غیر مقدّر را که هنوز نازل نشده اند، دفع کنیم. پس چه خوب است که برای رفع بلاهای وارد شده به امام عصر علیه السلام یا دفع مصیبت های وارد نشده، برای ایشان دعا کنیم و امیدوار باشیم که خداوند دعاهایمان را به خاطر خود آن حضرت - نه لیاقت و شایستگی ما - در حقّ ایشان مستجاب می فرماید. ضمناً همان طور که اگر پدرمان یک گرفتاری خاصّی داشته باشد و غصّه و رنجی ایشان را ناراحت کرده باشد، با سوز دل برای او دعا می کنیم و با اصرار و الحاح از خداوند رفع گرفتاری او را درخواست می کنیم، اگر اماممان را بیشتر از پدرمان - یا حدّاقل همانقدر - دوست داریم، باید همان جدّ و جهد را در دعا برای حضرت هم به خرج دهیم و به طور طبیعی - نه تصنّعی - هنگام دعا برای ایشان بسوزیم و بگرییم و از خدا راحتی و آسایش ایشان را طلب کنیم.

البتّه خوب می دانیم که آنچه همه دردها و رنجهای امامان را یکجا برطرف می کند، چیزی جز مژده ظهور ایشان از جانب خداوند نمی باشد. بنابراین بهترین دعایی که برای رفع همه گرفتاری های حضرتش می توانیم بکنیم، دعا برای تعجیل فرج آن بزرگوار است. لذا در صدر همه دعاها و بیش از آنها، برای تعجیل فرج ایشان دعا می کنیم و می دانیم اگر این دعا مستجاب شود، همه خواسته های دیگر هم در ضمن آن محقّق می گردد.

ص: ۴۱

### فایده دوم: بالا رفتن مقام امام زمان علیه السلام به دعای ما

فایده دیگری که دعاهای ما می تواند برای امام عصر علیه السلام داشته باشد، بالا رفتن مرتبه ایشان نزد خداوند و تقرّب بیشتر به ذات مقدّس ربوبی است. برای اینکه حصول این فایده را به خوبی تصدیق نماییم، لازم است به این حقیقت توجّه کنیم که: اوّلاً فضل و رحمت خداوند به امام علیه السلام حدّ و سقف معیّنی جز خواست خود خدا ندارد؛ یعنی از جهت افاضه کمالات از طرف خدا به امام علیه السلام محدودیّتی نیست. هر درجه ای از علم، قدرت، معرفت نسبت به پروردگار و ... که خدا به امام عصر علیه السلام عنایت کند، می تواند آنها را بالاتر ببرد و کمالات بیشتری به ایشان ارزانی بدارد.

ثانیاً از جانب امام علیه السلام نیز محدودیّتی برای پذیرش کمالات خدادادی وجود ندارد. چنین نیست که قبول امام علیه السلام نسبت به کمالات سقف معیّنی داشته باشد و اگر ایشان تا آن درجه بالا رفت، دیگر نتواند ترقّی کند. پس نه از جهت افاضه خداوند حدّ و سقفی وجود دارد و نه از جهت قبول این افاضه از طرف امام علیه السلام.

با توجّه به این دو نکته می توانیم بگوییم مقام امام عصر علیه السلام نزد خداوند هرقدر بالا برود، باز هم می تواند بالاتر برود و مرتبه تقرّب ایشان نزد پروردگار به هیچ چیز جز مشیّت و اراده خود خدا منوط نمی باشد. با این ترتیب ما چون اماممان را دوست داریم، تقرّب بیشتر ایشان را در پیشگاه الهی طلب می کنیم و به همین دلیل برای ایشان دعا می کنیم. دعاهای ما در حقّ امام زمان علیه السلام مقام ایشان را نزد خداوند بالا و بالاتر می برد. صلوات های ما هم دقیقاً همین اثر را دارد. وقتی از خدا می خواهیم تا بر پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم و آل او علیهم السلام درود و رحمت نازل فرماید، معنایش این است که خدا رحمت خود را بر آنان افزون فرماید و در هر مقامی که دارند، بالاتر بروند. همچنین وقتی در تشهّد نماز برای پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم دعا می کنیم که:

وَ تَقَبَّل شَفاعَتَهُ وَ ارفَع دَرَجَته.(۱)۴.

ص: ۴۲

---

۱- گفتن این دعا در تشهّد مستحب است: العروه الوقی، ج۱، ص۶۹۱، مسأله ۴.

به صراحت از خداوند می خواهیم شفاعت رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم را در حقّ کسانی که مورد شفاعت آن حضرت قرار می گیرند، قبول فرماید و درجه و مقام ایشان را نزد خود بالا ببرد. بالا بردن درجه اهل بیت علیهم السلام به صورت های مختلفی می تواند باشد که بسیاری از آنها ممکن است برای ما قابل تصوّر هم نباشد.

به طور کلّی درجه و رتبه هرکس در پیشگاه خداوند به درجه معرفت او به خدا بستگی دارد و هرقدر معرفت کسی به پروردگارش بیشتر شود، درجه بندگی اش بالاتر می رود و همین، معیار حدّ تقرّب او به خداست. قرب به خداوند، نزدیکی مکانی و امثال آن نیست، بلکه به رتبه معرفتی بنده نسبت خدا بستگی دارد. پس می توان گفت که تقرّب هرکس به خداوند به اندازه درجه معرفت او نسبت به خداست. بنابراین هر عاملی که باعث ازدیاد معرفت انسان به خدایش شود، درجه او را در پیشگاه خدا بالاتر می برد.

بر این اساس می توانیم بگوییم که معرفت امام عصر علیه السلام به پیشگاه خداوند می تواند با استجابت دعاهای ما در حقّ ایشان بالاتر برود و عمیق تر شود. نتیجه معرفت بیشتر این است که مقام بندگی آن بزرگوار به درگاه الهی بالا می رود. به عنوان مثال خوف و رجای ایشان به خدای بزرگ بیشتر و بیشتر می شود. خوف از خدا و امید به او از مهم ترین نشانه های معرفت به اوست و ما وقتی در حقّ امامان دعا می کنیم یکی از آثارش می تواند بالا رفتن معرفت ایشان باشد که نتیجه اش ازدیاد خوف و رجای آن بزرگوار به خداوند است.

تقرّب بیشتر امام علیه السلام به خداوند آثار و جلوه های دیگری هم می تواند داشته باشد که ما نه می توانیم و نه می خواهیم به بیان و توضیح همه آنها بپردازیم. آنچه بیان کردیم صرفاً مثالی بود تا حقیقت مطلب برایمان تا حدّ امکان روشن شود.

### فایده سوم: جلو افتادن ظهور امام علیه السلام به دعای ما

#### اشاره

فایده بسیار مهمّ دیگری که دعاهای ما در حقّ امام عصر علیه السلام می تواند داشته باشد، جلو افتادن ظهور آن حضرت به اذن خدای متعال است. این فایده می تواند بر انواع

دعاهایی که در حقّ ایشان می شود، مترتّب گردد. مثلاً دعاهایی که برای رفع غم و غصّه های امام علیه السلام یا کاهش مصائب ایشان می شود، استجابت کاملشان به ظهور حضرت است. قطعاً مژده ظهور بیش از هر چیز دیگری، ایشان را خوشحال می سازد و در این خصوص دعاهایی که مستقیماً درخواست تعجیل فرج امام علیه السلام را از خدای متعال مطرح می سازد، صریح تر و روشن تر است.

نکته مهمّی که باید در این جا مورد توجّه قرار گیرد این است که وقت ظهور امام عصر علیه السلام مطابق روایات متعدّد، از امور «بدایی» است، یعنی امکان تقدیم و تأخیر آن از طرف خداوند وجود دارد. اموری که قابل «بداء» هستند، وقوعشان حتمی و ضروری نیست. بدائیّات به طور کلّی دو دسته هستند: یا تقدیری در مورد وقوعشان صورت گرفته که قابل تغییر است و یا قبل از وقوع، هیچ تقدیری در موردشان وجود ندارد. وجه مشترک این دو نوع این است که پیش از واقع شدن امر بدائی، تقدیر حتمی ولا یتخلّف نسبت به آن وجود ندارد. در مورد وقت ظهور امام زمان علیه السلام نیز چه احتمال اوّل را بدهیم و چه احتمال دوم، حدّ مشترک هر دو این است که پیش از وقوع آن، تقدیر حتمی و غیر قابل بداء نسبت به آن وجود ندارد.(۱) بر این اساس می توان گفت که چون یکی از آثار دعا، تغییر مقدّرات الهی است، پس وقت ظهور نیز ممکن است با دعای منتظران، جلو بیفتد و با عدم دعای آنان به تأخیر افتد.

## مشروط بودن تعجیل فرج به انجام عمل بنی اسرائیل

امّا مطلب بالاتر از این است: علاوه بر اینکه وقت ظهور امام زمان علیه السلام از امور بدایی است که دعا بر تعجیل فرج می تواند آن را جلو بیندازد، از برخی احادیث استفاده می شود که تعجیل فرج امام علیه السلام منوط و مشروط به اهتمام اهل ایمان و جدّ و جهد ایشان در دعا نسبت به این امر می باشد.ت.



---

۱- بیان ادلّه نقلی این بحث همراه با توضیحات آن در کتاب «سلوک منتظران»، فصل یکم از بخش سوم آمده است.

صریح ترین دلیل در این خصوص حدیث منقول از امام صادق علیه السلام است که مطابق آن می توان گفت: خداوند برای فرزندان حضرت ابراهیم از همسرش ساره (بنی اسرائیل) چنین مقدّر فرموده بود که مدّت چهارصد سال در رنج و عذاب باشند. امّا بنی اسرائیل با ضجّه زدن و گریستن به پیشگاه خداوند توانستند، ظهور منجی خود (حضرت موسی علیه السلام) را صد و هفتاد سال به جلو اندازند. عین عبارت امام صادق علیه السلام چنین است:

فلمّا طالَ علی بَنی اسرائیلَ العَذابُ ضَجُّوا وَ بَکَوا اِلَی اللهِ اَربعینَ صباحاً فأوحَی اللهُ اِلی موسی وَ هارُونَ اَن یُخَلِّصَهُم مِن فِرعَونَ فَحَطَّ عَنهُم سَبعینَ وَ مِأَةَ سَنَهٍ.

پس وقتی مدّت عذاب بر بنی اسرائیل طولانی شد، چهل صباح به پیشگاه الهی ضجّه و گریه کردند تا اینکه خداوند به موسی و هارون وحی فرمود که آنها را از (شرّ) فرعون خلاص کند. به این ترتیب صد و هفتاد سال از (عذاب) ایشان کم کرد.

امام صادق علیه السلام پس از نقل این ماجرای بنی اسرائیل، اضافه فرمودند:

هکَذا أنتُم لَو فَعَلتُم لَفَرَّجَ اللهُ عنّا فَأَمّا اِذا لَم تَکُونُوا فإنّ الأمرَ یَنتَهی إلی مُنتهاه.(۱)

وضع شما نیز همین طور است؛ اگر چنین کنید (می کردید)، خداوند فرج ما را می رساند (می رساند)، امّا اگر چنین نباشید، کار به آخرین حدّ خود خواهد رسید.

در عبارات اخیر حدیث، قضیّه شرطیّه اوّل، با کلمه «لو» به کار رفته است. این کلمه در اصل بر وقوع شرط و جواب آن در زمان گذشته دلالت می کند؛ ولی با وجود قرینه، بر تحقّق شرط و جزا در آینده نیز می تواند دلالت داشته باشد.

در این عبارات وجود کلمه «إذا» در جمله دوم - که بر وقوع شرط در آینده۹.

ص: ۴۵

---

۱- تفسیر عیّاشی، ج۲، ص۱۵۴، ح۴۹.

دلالت می کند - می تواند قرینه ای باشد برای اینکه جمله شرطیّه اوّل را بر معنای آینده حمل کنیم. البتّه احتمال تحقّق شرط و جزا در گذشته را با قطعیّت رد نمی کنیم، چون اگر یک جمله معنای گذشته بدهد و جمله بعد معنای آینده، عبارت نادرست نخواهد بود. ولی این احتمال نسبت به احتمال اوّل مرجوح است. بنابراین بهتر است همه عبارت را از اوّل تا آخر با یک سیاق واحد معنا کنیم.

به هر تقدیر آنچه در بحث فعلی مهم است، آخرین جمله امام صادق علیه السلام است که یک قضیّه شرطیّه مربوط به زمان آینده می باشد. فرمودند: اگر این گونه نباشید، کار به آخرین حدّ خود می رسد. توجّه به تعبیر «عنّا» هم در حدیث، آموزنده است. این تعبیر نشان می دهد که دعای مؤمنان می تواند در تعجیل فرج امام عصر علیه السلام مؤثّر باشد. آنچه در مجموع از فرمایش امام صادق علیه السلام استفاده می شود این است که شیعیان باید از عمل بنی اسرائیل الگو بگیرند و به همان کاری که آنان برای رفع زودتر عذاب از خود انجام دادند، اقدام نمایند و اگر نکنند، به بیشترین زمان عذابی که خدا برایشان مقدّر فرموده، مبتلا خواهند شد.

این مطالب به دو جمله تحلیل می شود: یکی اینکه اگر مؤمنان کار بنی اسرائیل را انجام دهند، فرج مولایشان محقّق می گردد، دوم اینکه اگر چنین نکنند، غیبت امام علیه السلام یا عذاب مؤمنان به آخرین حدّ خود می رسد؛ به عبارت دیگر در فرج مولایشان تعجیل صورت نمی پذیرد. پس خلاصه فرمایش امام صادق علیه السلام این است که: اگر مؤمنان کار بنی اسرائیل را انجام دهند، در فرج امام عصر علیه السلام تعجیل می شود و اگر نکنند، نمی شود. پس این جا یک قضیّه دو شرطی به کار رفته است و معنای آن به زبان منطق گزاره ها این است: فرج امام عصر علیه السلام به این شرط و فقط به این شرط تعجیل می شود که مؤمنان در مورد آن دعا کنند.(۱)ت.



---

۱- اگر بخواهیم مطالب را با نماد ریاضی بیان کنیم، در صورتی که جمله «مؤمنان کار بنی اسرائیل را انجام دهند» را p و جمله در «در فرج امام عصر علیه السلام تعجیل می شود» را Q فرض کنیم، آنگاه فرمایش امام صادق علیه السلام را باید P-Q بدانیم، چون جمله اوّل این است: P-Q و جمله دوم. P-Q و اگر عکس نقیض جمله دوم را که هم ارز آن است در نظر بگیریم، می شود: Q-P و مجموع دو قضیه شرطیّه P-Q و Q-P معادل یک قضیّه دو شرطی P-Q است.

این جاست که تأثیر ژرف دعا در تعجیل فرج امام عصر علیه السلام به خوبی برجسته می شود. در حقیقت جلو افتادن ظهور حضرت دائر مدار دعای مؤمنان برای تعجیل فرج ایشان خواهد بود. باید توجّه داشت که مقتضای حدیث مورد بحث همین است، امّا در کنار این مطلب، بدایی بودن ظهور امام زمان علیه السلام را هم نباید از نظر دور بداریم و با عنایت به این امر باید بگوییم: اگر خداوند بخواهد طبق ضابطه ای که خود به زبان حجّتش امام صادق علیه السلام فرموده، عمل نماید؛ در صورتی که مؤمنان مطابق عمل بنی اسرائیل به ضجّه و بکاء نپردازند، ظهور امام عصر علیه السلام را به جلو نمی اندازد. امّا خدا برای خود حقّ بداء در زمان این امر قائل شده و بنابراین دست او برای آنکه زمان ظهور حضرت را محدود و مشروط به عمل مؤمنان نکند (یعنی خلاف ضابطه ای که خود قرار داده، عمل کند) کاملاً باز است.(۱) پس احتمال دارد که خدا به خاطر دعای یک فرد فاسق و یا حتّی بدون هیچ گونه دعایی از جانب مؤمنان در وقت ظهور، بداء فرماید و آن را به جلو بیندازد. روح اعتقاد به حقّ بداء برای خداوند، این باور را لازم می آورد. بنابراین در مجموع باید گفت که تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام در واقع مشروط به هیچ شرط لازمی نیست و ما در صورت کوتاهی کردن مؤمنان در دعا برای تعجیل فرج مولایشان، باز هم نمی توانیم در هیچ لحظه ای از تحقّق آن ناامید و مأیوس باشیم.د.



---

۱- توجّه شود که ضابطه اعلام شده دو قسمت دارد: یکی اینکه اگر مؤمنان عمل بنی اسرائیل را انجام دهند، در فرج امام زمان علیه السلام تعجیل می شود و دوم آنکه اگر چنین نکنند، در فرج مولا تعجیل صورت نمی پذیرد. قسمت اوّل «وعده» خدا و قسمت دوم «وعید» اوست. خُلف وعده از جانب هرکس (حتّی خدا) عقلاً قبیح است امّا خلف وعید قبیح نیست. آنچه در متن مورد تأکید قرار گرفته مربوط به قسمت دوم است نه اوّل. یعنی اگر خداوند با وجود دعا نکردن مؤمنان، فرج امام زمان علیه السلام را به جلو اندازد، خلف وعید شده نه خلف وعده، بنابراین در فرض عمل بر خلاف قسمت دوم ضابطه اعلام شده، قبحی در فعل خداوند لازم نمی آید.

## گریه و ضجّه بنی اسرائیل برای تعجیل فرج

حال بـا توجّه به اهمیّت منحصر به فرد عمـل بنی اسـرائیل خوب است بـا دقّت بیشتری در آن تأمّل نماییم. آنها چه کردنـد که خداوند عذاب خود را با تعجیل فرج حضـرت موسی علیه السلام بر آنان خاتمه داد؟ طبق فرمایش امام صادق علیه السلام چهل صباح به بکاء و ضـجّه پرداختند. آیا اصل گریه و ضـجّه آنان در این جا مورد تأکید است یا چهل روز بودن آن هم در این امر مؤثّر است؟ پاسخ را ما به طور دقیق نمی توانیم معیّن کنیم. قدر مسلّم این است که گریه و ضـجّه در تعجیل فرج مؤثّر است امّا چه بسا چهل روز بودن آن، همچنین صبح دعا کردن هم در تأثیر آن مدخلیّت داشته باشد. بنابراین بهتر است برای عمل به این حدیث شـریف حدّاقل چهل صبح به گریه و ضـجّه اختصاص داده شود، امّا اگر کسی توفیق عمل به این مقدار را نداشت؛ هر تعداد روزی که می تواند را از دست ندهد.

امّا صـرف نظر از مـدّت گریه و ضـجّه، خوب است در معانی و ملزومات این دو واژه دقّت کنیم. بکاء یا گریه چیزی نیست که به طور مصـنوعی از انسان سـرزند. اگر به فرض هم کسـی بتواند به صورت تصنّعی گریه کند، این کار او هیچ ارزشی ندارد و قطعاً مراد امام صادق علیه السلام چنین گریه ای نبوده است. امّا چه موقع انسان به طور طبیعی گریه اش می گیرد؟

عوامل مختلفی در بروز این حال مؤثّر است که در این جا با توجّه به سـیاق حـدیث می توانیم بگوییم: درک و وجـدان شـدّت عـذاب قطعاً عامل مؤثّری در گریه انسان است. چه بسا عـذاب بزرگی نازل شود ولی انسان به گریه نیفتد. یکی از علّت هایش این است که عمق و شدّت آن را وجدان نکرده است. چنین نیست که هرکس به عمق هر عذابی، دقیقاً پی ببرد. اگر فهم انسان از شدّت و عمق عذاب وجدانی شود، آنگاه تحمّل آن برایش سخت و سنگین شده و چه بسا به گریه بیفتد. آستانه تحمّل افراد هم با یکـدیگر متفاوت است ولی هر قـدر هم تحمّل کسـی زیاد باشـد، باز شـدّت عـذاب می تواند بالاتر از آن حد برود. پس بالاـخره نوع افراد وقتی سـختی و عمق عـذاب از یـک حـدّی - که برای هرکس ممکن است بـا دیگری متفاوت باشـد - بیشتر شود، معمولاً به

ص: ۴۸

گریه درمی آیند.

امّا ضجّه یعنی چه و در چه صورت اتّفاق می افتد؟ ضجّه در زبان عرب به معنای داد و فریاد زدن است. داد و فریادی که به خاطر شدّت ناراحتی و مصیبت باشد. یکی از واکنش های معمولی و طبیعی افراد در وقتی که به مصیبتی گرفتار می آیند، گریستن است. امّا گاهی انسان مصیبت زده علاوه بر گریه، جیغ و فریاد هم می زند. برای تجسّم این حالت مثالی ذکر می کنیم: فرض کنید در یک مجلس ترحیمی شرکت می کنیم، صاحبان عزا را مشاهده می کنیم که برای ادای احترام به شرکت کنندگان - که برای عرض تسلیت آمده اند - تشکّر و قدردانی می کنند. ناگهان صدای جیغ و فریادی در مجلس توجّه ما را جلب می کند، می فهمیم که یک نفر حالش عادی و طبیعی نیست و شدّت مصیبت او را از خود بی خود کرده، کنترلش را از دست داده و مرتّب داد و فریاد می زند. این جا احتمال زیاد می دهیم که او هم جزء صاحب عزاها باشد ولی حالش مانند بقیّه نیست که بتواند کنار در بایستد و به شرکت کنندگان خوشامد بگوید. اصلاً توجّه چندانی هم به مجلس ندارد. اگر او را از قبل نشناسیم، حدس می زنیم که باید یکی از نزدیک ترین افراد به مرحوم از دست رفته باشد که مصیبت فوت عزیزش او را به ضجّه آورده است. اگر متوفّی جوان باشد و مادر آن جوان چنین حالی داشته باشد، تعجّب نمی کنیم، می گوییم کسی که جوان از دست بدهد، این گونه می شود. یا اگر متوفّی پدر بوده باشد و این ضجّه زننده فرزند او باشد، باز هم تعجّب نمی کنیم، می گوییم پدرش را از دست داده که به این حال افتاده است. این مثال تا حدّی شرایطی که حال ضجّه را در انسان ایجاد می کند، روشن می سازد. وابستگی شدید صاحب عزا به شخص فوت شده از یک طرف و عمق تأثّر او از این مصیبت از طرف دیگر، موجب پیدایش ضجّه در آن فرد صاحب عزا شده استم.

### وجدان عذاب بودن غیبت امام عصر علیه السلام

حال از خود بپرسیم؛ چگونه ممکن است کسی در فراق امام زمانش و به سبب غیبت ایشان به حال گریه و ضجّه بیفتد؟ آیا چنین چیزی امکان دارد؟ باز هم تأکید

می کنیم که منظور حالتی است که نه گریه اش تصنّعی باشد و نه ضجّه اش. آیا اوّلین شرط پیدایش این احوال آن نیست که انسان غیبت امام زمانش را «عذاب» بداند و این عذاب بودن را «وجدان» کند. وقتی می گوییم عذاب بداند یعنی به محرومیّت ها، دردها و مصیبت هایی که به خاطر غیبت امامش، دامنگیر خودش و دیگران شده توجّه داشته باشد. خوشی ها و لذّت های زندگی روزمرّه، او را از وجود آن بلاها غافل نسازد. فراموش نکند که خشنودی خداوند ابتداء در این نبوده که گل سر سبد عالم خلقت و گمشده همه اولیای الهی، بیش از یازده قرن در پس پرده غیبت باشد و نسل های متوالی از مردمان – اعم از مسلمان و غیر مسلمان و شیعه و غیر شیعه – از دیدار آن یگانه و دُردانه هستی محروم باشند. از این بالاتر بداند که خود آن مولای پرده نشین و حتّی پدران گرامی ایشان و نیز مادر بی نظیرش در عالم حضرت امّ الائمّه علیها السلام از غیبت آن عزیز و طولانی شدن آن در رنج و ناراحتی هستند و چه عذابی برای یک شیعه دوستدار اهل بیت علیهم السلام بالاتر از اینکه موالی خود را به خاطر وقوع چیزی در عذاب و رنج ببیند. تصدیق می کنید که عذاب دانستند غیبت امام عصر علیه السلام چیزی نیست که در همه دوستان ایشان وجود داشته باشد، معرفت و محبّتی شایسته و درخور می باید تا چنان درکی حاصل شود.

امّا وقتی می گوییم عذاب بودن را، «وجدان» کنیم یعنی اینکه به خاطر غیبت مولایمان آب خوش از گلویمان پایین نرود. لااقل در ساعاتی و بلکه دقائقی، عذاب محرومیّت از ایشان را «حس» کنیم. آری حس کردن غیر از مطلق دانستن است. انسان خیلی چیزها را می داند ولی آنها را وجدان نمی کند. یکی از مراتب وجدان، حس کردن است. حس کردن یک مصیبت یعنی چشیدن تلخی آن و سوختن و آب شدن از شدّت آن. این چیزی نیست که به طور عادی و معمولی برای انسان حادث شود. آیا ما مؤمنان در مورد پنهانی امام عصر علیه السلام چنین حالی داریم؟ شما را به خدا تاکنون چند روز در طول زندگی، مصیبت غیبت ایشان را حس کرده ایم؟ نمی گویم چند روز! چند ساعت این حال را داشته ایم یا حتّی چند دقیقه؟!

نویسنده شرمنده این سطور از طرح این پرسش ها احساس خجالت می کند که خود را بیش از دیگران از این احوال دور می بیند و آرزوی دیدار کسانی را دارد که چنین اوصافی داشته باشند. کسی که برای فهم عذاب بودن غیبت مولایش نیاز به استدلال و برهان دارد، چگونه می تواند آن را حس نماید؟! حس نمودن این عذاب از آن کسانی است که هم معرفت و محبّتشان به مولایشان عمیق است و هم اهل تقوی و مراقبت در اعمال خود هستند. اگر هیچ یک از این شرایط نباشد، به طور معمول چنان حالی پیدا نمی شود، مگر لطف خاصّ الهی شامل حال کسی بشود. بگذریم؛ این تنها شرط اوّل برای پیدایش حال ضجّه در انسان است.

## حال گریه و ضجّه: نشانه عمق معرفت امام زمان علیه السلام

گریه و ضجّه درخصوص غیبت امام عصر علیه السلام تنها وقتی بروز می کند که حال انسان به خاطر وجدان شدّت این مصیبت، نظیر حال آن عزاداری باشد که عزیزترین عزیزان خود را از دست داده است. آیا می شود چنین بود؟ آیا ممکن است دوری از امام عصر علیه السلام کسی را چنان بی تاب کند که به طور طبیعی به جیغ و فریاد افتد و از سویدای دل در عذاب غیبت امامش بسوزد؟

پاسخ این است که: آری، بوده اند و هستند مؤمنانی که چنین حالی را داشته اند، امّا انصافاً باید تصدیق کرد که به سادگی این حال پیدا نمی شود. البتّه نمی گوییم که باید از هر راهی تلاش کنیم تا به حال گریه و ضجّه بیفتیم. خیر، هرگز چنین توصیه ای نمی کنیم و پیدایش این حال از هر طریقی مطلوب نیست. بلکه معتقدیم که اگر انسان از راه های انحرافی و نادرست بکوشد تا به این گونه احوال دست یابد، خطرات خاصّی تهدیدش می کند که چه بسا او را به طور کامل و برای همیشه از راه امام زمان علیه السلام دور کند و جدا سازد.(۱)د.



---

۱- توضیح بیشتر را در مورد این گونه خطرات می توانید در کتاب «راز پنهانی و رمز پیدایی»، ص ۱۱۱ تا ۱۱۴ مطالعه فرمایید.

راه صحیح برای اینکه انسانی به این درجه از ارادت و محبّت نسبت به امام زمانش نائل شود، این است که مو به مو به انجام وظایف و تکالیف شرعی خود ملتزم باشد. علاوه بر این همه آنچه را که معرفت او را نسبت به امامش عمیق تر می سازد، بجوید و سعی نماید تا به همه آنها عامل باشد. آنچه محور همه خیرات و برکات الهی در این خصوص و در سایر زمینه هاست، چیزی جز اکسیر معرفت امام عصر علیه السلام نیست. محبّت، انتظار فرج، دعا ... و تمامی اوصافی که یک منتظر واقعی آن حضرت باید داشته باشد، به برکت همین معرفت برای او حاصل می شود. باید توجّه داشت که تأکید بر حال گریه و ضجّه در مورد امام زمان علیه السلام و غیبت ایشان، به هیچ وجه نباید به نحوه تفسیر شود که توجّه به انجام وظایف فردی و اجتماعی و مسئولیّت هایی که یک منتظر واقعی امام علیه السلام در ابعاد مختلف زندگی اش – اعم از همسر و فرزند و ارحام و برادران ایمانی و حتّی غیر مؤمنان – دارد، کم رنگ شود. چنین چیزی قطعاً مطلوب خدا و امام زمان علیه السلام نیست و هرگز کنار گذاشتن حتّی یک واجب شرعی (مثلاً اهتمام به امر تربیت فرزند) به بهانه رسیدن به حال گریه و ضجّه مجاز نمی باشد (توجّه فرمایید)؛ آنچه مهم است اینکه دغدغه انسان فقط و فقط انجام تکالیف دینی اش (اعم از واجب و مستحب) باشد و به شدّت از محرّمات الهی پرهیز نماید. چنین کسی اگر به انجام وظایف خود در قبال امام زمانش توجّه خاص و ویژه نماید، به لطف الهی به حال گریه و ضجّه نزدیک می شود و خودش وجدان می کند که به طور طبیعی به آن سمت و سو کشیده می شود.

بر همه این مطالب، یک نکته را هم می افزاییم و آن اینکه پیدایش حال گریه و ضجّه برای مصیبت غیبت امام عصر علیه السلام با اینکه مطلوب است و محبوب، امّا هدف اصلی و نهایی نیست. چنین نیست که همه فعالیّت ها و انجام وظایف در ارتباط با امام علیه السلام باید به پیدایش چنین حالی ختم شود تا نزد خدا ارزش داشته باشد، هرگز!

این حال صرفاً نشانه و علامت عمق معرفت کسی است که در انجام مسئولیّت های فردی و اجتماعی عش در قبال دین و امام زمان علیه السلام کوتاهی نمی کند. آن

ص: ۵۲

معرفت است که هدف اصلی و نهایی محسوب می شود و سایر ویژگی ها نسبت به آن، میوه و محصول به شمار می آیند. برخی از آثار و نشانه های معرفت امام علیه السلام نسبت به سایر آنها اصلی تر و کلیدی تر به شمار می آیند، همچون انتظار فرج و رسیدگی به حوائج مؤمنان و دعا و ... آنوقت در مسیر دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام برخی از علائم نشانه اوج اتصال روحی دعاکننده با آن حضرت شمرده می شود که گریه و ضجّه از این نوع هستند.

## لزوم اهتمام بیشتر به تعمیق معرفت مؤمنان در زمان غیبت

نتیجه کلّی بحث این است که مطالب حدیث شریف امام صادق علیه السلام اگر مؤمنان در زمان غیبت امام دوازدهم علیه السلام چنان معرفتی به ایشان پیدا کنند که در اثر تحمّل عذاب غیبت مولایشان به حال گریه و ضجّه بیفتند، می توانیم به تعجیل فرج آن حضرت بسیار بسیار امیدوار باشیم و اگر چنین احوالی در شیعیان نباشد - اعم از اینکه معرفتشان صحیح و عمیق نباشد یا به دعا برای تعجیل فرج اهمیّتی ندهند و یا اهل گریه و ضجّه در این امر نباشند - این امیدواری کاهش می یابد. هرچند طبق سفارشات متعدّد خود اهل بیت علیهم السلام انسان مؤمن هیچ گاه در هیچ شرایطی - هرچند بسیار اسفبار و دردآور باشد - از تعجیل فرج مولا-یش ناامید نمی شود، امّا به هر حال فرق است بین اینکه انسان نشانه ای از نزدیک شدن فرج امام علیه السلام را - طبق وعده امام صادق علیه السلام - ببیند با وقتی که چنین چیزی مشاهده نکند. در حالت اوّل به طور طبیعی امیدش به تعجیل فرج مولایش بسیار بیش از حالت دوم خواهد بود. درس مهمّی که از این بحث می گیریم اینکه ماباید به تعمیق معرفت امام زمان علیه السلام در میان اهل ایمان اهمیّت خاصّی بدهیم.

در درجه اوّل از خودمان آغاز نموده و سعی کنیم در مسیر آنچه به این تعمیق می انجامد، برای خود و دیگران تلاش نماییم. کثرت جمعیّت مؤمنان در زمان غیبت برای تحقّق آنچه در حدیث امام صادق علیه السلام آمده کافی نیست. ممکن است در میان تعداد زیادی از اهل ایمان، تنها عدّه کمی یافت شوند که عمق معرفتشان به امام

عصر علیه السلام آنها را به حال دعا، گریه و ضجّه درآورد. بنابراین باید در کنار اهتمام به تبلیغ تشیّع و رواج دادن آن برای ازدیاد جمعیّت مؤمنان، برای عمیق تر کردن معرفت آنان به امامشان نیز به طور خاص برنامه ریزی و تلاش کنیم تا بر تعداد اهل معرفت عمیق، روز به روز افزوده گردد و فرهنگ دعا و گریه و ضجّه – در کنار اهتمام به انجام مسئولیّت های فردی و اجتماعی – در آنان نهادینه شود.

اگر یک نفر اهل معرفت عمیق به امام عصر علیه السلام تربیت شود که به خاطر عذاب غیبت ایشان بسوزد و با سوختنش، خود و دیگران را به حال دعای همراه با گریه و ضجّه درآورد، ارزشش بیش از آن است که عدّه زیادی صرفاً به صورت صوری و شعاری – بدون تفقّه و معرفت لازم – به اظهار محبّت و انجام کارهای سطحی در مورد امام زمان علیه السلام روی آورند. گاهی عدم تفقّه و نداشتن بصیرت کافی در دین باعث می شود مؤمنی با وجود اعتقاد به امام زمان علیه السلام، در اظهار محبّت به ایشان (مثلاً در ایّام نیمه شعبان) کارهایی را انجام دهد که نه تنها محبوب و مرضیّ آن حضرت نیست، بلکه بعضاً به دلیل حرمت آن، مبغوض ایشان است. چنین کسی اگر هم با زبان «اللّهُمَّ عَجِّل لِوَلِیِّکَ الفَرَج» بگوید، دعایش فاقد شرایط استجابت است و معرفت درستی هم ندارد که عذاب غیبت مولایش را وجدان کند و بنابراین حال گریه و ضجّه هم ندارد. این فاصله زیادی دارد با آنچه امام صادق علیه السلام در مورد عمل بنی اسرائیل تأکید فرموده اند. بنابراین دعای یک مؤمن متّقی و با معرفت عمیق در مورد تعجیل فرج امام زمان علیه السلام که اهل گریه و ضجّه هم هست، تأثیرش بیش از دعاهای جمعی است که چنین اوصافی ندارند. البتّه به سفارش خود ائمّه علیهم السلام ما دعای هیچکش را نباید کم اهمیّت و کوچک بشماریم، امّا آنچه به عنوان وظیفه و ایجاد شرایط مطلوب برای تأثیر دعا بر تعجیل فرج از مجموع احادیث برداشت می شود، چنین چیزی است. ما دنبال تشخیص وظیفه و تکلیف خود هستیم و صلاحیّت تشخیص دعاهای مستجاب را از غیر مستجاب نداریم. در مقام تعیین وظیفه – البتّه در بحث دعا برای تعجیل فرج – باید بدانیم که بیشتر روی چه عواملی باید تأکید کنیم تا امید بیشتری به استجابت

دعاهایمان داشته باشیم. حال اگر خداوند به فضل خود بخواهد دعاهای فاسقان در تعجیل فرج را هم اجابت فرماید، ما نه تنها ناراحت نمی شویم، بلکه بسیار خوشحال هم می گردیم. بنابراین بحث فعلی ما ناظر به تشخیص اهمّ تکالیف و وظایفمان برای ایجاد امید بیشتر به استجابت دعاها (در تعجیل فرج) است نه تعیین اینکه چه دعایی مستجاب می شود، و چه دعایی نمی شود.

### آیا ممکن است جلو افتادن فرج امام زمان علیه السلام محبوب مؤمن نباشد؟

اکنون که مسیر بحث به این جا رسید که یکی از فوائد دعاهای ما می تواند تعجیل فرج مولایمان باشد و عذاب بودن غیبت امام علیه السلام برای اهل ایمان روشن شد، باید به پاسخ سئوالی که در همین خصوص مطرح می شود بپردازیم. این سئوال گاهی صورت اشکال و ایراد پیدا می کند. در دعای معروفی که از ناحیه مقدّسه خود امام زمان علیه السلام به دست نایب اوّل ایشان جناب شیخ عمری صادر شده، چنین می خوانیم:

فَصَبِّرنی علی ذلِکَ حَتّی لا اُحِبُّ تَعجیلَ ما اَخَّرتَ ولا تَأخیرَ ما عَجَّلتَ.(۱)

پس به من برای تحمّل غیبت امام زمان علیه السلام صبر بده تا جلو انداختن آنچه به تأخیر انداخته ای و نیز به عقب انداختن آنچه جلو انداخته ای را دوست نداشته باشم.

مضمون دعا طلب صبر از خداوند بر غیبت امام عصر علیه السلام است. صبر در هنگام مصیبت معنا دارد و این جا هم چون غیبت امام علیه السلام نوعی عذاب و مصیبت است. خواستن صبر از خداوند در مورد آن بجا و مناسب می باشد. امّا ادامه دعا سئوال انگیز است. از خداوند می خواهیم به ما صبر بدهد تا اینکه تعجیل آنچه را که به تأخیر انداخته، دوست نداشته باشیم. خوب مگر ما تعجیل فرج را از خداوند طلب نمی کنیم؟ پس قطعاً تعجیل فرج محبوب ماست، اگر محبوب نبود که آن را از خداوند۳.



---

۱- کمال الدّین، باب ۴۵، ح۴۳.

نمی خواستیم. حال چگونه می شود از طرفی تعجیل فرج امام عصر علیه السلام محبوب ما باشد، که آن را از خداوند درخواست می کنیم و از طرف دیگر از خدا بخواهیم که تعجیل آنچه به تأخیر انداخته، محبوب ما نباشد، مگر فرج امام علیه السلام از چیزهایی نیست که خداوند آن را به تأخیر انداخته است؟ اگر نبوده پس چرا تاکنون فرج ایشان محقّق نشده است و اگر هست پس دوست نداشتن تعجیل آن با دعا برای تعجیل فرج چگونه سازگار است؟ در واقع اشکال این است که چگونه می شود چیزی هم محبوب انسان باشد و هم نباشد. اگر تعجیل فرج امام عصر علیه السلام محبوب ما هست که هست، عبارت دعای مورد بحث چه معنایی دارد؟

اشکال را از جانب دیگر مسأله هم می توانیم مطرح کنیم و آن اینکه اگر غیبت امام زمان علیه السلام مصداق عذاب خدا و نوعی مصیبت است که هست، بنابراین باید برای ما تلخ و ناگوار باشد و اگر چنین است، پس چرا تعجیل آنچه را که خداوند به تأخیر انداخته را دوست نداشته باشیم؟ مگر تعجیل در این امر، باعث رفع غیبت - که برای مؤمنان ناخوشایند است- نمی شود؟ پس چه وجهی برای دوست نداشتن این تعجیل می توانیم قائل شویم؟

## تعجیل فرج یا تعجیل در آنچه خداوند به تأخیر انداخته است؟

پاسخ به این سؤال یا اشکال بسیار ساده است. کافی است توجّه کنیم که در عبارت منقول از دعای امام عصر علیه السلام، گفته اند که ما تعجیل در آنچه خداوند به تأخیر انداخته را دوست نداشته باشیم و نگفته اند که تعجیل در فرج امام علیه السلام را دوست نداشته باشیم. برای اینکه تفاوت ظریف بین این دو روشن شود، مثالی ذکر می کنیم.

فرض کنید فرزندمان بیمار شده یعنی قضای تکوینی خداوند به بیماری او تعلّق گرفته است. در این صورت وظیفه ما به عنوان یک بنده متعبّد خدا چیست؟ همان طور که در بخش اوّل کتاب به تفصیل بیان شد، خداوند طلب عافیت را برای بندگانش می پسندد و یکی از حکمت های مبتلا شدن آنان به بلاهایی چون بیماری این است که به درگاه خدا تضرّع کنند. بنابراین دعا کردن برای رفع بیماری قطعاً مطلوب و

محبوب خداوند است. به بیان دیگر انسان بیمار برای حفظ سلامت خود باید به اسباب و وسائط آن متوسّل شود که یکی از این اسباب دعا کردن است. در واقع لازمه تسلیم به قضای تشریعی پروردگار، روی آوردن به دعا برای طلب عافیت می باشد. چنانچه قبلاً گذشت لزوم تسلیم به قضای الهی اقتضا می کند که هم به قضای تکوینی و هم به قضای تشریعی او راضی باشیم و طبق آنها عمل کنیم. قضای تکوینی خدا همان چیزی است که در عالم تکوین واقع می شود و قضای تشریعی اش عبارت است از امر و نهی او. چون می دانیم که خداوند در هنگام نزول بلا (مانند بیماری) به دعا برای رفع بلا امر فرموده است، پس لازمه تسلیم شدن به قضای تشریعی او، امتثال این امر می باشد.

امّا تسلیم شدن به قضای تکوینی خداوند چگونه می شود؟ اگر خواست تکوینی او به وقوع چیزی تعلّق بگیرد، باید به آن راضی و خشنود بود. لذا اکنون که فرزندمان بیمار شده، راضی بودن به قضای الهی این است که به بیماری فرزند تاکنون راضی باشیم، امّا نسبت به آینده چطور؟ چون مقدّرات الهی در مورد آینده را نمی دانیم، باید به مقتضای اراده تشریعی خداوند، برای شفای فرزندمان دعا کنیم، آنگاه اگر او شفا پیدا کرد، به سلامتش راضی باشیم و اگر شفا نیافت به بیماری اش رضایت بدهیم. بنابراین اگر کسی یک هفته پس از شروع بیماری فرزندش برای سلامت او دعا کند ولی اثری از شفا نبیند، باید به بیماری فرزندش در این یک هفته راضی و خشنود باشد و از تقدیرات الهی در این یک هفته گذشته ناخشنود نباشد؛ امّا نباید از دعا برای عافیت فرزندش دست بردارد، باید به دعاهایش ادامه دهد، اگر باز هم قضای تکوینی خداوند به بیماری فرزند تعلّق گرفت، باز هم به آن راضی باشد.

نکته مورد توجّه در این مثال این است که راضی بودن به قضای تکوینی خدا معنایش این نیست که اگر فعلاً بلایی نازل شده، برای رفع آن بلا دعا نکنیم. بلکه باید به آنچه تا الآن خدا اراده (تکوینی) فرموده، راضی بود امّا نسبت به از این به بعد باید طبق اراده تشریعی خداوند برای رفع بلای نازل شده تلاش کرد و دعا هم یکی از همین تلاش هاست. حال پس از دعا کردن، هرچه تکویناً مقدّر شد باید به آن راضی و

خشنود بود. اگر بلا رفع شد به رفع بلا و اگر باقی ماند به بقای آن باید راضی شد. البتّه بلا و گرفتاری برای انسان عموماً تلخ و ناخوشایند است. امّا مؤمنی که راضی به قضای الهی است، هرچه ایمانش قوی تر و معرفتش به خداوند عمیق تر باشد، صبر بر بلاـ برایش راحت تر و تلخی آن برایش قابل تحمّل تر می شود. ممکن است ایمان شخص به درجه ای برسد که خواست تکوینی خدا برایش محبوب گردد و در نتیجه تلخی بلاـیی که بر او نازل شده در کامش از بین برود. این درجه هرچند به سادگی حاصل نمی شود، امّا رسیدن به آن محال نیست و کسی که به این مرتبه نائل نشده، نمی تواند وقوع آن را نفی نماید. در مثال مورد بحث هرچند که بیماری فرزند برای انسان تلخ و ناگوار است، امّا انسان با ازدیاد درجه ایمانش می تواند به رتبه ای برسد که این تلخی در کامش کمتر و کمتر شود و در نهایت، به خاطر اینکه می فهمد خداوند برایش چنین پسندیده، چون محو در رضای اوست، تحمّل بیماری فرزند برایش آسان می گردد و همان را برای خود می پسندد. این جاست که می توانیم ادّعا کنیم که آن بلا و مصیبت (از جهت اینکه یقین کرده خدا برایش آن حال را می خواهد نه از جهت بلا و مصیبت بودنش) برایش محبوب شده است.

این حالت وقتی اتّفاق می افتد که انسان مؤمن یقین پیدا کند که خداوند برای او بلا و مصیبت را پسندیده است و این تنها نسبت به گذشته پیش می آید نه آینده. یعنی وقتی شخص برای رفع بلای نازل شده دعا می کند، نمی داند که خدا دعایش را مستجاب می کند یا خیر و نمی داند که آن بلا رفع می شود یا نه. اگر بلا رفع نشد، آن وقت یقین می کند که خدا - فقط در مدّت زمانی که آن بلا رفع نشد- برایش حال بلا را پسندیده است، امّا نسبت به آینده باز هم نمی داندکه تقدیر الهی و قضای او چیست و راضی بودن به قضای تکوینی او چه اقتضایی دارد. با این ترتیب همیشه صرفاً نسبت به آنچه تا هنگام دعا کردن واقع شده، می توانیم - از جهت لزوم رضایت به قضای الهی - راضی و خشنود باشیم، امّا نسبت به آینده نمی توانیم چنین قضاوت کنیم چون قضای خدا را در آینده نمی دانیم. فقط به صورت مبهم و کلّی می توانیم بگوییم که هرچه خداوند

برایمان بخواهد، به آن راضی هستیم. امّا آن چیز بلاست یا رفع بلا، از قبل نمی دانیم. در هر حال وظیفه ما – از جهت تسلیم به قضای تشریعی خداوند – تا وقتی که بلا هست، دعا کردن برای رفع آن است.

این مطلب را عیناً می توانیم در مورد غیبت امام عصر علیه السلام نیز ساری و جاری بدانیم. امّا نکته این است که این غیبت نوعی عذاب الهی است که ما به مقتضای عدل او گرفتارش شده ایم. پس این امر – از جهت مصیبت بودنش – خوشایند ما نیست و نباید باشد. حال که به چنین بلایی گرفتار شده ایم، چه وظیفه ای داریم؟ نمی توانیم بگوییم که چون باید به قضای تکوینی خداوند راضی باشیم، پس دست روی دست بگذاریم و برای رفع این بلا اقدامی نکنیم، این برداشت قطعاً نادرست است. ما وظیفه داریم که برای جلب رحمت الهی و اینکه از سر تقصیرات ما بگذرد، تلاش کنیم و یکی از تلاش ها این است که برای خاتمه یافتن غیبت مولایمان دست به دعا بلند کنیم. این عمل مقتضای تسلیم شدن به قضای تشریعی خداست که اوامر متعدّدی درباره دعا برای رفع بلا ـ و به طور خاصّ برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام فرموده است. بنابراین ما باید برای رفع بلای غیبت امامان دعا کنیم، نتیجه آن هرچه می خواهد باشد. اگر خدا در امر فرج امام علیه السلام تعجیل فرمود، به آن راضی باشیم و اگر نفرمود، باز هم راضی باشیم. پس اگر به فرض یک سال دعا کردیم ولی در این مدّت تعجیل فرج صورت نگرفت و خدا آن را از یک سال به تأخیر انداخت، ما باید به این تأخیر انداختن راضی باشیم.

دعایی که در توقیع شریف امام عصر علیه السلام آمده، ناظر به همین فرض است. عرضه می داریم:

حَتّی لا اُحِبَّ تَعجیلَ ما اَخَّرتَ.

«تَعجیلَ ما اخَّرتَ» یعنی اینکه اگر چیزی مصداق «ما اَخَّرتَ» شد، آن وقت تعجیل در آن را دوست نداشته باشیم. چه موقع این فرض اتّفاق می افتد؟ وقتی یک سال بگذرد و در این مدّت فرج امام عصر علیه السلام واقع نشود یا به تعبیر دیگر فرج از این یک سال به

تأخیر افتد. اگر چنین شد، مقتضای تسلیم بودن به قضای تکوینی الهی این است که جلو افتادن آن را دوست نداشته باشیم. به زبان ساده تر اگر تا یک سال که ما دعا کردیم، فرج امام زمان علیه السلام واقع نشد، به واقع نشدن ظهور در این یک سال گذشته راضی و خشنود باشیم و در دل نگوییم: چرا حضرت ظهور نکردند؟ در این صورت اگر ایمان ما در درجه بالایی باشد، نه تنها می توانیم تلخی طولانی شدن غیبت را در این یک سال تحمّل کنیم بلکه همان چیزی که خداوند تکویناً خواسته است، محبوب ما می شود. یعنی با وجود آنکه غیبت امام علیه السلام یک امر دوست داشتنی نیست امّا چون خدا آن را خواسته است، می تواند محبوب انسان شود به اعتبار اینکه خدا خواسته نه اینکه فی نفسه محبوب باشد. ممکن است در چیزی دو جهت وجود داشته باشد که از یک جهت محبوب باشد و از یک جهت نباشد. غیبت امام عصر علیه السلام از جهت اینکه مصداق عذاب الهی است، دوست داشتنی نمی باشد، امّا در مدت زمانی که خداوند وقوع آن را بخواهد، به دلیل اینکه او خواسته، می تواند محبوب باشد.

## لزوم تفکیک دو جهت در مقتضای عدل الهی

برای روشن تر شدن این نکته به صورت کلّی، عرض می کنیم که اگر خداوند کسی را تنبیه کند، به مقتضای عدلش با او رفتار کرده است. تنبیه و عقوبت الهی فضل او نیست بلکه مصداق عدل خداست. در این جا دو جنبه وجود دارد: یک جنبه آن این است که شخص گناهی کرده که مستحقّ تنبیه الهی شده است و جنبه دیگرش کاری است که خدا در حقّ او انجام می دهد. حال، این فرد گناهکار اگر بخواهد راضی به قضای خدا باشد، باید چگونه عمل کند؟ از هر یک از این دو جهت یک وظیفه خاص دارد: از جهت اوّل نباید به آنچه اتّفاق افتاده راضی باشد، چون منشأ تنبیه شدنش گناه خودش است و نباید به گناهی که نتیجه اش عقوبت الهی بوده، راضی باشد. به تعبیر دیگر باید از گناهی که انجام داده و در نتیجه به بلای خداوند گرفتار آمده، ناراضی و ناراحت باشد. امّا از جهت دوم باید به آنچه اتّفاق افتاده راضی باشد.

جنبه دوم، کار خدا و تنبیه اوست. بنده خدا باید به آنچه خدا می خواهد و

انجام می دهـد، راضـی باشـد. یعنی اگر بخواهد با عدلش با بنده ای رفتار کند، به عدل او راضـی باشد و اگر هم با فضل خود رفتار نمود، به فضـلش راضـی باشـد. پس اکنون که بنده گرفتار عدل الهی شده، باید به اینکه خداوند با عدلش با او رفتار می کند، راضـی و خشـنود باشد. البتّه تحمّل عقوبت و تنبیه، سخت و ناگوار است ولی هرچه ایمان می چشد، بلکه ممکن است به درجه ای برسـد که تحمّل آن برایش محبوب شود به خاطر آنکه مورد رضای خداست نه اینکه فی نفسه امر مطلوب و محبوبی است.

غیبت امام عصـر علیه السـلام هم یک نوع تنبیه و عقوبت برای ما به شمار می آید: همان دو جنبه ای که به صورت کلّی در هر تنبیهی مطرح کردیم، این جا هم مصداق پیدامی کند. جنبه اوّل به تقصـیرات ما برمی گردد که ما را مسـتحقّ این عقوبت کرده و جنبه دوم به اینکه خداوند خواسـته با عدل خود با ما رفتار نماید. از جنبه اوّل نباید به این عذاب و تنبیه الهی راضـی باشـیم و از جنبه دوم بایـد به آن رضا دهیم. جهت اوّل به خودمان برمی گردد که می دانیم اگر شـکر نعمت های الهی را - به خصوص در مورد نعمت وجود امام زمان علیه السـلام - چنانچه بایـد ادا می کردیم، قطعاً گرفتار عـذاب غیبت امامـان نمی شدیم و این بلای بزرگ بر ما نازل نمی شد. بنابراین از این جهت به آنچه پیش آمده (غیبت امام عصـر علیه السـلام) راضـی نیستیم و نباید باشیم. در واقع از اینکه به خاطر ناشکری هایمان مستحقّ این عقوبت شده ایم، راضی و خشنود نیستیم.

امّا از طرف دیگر از تنبیه خدا و چوب زدن او نمی توانیم ناراضی باشیم. چون می دانیم که این عقوبت مقتضای عدل خداست باید به عدل او هم راضـی باشـیم، همان طور که به فضل او راضـی هستیم و این جا هم چنین است. ما می دانیم که به قهر الهی گرفتار آمده ایم و ایمان ما اجازه نمی دهد که از قهر خداوند ناخشـنود باشیم. در واقع ما باید به عدل خدا راضی باشیم صرف نظر از مقتضای آن. پس در مورد غیبت امام زمان علیه السـلام چون می دانیم که عدل الهی چنین اقتضایی داشته، به آن راضی هستیم. بنابراین غیبت مولایمان فی نفسه برای ما محبوب نمی شود، بلکه اگر مقتضای عـدل و قهر خـدا چنین شد، به آن اعتبار محبوب می شود. بنابراین آنچه محبوب می گردد،

قضای الهی است نه پنهانی امام عصر علیه السلام. عبارت دعا هم بر چیزی بیش از این دلالت نمی کند.

البتّه همان طور که گفتیم این مربوط به وقتی است که کار از کار گذشته و ما یقین کرده باشیم که خداوند دوست دارد ما را مبتلا به غیبت امام زمان علیه السلام ببیند. یقین ما نسبت به این امر مربوط به چه زمانی می شود؟ فقط گذشته تا حال را شامل می شود و آینده را در بر نمی گیرد. ما در حال حاضر نمی دانیم که آیا از این به بعد هم خداوند، مبتلاـ بودن ما به غیبت مولایمان را می پسندد یا خیر. چون نمی دانیم پس نمی توانیم از جهت راضی بودن به قضای الهی به تأخیر افتادن فرج امام علیه السلام در آینده هم راضی باشیم، بلکه - به خاطر سفارشات متعدّدی که در مورد لزوم دعا برای تعجیل فرج وارد شده - باید تعجیل فرج را دوست داشته باشیم و در واقع به تأخیر نیفتادن فرج را در آینده دوست بداریم. بنابراین آنچه در دعای امام عصر علیه السلام آمده این است که ما جلو انداختن آنچه خداوند به تأخیر انداخته (در گذشته) را دوست نداشته باشیم، امّا تعجیل در فرج را (در آینده) باید دوست داشته باشیم و این دو با یکدیگر هیچ تعارضی ندارند.

## تقاضای سطح بالا در دعای توقیع امام علیه السلام

البتّه این عبارت دعا که مورد بحث ماست، یک تقاضای سطح بالا می باشد که نصیب هرکسی نمی شود. بسیاری از مؤمنان ممکن است به مقام رضا به قضای الهی برسند، امّا آن امر برایشان محبوب نشود.

لازمه راضی شدن به چیزی این نیست که آن چیز برای انسان محبوب هم بشود. بلا و مصیبت محبوب آدمی نیست ولی انسان مؤمن به آن راضی می شود. راضی شدن می تواند در این حد باشد که اعتراض و ناخشنودی نسبت به آن نداشته باشد. حدّ بالای رضایت این است که آنچه خدا برایش پسندیده را دوست بدارد، به این دلیل که خدا پسندیده است. ما در دعای منقول از توقیع امام عصر علیه السلام چنین سطحی از رضایت به قضای الهی را از خداوند طلب می کنیم که می گوییم: حتّی لا اُحِبَّ. اگر کسی این دعا

برایش مستجاب شود، آن وقت به بالاترین مرتبه رضا و تسلیم به حکم پروردگار رسیده است. امّا اگر به این حد هم نرسد، ممکن است مرتبه پایین آن را به دست آورده باشد که از آنچه خداوند خواسته، ناراضی نباشد. این رتبه برای حفظ ایمان هم کافی است و هم لازم چون ولی اگر به این حد هم نرسد، به ایمانش لطمه وارد می شود، زیرا نشانه ایمان - چنانچه در بخش اوّل کتاب گذشت - رضا و تسلیم به خواست خداوند است.

## نفی استعجال در مورد ظهور امام عصر علیه السلام

برای تکمیل بحث درباره عبارت توقیع امام عصر علیه السلام و نتیجه گیری نهایی از آن باید به جملات قبل و بعد آن هم یک نگاه مجموعی بیندازیم:

أنتَ العالِمُ غَیرُ المُعَلَّم بِالوَقتِ الَّذی فیه صَلاحُ اَمرِ وَلیِّکَ فی الإذنِ لَه بِاِظهارِ أمرِهِ وَ کَشفِ سِترِهِ فَصَبِّرنی علی ذلِکَ حَتّی لاأُحِبَّ تَعجیلَ ما اَخَّرتَ ولا تَأخِیرَ ما عَجَّلتَ ولا اَکشِفَ عَمّا سَتَرتَهُ وَلا أبحَثَ عَمّا کَتَمتَهُ وَلا اُنازِعَکَ فی تَدبیرِکَ ولا اَقُولَ: لِمَ وَ کَیفَ وَما بالُ وَلیِّ الأمرِ لا یَظهَرُ وَقَد امتَلَأَتِ الأَرضُ مِنَ الجَورِ؟ وَ اُفَوِّضُ اُمُوری کُلَّها اِلَیکَ.(۱)

تو دانای بدون (نیاز به) تعلّم هستی به آن زمانی که اجازه دادن به ولیّت برای آشکار کردن امرش و پرده برداری از رازش، به مصلت کار اوست. پس به من برای تحمّل آن صبر بده تا جلو انداختن آنچه به تأخیر انداخته ای و نیز به عقب انداختن آنچه جلو انداخته ای را دوست نداشته باشم و از آنچه پوشانده ای، پرده بر ندارم و از آنچه کتمان کرده ای، جستجو نکنم و در تدبیرت با تو به نزاع در نیایم و نگویم: چرا و چگونه و چه شده که ولیّ امر ظاهر نمی شود در حالی که زمین از ستم پر شده است؟! و همه کارهایم را به تو واگذار نمایم.۳.

ص: ۶۳

---

۱- کمال الدّین، باب ۴۵، ح۴۳.

در این عبارات عرضه می داریم: خدایا ما تو را به آن زمانی که مصلحت ظهور امام زمان علیه السلام هست، دانا و عالم می دانیم. یعنی ما هرچند که از غیبت ایشان ناراحتیم و تعجیل در فرجشان را می خواهیم، امّا به زمانی که ظهور ایشان مصلحت خودشان هست، آگاه نیستیم. چون چنین است، پس به ما صبر بده تا جلو انداختن آنچه را که تو (خدا) به تأخیر انداخته ای را دوست نداشته باشیم. منظور این است که اگر غیبت مولایمان طولانی شد و آن طور که ما می خواستیم و برای تحقّقش دعا می کردیم، در زمان آن تعجیل نشد؛ بی تابی نکنیم، صبر خود را از دست ندهیم، از آنچه علمش را از ما پوشانده ای جستجو و کاوش نکنیم، در چگونگی اراده و تدبیرت با توبه نزاع در نیاییم و خلاصه هیچ گونه اعتراضی به کار تو و رضای تو نداشته باشیم، بلکه همه امور خود را به تو (خدا) واگذار نماییم.

آنچه در این عبارات ظهور و بلکه صراحت دارد این است که ما به دلیل اینکه نمی دانیم چه موقع ظهور امام عصر علیه السلام به مصلحت ایشان است و اسرار پشت پرده الهی را مطّلع نیستیم، نباید در ظهور آن حضرت به «استعجال» بیفتیم. این استعجال ایمان انسان را تباه می کند چون او را از اصل ایمان که همان تسلیم به مقدّرات الهی است، خارج می سازد. راه نجات در زمان غیبت کبری امام عصر علیه السلام، تسلیم بودن است، چنانچه امام جواد علیه السلام فرمودند:

یَهلِکُ فیها المُستَعجِلُونَ وَ یَنجُو فیها المُسَلِّمُونَ.(۱)

(در زمان غیبت کبری) شتاب کنندگان هلاک می شوند و تسلیم شوندگان نجات می یابند.

با این ترتیب روشن است که شتاب ورزیدن در وقت ظهور امام زمان علیه السلام امر مذمومی است و دعا برای تعجیل فرج ربطی به این استعجال مذموم ندارد. این بحث را با نقل مطلبی از کتاب شریف «مکیال المکارم» به پایان می بریم. مؤلّف گرانقدر آن فرموده اند: استعجال دو نوع است، یکی مذموم و دیگری ممدوح. مذموم آن است که۳.



---

۱- همان، باب ۳۶، ح۳.

پیش از رسیدن وقت چیزی، وقوع آن را طلب کنیم که این عقلاً و نقلاً قبیح است. استعجال ممدوح آن است که چیزی را در اوّلین وقتی که امکان وقوع دارد، طلب نماییم. از آنجا که ظهور حضرت صاحب الامر علیه السلام از اموری است که امکان جلو افتادن زمانش به اراده خداوند، وجود دارد (به اصلاح از امور بداءپذیر است) و ضمناً منافع بی شماری هم بر آن مترتّب می باشد، ایمان مؤمن ایجاب می کند که به دعا برای تعجیل ظهور اهتمام ورزد تا در اوّلین زمانی که مصلحت هست، واقع شود و تا رسیدن این زمان صبر و تسلیم را پیشه خود قرار دهد.(۱)

### ب- آثار دعا در حقّ ولیّ عصر عجل الله تعالی فرجه الشّریف برای دعاکننده

دعا در حقّ امام عصر علیه السلام علاوه بر فوائدی که برای خود آن حضرت دارد، برای دعا کننده نیز آثار و نتایجی دارد که اکنون به بیان این بحث می پردازیم.

### ۱۰۲ فایده دعا در حقّ امام زمان علیه السلام برای دعاکننده

در کتاب گرانقدر «مکیال المکارم فی فوائد الدّعاء للقائم علیه السلام» چنانچه از عنوانش پیداست، ۱۰۲ فایده دعا در حقّ امام زمان علیه السلام برای دعا کننده با استناد با ادّله نقلی معتبر بیان شده است.(۲) چون توضیح کافی برای هریک در این کتاب شریف ذکر شده، ما از نقل و شرح آنها در این جا خودداری می کنیم و تنها به بیان یکی از این فوائد که تحت عنوان «المکرمه الاولی» آمده است با ذکر توضیحات اضافی می پردازیم.(۳)

امّا پیش از بیان این فایده، خوب است اشکال و پاسخی را که مؤلّف کتاب «مکیال المکارم» در همین خصوص آورده اند، عیناً از کتاب دیگر ایشان نقل نماییم تا ارزش دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام بیش از پیش روشن گردد:۹.



---

۱- مکیال المکارم، ج۱، ص ۳۰۲ و ۳۰۳.

۲- مکیال المکارم، ج۱، ص ۳۰۳ تا ۵۱۴: ابتدا ۹۰ مکرمه و در انتها ۱۲ مکرمه ذکر شده است.

۳- همان، ص ۳۰۹.

بسا هست که بعضی از کوته نظران استبعاد کنند، و بگویند: چگونه به ازای عمل کوچک مختصری، این همه مثوبات و منافع داده می شود، و جواب از این شبهه از سه راه است:

اوّل: آنکه این عمل شریف(۱) کوچک نیست در نزد اهل بصیرت تا آنکه جای این استبعاد باشد، بلکه در نهایت بزرگی و کمال عظمت شأن است، و کوچکی و بزرگی هر چیزی را عارف و عالم به آن می داند، مثل آنکه یک دانه جواهر کوچک، بسا می شود پنج هزار تومان قیمت دارد، لکن اهل خبره آن می داند، و شخص ناشی را نمی رسد که به آن دانا اعتراض کند که چرا این دانه را این قدر زیاد قیمت کردی، و عالم به شأن و قیمت این دعا، خلّاق عالمیان و خاتم پیغمبران و ائمّه طاهرین علیهم السلام می باشند. و مَثَل دعای به امام زمان روحی و ارواح العالمین فداه، مَثَل کَلِمَتَین شهادتین است، هرچند کوچک و مختصر است، لکن به محض گفتن، شخص کافر، مسلم و پاک و محترم و بهشتی می شود، و هکذا سایر آثاری که دارد و کسی را نمی رسد که برای اختصار کلمه و آسانی آن، انکار آثار آن را نماید.

جواب دوم: آنکه ثواب هایی که حق تعالی به ازای هر عملی عطا می فرماید، از راه تفضّل است نه استحقاق شخص و مَثَل این دعا و سایر عبادات، مَثَل هدیه ای است که شخص محتاج به خدمت شخص کریم می برد، یقین است آن کریم ملاحظه قیمت هدیه را نمی کند، بلکه به مقتضای کرم خود انعام می فرماید؛ بسا هست یک گل به او تعارف می کنند، صد تومان انعام می دهد و همه کس او را تحسین می کند. در حدیث است که کنیزی از کنیزان حضرت امام حسین علیه السلام یک دانه گل به آن حضرت تعارف کرد، آن جناب او را آزاد نمودند.

جواب سوم: آنکه، تمام این عطاها و مثوبات که به دعاکننده در حقّ امام زمان علیه السلام عطا می شود، فی الحقیقه عطیّه خداوند جلّ شأنه است به خود آن حضرت، و اکرام آن حضرت است، و واضح است که آن جناب استحقاقم.

ص: ۶۶

---

۱- یعنی دعا به جهت تعجیل در ظهور و فرج امام زمان علیه السلام.

این مراتب و ما فوق آنها را دارند. مثلاً هرگاه شخص بزرگی، شخص بزرگ دیگری را ضیافت نمود، نسبت به هر یک از خادمان و اتباع و غلامان او احسان ها و انعام هایی می کند که آنها به خودی خود، لیاقت آن گونه تجلیلات را ندارند، لکن به جهت انتساب و تعلّقشان به آن شخص بزرگ مورد آن الطاف می شوند و اینها در حقیقت تجلیل و احترام صاحب آنهاست ولهذا اگر اندکی کوتاهی در احترامات هریک از آنها، علی حَسَبِ مراتِبِهم بشود، باعث تکدّر خاطر و گله آن شخص بزرگ می شود، چنانچه کثرت ثوابها و عطاهایی هم که به زیارت کنندگان و گریه کنندگان حضرت سیّدالشّهداء علیه السلام عنایت می شود، از جهت انتساب و تعلّق ایشان است به آن حضرت نه از جهت استحقاق خودشان.

نثار حسن جمال حبیب اگر آرنددو عالمی ز کریمان عجب نپندارند(۱)

با عنایت به اهمیّت این عبادت بزرگ (دعا برای تعجیل فرج) اکنون اوّلین فایده آن برای دعا کننده را توضیح می دهیم که عبارت است از: فرج دعا کننده. این فایده از صریح عبارت توقیع امام عصر علیه السلام استفاده می شود که فرمودند:

اَکثِرُوا الدُّعاءَ بِتَعجیلِ الفَرَجِ فَاِنَّ ذلِکَ فَرَجُکُم.

در این فرمایش دعا کردن برای تعجیل فرج یا بنابر احتمال ارجح زیاد دعا کردن برای آن، خود به عنوان فرج دعاکننده مطرح شده است. این فرج به پنج صورت می تواند محقّق شود:(۲)

### فرج دعاکننده به سبب دعا و احسان امام عصر علیه السلام

۱- دعایی که انسان در حقّ امامش می کند، وسیله و بهانه جلب توجّه و عنایت آن حضرت به سوی اوست. این دعا نوعی احسان و هدیه به پیشگاه آقایی کریم و بزرگوارت.



---

۱- کنز الغنائم فی فوائد الدّعاء للقائم علیه السلام، ص ۱۰۰ تا ۱۰۲.

۲- سه صورت اوّل با الهام از مطالب «مکیال المکارم فی فوائد الدّعاء للقائم علیه السلام»، ج ۱، ص ۳۰۹ مطرح شده است.

است که آن احسان را به بهتر از خودش تلافی می کند. ما در معرّفی ائمّه علیهم السلام آنها را به صفت کریم می خوانیم. در زیارت روز جمعه که متعلّق به مولایمان امام زمان علیه السلام است، به ایشان چنین خطاب می کنیم:

أنتَ یا مَولایَ کریمٌ مِن اَولادِ الکِرامِ.(۱)

همچنین در زیارت جامعه کبیره خطاب به همه امامان علیهم السلام عرضه می داریم:

عادَتُکُم الِاحسانُ و سَجِیَّتُکُمُ الکَرَم.(۲)

شخص کریم اگر از جانب کسی مورد احسان قرار بگیرد نمی تواند احسان او را پاسخ بگوید، بلکه چون آقا و بزرگوار است آن را به لطف و احسانی برتر از آنچه در حقّش صورت گرفته، تلافی خواهد کرد. در فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام در معرّفی کریم می خوانیم:

الکریمُ یَری مَکارِمَ اَفعالِهِ دَیناً علیه یَقضیه.(۳)

شخص کریم نیکی های اعمال خود را بدهی خود تلقّی می کند که باید آن را ادا نماید.

افراد عادی عمل به نیکی ها و مکارم اخلاق را وظیفه و دین خود نمی شمارند و انتظار دیگران هم از هرکسی چنین نیست، ولی افراد کریم و بزرگوار چنین هستند که نیکی کردن را بر خود فرض و لازم می شمارند. چنین کسی اگر مورد محبّت و احسان دیگری قرار بگیرد به طریق اولی خود را موظّف می داند که آن احسان را به بهترین صورت تلافی کند و این تلافی کردن را بر خود دین و بدهی حساب می کند. لذاست که می توانیم بگوییم: اگر کسی در حقّ امام زمان علیه السلام دعا کند، با عرضه کردن این هدیه ناقابل خواسته است در حدّ توانش به مولای خود احسان و نیکی نماید و از همین جهت می تواند امیدوار باشد که به نحوی امام عصر علیه السلام را مدیون خود نموده است.۶.



---

۱- جمال الاسبوع، ص۴۲.
۲- من لا یحضره الفقیه، ج۲، ص۶۱۶.
۳- غرر الحکم و درر الکلم، حدیث ۸۸۸۶.

البتّه می دانیم که هیچکس بـا انجـام هیـچ کار خیری در حقّ امامش، بر عهـده ایشان حقّی پیـدا نمی کنـد، زیرا توفیق هر عمل خیری به یُمن وجود آن حضـرت نصـیب انسان می گردد. ولی از آنجا که ایشان کریم و بزرگوار هسـتند، طبق فرموده جدّشان امیرالمؤمنین علیه السـلام پاسخ دادن به احسان یکی از دوسـتان خود را بر خود لازم می شمارند و بنابراین کار خیر او را با خیر بهتری تلافی خواهند فرمود. از این جهت دعاکننده در حقّ ایشان می تواند امیدوار باشد که امام علیه السـلام پاسخ دعای او را بـا دعـای بهتر و کامـل تری خواهنـد داد تا به آرزوهایش در دنیا و آخرت برسـد و گرفتاری هایش رفع شود یا اینکه خود آن حضرت مستقیماً از او دستگیری فرموده و حاجاتش را برآورده سازند.

البتّه ناگفته نماند که چنین رفتاری از جانب امام عصـر علیه السـلام بر ایشان ضرورت ندارد، یعنی لزومی ندارد که آن حضرت بر طبق کرم و آقـایی خود بـا دعاکننـده در حقّ خویش رفتـار نماینـد. کرم نمودن لطف و فضـل است و لطف کردن بر ایشـان واجب نیست. ما آنقدر در ادای حقوق مولایمان کوتاهی کرده ایم که اگر ایشان به کلّی به ما بی اعتنایی فرموده و پاسخ سلام ما را هم ندهنـد، اسـتحقاقش را داریم. اگر کسـی در خود لیاقت اینکه آقا و مولا جواب سـلام و احسانش را بدهنـد، می بیند، بسـیار بسیار در اشتباه است. چنین کسی باید ابتدا با حقوق امام زمان علیه السلام بر خود آشنا شود و سپس بررسی کند و ببیند آیا در ادای آنها یا بخشـی از آنها موفّق بوده است یا خیر. با این بررسـی خواهـد فهمیـد که آنچه در حقّ امامش انجام داده در مقایسه با آنچه می بایست انجام می داده، اصـلاً قابل ذکر و توجّه نیست. این جاست که تصـدیق می کند مورد لطف امام علیه السـلام قرار گرفتـن از جهـت لیـاقت و اسـتحقاق نیسـت، بلکه صـرفاً به آقـایی و کرم خـود ایشـان مربـوط می شـود که از سـر تقصیرات دعاکننده بگذرند و به روی او نیاورند و پاسخ احسان او را بدهند. پس اگر هم در موردی با او از در اکرام و احسان وارد نشدنـد، هیـچ حقّی را از او ضایع نکرده انـد و چیزی بر عهده ایشان باقی نمی ماند. به هر حال اولین حالت فرج دعاکننده این است که به خاطر دعایش، احسان و کرم مولایش را - از طریق دعای آن حضـرت یا هر نوع لطف دیگری - به سوی خود جلب نماید.

ص: ۶۹

### فرج دعاکننده به خاطر یاری کردن امام زمان علیه السلام

۲- صورت دیگری که برای فرج دعاکننده در حقّ امام زمان علیه السلام فرض می شود این است که خداوند به جای برآوردن حاجت او، به شکل دیگری دعایش را مستجاب فرماید. ما در بخش اوّل کتاب (فصل سوم) معنای عامّ اجابت دعا و انواع اجابت مثبت را با استناد به احادیث ائمّه علیهم السلام برشمردیم. در آن بحث روشن شد که اجابت دعا فقط به این نیست که حاجت دعاکننده، مطابق آنچه خودش خواسته، محقّق شود. بلکه گاهی عطایی بهتر از آنچه او طلبیده، نصیبش می گردد یا شرّ و بلایی از او دفع می شود، یا آن دعا باعث آمرزش گناهانش می گردد یا ذخیره آخرت او خواهد شد و یا ... به هر حال دعا اگر با شرایطش واقع شود، بدون اجابت نمی ماند.

با این ترتیب اگر کسی برای تعجیل فرج مولایش دست به دعا بلند کند و با سوز دل خلاصی آن حضرت را از رنج ها و مصائب زمان غیبت طلب نماید، از دو حال خارج نیست: یا خداوند به دعای او فرج امام عصر علیه السلام را جلو می اندازد که در این صورت دعا کننده سهمی در تعجیل فرج آن حضرت پیدا می کند که این خود توفیق بسیار بزرگی برای اوست. یا اینکه خداوند دعای او را به صورت دیگری اجابت می فرماید، مثلاً بلا و مصیبتی را از او دفع می نماید، خود دعاکننده متوجّه نمی شود که در پس پرده چه گذشت و چه بسا اصلاً نفهمد که چه بلایی برایش مقدّر شده بود، ولی در واقع از بسیاری شرور و بدبختی ها در امان می ماند، به خاطر دعاهایی که خالصانه در حقّ امام زمانش کرده بود. نکته لطیفی را مرحوم صاحب مکیال در این فرض تذکر داده اند که بیان آن برایمان بسیار مفید است. ایشان می فرماید: دعا برای مولای مظلوممان مصداق یاری کردن مظلوم است و یاری رساندن به مظلوم سبب یاری شدن شخص از ناحیه خداوند می باشد.

این بحث مستقلاً به عنوان چهل و پنجمین فایده دعا در حقّ امام زمان علیه السلام در کتاب شریف مکیال المکارم مطرح شده و ضمن آن توضیحات کافی هم آمده است.(۱)۲.



---

۱- مکیال المکارم، ج ۱، ص ۴۳۹ تا ۴۴۲.

برای تـوجّه کردن به این موضوع ابتـدا بایـد مظلومیّت امـام عصـر علیه السـلام برایمـان روشن و قطعی شود. مظلوم بودن به این است که حقـوق کسـی پایمـال شود و هرکس حقّ بیشـتری داشـته باشـد، ادای آنهـا هم سـخت تر و مشـکل تر است. در میـان مخلوقـات خداونـد حقوقی که پیـامبر اکرم صـلّی الله علیه و آله و سـلّم و عـترت پـاکش علیهم السـلام بر مـا دارنـد، از هرکس دیگری بیشتر است. تعـداد این حقوق و عمق آنها به اندازه ای است که از حدّ درک و فهم ما بالاتر می باشد. چون این حقوق هم زیـاد است و هم عمیق، رعـایت آنهـا هم لازم تر و مهم تر است. امّـا می توانیم بـا جرأت بگوییم که آنچه از این حقوق به خوبی ادا می شود در مقایسه با آنچه نمی شود، بسیار بسیار ناچیز است، تا آنجا که باید بگوییم اصلاً حقّ ایشان ادا نمی گردد. منظور این است که در کـلّ جهـان بـا توجّه به اینکه امـام عصـر علیه السـلام ولیّ نعمت همه خلاـیق هسـتند، آن حقوقی که از ایشان شـناخته شـده و ادا می شود، چیز قابل ذکر و توجّهی نیست. بنابراین می توانیم ادّعا کنیم که در حال حاضـر در کلّ دنیا فرد زنده ای مظلوم تر از ایشان یافت نمی شود، یعنی امام زمان علیه السلام مظلوم ترین شخص عالَم در حال حاضر هستند.

بـا توجّه به این مقـدمه، نگـاهی به ثواب یـاری کردن مظلوم بینـدازیم. به عنوان نمونه از امـام صادق علیه السـلام نقل شـده که فرمودند"

اِنَّ اللّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فی عَونِ المُؤمِنِ ما کانَ المُؤمِنَ فی عَونِ أخیهِ المُؤمِنِ.(۱)

مادامی که مؤمنی مشغول یاری کردن برادر مؤمنش باشد، خداوند عزّ و جلّ مشغول یاری کردن اوست.

مؤمنی که مشـغول یاری کردن برادر دینی اش است، مشـمول نصرت و یاری خداوند قرار می گیرد. حال اگر آن برادر ایمانی مورد ظلم قرار گرفته باشـد، یـاری کردن او به این است که قـدمی در راه رفع ظلم از او برداشـته شود. قطعـاً می توان گفت که دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام قدمی در راه یاری کردن امام مظلوم عالَم محسوب می شود،ل.

ص: ۷۱

---

۱- بحارالانوار، ج۷۵، ص ۲۰، ح۱۶، به نقل از ثواب الاعمال.

چون خـدای متعال دعا را مؤثّر قرار داده و بر انجام آن تأکیـد ورزیـده است. پس کسـی که تعجیل فرج مولایش را از خداوند طلب کنـد، در واقـع قـدمی در راه رفع مظلومیّت آن عزیز برداشـته و مشـغول یـاری کردن ایشـان شـده است. چنین کسـی طبق فرمـایش امـام صـادق علیه السـلام مشـمول یـاری کردن خداونـد قرار می گیرد و در همه اموری که نیاز به کمک دارد، مورد رسیدگی و عنایت پروردگارش واقع می شود.

## فرج دعاکننده از طریق صبر بر دینداری در زمان غیبت

۳- سومین صورت فرج برای دعاکننده در حقّ امام عصـر علیه السلام این است که اهل صبر و تحمّل در سختی ها و مصیبت ها می شود. کسـی که پشـتوانه اش در هنگام هجوم مصائب، دعا برای تعجیل فرج مولایش است؛ به خاطر سـختی ها از پا درنمی آید و همواره چشم به گشایش الهی دارد که اجابت دعاهایش می باشد. لازمه روی آوردن به دعا این است که دعاکننده حلّ مشـکلات خود را از خـدای متعـال می طلبـد و با وجود فراهم کردن مقـدّمات بشـری، تکیه گاهش در رفع گره ها فقط و فقط پروردگارش است. چنین شخصی هیچ گاه در زیر فشار مصائب از پای درنمی آید و به ناامیدی و یأس نمی افتد.

معمولاً در هنگام هجوم مشکلات و سختی ها، یأس و ناامیدی انسان را شکست می دهد. یعنی پیش از آنکه خود مشکلات او را از پـای درآورنـد، شـکست روحی در برابر آنهـا او را به زمین می زنـد. در این صورت کسـی که پشـتوانه اش نیروی لایزال الهی است، می داند که هیچ قدرتی در برابر قدرت پروردگار توان برابری ندارد. پس اگر خدا بخواهد، او بر همه سـختی ها و مصائب غلبه کرده و از رویارویی با آنها پیروز و موفّق بیرون می آیـد. لذاست که تن به شـکست نمی دهد و خود را نمی بازد و مقاوم و استوار می ایستد.

در زمان غیبت امام زمان علیه السـلام، کسـی که بخواهد در مسـیر دین ورزی اسـتقامت داشـته باشد، به سـختی ها و مشکلات زیـادی مبتلا می شود. اموری که مشاهـده اش برای دیگران سـهل و آسان است، برای او قابل تحمّل نیست و برای حفظ دین و انجام تکالیفش خود را موظّف می داند که پای دینداری اش بایستد و در کوران حوادث بر

اعتقادات حقّه اش ثابت قدم بماند. به فرموده امام حسن عسکری علیه السلام در زمان غیبت امام عصر علیه السلام تنها کسانی از هلاکت در دین نجات پیدا می کنند که اهل دو ویژ گی باشند:

۱- بر اعتقاد به امامت امام غایب ثابت قدم بمانند.

۲- اهل دعا بر تعجیل فرج آن حضرت باشند.(۱)

بنابراین دعا بر تعجیل فرج امام زمان علیه السلام نقش بسیار کلیدی و بی بدیل برای حفظ دین انسان در زمان غیبت دارد. بیشترین خطرها در این زمان متوجّه اصول دین (اعتقادات) و فروع اخلاقی و عملی (اخلاق و احکام) است. مسایل و مشکلات مادّی و دنیوی تا وقتی انسان در دینش تزلزل پیدا نکند، نمی تواند او را از پای درآورد. اگر کسی اهل دعا برای تعجیل فرج امامش بشود، یعنی این عبادت بزرگ جزء برنامه زندگی اش در طول شبانه روز قرار گیرد؛ آنگاه به لطف الهی توان پایداری در برابر هجوم آن چیزهایی که دینش را هدف گرفته اند، پیدا می کند و در برابر همه آنها مقاوم می شود و به انحراف نمی افتد. البتّه این شرط - اهل دعا برای تعجیل فرج بودن - شرط لازم برای تباه نشدن دین انسان است نه شرط کافی. باید - همان طور که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند - ثابت قدم بودن در اعتقاد به امامت امام غایب هم در کنار آن قرار بگیرد تا حفظ دینداری تضمین شود. پس در کنار اهتمام ورزیدن به امر دعا برای امام زمان علیه السلام نباید از اهمیّت و جایگاه منحصر به فرد امام شناسی - مطابق آنچه در کتاب و سنّت آمده - غفلت کرد. باید امامت امام علیه السلام آن گونه که خود ائمّه علیهم السلام معرّفی فرموده اند برای انسان تبیین شده و مورد اعتقاد و باور عمیق قرار گیرد. این پایه اساسی ترین پایه حفظ دین در زمان غیبت است و دعا برای تعجیل فرج و همه ویژگی های دیگر منتظران راستین امام علیه السلام نیز بر همین پایه استوار است؛ و از فروع و شاخه های آن به حساب می آید.

به هر حال کسی که در زمان غیبت اهل دعا برای تعجیل فرج مولایش است، یات.



---

۱- کمال الدّین باب ۳۸، ح۱، متن این حدیث همراه با ترجمه و توضیح در پیش گفتار کتاب آمده است.

همین خواسته اش برآورده می شود که بالاـترین آرزو و فرج برای اوست و یا اینکه به برکت همین دعا فرج و گشایش در مشکلات برایش حاصل می شود که در رأس همه آنها حفظ دین و توفیق یاری امام زمان علیه السلام می باشد. پس بالاترین فرج ها از طریق دعای در حقّ امام عصر علیه السلام برایش حاصل می گردد.

### اکثار دعا بر تعجیل فرج: فرجی بزرگ برای دعاکننده

۴- علاوه بر آنچه بیان شد، با دقّت مجدّد در عبارت توقیع مبارک امام عصر علیه السلام می توانیم معنا و مصداقی لطیف برای فرج دعاکننده را از آن استنباط نماییم. ایشان فرموده اند که نفس اکثار دعا بر تعجیل فرج یعنی زیاد دعا کردن خود مصداق فرج دعا کننده است. اگر در این نکته تأمّل کنیم که حالت اکثار دعا بر تعجیل فرج چگونه در انسان پیدا می شود، به حقیقت مهمّی دست پیدا می کنیم. مسلّم است که این حالت به طور تصنّعی در کسی پیدا نمی شود و هرکس چنین حالی داشته باشد، احتیاج به تذکّر درباره دعا کردن ندارد. ما می بینیم که نوع مؤمنان در امر دعا برای تعجیل فرج احتیاج به تذکّر دیگری دارند و بسیار کم هستند افرادی که به طور خود جوش اهل این دعا هستند. معمولاً اگر کتابی در این باره بخوانیم یا وعظ و تذکّری از یک سخنران بشنویم، تا یکی دو روز یا حدّاکثر یک هفته در ما اثر می گذارد و به دعا برای حضرت اهمیّت خاص می دهیم. امّا این حال پایدار نمی ماند و کم کم اثر آن مطالعه و موعظه کم رنگ می شود تا آنجا که اگر با تذکّر مجدّدی مواجه نشویم، چه بسا دعا برای امام زمان علیه السلام را فراموش نماییم!

اگر چنین باشیم، هنوز اهل دعا بر تعجیل فرج نشده ایم و اکثار دعا در حقّ ما صادق نیست. امّا گاهی افرادی را می بینیم که در این زمینه احتیاج به تذکّر دیگری ندارند و به طور طبیعی درد دعای بر حضرت را در دل دارند و هیچ گاه از آن غافل نمی شوند. یکی از بهترین نمونه ها در این خصوص، خود مرحوم صاحب مکیال است که از مراجعه به کتاب هایش این امر روشن می شود. فقط یکی از کتاب های این بزرگوار (مکیال المکارم)- که به تصریح خود ایشان در پایان آن، ناتمام هم مانده است - شامل ۱۷۵۹

ص: ۷۴

حدیث از اهل بیت علیهم السلام است که همه آنها به نحوی با موضوع دعا برای امام عصر علیه السلام ارتباط پیدا کرده است.

بیشتر این احادیث مستقیماً ناظر به امام زمان علیه السلام و دعا برای ایشان نیست، امّا توجّه و عمق معرفت و ارادت مؤلّف است که همه آنها را به موضوع دعا برای امام علیه السـلام ارتباط داده است. همه این احادیث در کتب مرجع موجود بوده و بسیاری از علما و بزرگان از آنها در مباحث مختلف استفاده برده اند، امّا درصد بسـیار کمی از آنها به ارتباط آن احادیث با بحث دعا برای امام عصـر علیه السلام متفطّن شده اند. به عنوان مثال روایاتی که مربوط به ثواب یاری کردن مؤمن و اعانت مظلوم است، در نوع جوامع حـدیثی موجود می باشـد؛ امّا اینکه انسان وقتی به تعبیر «مؤمن» برمی خورد، در درجه اوّل یاد امام زمانش بیفتد و اینکه از تعبیر اعانت و یاری کردن به مصـداق خاصّ دعا برای ایشان متذکّر شود، چیزی نیست که برای هرکسـی اتّفاق افتد. آیـا خود ما بـدون تـذکّر صاحب مکیال، از احادیث مربوط به یاری کردن مؤمن، به اینکه دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السـلام مصـداق یاری کردن ایشان است، پی می بردیم؟ چرا چنین است؟ چرا ما برای توجّه به این مطلب نیاز به تـذکّر دیگری داریم ولی کسانی همچون صاحب مکیال این نیاز را نداشته اند؟

علّت آن روشن است. علّت این است که مـا آن ارتبـاط قوی روحی و معنوی را که صـاحب مکیـال بـا امـام زمـان علیه السـلام داشـته است، نداریم و آنقدر که ایشان به یاد آن حضـرت بوده، نیستیم. میزان توجّه و تذکّر انسان به یک امر بستگی کاملی به میزان و درجه معرفت و وابسـتگی روحی انسان با آن دارد. اگر محبّت ما به کسی زیاد باشد، به هر مناسبت و بهانه ای از او یاد می کنیم و ناخودآگاه به یادش می افتیم. اگر علاقه چندانی به او نداشـته باشـیم، تنها وقتی به یادش می افتیم که کسی ما را به یاد او بیندازد. چون علاقه و محبّت صاحب مکیال به امام عصـر علیه السـلام شدید و قوی بوده، همچون ما نیاز به تذکّر نداشته بلکه خود متذکّر دیگران بوده است. این علاقه معلول معرفت ایشان بوده که به طور طبیعی از آن تراوش می کرده است.

پس آنها که اهل زیاد دعا کردن برای امام زمان علیه السلام هستند، احتیاج ندارند که

مناسبت و بهانه ای آنها را به یاد ایشان و دعا در حقّشان بیندازد، بلکه خود بهانه می جویند تا از محبوبشان یاد کنند و در هر ظرف و موقعیّتی برای آن حضرت دعا نمایند. هرکس هم که در شعاع وجودی آنها قرار بگیرد، از تشعشعات روحی آنها خودبه خود بهره مند می شود و اگر مدّتی با آنها زندگی کند یا سخنی از آنان بشنود یا نوشته ای از ایشان بخواند، به طور موقّت به دعا برای امام زمان علیه السلام روی می آورد.

نکته دیگر در اهل دعا شدن برای امام عصر علیه السلام و زیاد دعا کردن در حقّ ایشان، مربوط به کیفیت و حال دعاست. گاهی ما دعایی را می خوانیم ولی گاهی دعا می کنیم. دعا خواندن با دعا کردن تفاوت دارد. دعا خواندن ممکن است از دل نباشد و فقط به زبان جاری شود. به تعبیری که در بعضی روایات آمده، اقبال قلبی در آن نباشد و قلب انسان در حال «لهو» یا «سهو» باشد.(۱) این گونه دعا خواندن انسان را اهل دعا و اکثار در آن نمی کند و با سوز دل همراه نیست و طبق روایات، شرایط اجابت را ندارد.

برای روشن شدن مقصود به این مثال توجّه فرمایید: اگر پدر یکی از ما کسالت پیدا کند و بیماری اش شدّت بگیرد یا اینکه فرزندمان گرفتار و بیمار شود، برای رفع گرفتاری و بیماری پدر یا فرزند چگونه دعا می کنیم؟ آیا به دعا خواندن بدون سوز دل و توجّه قلبی راضی می شویم؟ آیا تا شفای او را از خدا نگیریم، از دعا برای او دست می کشیم و آرام می گیریم؟ آیا لازم است کسی ما را به لزوم دعا برای پدر یا فرزندمان تذکّر دهد؟ آیا مناسبت و شرایط خاصّی لازم داریم تا برای ایشان دعا کنیم؟

پاسخ این پرسش ها وجداناً روشن است. در آن شرایط بهانه و مناسبتی لازم نیست تا ما را به یاد دعا برای پدر یا فرزندمان بیندازد، بلکه بهانه و مناسبت را فراهم می کنیم تا برای ایشان دعا کنیم. لزومی ندارد که در مجلسی شرکت کنیم تا در آنجا به یاد دعا برای پدر یا فرزند خود بیفتیم، بلکه دنبال مجلسی می گردیم که شرایط اجابت دعا برای آنان در آن فراهم تر باشد یا اصلاً مجلسی به نیّت فراهم کردن مقدّمات دعا برای آنان تشکیل می دهیم.ا.



---

۱- رجوع کنید به بخش اوّل، فصل سوم، شرط اوّل از شرایط اجابت دعا.

حال اگر واقعاً امام زمانمان را به اندازه پدر یا فرزندمان دوست می داریم، آیا برای رفع گرفتاری های ایشان در زمان غیبت آن گونه دعا می کنیم یا به خواندن دعاهای بدون سوز دل و اقبال قلبی اکتفا می کنیم؟! آیا به انجام یکسری آداب و رسوم بدون اقبال قلبی درباره دعا برای امام عصر علیه السلام راضی می شویم؟ آیا بدون تذکّر و یادآوری دیگران برای امامان دعا می کنیم؟ آیا منتظر پیش آمدن بهانه هستیم تا به یاد دعا برای ایشان بیفتیم یا اینکه بهانه می جوییم تا برایش دعا کنیم؟ آیا تاکنون پیش آمده است که چند دقیقه - بله فقط چند دقیقه - همه چیز خود را فراموش کنیم و فقط به این موضوع فکر کنیم که چگونه از خداوند رفع گرفتاری های مولایمان را بگیریم و عزم خود را جزم کنیم که برای همان چند دقیقه با همه توان و دارایی خود، از خدا تعجیل فرج ایشان را بطلبیم؟

در وادی محبّت، هرچه محبّت پاک تر و خالص تر باشد، دعای در حقّ محبوب با سوز دل و اقبال قلبی بیشتر همراه است و به همین جهت تأثیرش هم بیشتر می باشد. اگر ما در انتهای زیارت آل یس خطاب به موالی خود عرضه می داریم:

مَوَدَّتی خالِصَهٌ لکم.(۱)

آیا توجّه داریم که این ادّعا چه لوازمی دارد؟ منظور از اینکه مودّت من خالص برای امام زمان علیه السلام باشد، این است که نه تنها ایشان را از هرکس و هر چیز دیگری در عالم بیشتر دوست بدارم، بلکه هرچیز و هرکس دیگر را هم به خاطر ایشان دوست داشته باشم. حال اگر کسی واقعاً چنین حالی داشته باشد، قطعاً دعاهایش، هم با سوز دل همراه خواهد بود و هم استمرار و اکثار خواهد داشت و نیاز به تذکّر و یادآوری دیگران هم ندارد. ما می بینیم که نوعاً آن سوز دلی که در فراق یا گرفتاری پدر یا فرزندمان داریم، در بی خبری از امام زمان علیه السلام و اطّلاع از گرفتاری های سخت ایشان در زمان غیبت، نداریم و به همین دلیل است که چنانچه باید و شاید اهل دعا برای تعجیل فرج ایشان و اکثار در آن هم نیستیم. امّا خدا را شاکریم که پیدایش این درجه از۷.



---

۱- احتجاج طبرسی، ج۲، ص۳۱۷.

معرفت و محبّت به امام عصر علیه السلام را نعمت بسیار بزرگ الهی و بلکه بزرگ ترین نعمت او می شماریم و از اینکه این گونه نیستیم، ناراحتیم و خود را در ادای حقوق عظیم مولایمان قاصر و مقصّر می شماریم. پس بیایید با سوز دل، در خانه خداوند رابزنیم و در پیشگاه مقدّسش زار بزنیم و بنالیم و او را به حقّ مولای مظلوممان بخوانیم تا به آبروی او، چنان معرفت و محبّتی عطایمان کند که ما هم همچون صاحب مکیال اهل سوز دل برای عزیزتر از جان و مال و فرزند و پدرمان گردیم و آنگاه که آن معرفت و محبّت روزی ما شود، خودبه خود اهل دعا برای تعجیل فرج ایشان و اکثار در آن خواهیم شد و دیگر نیاز به تذکّر دیگران برای دعا در حقّ مولایمان نخواهیم داشت.

خداوندا به خاطر محبّتی که به مولای غایب از دیدگانمان داری، ما را اهل دعا برای تعجیل فرج ایشان قرار ده تا به این وسیله محبوب خود را زودتر از گرفتاری ها و سختی های زمان طولانی غیبت نجات بخشی، الهی آمین.

حال با این توضیحات تصدیق می کنیم که اگر کسی اهل اکثار در دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام گردد، همین ویژگی چه فرج بزرگی در روح و روان اوست و اگر هیچ خیر دیگری از این طریق نصیب دعاکننده نشود، همین حال او خود بزرگ ترین خیری است که خداوند نصیبتش می فرماید، به طوری که همه خیرات دیگر فرع بر آن است، زیرا همان طور که در احادیث ائمّه علیهم السلام آمده، «معرفت امام عصر علیه السلام» منشأ و منبع همه کمالات معنوی است، به طوری که اگر کسی این اکسیر اعظم را داشته باشد، همه چیز دارد و اگر نداشته باشد، هیچ چیز ندارد.(۱)

حال سخن در این است که اهل اکثار در دعا برای حضرت بودن، بهترین نشانه و ثمره درخت معرفت ایشان است. این میوه ای است که بر آن درخت می روید و اگر آن شجره طیّبه به بار بنشیند، یکی از محصولات گرانبها و شیرینش، همین حال دعا و اکثار در آن برای تعجیل فرج می باشد. پس وجود این حال، علامت به ثمر رسیدن این شجره طیّبه است که:ت.

ص: ۷۸

---

۱- اثبات مستدلّ این مدّعا در کتاب «معرفت امام عصر علیه السلام» آمده است.

اَصلُها ثابِتٌ وَ فَرعُها فی السَّماءِ تُؤتی أَکُلَها کُلَّ حینٍ بِاِذنِ رَبِّها.(۱)

## حصول تقوی: فرج دیگری برای دعاکننده

۵- جنبه دیگری که آن هم فرج بزرگی برای دعاکننده در حقّ امام عصر علیه السلام به شمار می آید، این است که اگر کسی با معنایی که گفتیم اهل دعا بر تعجیل فرج امام زمان علیه السلام گردد، خواهی نخواهی از گناهان و ناپاکی ها فاصله می گیرد و بدی هایش را به تدریج کنار خواهد گذاشت. نمی توان فرض کرد که کسی از سوز دل و به انگیزه محبّت و علاقه به امامش برای تعجیل فرج ایشان به طور دائم و مستمر دعا کند، امّا در عین حال اهل فسق و فجور هم باشد. کسی که به خاطر دوری از امامش می سوزد و به درگاه الهی می نالد، این را هم می داند که یکی از موانع جدّی استجابت دعایش، گناهان اوست. بنابراین چون می داند که:

إنّما یَتَقَبَّلُ اللهُ مِنَ المُتَّقینَ.(۲)

و به خاطر محبّتی که به امامش دارد، برای تعجیل فرجش دعا می کند؛ به خود می گوید: اگر بخواهد دعایم مستجاب شود، باید اهل تقوی بشوم. لذا می کوشد و به جهاد با نفس خویش می پردازد تا معاصی و مفاسد را از خود دور کند و اهل مکارم اخلاق گردد تا از این طریق، تحقّق خواسته اش نزدیک تر شود. در واقع چون رسیدن به مطلوب و محبوبش از هر امر دیگری برایش مهم تر است، ایجاد هر مقدّمه و زمینه ای که بستر تحقّق مرادش باشد؛ برایش سهل و گوارا می گردد. از این رو اکثار در دعا برای تعجیل فرج می تواند از یک فرد خطاکار و اهل گناه، یک مؤمن متّقی و عفیف بسازد. پس اگر هم قبل از اینکه اهل دعا شود، کاستی هایی در این خصوص داشته باشد؛ به همین وسیله همه آنها رفع شده و به فضایل و کمالات اخلاقی و عملی لازم نائل خواهد شد و این خود فرج بسیار مهمّی برای اهل دعا بر تعجیل فرج و اکثار در آن می باشد.۷.



---

۱- ابراهیم/۲۵.

۲- مائده/۲۷.

## فصل ۴- چگونگی دعا برای امام مهدی علیه السلام

### اشاره

پس از آگاهی از انگیزه های دعا برای امام عصر علیه السلام و توجّه به ضرورت و آثار این عمل شریف، اکنون به بیان آدابی درباره دعا در حقّ امام زمان علیه السلام می پردازیم که رعایت آنها شرایط بهتری برای اجابت آن فراهم می سازد. بیشتر این آداب در فصل های گذشته کتاب به مناسبت موضوع آن فصل به صورت کلّی مطرح شده است. در این جا تأکید بیشتر بر رعایت آنها در خصوص دعا برای امام عصر علیه السلام می باشد و توضیحات خاصّ این موضوع مطرح می شود. ما اهمّ این آداب را ذیل ۱۰ عنوان ذکر می کنیم.

### ۱- یأس کامل از خلق

اوّلین شرطی که به عنوان یک ادب قلبی در دعا به پیشگاه الهی مطرح شد، ناامیدی از خلق خداست.(۱) مطابق حدیث قدسی، خدای متعال از حضرت عیسی علیه السلام خواسته بود که وقتی دعا می کند، حال غریقی را که هیچ فریادرسی ندارد، داشته باشد.(۲) به هیچکس جز خدای متعال امید نبندد، در این صورت است که هرچه از خدا بخواهد۱.

ص: ۸۰

---

۱- رجوع شود به بخش اوّل، فصل چهارم، ادب اوّل.

۲- بحارالانوار، ج۹۳، ص۳۱۴، ح۱۱.

به او عطا می فرماید.(۱)

رعایت این ادب در همه دعاهای انسان هم ممکن است و هم مطلوب، چه دعا برای انجام کار بشری باشد و چه یک کار خدایی.(۲) در کارهای بشری مقدّمات اختیاری ای که بشر فراهم می کند، انتظار طبیعی برای تحقّق نتیجه را به وجود می آورد. امّا در کارهای خدایی با وجود مقدّمه چینی های بشری نتیجه ای که به دست می آید، بسیار برتر از انتظاری است که آن مقدّمات ایجاد می کند. به عنوان مثال کسی که برای قبولی در کنکور دانشگاه زحمت زیادی می کشد و پایه علمی مناسبی هم دارد، طبیعتاً هم خودش و هم دیگران انتظار دارند که رتبه اش در کنکور، رتبه بالایی باشد. برعکس کسی که سطح علمی خوبی در طول تحصیل دبیرستان و پیش دانشگاهی نداشته و تلاش زیادی هم در جهت آماده کردن خود برای شرکت در کنکور نکرده است، به روال عادی و طبیعی انتظار کسب رتبه بالایی در کنکور ندارد. این دو فرد ممکن است برای قبولی و به دست آوردن رتبه خوب در کنکور دعا کنند، امّا معمولاً حال متفاوتی در دعای خود دارند. اوّلی به دلیل شرایط خوبی که دارد، معمولاً- حالت ناامیدی و یأس کامل از غیر خدا را ندارد؛ ولی دومی چون اتّکای چندانی به خودش ندارد، علی القاعده امید بیشتری به دستگیری خداوند دارد. حالت انقطاع (بریدن) از خلق به سوی خداوند در وقتی که انسان دست خود را خالی می بیند، بیشتر و بهتر برایش حاصل می شود. از همین جهت است که دومی چون حسابی برای خود و تلاش هایش باز نمی کند، کسب رتبه خوب در کنکور را یک کار خدایی می بیند و با حال انقطاع بیشتری دعا می کند؛ در حالی که فرد اوّل چون خود را آنچنان نیازمند دعا احساس نمی کند، حال انقطاعش معمولاً کمتر است. البتّه سفارش ائمّه علیهم السلام این است که انسان نباید فریب فراهم بودن شرایط- به حساب ظاهری - را بخورد و این باعث.



---

۱- همان، ح۱۹.

۲- تعریف کار بشری و کار خدایی در کتاب «راز پنهانی و رمز پیدایی» بخش سوم، فصل سوم آمده است.

شود که بر وجود اسباب و وسائط تکیه و اتّکا ننماید. هرچه معرفت انسان به قدرت الهی بیشتر و عمیق تر باشد، حساب کمتری روی وجود شرایط و اسباب ظاهری باز می کند و در این صورت است که آن فرد اوّل هم می تواند - با داشتن معرفت صحیح - با حال انقطاع کامل به پیشگاه خداوند دعا کند.

بـا توجّه به این مثـال روشن می شود که هرچه کار خـدایی تر باشـد، حال یأس از خلق و انقطاع کامل به سوی خداونـد بهتر و راحت تر حاصـل می شود و شـرایط اجـابت دعـا زودتر فراهم می گردد. با این ترتیب می توانیم بگوییم که چون طبق آیات و روایات، ظهور امام عصـر علیه السـلام و تحقّق وعده های الهی در آن زمان یک کار خدایی و غیر بشری خواهد بود، دعا برای تعجیل فرج همراه با یأس کامل از خلق و انقطاع به سوی خداوند می باشد.

اگر انسان به الهی بودن امر ظهور حضـرت توجّه و باور عمیق پیدا کند، خود به خود برای آنچه به عنوان ادای تکلیف در زمان غیبت انجام می دهـد - با وجود اهمیّت و لزوم آن - حسابی باز نمی کند و بر آن اتّکایی نخواهد داشت. در این صورت وقتی تحقّق فرج مولایش را از خداوند می طلبد، حال غریقی را دارد که هیچ فریادرسـی برای خود نمی شناسد و امیدی به هیچ چیز و هیچکس جز خداونـد متعـال نمی بنـدد. این گونه دعـا کردن برای تعجیل فرج حال خاصّـی در فرد ایجاد می کنـد که همین حال شـرایط بهتری برای اجابت دعا فراهم می آورد. اکنون سئوال این است که آیا دعاهای ما برای تعجیل فرج امام عصر علیه السـلام این گونه است؟ چنـد درصـد شـیعیان، اهـل دعـا برای جلو افتـادن ظهور امـام علیه السـلام هسـتند و از میـان آنهـا چند درصـدشان در دعاهـای خود، چنین حـالی دارنـد؟ آیـا تـاکنون اتّفـاق افتاده است که یک دعای ما - بله فقط یک دعا - برای تعجیل فرج امام عصـر علیه السـلام همچون دعای بیچاره و درمانده ای باشد که برای شـفای بیمار سـرطانی اش - وقتی از همه اسباب و راه های عادی شفا گرفتن قطع امید کرده است - خدا را می خواند؟

متأسّفانه دوستداران امام زمان علیه السلام یا چنانچه باید، اهل دعا برای تعجیل فرج

نیستند و یا اگر هستند نوعاً با حال انقطاع کامل به سوی خداوند دعا نمی کنند. شاید یکی از عوامل مستجاب نشدن دعاهایشان، همین عدم انقطاع باشد. به هر حال خوب است در کیفیّت دعاهایمان برای حضرت تجدیدنظر جدّی کنیم و با عمق بخشیدن به باور خود، به استقبال حال یأس از خلق برویم و این ادب قلبی دعا کردن را بهتر در خود ایجاد نماییم تا امیدمان به اجابت دعاهایمان بیشتر گردد.

## ۲- اقبال قلبی در دعا

### اشاره

دومین عملی که رعایت آن در بهتر شدن دعا برای امام عصر علیه السلام بسیار مؤثّر می باشد، اقبال قلبی در دعاست. این امر به عنوان اوّلین شرط اجابت دعا مورد بحث قرار گرفت.(۱) مقصود از اقبال قلبی این است که وقتی انسان چیزی را به زبان از خداوند طلب می کند، با روح و قلب خود نیز همان را بخواهد. اگر در همه حال قلبش متوجّه مطلوبش نیست، لااقل در هنگام دعا کردن خواسته دلش را به زبان بیاورد. مبادا فقط به زبان چیزی را بگوید امّا قلبش رو به سوی آن نداشته باشد.

در دعا برای امام عصر علیه السلام به خصوص در تعجیل فرج آن حضرت باید به رعایت این شرط توجّه کافی نماییم. آیا وقتی خداوند را می خوانیم تا فرج مولایمان را به جلو اندازد، روح و قلب ما هم این خواندن را همراهی می کند یا فقط لقلقه زبانمان است؟ معمولاً اگر تحقّق چیزی برایمان اهمیّت داشته باشد و دلبستگی روحی به آن داشته باشیم، اقبال قلبی مان در هنگام خواستن آن بیشتر و عمیق تر است. همچنین اگر نفس دعا کردن برای ما یک عمل باارزش و اساسی تلقّی شود و آن را ناچیز و کم ارزش ندانیم، در هنگام دعا اقبال قلبی بیشتری خواهیم داشت. کسی که قلباً حساب زیادی برای دعا باز نمی کند و آن را مهم و تعیین کننده اصلی نمی داند، به طور طبیعی در وقت دعا توجّه و اقبال روحی کمتری خواهد داشت.ا.

ص: ۸۳

---

۱- بخش اوّل، فصل سوم، شرط اوّل دعا.

## اوّلین عامل مؤثّر در اقبال قلبی: مهم بودن تعجیل فرج امام عصر علیه السلام برای دعاکننده

حال بنگریم آیا تعجیل فرج امام زمان علیه السلام برای ما یک امر مهم و اساسی به حساب می آید یا خیر. اگر بخواهیم به این سئوال پاسخ درستی بدهیم، باید آن را با امور دیگری که در زندگی برایمان اهمیّت دارد، مقایسه کنیم. هرکس ببیند با توجّه به شرایط خاصّ خود، چه چیزهایی برایش در درجه اوّل اهمیّت قرار دارد. مثلاً برای عموم انسان ها شغلشان اهمیّت خاصّی دارد، چون محلّ درآمد و وسیله امر معاششان می باشد. بنابراین اموری که به اصل شغلشان یا حیثیّت شغلی شان مربوط می شود، برای آنان مهم تلقّی می شود. نشانه این اهمیّت دادن آن است که اگر کاری باعث ضربه زدن به اصل شغل آنها شود یا ایشان را از لحاظ شغلی نزد همکاران خود بی اعتبار کند، به شدّت نسبت به آن عکس العمل نشان می دهند. با این حساب طبیعی است که اگر مشکلی برای شغلشان پیدا شود، مثلاً به نحوی شغل آنها به مخاطره افتد یا حیثیّت شغلی شان لکّه دار شود، با اقبال قلبی کامل دست به دعا بلند کرده و با همه روح و جانشان از خدا رفع مشکلشان را می طلبند. تقریباً محال است که کسی گرفتاری جدّی شغلی - آن شغلی که اصل درآمدش به آن وابسته است - پیدا کند و وقتی برای رفع آن دعا می کند، حواسّش به دعایش نباشد و قلبش زبانش را همراهی نکند. چنین کسی در وقتی که دعا نمی کند هم قلبش مشغول گرفتاریش است چه برسد به زمان دعا کردن که به طریق اوّلی دلش متوجّه چیز دیگری نیست.

اکنون بیاییم مقایسه کنیم و ببینیم آیا ما دوستداران امام زمان علیه السلام گرفتاری غیبت ایشان را به اندازه گرفتاری شغل مان مهم می دانیم؟ آیا از عدم حضور علنی آن حضرت نصف اندازه ای که کسب و کارمان به مخاطره افتد، پریشان شده ایم؟ آیا به سامان نبودن اوضاع و احوال ما در غیبت مولایمان به اندازه به هم خوردن وضعیّت شغلی مان، ما را ناراحت و گرفتار کرده است؟ پاسخ ما به این پرسش ها تعیین کننده طبیعی میزان اقبال قلبی ما در دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام است. اگر غیبت طولانی امام عصر علیه السلام نصف یا حتّی ثلث اندازه ای که گرفتاری شغلی مان ناراحتمان می کند، پریشانمان کرده باشد، طبیعتاً در دعا برای رفع غیبت آن حضرت تا حدّی توجّه

ص: ۸۴

و اقبال قلبی خواهیم داشت و اگر چنین نباشد، باید فکر دیگری به حال خود بکنیم.

فکر دیگر می تواند این باشد که از جنبه معرفتی ارتباط روحی خود رابا امام زمان علیه السلام اصلاح کنیم تا آنچه برایمان مهم نیست، اهمیّت یابد یا آنچه کمتر مهم است، اهمیّت بیشتری پیدا کند. اگر غیبت امام عصر علیه السلام برای ما نصف اندازه گرفتاری شغلی مان اهمیّت ندارد، نشانگر عدم معرفت صحیح ما به آن حضرت و جایگاه رفیع امامت در اعتقاد شیعی ماست. باید به اصلاح و تصحیح اعتقاد خود به امامت و امام علیه السلام بپردازیم. اگر در برداشتن این قدم موفّق شویم، به طور طبیعی هم اهل دعا برای امام زمان علیه السلام و تعجیل فرج ایشان خواهیم شد و هم اقبال قلبی ما در دعا محقّق می گردد. کسی که از داشتن چنین معرفت و حال روحی محروم است، در هنگام دعا اقبال قلبی کامل نخواهد داشت و تنها کاری که از دستش برمی آید این است که با تلقین فکری و روحی در وقت دعا کردن تا حدّی حال اقبال قلبی را در خود ایجاد نماید، یعنی با تمرکز دادن حواسّ خود و ایجاد شرایط مطلوب تر از جهت حال و هوای معنوی سعی کند لااقل در هنگام دعا کردن، دل و جان خود را با زبان خود همراه و هماهنگ کند. دعا با چنین حال و هوایی علاوه بر اینکه به اجابت نزدیک تر است، در روح و روان دعاکننده نیز اثر می گذارد و اتّصال قلبی او را با مطلوب خود عمیق تر و محکم تر می سازد. تکرار این کار، این اتّصال را قوی تر می سازد و اگر این گونه دعا کردن به طور منظّم در برنامه زندگی فرد قرار بگیرد، کم کم انس قلبی او با امام زمان علیه السلام بیشتر می شود و حال دعا برای تعجیل فرج آن حضرت در او دوام بیشتری پیدا می کند و آنچه برایش اهمیّت چندانی نداشت، به تدریج مهم تر و اساسی تر خواهد شد.

### دومین عامل مؤثّر در اقبال قلبی: اعتقاد عمیق به تأثیر دعا در تعجیل فرج امام زمان علیه السلام

دومین عاملی که در تقویت اقبال قلبی دعاکننده برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام مؤثّر است، اعتقاد و باور عمیق او به تأثیر خاصّ دعاست. هر عاملی که انسان را در رسیدن به مقصود و مطلوبش کمک کند، دل و جان او را به سوی خود متوجّه می سازد. هرقدر تأثیر این عامل را در رساندن او به هدفش بیشتر بداند، در ایجاد آن اهتمام و

اقبـال قلبی بیشتری هم خواهـد داشت. به عنوان مثـال کسـی که بیماری دارد و به دنبال معالجه و درمان اوست، عوامل مختلفی که مؤثّر در درمان هست را می جویـد و در میان آنها هریک را که مؤثّرتر بداند، با اهتمام و توجّه بیشتری سـراغ می گیرد. هر قـدر اعتقادش به پزشک معالـج و تشـخیص و درمان گری او عمیق تر باشد، فکر و حواسّـِش بیشتر متوّجه او می شود و با اقبال قلبی کامل تری به نسـخه پزشک دل می دهـد و به آن عمل می کنـد. حال اگر همین اعتقادی که به تأثیر درمان پزشک دارد، به دعا برای شـفای بیمارش داشـته باشد؛ همان قدر اقبال قلبی را در دعاهایش برای بهبودی آن بیمار خواهد داشت. اگر اعتقاد به تـأثیر دعا در شـفای بیمار ضـعیف شود، اقبال قلبی او در هنگام دعا کمتر و اگر این باور قوی گردد، آن اقبال قلبی هم بیشتر خواهد شد. یعنی میزان اقبال قلبی دعاکننده در دعایش بستگی به میزان باور او به تأثیر دعا در رسیدن به مقصودش دارد.

همین امر دربـاره دعـا برای تعجیل فرج امام عصـر علیه السـلام نیز ساری و جاری است. کسـی که باور چنـدانی به تأثیر دعا در جلو انـداختن ظهور آن حضـرت نـدارد، به طور طبیعی اقبال قلبی چندانی در دعاهایش برای تعجیل فرج ندارد. هرچه این باور عمیق تر شود، اقبال قلبی دعاکننده هم بیشتر می شود. بنابراین اگر کسـی - مطابق فرمایش امام صادق علیه السـلام درباره تأثیر ضجّه و گریه در تعجیل فرج - برای دعا نقش تعیین کننده و اصلی در جلو افتادن زمان ظهور امام عصر علیه السلام قائل باشد، خواه نـاخواه در هنگـام دعـا برای تعجیل فرج روح و روانش متوجّه آن است و هر گز با قلب بی توجّه و غافل (به تعبیر روایات ساه(۱) یا لاه(۲)) زبان به دعا کردن نمی گشاید.

نتیجه کلّی بحث اینکه برای ایجـاد و تقویت طبیعی اقبال قلبی در دعا برای تعجیل فرج بایـد دو عامل را تقویت کرد: اوّل اینکه وابستگی و دلبستگی روحی و معرفتی خود را به امام عصر علیه السلام و جلو افتادن فرج ایشان بیشتر کنیم و دوم اینکه اعتقاد و باور۲.

ص: ۸۶

---

۱- اصول کافی، کتاب الدّعاء، باب الاقبال علی الدّعاء، ح۱.

۲- همان، ح۲.

خویش را به تأثیر جدّی و عمیق دعا در تعجیل فرج آن حضرت تحکیم نماییم. البتّه عوامل دیگری هم می تواند در تقویت این اقبال قلبی مؤثر باشد ولی به نظر می رسد که این دو عامل نقش اساسی تری در بین بقیّه عوامل دارند.

### ۳- رقّت قلب

#### اشاره

عامل مهمّ دیگری که در اجابت دعا بسیار مؤثّر است، رقّت قلب دعاکننده در هنگام دعاست. در بخش اوّل کتاب با میزان تأثیر این امر در اجابت دعا تا حدّی آشنا شدیم(۱) و دانستیم که طبق فرمایش پیامبر گرامی اسلام صلّی الله علیه و آله و سلّم برای اینکه زودتر خواسته ما مستجاب شود، باید در هنگام رقّت قلب به پیشگاه الهی دعا کنیم و به تعبیر ایشان دعا را در آن وقت مغتنم بشماریم.(۲) خود ائمّه علیهم السلام به این حقیقت تذکّر داده اند که قلب انسان همیشه در یک حال نیست، گاهی حال رقّت دارد و گاهی قساوت، گاهی نرم است و گاهی سخت. البتّه افراد از این جهت یکسان نیستند؛ برخی رقّت قلبشان بیشتر است و برخی قلب سخت تری دارند. دسته اوّل هم به لحاظ زمانی، رقّت قلبشان طولانی تر است و هم از جهت عمق و شدّت این رقّت، بالاتر از دسته دوم قرار می گیرند. امّا حتّی کسانی که عموماً و در بیشتر اوقات رقّت قلب ندارند، بالاخره حالاتی برایشان پیش می آید که به اصطلاح دلشان می شکند و از آن سختی و صعوبت قبلی خارج می شود. پس اینها هم رقّت قلب را تجربه می کنند و بنابراین هرکس در زمان هایی دارای رقّت قلب می باشد که اگر قدر آن را بداند می تواند در همان حال برای تعجیل فرج مولای غریبش دعا کند.

#### موانع پیدایش رقّت قلب در انسان

ما می توانیم انسان ها را از جهت رقّت قلب برای امام زمان علیه السلام و دعا برای تعجیل فرج ایشان به درجات مختلفی رده بندی می کنیم. برخی چنان اتّصال روحی و قلبی قوی۷.



---

۱- بخش اوّل، فصل سوم، شرط دوم دعا.

۲- بحارالانوار، ج۹۳، ص۳۱۳، ح۱۷.

با امامشان دارند که صرف یاد کردن از گرفتاری غیبت آن حضرت، دلشان را به درد می آورد و آن را نرم و رقیق می سازد. اینها مشکل چندانی برای اینکه با حال رقّت قلب برای تعجیل فرج مولایشان دعا کنند، ندارند. امّا تعداد این گونه افراد نسبت به سایرین کم و ناچیز است. بیشتر مردم به صرف توجّه کردن به ناراحتی مولایشان در زمان غیبت، حال رقّت قلب پیدا نمی کنند. امّا همین گروه در زندگی عادی خود تعلّقات خاطری دارند که به خاطر آنها قلبشان رقّت خاصّی پیدا می کند. به عنوان مثال نوع مردم در مصیبت های شخصی خود دلشکسته و منقلب می شوند. وقتی کسی عزیز خود را - پدر، مادر، فرزند یا ... - از دست می دهد، یاد و خاطره او حالت رقّت قلب را برایش ایجاد می نماید. همچنین گاهی دردها و رنج هایی که در زندگی برای انسان پیش می آید، دلش را به درد می آورد و حتّی ممکن است اشکش را درآورد. مسائل مادّی و معیشتی هم می تواند در برخی افراد چنین اثری بگذارد. اینها چیزهایی است که برای انسان های عادی - هرچند که به لحاظ ایمان و معرفت چندان مرتبه بالایی نداشته باشند - پیش می آید.

علاوه بر اینها، اهل ایمان به خاطر تعلّق خاطری که به اهل بیت علیهم السلام به خصوص حضرت سیّدالشّهداء علیه السلام دارند، در مناسبت های خاصّی که در طول سال وجود دارد - به ویژه ایّام محرّم و دهه عاشورا یا شب های احیا در ماه مبارک رمضان - در مصائب خاندان عصمت و طهارت رقّت قلب خاصّی پیدا می کنند.

از بزرگ ترین نعمت های خداوند بر ما شیعیان این است که هرچند در طول سال از یاد اهل بیت علیهم السلام غافل باشیم، امّا در ایّام مصیبت یا اعیادی مانند عید غدیر و نیمه شعبان معمولاً در مجالس عزاداری یا جشن شرکت می کنیم و به این وسیله ارتباط روحی خاصّی - هرچند گذرا و سطحی - با موالی خود پیدا می کنیم. نوعاً در مراسم عزاداری به خصوص در مصیبت امام حسین علیه السلام و سایر شهدای کربلا بر احوال خاندان وحی رقّت قلب پیدا می کنیم و بسیاری مواقع با گریه کردن دل های گناهکار خود را جلا و صفا می دهیم. به لطف خدای منّان و عنایت امام عصر علیه السلام کسانی هم که اهل برخی گناهان هستند، ارتباط روحی خود را با اهل بیت علیهم السلام به طور کامل قطع نمی کنند

و حدّاقل در روزهـای تاسوعا و عاشورا و شب های احیا و امثال آن در مجالس عزا یا جشن شـرکت می کننـد. این خود باعث می شود که پیوند با ائمّه علیهم السلام – که با انجام گناهان سست شده است – برای فرد فاسق بار دیگر برقرار شود.

### استفاده از حال رقّت قلب در دعا برای تعجیل فرج

بـا این ترتیب ملاـحظه می کنیم که حـال رقّت قلب در عموم مردم در مسائل روزمرّه زنـدگی شان وجود دارد و در اهل ایمان هم این حال نسبت به خود ائمّه علیهم السـلام به صورت پراکنده و در مناسـبت های خاص به چشم می خورد. حال می توانیم بفهمیم که از وجود این حال چگونه در امر دعا برای تعجیل فرج، حُسن اسـتفاده را ببریم. اگر کسی دعا در حقّ امام زمان علیه السـلام و به خصوص برای تعجیـل فرج ایشان را یک کار مهم و اساسـی بدانـد، می توانـد از رقّت قلبی که در امور دیگر خود دارد، در دعاهایش بهره مند شود.

مثلاً کسی که پدرش فوت شده یا مصیبتی قلبش را به درد آورده، اگر غافل نباشد می تواند در همان حالی که به خاطر مسائل شخصـی اش رقّت قلب پیـدا کرده، از آن حال و هوا در دعا برای تعجیل فرج امام عصـر علیه السـلام اسـتفاده کافی را ببرد. در واقع دل شکسـتگی اش را خرج امـامش کنـد و ایشـان را در دعـا بر خود مقـدّم بـدارد. همچنین کسانی که در عزای اهل بیت علیهم السـلام به ویژه مصائب سـرور شـهیدان حضـرت ابا عبدالله الحسـین علیه السلام و یاران و خانواده آن بزرگوار رقّت قلبی پیدا می کنند؛ اگر قدر حال خود را بدانند، از آن برای دعا بر تعجیل فرج امام غریب و مظلومشان بهره می برند. یعنی در همان وقتی که دلهایشـان در غم اهـل بیت علیهم السـلام شکسـته و احیاناً اشک هایشان هم جاری شـده، برای فرج مولایشان دعا می کنند و این بیشترین فایده ای است که از رقّت قلبشان نصیب ایشان می گردد.

چه خوب است که شـیعیان از این نکته غافل نباشـند و از حال و هوای معنوی خود در مسیر جلو انداختن ظهور امام عصـر علیه السـلام اسـتفاده کننـد. برای تأمین این هـدف بایـد در مجالس عزای اهل بیت علیهم السـلام به این حقیقت توجّه داده شود که حیف است گریه ها و دل

شکستگی های افراد مقدّمه دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام قرار نگیرد. بنابراین اگر عموم افراد از این امر غافل هستند، باید کسانی که توجّه دارند تذکّر لازم را در این خصوص بدهند تا عزاداران در همان لحظاتی که رقّت قلب دارند، برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام دعا کنند. اگر مجالسی که برای عزاداری در مصیبت اهل بیت علیهم السلام به خصوص سیّدالشّهداء علیه السلام برگزار می شود، به دعا بر تعجیل فرج امام عصر علیه السلام منتهی گردد، قطعاً بیشترین بهره معنوی از آن مجالس نصیب عزاداران و سایرین خواهد شد.

یکی از مهم ترین برکات این عمل شریف، جلب دعاهای امام زمان علیه السلام در حقّ دعاکنندگان می باشد. در کتاب شریف «مکیال المکارم» یکی از آثار دعا در حقّ امام زمان علیه السلام دعای آن حضرت در حقّ دعاکننده شمرده شده و ادّله ای برای اثبات این مطلب مطرح گردیده است. سپس مؤلّف بزرگوار رؤیای صادقانه یکی از برادران صالح خود را به عنوان مؤیّد نقل فرموده که از وجود مقدّس امام عصر علیه السلام در خواب شنیده است که فرمودند:

إنّی اَدعُو لِکُلِّ مُؤمِنٍ یَدعُو لی بَعدَ ذِکرِ مَصائِبِ سَیِّدِالشُّهَداءِ فی مَجالِسِ العَزاءِ.(۱)

البتّه من دعا می کنم برای هر مؤمنی که پس از ذکر مصائب سیّدالشّهداء علیه السلام در مجالس عزاداری برای من دعا نماید.

از این رو دعای مؤمنان در مجالس روضه سیّدالشّهداء علیه السلام می تواند منشأ خیر و برکت فراوانی برای خود دعاکنندگان باشد.

نکته دیگری که به خاطر اهمیّت رقّت قلب در هنگام دعا می توان گفت این است که: گاهی انسان از متن دعایی که می خواند دلش می شکند و با سوز دل دعا می کند که اگر چنین حالی پیدا شود، بسیار خوب است. امّا در بسیاری مواقع برای بسیاری از افراد چنین حالی حاصل نمی گردد. در این صورت یکی از بهترین اسباب برای ایجاد رقّت۴.



---

۱- مکیال المکارم، ج۱، ص۳۳۴.

قلب یـاد کردن از مصـائب اهـل بیت علیهم السـلام است که هم خودش یـک عبـادت بزرگ می باشـد و هم زمینه ساز اجابت دعای انسان می گردد. ما این مطلب را در بخش اوّل کتاب به مناسبت بحث درباره «بکاء» و «تباکی» که از آداب دعا به شمار می آیند، با ذکر ادّله اش مطرح ساختیم.(۱) نتیجه اینکه از راه هـای مُجاز می توانیم رقّت قلب لازم برای اجابت بهتر دعا را در خود و دیگر دعاکنندگان ایجاد نماییم و نباید خود را از این امکان بی نصیب کنیم.

### ۴- تحصیل تقوی و تهذیب نفس

#### اشاره

مطـابق تعـالیم نورانی اهـل بیت علیهم السـلام یکی از شـرایط لازم برای اجابت دعا، تقوای دعا کننـده و پاک بودن نفس او و از آلودگی گناهـان است. مطـابق حـدیثی که در بخش اوّل کتـاب از امیرالمؤمنین علیه السـلام نقـل کردیم، علّت اجـابت نشـدن بسـیاری از دعاها، خیانت قلبی دعاکننده از هشت جهت می باشد.(۲) یکی از این جهات نداشـتن خوف واقعی از آتش غضب الهی است. خوف واقعی به فرموده امام سـجاد علیه السـلام به صرف گریستن از ترس عقوبت خدا، حاصل نمی شود؛ بلکه تنها شرطش داشـتن ورع لازم برای بازداشتن انسان از گناهان است.(۳) نبودن این چنین خوفی در انسان خیانت قلب شـمرده شده و مانع اجابت دعای انسان می گردد. همچنین است بـدزبان بودن (بـذاء) که مصـداق دیگری از ناپاکی قلب انسان می باشد. این هم یکی از موانع اجابت دعا شمرده شده است.(۴)

علاوه بر اینها اگر انسان عیوب دیگران را ببینـد ولی از عیب های خودش غافل باشـد دیگران را به خاطر چیزهایی ملامت کند که خودش به ملامت به خاطر آنها سزاوارتر است، این خصوصیّات هم می تواند مانع اجابت دعا گردد.(۵)ن.



---

۱- بخش اوّل، فصل چهارم، ادب پانزدهم از آداب دعا.

۲- بخش اوّل، فصل سوم، شرط دوم دعاکننده.

۳- بحارالانوار، ج۹۳، ص۳۳۵، ح۲۵، به نقل از عدّه الدّاعی.

۴- بحارالانوار، ج۹۳، ص۳۷۷، ح۱۸، به نقل از فلاح السّائل.

۵- همان، ص۳۷۶، ح۱۷، به نقل از دعائم الدّین.

این تأکیدات نشان می دهد که ما باید در کنار اهمیّت دادن به دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام رعایت تقوی و ورع را نیز مهم تلقّی کنیم و اگر می خواهیم دعاهایمان در حقّ مولایمان مستجاب گردد به صرف اینکه با رقّت قلب و حال و هوای معنوی برای ایشان دعا کنیم، راضی نشویم. متأسّفانه گاهی مشاهده می کنیم کسانی را که با وجود اصرار و تأکیدی که بر دعای برای حضرت - هم خودشان و هم برای دیگران - دارند، نشانه ای از تقوی و ورع در آنان نیست. برخی از روی نادانی چنین می پندارند که ارتباطی بین اجابت دعایشان با سلامت و پاکی قلبشان وجود ندارد و اصلاً ممکن نمی دانند که به خاطر ارتکاب برخی گناهان، دعاهایشان در حقّ مولایشان بی فایده باشد. گاهی نه تنها دعاکننده اهل ورع و پرهیز از گناهان نیست بلکه حتّی در هنگام دعا برای امام زمان علیه السلام و در ضمن آن هم مرتکب معصیت می شود! واقعاً شگفت آور است، آیا دعا برای تعجیل فرج همراه با موسیقی غنایی یا اختلاط نامحرمان با یکدیگر، مقبول و مستجاب است؟! چنین کسانی بدون آنکه بفهمند و بخواهند با این کارها در واقع خود را و دعا برای امام عصر علیه السلام را به مسخره و استهزاء گرفته اند، العیاذ بالله!

دعا به پیشگاه خداوند یک عبادت بسیار ارزشمند و گرانقدر است و باید مراقب بود که این عمل شریف با معصیتی آلوده نشود و خدای ناکرده به ابتذال کشیده نشود. اگر چنین مراقبتی صورت نگیرد، روح دعا از بین می رود و آنچه می ماند چیزی جز یک تابلوی ساختگی و مصنوعی از آن نیست.

### پرهیز از گناه به خاطر مستجاب شدن دعا در حقّ امام زمان علیه السلام

دعاکننده برای امام زمان علیه السلام باید بداند که پرهیز نکردن از گناهان - حتّی یک گناهی که آن را کوچک می شمارد - می تواند او را از قبض دعاهایش محروم نماید. بنابراین اگر واقعاً امام خود را دوست دارد بکوشد به خاطر ایشان هم که شده، از گناهانش توبه کند و همان طور که خود ائمّه علیهم السلام سفارش فرموده اند، پیش از عرض

حاجت خود به تک تک گناهانش اعتراف نماید و تصمیم قطعی بگیرد که دیگر به سوی آنها باز نگردد.(۱)

ما اگر کسی را دوست داشته باشیم که گرفتار بلاها و مصیبت هایی باشد، همچنین بدانیم که دعایمان در رفع گرفتاری های او مؤثّر و مفید است، خودش هم از ما خواسته باشد که برایش دعا کنیم، با این همه دعا می کنیم ولی اثر نمی بینیم. سپس متوجّه می شویم که مانع استجابت دعا چیزی است که خودمان ایجادش کرده ایم و با تصمیم و اختیار خودمان قابل رفع است. اگر واقعاً آن شخص را دوست داشته باشیم و بخواهیم رفع ناراحتی و گرفتاری از او بشود، آن مانع را رفع نمی کنیم؟ آیا اگر نسبت به این امر بی خیال باشیم و در صدد رفع مانع بر نیاییم، باز هم می توانیم ادّعای دوست داشتن او را بکنیم؟ در این صورت اگر در این ادّعا دروغ نگوییم، حدّاقل این است که درجه محبّت ما به او بسیار ضعیف و ناچیز است. محال است کسی را زیاد دوست داشته باشیم و او را گرفتار ببنیم و بتوانیم با اقدام خود در جهت رفع گرفتاری اش کاری بکنیم، امّا ساکت بنشینیم.

اگر فرد راستگویی به ما بگوید که می خواهم پولی یا شغلی به شما بدهم به شرط آنکه فلان عیب را در خود اصلاح کنی یا فلان کار زشت را دیگر انجام ندهی، آیا برای رسیدن به آن پول یا شغل پردرآمد، خواسته او را برآورده نمی کنیم؟ آیا قربهً الی المال به تهذیب نفس خود نمی پردازیم؟! واقعاً عجیب است چگونه حاضرم برای بهتر شدن دنیای خود، اهل ورع و تقوی شوم؛ امّا وقتی نوبت به خدا و امام زمان علیه السلام می رسد، همّت چندانی نمی کنم و اهمیّت زیادی به رفع موانع برای رسیدن به خواسته های معنوی خودم نمی خواهم!

اکنون از خود بپرسیم: تاکنون به خاطر اینکه دعایم در حقّ امام زمانم مستجاب شود، از چند گناه دوری کرده ام؟ آیا تاکنون اتّفاق افتاده است که از ترس اجابت نشدن دعایم برای تعجیل فرج، از نگاه به نامحرم چشم بپوشم؟ یا از شنیدن موسیقی حرامل.



---

۱- بحارالانوار، ج۹۳، ص ۳۲۰، ح۲۸، به نقل از فلاح السّائل.

بگذرم؟ یا از خوردن مال حرام اجتناب کنم؟ و یا ...

شیطان قطعاً از دعا برای تعجیل فرج ناخرسند استو همه تلاش خود را به کار می بندد که کسی سراغ این عبادت ارزشمند نرود و تا جایی که می تواند، کاری می کند که اهل دعا برای تعجیل فرج کمتر شوند. امّا اگر کسی از این دام شیطان بگریزد و دعا برای حضرت جزء برنامه زندگی اش قرار بگیرد، آنگاه از در دیگری وارد می شود تا دعاهایش را بی ثمر کند و آن این است که گناهانش را نزد او کوچک و ناچیز جلوه می دهد. وقتی انسان گناهش را بزرگ نشمارد و از ارتکاب آن به حال خوف نیفتد، طبیعتاً از آنها احساس پشیمانی و سرافکندگی شدید هم نمی کند و تصمیم به ترک آنها هم نمی گیرد. آن وقت چه بسا فکر کند که به سبب دعا برای امام عصر علیه السلام نزد خدا و ایشان محترم و عزیز است و حتّی در دل به خاطر دعاهایش منّتی هم سر آنها بگذارد، امّا نمی داند که همین بی تفاوت بودن نسبت به گناهان ممکن است مانع استجابت دعایش گردد و مقبول درگاه الهی قرار نگیرد.

پس بیاییم به خاطر آنکه دعاهایمان در حقّ مولایمان به اجابت نزدیک شود، به همان اندازه که به دعا کردن اهمیّت می دهیم و به آن عمل می کنیم، به تهذیب نفس خویش از آلودگی گناهان نیز اهمیّت دهیم و در کنار اصرار و الحاح در دعا برای تعجیل فرج، بر توبه از گناهان خود نیز اصرار بورزیم و به انجام هیچ معصیتی راضی نشویم. عیب های خود را بزرگ و درشت ببینیم و دیگران را به خاطر اموری که خودمان به آنها مبتلاـ هستیم، سرزنش نکنیم و اعتراف به تک تک گناهان و اقرار به آنها را مقدّمه دعا برای تعجیل فرج مولایمان قرار دهیم تا امیدمان به تأثیر دعاهایمان بیشتر گردد.

ذکر خاطره ای که مرحوم صاحب مکیال المکارم در کتاب شریف خود آورده، در همین خصوص شنیدنی است. ایشان از برادر ایمانی خود جناب آقا میرزا محمّـد باقر فقیه ایمانی رحمه الله نقل کرده اند که ایشان در خواب (یا بین خواب و بیداری) به محضر امام حسن مجتبی علیه السلام مشرّف شده است، سپس فرمایش آن حضرت را چنین نقل به معنا می کند:

بالای منابر به مردم بگویید و ایشان را امر کنید تا (ابتدا) توبه کنند و (سپس) برای فرج حضرت حجّت علیه السلام و تعجیل در ظهور ایشان دعا کننـد. این دعا مانند نماز میّت واجب کفایی نیست که با انجام دادن بعضـی مردم از دیگران ساقط شود، بلکه همچون نمازهای یومیّه است که انجام آن بر فرد فرد مکلّفین واجب است.(۱)

ملاحظه می شود که در فرمایش منقول از حضـرت مجتبی علیه السـلام ابتدا امر به توبه و سـپس دستور به دعا برای تعجیل فرج ذکر شـده است. بنـابراین یکی از شـرایط مؤثّر در اجـابت این دعـای شـریف، توبه از گناهان است. نکته دیگر در فرمایش امام علیه السـلام واجب عینی دانسـتن دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام است که نشانگر اهمیّت خاصّ این عبادت بزرگ می باشد.

### ۵- برعهده نداشتن حقّ النّاس

طبق آموزه هـای ائمّه اطهار علیهم السـلام یکـی از شـرایط لازم برای اجابت دعا، این است که حقّی از مردم برعهـده دعاکننـده نباشـد. بودن حقّ النّـاس بر گردن انسـان به دو گونه متصوّر است: یـا امرار معـاش انسان از راه حلال نباشـد که در این صورت لقمه ای که می خورد حلال نیست و یا اینکه دین و بدهی نسبت به دیگری داشته باشد که در احادیث از آن به «مظلمه» تعبیر شده است.(۲) در هر دو صورت حقّی از دیگران بر عهده فرد می باشد و همین مانع استجابت دعا می گردد.

کسـی که برای تعجیل فرج امام عصـر علیه السـلام دعا می کنـد و این کار را نه صـرفاً از سـر عادت و بی انگیزه بلکه با عنایت خاص و به نیّت عرض ارادت به ساحت مقـدّس مولایش انجام می دهـد، قطعاً نسبت به مسأله حقّ النّاس بی تفاوت نمی باشد. او به امیـد اجابت برای امامش دعا می کنـد و وقتی بدانـد که بر عهـده داشـتن حقّ النّاس مانع به نتیجه رسیدن دعاست، سـعی مکند به هر شـکلی که شده آن مانع را برطرف نماید. به این ترتیب می توان گفت اهل دعا برای امام زمان علیه السلام بودن با سهل انگاری در حساب ول.



---

۱- مکیال المکارم، ج ۱، ص۴۳۸.

۲- بحارالانوار، ج۹۳، ص ۳۲۱، ح ۳۱، به نقل از فلاح السّائل.

کتاب مالی قابل جمع نیست. آگاهی از احکام شرعی خمس و اجرای دقیق آن لازمه دقّت داشتن در کسب روزی حلال است. همچنین احتراز از راه های درآمدی که پاک و بی غلّ و غش نیستند، برای دوستدار امام عصر علیه السلام که به دعا برای ایشان اهمیّت می دهد، جزء ضروریّات می باشد.

متأسّفانه درصد زیادی از شیعیان را می بینیم که دقّت چندانی در چگونگی به دست آوردن مال ندارند. اگر بخواهیم مطلب روشن شود، باید مقایسه ای به عمل آوریم بین دقّتی که نوع مردم نسبت به رعایت بهداشت در خورد و خوراکشان دارند و آنچه در مورد حلال و حرام آن انجام می دهند. ملاحظه می کنیم که افراد عاقل و فهمیده در مورد غذایی که خود و خانواده شان استفاده می کنند، کمال دقّت را نسبت به رعایت امور بهداشتی آن دارند. به تاریخ مصرف آن توجّه می کنند و از خرید موادّی که به سلامت و بهداشتی بودن آن اطمینان ندارند، خودداری می نمایند. اگر احتمال دهند که برخی محصولات غذایی آلوده به میکروبی مثل وبا هستند، از خیر تهیّه آن می گذرند و اصلاً سراغش نمی روند. این دقّت ها برای مصون ماندن غذای انسان از آلودگی ها، بسیار بجا و لازم است.

امّا چند درصد از همین مردمی که با چنین دقّتی مسائل بهداشتی را زیر ذرّه بین می گیرند، نصف این دقّت را در رعایت حلال و حرام غذاهایشان به خرج می دهند؟ آیا مراقب هستند که با پول حرام غذایی برای خود و خانواده نخرند؟ آیا از موادی که احتمال راه پیدا کردن حرام در اموالشان هست، پرهیز می کنند؟ آیا اجتناب از مشتبهات را برای اطمینان از سالم ماندن از آلودگی مال حرام قبول دارند و به آن پایبند هستند؟

متأسّفانه پاسخ این پرسش ها نوعاً منفی است و ما آن دقّت نظری که در رعایت مسائل بهداشتی نسبت به غذا و غیره می بینیم، در مورد کسب روزی حلال مشاهده نمی کنیم. بسیاری از معاملاتی که بین مردم صورت می گیرد، به خاطر ناآگاهی از مسائل شرعی، آلوده به ربا دادن و ربا گرفتن است، امّا چون به این امر اهمیّت چندانی داده نمی شود، کمتر کسی درصدد یاد گرفتن احکام دقیق ربا در معاملات برمی آید. این

در حالی است که اگر احتمال ابتلاـ به وبا در موردی داده شود، همه کسانی که در معرض این ابتلا هستند به سراغ آموزش دیدن در مورد وبا و عوارض آن می روند. همچنین دغدغه ای که نسبت به رعایت حقّ النّاس در بسیاری از دوستان ائمّه علیهم السلام وجود دارد، بسیار کمتر از آن حدّی است که باید باشد. کسی که تعجیل در فرج مولایش را از خدا طلب می کند، می داند که ظهور آن حضرت برای پیاده شدن احکام دقیق اسلام و دین خداست و لزوم رعایت حقّ مردم در دین اسلام جایگاه ویژه و مهمّی دارد. پس طالب ظهور امام علیه السلام نمی تواند زیر بار مظالم بندگان خدا بماند و از هر طریق ممکن می کوشد تا آنها را از دوش خود بردارد. این است که نه تنها از پرداخت حقّ و حقوقی که به گردنش می باشد، فرار نمی کند بلکه به سوی آن می رود تا خود را از گرفتاری خلاص نماید. بنابراین اگر به عنوان مثال اشتباهاً پولی به حسابش ریخته شده یا ساعت اضافه کاری برایش در نظر گرفته اند، با اینکه اگر اعلام نکند کسی متوجّه نمی شود، امّا نمی تواند خود را به خوردن این جور اموال راضی کند. لذاست که بر خلاف انتظار دیگران از گرفتن آن خودداری کرده و اشتباه انجام شده را اصلاح می کند. با کمال تأسّف مشاهده می شود که اگر کسی چنین رفتاری داشته باشد، بسیاری از همکارانش با اظهار تعجّب از رفتار او ملامتش می کنند و عمل شایسته او را بر نمی تابند. آیا این برخورد صحیح است؟ آیا کسی که عمل به وظیفه شرعی اش می کند، کار صحیحی انجام نداده و دیگران نباید به او تأسّی کنند؟ چرا در بسیاری از محیط های کاری حتّی فرهنگی، به دست آوردن نفع مادّی بر حفظ ارزش های معنوی عملاًـ ترجیح دارد؟ و چرا نیّت و انگیزه الهی و عمل به وظیفه شرعی تعیین کننده اصلی در کارهای شغلی اهل ایمان نیست؟! اگر همه مؤمنان چنین نیستند، کسانی که دعا در حقّ امام عصر علیه السلام را وظیفه و عبادت خود می شمارند، قطعاً باید این گونه باشند. نتیجه مجموع بحث این است که نمی توان اهل دعا برای امام زمان علیه السلام بود و در عین حال نسبت به نحوه امرار معاش و رعایت حقّ النّاس بی تفاوت و اهل مسامحه بود. اگر امامان و تعجیل در فرج ایشان محبوبمان هست، بیاییم با دقّت هرچه بیشتر به رعایت حقوق دیگران در زندگی اهمیّت دهیم.

ص: ۹۷

### ۶- معرفت به امام عصر علیه السلام و شکر نعمت وجودی ایشان

یکی از آدابی که در دعا کردن وارد شده، شکر نعمت های الهی است. ما اهمیّت این مطلب را با استناد به احادیث ائمّه علیهم السلام در بخش اوّل بیان کردیم.(۱) همچنین دانستیم که یکی از موانع اجابت دعا ناشکری کردن نسبت به نعمت های الهی است.(۲)

حال بنگریم آیا در این امر کوتاهی نمی کنیم. می دانیم که بزرگ ترین و مهم ترین نعمت الهی وجود مقدّس امام عصر علیه السلام است. آیا چنانچه شایسته این نعمت عظمی است، معرفت به ایشان داریم؟ ما شیعیان چه اندازه از صفات و کمالات خدادادی ایشان آگاهیم و به آن معتقدیم؟ آیا در مراکز علمی و فرهنگی دینی، حقّ معرفت ایشان در تعلیم و تعلّم ادا می شود؟

در بحث نحوه شکرگزاری در برابر نعمت های الهی، سه رتبه از شکر مطرح می شود: قلبی، زبانی و عملی. همه این مراتب نسبت به وجود نازنین حضرت بقیّه الله ارواحنا فداه باید تحقّق یابد. امّا حقیقتاً چند درصد از شیعیان آن حضرت چگونگی همین مراتب شکرگزاری می دانند؟ متأسّفانه بسیاری از ما در این زمینه محتاج تذکّر و تنبّه هستیم. وقتی هم متذکّر می شویم، در عمل چنان اهتمام و جدیّتی که شایسته حقّ امام علیه السلام باشد، از خود نشان نمی دهیم. این در حالی است که نسبت به شکر نعمت سلامت و امنیّت شخصی خود بیش از این مقدار همّت می کنیم. شاهدش این است که اگر سلامت یا امنیّت شخصی ما در زندگی به خطر افتد، بسیار نگران می شویم و اگر بدانیم که شکر این دو نعمت بزرگ الهی به حفظ و بقای آنها می انجامد، سعی می کنیم که راه های شکرگزاری نسبت به آنها را بیاموزیم و در عمل به آن اهتمام ورزیم. امّا آیا آن اندازه که به شکر نعمت سلامت خود اهمیّت می دهیم، به نحوه سپاسگزاری از نعمت وجود امامان می اندیشیم؟

آیا تاکنون این حقیقت را وجدان کرده ایم که امام شناس بودن ما نعمتی بالاتر ازه.



---

۱- بخش اوّل، فصل چهارم، ادب هفتم.

۲- بخش اوّل، فصل سوم، شرط دوم دعاکننده.

سلامت بـدن ماست؟ آیا - در مقام فرض - حاضـریم بیمار بشویم یا به گرفتاری های مادّی مبتلا بشویم. امّا معرفت و ارادتمان را به امام زمانمان از دست نـدهیم؟ واقعاً چند درصد از دعاکنندگان برای امام زمان علیه السـلام چنین معرفتی به ایشان دارند؟ نشـانه برتر دانسـتن یـک نعمت از نعمت دیگر این است که در هنگـام تضـادّ بین آنها، اوّلی را بر دومی ترجیـح دهیم. با همین معیار می توانیم تشـخیص دهیم که نعمت شناخت امام عصر علیه السلام نزد ما بر نعمت های دیگر ترجیح دارد یا خیر. در مقام سنجش این امر، بـا کمـال شـرمندگی خواهیم دیـد که برخی از دوسـتداران حضـرت - همان ها که در جشن های میلاد ایشان شـادی می کننـد و شیرینی پخش می کننـد - در عمـل نعمت هـای مـادّی و شخصـی خـود را در زنـدگی بر نعمت معرفت به امامشان ترجیح می دهند. علّت این خطا چیزی نیست جز عدم شناخت صحیح و کافی از بزرگ ترین نعمت خداوند که وجود مقـدّس امام عصـر ارواحنا فداه می باشد. طبیعی است که این عدم معرفت - که نتیجه اش ادا نکردن حقّ شـکر قلبی است - بر مراتب بعـدی شـکرگزاری یعنی شـکر زبانی و عملی هم لطمه جـدّی می زند، چون روح این دو رتبه، همان شـکر قلبی کردن است.(۱)

با این توضـیحات آیا لازم نیست در کنار اهتمام به دعا برای امام زمان علیه السـلام به خصوص تعجیل فرج ایشان، انواع مراتب شکرگزاری نسبت به آن حضـرت را بیشتر بشناسیم و به آنها پایبند گردیم؟ کوتاهی در این امر هم مانع اجابت دعاهایمان می گردد و هم انگیزه و همّت ما را در امر دعا سست می نماید.

### ۷- الحاح و اصرار و دوری از سستی

#### اشاره

چنـانچه در بخش اوّل کتـاب گـذشت یکی از آداب مؤثّر دعـا در اجـابت، الحـاح و اصـرار در انجـام آن می باشـد.(۲) به یاد بیـاوریم که امـام بـاقر علیه السـلام قسم یاد کرده انـد که هرگاه بنـده مؤمنی با اصـرار چیزی را از خداونـد طلب کن، حاجتش برآورده می گردد.(۳)۳.



---

۱- درباره مراتب مختلف شکرگزاری می توانید به کتاب «آفتاب در غربت» مراجعه فرمایید.

۲- بخش اوّل، فصل چهارم، ادب چهاردهم.

۳- اصول کافی، کتاب الدّعاء، باب الالحاح...، ح۳.

پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم نیز تأکید فرموده اند که با جدّ و جهد دعا کنید و از دعا کردن خسته و ملول نشوید، چرا که تا شما خسته نشوید، خداوند خسته نمی شود.(۱)

این سفارش ها نشان می دهد که خداوند می خواهد بندگانش بر در خانه او اصرار بورزند و از گدایی خسته نشوند. ممکن است چیزی را از خدا بخواهیم و خواسته ما برآورده نشود. امّا چه بسا اگر در مورد آن اصرار کنیم، حاجتمان داده شود. البتّه همان طور که اصل دعاکردن حال و انگیزه می خواهد، اصرار و الحاح در آن هم معمولاً برخاسته از حال و انگیزه درونی دعاکننده است.

## عوامل مؤثّر در پیدایش حالت اصرار در دعا

انسان در خواستن چیزی که برایش بسیار مهم باشد، اصرار می ورزد و برای امور بی ارزش انگیزه اصرار ندارد. مثلًا کسی که برای رسیدن به یک نعمت مادّی همچون خانه یا قبولی در کنکور دانشگاه دعا می کند و در دعایش اصرار می ورزد، آن امور را با ارزش و مهم تلقّی می کند. اگر برای آنها اهمیّت قائل نبود، یا دعا نمی کرد یا در صورت دعا، بر آن اصرار نمی ورزید. اگر رسیدن به چیزی برای انسان مهم باشد، بدون نیاز به توصیه و سفارش، خودبه خود بر آن اصرار خواهد ورزید.

نکته دیگری که در تحقّق اصرار مؤثّر است، اعتقاد دعاکننده به تأثیر اصرار در تحقّق خواسته اش می باشد. در مورد دعا برای امام عصر علیه السلام و به خصوص تعجیل فرج ایشان باید به عملی شدن این دو عامل توجّه کافی نماییم: یکی اینکه ظهور امام عصر علیه السلام برای ما مهم و باارزش باشد و دیگر آنکه اصرار در دعا را برای تعجیل در آن مؤثّر بدانیم.

تحقّق عامل اوّل بستگی به میزان معرفت ما به مقام رفیع آن حضرت نزد خداوند دارد و اینکه ظهور ایشان مطلوب و محبوب همه انبیا و اولیای الهی بوده است. باید به این باور برسیم که عملی شدن آمال و اهداف همه مکاتب آسمانی و پیامبرانی.



---

۱- بحارالانوار، ج۹۳، ص۳۶۴، ح۸، به نقل از امالی طوسی.

بزرگ از آدم علیه السلام تا خاتم صلّی الله علیه و آله و سلّم فقط و فقط با فرج امام عصر علیه السلام محقّق می گردد و تا چنین روزی نرسد، آرزوی هیچ یک از آن برگزیدگان خداوند برآورده نمی گردد. هر چه در این زمینه به مطالعه آیات و روایات و کتابهای مفیدی که با استناد به ادلّه نقلی معتبر، این موضوع را مطرح کرده اند بپردازیم، جایگاه بلند ظهور امام زمان علیه السلام را در فرهنگ دین بیشتر باور خواهیم نمود.

برای تحقّق عامل دوم نیز باید آیات و احادیث مربوط به تأثیر اصرار در دعا را در اجابت زودتر آن، مطالعه نماییم تا این اعتقاد عمق بیشتری در وجود ما پیدا کند. در این صورت اهل اصرار و الحاح در دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام خواهیم شد.

### نموده های مختلف اصرار در دعا

این اصرار دو جنبه می تواند داشته باشد: یکی تعمیم دعا در مکان ها و زمان ها و شرایط مختلف است. وقتی کسی بر خواستن چیزی اصرار داشته باشد، وقت و بی وقت آن را طلب می کند و به هر مناسبتی خواسته اش را پیش می کشد و خلاصه دنبال بهانه می گردد تا از آن سخن بگوید و تکرارش نماید. این جنبه اصرار، به کمیّت و تعداد دعاها مربوط می شود. ساده ترین مثالی که می توانیم برای این نوع اصرار در دعا برای تعجیل فرج ذکر کنیم، دعای صلوات به پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم و آل او علیهم السلام همراه با درخواست تعجیل فرج برای ایشان است:

اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّل فَرَجَهُم.

همچنین می توانیم کامل تر دعا کنیم و بگوییم:

اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّل فَرَجَهُم بِقائِمِهِم.

و کامل تر اینکه در انتهای آن دعای:

وَالعَن اَعدائَهُم.

را بیفزاییم. این دعا با وجود سادگی، بسیار دعای مؤثّر و بافضیلتی است که در طول شبانه روز بدون مزاحمت با بسیاری از مشغله ها انجام شدنی است.

جنبه دوم اصرار، به کیفیّت دعاکردن انسان برمی گردد. کسی که بر داشتن چیزی اصرار دارد، نوع درخواستش با کسی که اصرار ندارد، فرق می کند. پافشاری و تأکید او به نحوی است که جز با تحقّق مطلوبش از طلب آن دست بردار نیست و به هیچ قیمتی حاضر نیست در خانه خدا را رها کند مگر آنکه خواسته اش برآورده شود. این گونه لجبازی و یک دندگی هرچند که در برابر بندگان خدا، صفت خوبی به شمار نمی آید، امّا به تصریح امام صادق علیه السلام در پیشگاه الهی ویژگی مثبتی محسوب می شود(1) و طبق وعده امیرمؤمنان علیه السلام هر که در کوبیدن با بی لجاجت به خرج دهد، بالاخره آن باب به رویش گشوده خواهد شد.(2) البتّه همان طور که در بخش اوّل کتاب بیان شد،(3) خواسته های مادّی و دنیوی را صرف نظر از ابعاد معنوی و اخروی آن نمی تواند و نباید با چنین اصراری از خدا طلب کرد، چون ممکن است خیر دعاکننده در تحقّق آن نباشد. امّا در اموری که خیر بودنشان قطعی و مسلّم است، هرگونه اصرار و الحاح ورزیدن مطلوب و پسندیده می باشد. تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام امری است که محبوب خدا و اولیای اوست و ما یقین داریم که خواستن آن قطعاً مورد رضایت پروردگار می باشد. البتّه باید توجّه داشته باشیم که اصرار کردن در مورد آن نباید همراه با تعیین ضرب الاجل قطعی برای ظهور حضرت باشد. ما می توانیم از خدا بخواهیم که ظهور امامان را در همین سال جاری قرار دهد، یا آن را در ماه فعلی مقدّر فرماید یا اینکه تا قبل از هفته آینده ایشان را ظاهر فرماید. حتّی می توانیم دعا کنیم که ظهور ایشان همین امروز یا همین ساعت واقع شود، همه اینها مجاز است، امّا نباید چنین بگوییم که: الّا ولا بدّ باید در فلان روز یا ساعت یا هفته یا ماه یا سال و یا ... ظهور حضرت واقع شود. این گونه دعا کردن خلاف ادب بندگی و نوعی تعیین تکلیف برای خدای متعال می باشد و از حدّ اصرار و الحاح در درخواست فراتر می رود؛ بنابراین شایسته و مجاز نیست.م.



---

۱- اصول کافی، کتاب الدّعاء، باب الالحاح...، ح۴.

۲- مَنِ استَدامَ قَرعَ الباب و لَج وَلَجَ (غرر الحکم و دُرر الکلم، ح۳۷۵۸).

۳- فصل پنجم.

یکی از نمودهای کیفی اصرار در دعا، قسم دادن خداوند در هنگام دعاست. کسی که بر خواستن چیزی اصرار دارد، آن را با قسم و آیه طلب می کند و به هر زبانی که شرعاً مجاز باشد خدا را قسم می دهد که خواسته اش را برآورده سازد.

یکی دیگر از جلوه های اصرار در دعا، متوسّل شدن به اسباب و وسائطی است که در پیشگاه خدا آبرو دارند و خواندن پروردگار به وساطت آنان، اجابت دعا را سریع تر و سهل تر می سازد.

### توسّل به اهل بیت علیهم السلام در دعای عبرات

نمونه ای از دعای بر تعجیل فرج که در آن توسّل به ذوات مقدّسه چهارده معصوم علیهم السلام به کار رفته، دعای «عبرات» است. این دعا بنابر تحقیق از ناحیه خود امام زمان علیه السلام صادر شده و مطالعه آن شدّت گرفتاری ها و ناراحتی های حضرت را در زمان غیبت تا حدّی نشان می دهد.(۱) ما در این جا به مناسبت بحث، قسمتی از پایان دعا را که شامل توسّل به اهل بیت عصمت و طهارت از جمله خود امام عصر علیه السلام می باشد، نقل و ترجمه می کنیم:

إلهی... فَإنّی اَستَشفِعُ إلَیکَ بِکَرامَتِکَ وَ الصَّفوَهِ مِن أنامِکَ الَّذینَ لَهُم أَنشَأتَ ما یَقِلُّ وَ یُظِلُّ وَ نَزَّلتَ ما یَدِقُّ وَ یَجِلُّ.

پروردگارا... پس من آقایی و کرامتت را نزد تو شفیع قرار می دهم و نیز (شفاعت می جویم) به برگزیدگان از آفریدگانت، آنان که کوچک و بزرگ را به خاطر ایشان آفریده ای و ریز و درشت را برای آنان نازل فرموده ای.

سپس به معرّفی یک یک این شفیعان بی نظیر می پردازند و از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم آغاز می فرمایند:

اَتَقَرَّبُ إلَیکَ بِأوَّلِ مَن تَوَّجتَهُ تاجَ الجَلالَهِ وَ اَحلَلتَهُ مِنَ الفِطرَهِ مَحَلَّت.



---

۱- درباره سندهای این دعای شریف و توضیح برخی از عبارات جانسوز آن در کتاب «سلوک منتظران» ص ۹۵ تا ۱۰۰ بحث مستدل و مستندی مطرح شده است.

السُّلالَهِ، حُجَّتِکَ فی خَلقِکَ وَ أمینِکَ عَلی عِبادِکَ مُحَمَّدٍ رَسُولِکَ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ، وَ بِمَن جَعَلتَهُ لِنُورِهِ مَغرِباً وَ عَن مَکنُونِ سِرِّهِ مُعرِباً، سَیِّدِ الأوصِیاءِ وَ إمامِ الأتقیاءِ یَعسُوبِ الدّینِ وَ قائِدِ الغُرِّ المُحَجَّلینَ أبِی الأئِمَّهِ الرّاشِدینَ، عَلِیٍّ اَمیرِ المُؤمِنینَ.

به تو تقرّب می جویم به واسطه اوّلین کسی که تاج بزرگی بر سرش نهادی و اصل و اساس اوّلیّه خلقت قرارش دادی، حجّت تو در میان آفریدگانت و امانت دار تو بر بندگانت حضرت محمّد، رسول تو صلّی الله علیه و آله و سلّم و نیز (به تو تقرّب می جویم) به واسطه کسی که او را محلّ غروب نور پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم و آشکار کننده راز پوشیده او قرار دادی، سرور و آقای اوصیا و پیشوای متّقیان، امیر دین و رهبر پیشانی سپیدان، پدر ائمّه راشدین علیّ امیرالمؤمنین علیه السلام.

اوصافی که امام عصر علیه السلام برای جدّ شریفشان امیرالمؤمنین علیه السلام آورده اند، بسیار عمیق و زیباست.

مَن جَعَلتَهُ لِنُورِهِ مَغرِباً وَ عَن مَکنُونِ سِرِّهِ مُعرِباً.

آن کس که محلّ غروب نور پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم بوده یعنی اگر رسول گرامی صلّی الله علیه و آله و سلّم غروب فرمود، امّا در وجود مقدّس وصیّش محو شد که نفس پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم بود و کسی که آشکار کننده راز پنهان رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم بود.

پس از پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم و امیر مؤمنان علیه السلام نوبت به توسّل به بانوی یگانه عالم و دو نور چشم رسول اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم می رسد، امام عصر علیه السلام مادر شریفشان و حسین علیهما السلام را چنین معرّفی می فرمایند:

وَ اَتَقَرَّبُ إلَیکَ بِخِیَرَهِ الاَخیارِ وَ اُمِّ الأنوارِ وَ الإنسِیَهِ الحَوراءِ البَتُولِ العَذراءِ فاطِمَهَ الزَّهراءِ، وَ بِقُرَّتَی عَینِ الرَّسُولِ وَ ثَمَرَتَی فُؤادِ البَتُولِ السَّیِّدَبنِ الإمامَینِ أبی مُحَمَّدٍ الحَسَنِ وَ أبی عَبدِ اللهِ الحُسَینِ.

و به سوی تو تقرّب می جویم به واسطه برگزیده برگزیدگان و مادر انوار و حضرت انسیّه حوراء، پاکیزه از هر آلودگی، فاطمه زهرا علیها السلام و به دو نور

چشم رسول صلّی الله علیه و آله و سلّم و دو میوه دل حضرت بتول علیها السلام، دو آقا، دو امام، ابی محمّد الحسن علیه السلام و ابی عبدالله الحسین علیه السلام.

مادر ائمّه اطهار علیهم السلام امّ الانوار است و برگزیده شده از میان برگزیدگان، سپس سه امام بزرگوار بعدی علیهم السلام را وسیله قرار داده اند:

وَ بِالسَّجّادِ زَینِ العُبّادِ ذِی الثَّفَناتِ راهِبِ العَرَبِ عَلِیِّ بنِ الحُسَینِ، وَ بِالإمامِ العالِمِ وَ السَّیِّدِ الحاکِمِ النَّجمِ الزّاهِرِ وَ القَمَرِ الباهِرِ مَولایَ مُحَمَّدِبنِ عَلِیٍّ الباقِرِ، وَ بِالإمامِ الصّادِقِ مُبَیِّنِ المُشکِلاتِ مُظهِرِ الحَقائِقِ المُفحِمِ بِحُجَّتِهِ کُلَّ ناطِقٍ، مُخرِسِ اَلسِنَهِ أهلِ الجِدالِ مُسَکِّنِ الشَّقاشِقِ مَولایَ جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ الصّادِقِ.

و (به تو تقرّب می جویم) به واسطه زیور بندگان که اعضای سجده اش از کثرت عبادت همچون زانوی شتران که روی زمین گذاشته می شود، ضخیم و سفت شده بود، راهب عرب حضرت علیّ بن الحسین علیهما السلام و به واسطه امام عالم و آقای حاکم، ستاره درخشنده و ماه خیره کننده، مولایم حضرت محمّدبن علیّ الباقر علیهما السلام و به واسطه امام راستگو، تبیین کننده مشکلات، آشکار کننده حقایق، آنکه با برهانش هر گوینده ای را مُجاب می نمود و زبان اهل مجادله را خاموش می کرد و یاوه گویی ها را فرو می نشاند، مولایم حضرت جعفربن محمّد الصادق علیهما السلام.

آنگاه در توسّل به سه امام بعدی علیهم السلام چنین عرضه داشته اند:

وَ بِالإمامِ التَّقِیِّ وَ المُخلِصُ الصَّفِیِّ وَ النُّورِ الأحمَدیِّ وَ النُّورِ الأنوَرِ وَ الضِّیاءِ الأزهَرِ مَولایَ مُوسَی بنِ جَعفَرٍ، وَ بِالإمامِ المُرتَضی وَ السَّیفِ المُنتَضی مَولایَ عَلِیِّ بنِ مُوسَی الرِّضا، وَ بِالإمامِ الأمجَدِ وَ البابِ الأقصَدِ وَ الطَّریقِ الأرشَدِ وَ العالِمِ المُؤَیَّدِ یَنبُوعِ الحِکَمِ وَ مِصباحِ الظُّلَمِ سَیِّدِ العَرَبِ وَ العَجَمِ الهادی إلَی الرَّشادِ وَ المُوَفَّقِ بِالتَّأییدِ وَ السَّدادِ مَولانا مُحَمَّدِ بنِ عَلِیٍّ الجَوادِ.

و (به تـو تقرّب می جویم) به واسـطه امـام متّقی و مخلص برگزیـده و نور احمـدی صـلّی الله علیه و آله و سـلّم و نور روشـنایی بخش تر و روشـنایی درخشنده مولایم حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام و به واسطه امام مورد رضایت و شمشیر از غلاف خارج شـده، مولایم حضـرت علیّ بن موسـی الرّضا علیهم السـلام و به واسـطه امام بزرگوارتر و باب معتـدل تر و طریق هدایت کننـده تر و عـالم مورد تأییـد (خداونـد)، سرچشـمه حکمت هـا و نور تـاریکی هـا، آقـای عرب و عجم، راهنمـا به سوی طریق هدایت و کسی که (از جانب خدا) موفّق به تأیید و پشتیبانی بوده است. مولای ما حضرت محمّد بن علیّ الجواد علیهما السلام.

سپس نوبت می رسد به واسطه قرار دادن پدر و جدّ گرامی شان که در معرّفی آن دو بزرگوار علیهما السلام چنین اظهار کرده اند:

وَ بِالإمـام مِنحَهِ الجَبّـارِ وَ والِـدِ الأئِمَّهِ الأطهارِ عَلِیِّ بنِ مُحَمَّدٍ المَولُودِ بِالعَسـکَرِ الَّذی حَـذَّرَ بِمَواعِظِهِ وَ أنـذَرَ، وَ بِالإمامِ المُنَزَّهِ عَنِ المـآثِمِ المُطَهَّرِ مِنَ المَظـالِمِ الحِبرِ العـالِمِ بَـدرِ الظَّلامِ وَ رَبیعِ الأنـامِ التَّقِیِّ النَّقِیِّ الطّـاهِرِ الزَّکِیِّ مَولایَ أبی مُحَمَّدٍ الحَسَنِ بنِ عَلِیٍّ العَسکَرِیِّ.

و (به تو تقرّب می جویم) به واسطه هـدیه (خدای) جبّار و پدر ائمّه اطهار حضـرت علیّ بن محمد علیهما السـلام تولّد یافته در میان لشـکر که با موعظه هایش انـذار و تحذیر می داد و به واسـطه امام منزّه از گناهان، پاکیزه شده از سـتم ها، بزرگمرد عالم، ماه شب چهارده در تاریکی و بهار آفریدگان، پرهیزکار پاک و پاکیزه مولایم حضرت ابومحمّد حسن بن علیّ عسکری علیهما السلام.

در پایان به آخرین وسـیله ای که امام عصـر علیه السلام به سوی خداوند تقرّب می جوید، وجود مقدّس خودشان است که نزد خداوند شفیع بزرگ مرتبه ای محسوب می شوند. ایشان خود را چنین معرّفی فرموده اند:

وَ أَتَقَرَّبُ إِلَیـکَ بِالحَفیظِ العَلیمِ الَّذی جَعَلتَهُ عَلی خَزائِنِ الأرضِ وَ الأبِ الرَّحیمِ الَّذی مَلَّکتَه أزِمَّهَ البَسطِ وَ القَبضِ، صاحِبِ النَّقیبَهِ المَیمُونَهِ وَ قاصِفِ الشَّجَرَهِ المَلعُونَهِ، مُکَلِّمِ النّاسِ فِی المَهدِ وَ الدّالِّ عَلی مِنهاجِ

الرُّشـدِ، الغائِبِ عَنِ الأبصارِ، الحاضِرِ فِی الأمصارِ، الغائِبِ عَنِ العُیُونِ الحاضِرِ فِی الأفکارِ، بَقِیَّهِ الأخیارِ الوارِثِ لِذِی الفَقارِ، الَّذی یَظهَرُ فی بَیتِ اللهِ ذِی الأستارِ العالِمِ المُطَهَّرِ مُحَمَّدِبنِ الحَسَنِ، عَلَیهِم أفضَلُ التَّحِیّاتِ وَ اَعظَمُ البَرَکاتِ وَ اَتَمُّ الصَّلَواتِ.

و به تو تقرّب می جویم به واسطه نگه دارنـده دانـا که او را بر گنجینه هـای زمین گماشـته ای و پـدر مهربان که اختیار دادن و گرفتن را به او سپرده ای، صاحب طبع و رأی مبارک و شـکننده شـجره ملعونه، سخن گوینده با مردم در گهواره و نشان دهنده طریق رشـد، پنهان از دیدگان، حاضر در شـهرها، غایب از چشم ها، حاضـر در فکرها، تنها باقی مانده از برگزیدگان، و وارث ذوالفقـار (شمشـیر امیرالمؤمنین علیه السـلام)، آنکه در خانه پرده پوش خـدا آشـکار می شود، عالم معصوم محمّـد بن الحسـن علیهما السلام، برترین درودها و بزرگ ترین برکت ها و کامل ترین صلوات بر همه ایشان (چهارده معصوم) باد.

ایشان پس از واسطه قرار دادن تک تک این انوار پاک، آنان را پناه و وسیله خود به سوی خدا می خوانند:

اَللّهُمّش فَهؤلاءِ مَعاقِلی(۱) اِلَیکَ فی طَلِباتِ وَ وَسائِلی... وَلا شَفیعَ لی اِلَیکَ اَوجَهُ مَن هؤلاءِ.

خدایا اینها محلّ پناه آوردن من در خواسته هایم و وسیله های من هستند... و هیچ شفیعی که نزد تو آبرومندتر از اینان باشند، ندارم.

آن گاه پس از همه این واسطه قرار دادن ها با این عبارات فرج خود را از خدای متعال طلب کرده اند:

یا مَن یُجیبُ المُضطَرَّ اِذا دَعاهُ، یا راحِمَ عَبرَهِ یَعقُوبَ یا کاشِفَ ضُرِّ اَیُّوبَ اِغفِر لی وَ ارحَمنی وَانصُرنی علی القَومِ الکافِرینَ وَافتَح لی وَ(۷)



---

۱- مَعاقِل جمع مَعقِل و به معنای مَلجأ و حِصن می باشد. (المعجم الوسیط، ج۲، ص۶۱۷)

أَنتَ خَیرُ الفاتِحینَ یا ذَا القُوَّهِ المَتینِ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ.(۱)

ای کسی که وقتی مضطرّ او را بخواند، اجابتش می کند، ای رحم کننده به اشک های یعقوب، ای برطرف کننده گرفتاری ایّوب، از من درگذر و به من رحم کن و مرا برای غلبه بر قوم کافر یاری فرما و پیروزی نصیبم گردان در حالی که تو بهترین پیروز کنندگانی، ای صاحب قدرت استوار، ای مهربان ترین رحم کنندگان.

ملاحظه می شود که در این دعا، توسّل به آبرومندترین شفیعان نزد خداوند یعنی اهل بیت عصمت و طهارت چه حجم معتنابهی را در بر گرفته است. این نمونه ای از دعاهای مأثور می باشد که در آن اصرار و الحاح به پیشگاه الهی از طریق واسطه و شفیع قرار دادن نزد خداوند، صورت پذیرفته است. معمولاً اگر انسان بر خواستن چیزی اصرار داشته باشد در درخواست خود واسطه و شفیع قرار می دهد و دعای عبرات یکی از روشن ترین مصادیق این گونه اصرار در دعا برای تعجیل فرج می باشد.(۲)

### ۸- بکاء، ضجّه، تضرّع و ابتهال

#### اشاره

یکی از آداب مؤثّر در اجابت دعا، داشتن حال گریه و ضجّه در هنگام آن است که در بخش اوّل کتاب توضیح داده شد.(۳) گریه معمولاً به طور مصنوعی حاصل نمی شود، و تا قلب انسان منقلب نشود، اشک از چشم سرازیر نمی گردد. بنابراین برای پیدایش حال گریه و ضجّه پیش از هر چیز باید دل را جلا و صفا داد و رابطه قلبی با امام زمان علیه السلام را استحکام بخشید تا خود به خود با یاد ایشان، چشم اشکبار شود. هرچه محبّت آن حضرت در دل انسان عمیق تر گردد، یاد و نام محبوب او را بیشتر منقلب می سازد. و به آن جا می رسد که اگر کسی از امام علیه السلام یاد کند، دوستدار ایشان ناخودآگاه گریه اش می گیرد. پس هر عملی که موجب ازدیاد محبّت به ایشان شود، حال گریه را نیز در انسان تقویت می نماید.م.



---

۱- مهج الدّعوات، ص ۶۱۵ تا ۶۱۷.

۲- متن کامل این دعا در بخش سوم کتاب مطابق نقل مهج الدّعوات آمده است.

۳- بخش اوّل، فصل چهارم، ادب پانزدهم.

## زمینه سازی برای ایجاد حال بکاء در دعا

امّا نمی توان گفت که اگر چنین حالی در کسی نیست، از خیر این ادب مؤثّر در اجابت دعا بگذرد. اگر رابطه قلبی با امام زمان علیه السلام در آن حد بالا باشد، بسیار خوب است؛ ولی اگر نبود می توان با برقرار کردن اتّصال قلبی در هنگام دعا و قبل از آن زمینه مساعدی برای گریستن موقّت ایجاد نمود. این هم بسیار کار خوبی است و خود این عمل، محبّت شخص را به مولایش تقویت می کند. قطعاً یاد کردن از حضرت و متذکّر شدن به محبّتی که ایشان نسبت به رعیّت خود دارد از طرفی، و یاد کردن از آلام و رنج های ایشان در زمان غیبت از طرف دیگر، در پیدایش حال گریه در دعاکننده می تواند مؤثّر باشد. بنابراین خوب است که انسان وقتی می خواهد برای امام زمانش دعا کند، قدری به یادآوری این احوال و اوصاف ایشان بپردازد تا قلبش اتّصال بیشتری با حضرت پیدا کند و سوز دل مقدّمه اشک ریختن شود، آنگاه با حال گریه برای مولایش دعا کند.

کار دیگری که در همین زمینه می توان انجام داد، ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام خصوصاً حضرت صدّیقه طاهره علیها السلام و حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام می باشد. بسیاری از دوستان اهل بیت علیهم السلام که رابطه قلبی عمیقی با امام عصر علیه السلام ندارند، نسبت به حضرت زهرای اطهر علیها السلام یا سیّدالشّهدا علیه السلام حالت خاصّ قلبی دارند که یادآوری مصائب ایشان دل آنها را زودتر منقلب می سازد. خوب است هرکس ببیند کدام یک از مصیبت های اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام برایش دردآورتر است، آنگاه در هنگام دعا برای امام زمان علیه السلام و به عنوان مقدّمه آن، به یادآوری آن مصیبت دردناک بپردازد و به این وسیله دل و چشم خویش را آماده دعا همراه با گریه برای مولایش سازد. به هر حال ائمّه علیهم السلام نور واحد هستند و یاد کردن از یکی از ایشان، به یک معنا یاد کردن از همه آنان است. ممکن است کسی در پیشینه زندگی اش توسّلی به یکی از امامان علیهم السلام داشته که خاطره ای به یاد ماندنی از آن امام علیه السلام برای او باقی گذاشته است، بطوری که یادآوری آن خاطره دلش را به یاد آن امام علیه السلام منقلب ساخته و اشکش را سرازیر می کند. چنین کسی می تواند همین حال را مقدّمه گریه و دعا برای تعجیل

ص: ۱۰۹

فرج قرار دهد.

حتّی - چنـانچه در بخش گذشـته آوردیم - مطـابق آنچه اسـحاق بن عمّار از امام صادق علیه السـلام نقل کرده اسـت(۱)، می توانیم به عنوان مقـدّمه سـازی برای گریه و دعا در حقّ امام زمان علیه السـلام از در گذشـتگان از بسـتگان خود یاد کنیم که با آنها رابطه عاطفی داشـته ایم و یادآوری فوت ایشان ما را به گریه می انـدازد، آنگاه این گریه را مقدّمه دعا برای حضـرت قرار دهیم. این حـدّاقل کاری است که برای پیـدایش حال گریه در هنگام دعا می توانیم انجام دهیم. اگر کسـی درصـدد ایجاد این حـال باشـد، از همـه ایـن راه هـا می توانـد بـه مقصـود خـود برسـد، مراد از «تبـاکی» کـه در برخی حالاـت - از جمله حـاجت خواستن(۲)- به آن امر شـده ایم، انجـام همین جور کارهـاست که بالاـخره اشک انسان را در می آورد، هرچنـد به انـدازه بال مگس باشد.

## چگونگی پیدایش حال ضجّه و تضرّع

حـال ضـجّه و تضـرّع هم برای انسـان بی دلیـل پیـدا نمی شود، بایـد اتّصـال روحی و قوی ترین بـا ائمّه اطهـار علیهم السـلام به خصوص حضـرت بقیه الله ارواحنـا فـداه برقرار نمود تا در هنگام دعا برای ایشان ناله و فریاد انسان بلنـد شود و به خاطر تعجیل فرج آن حضـرت زار بزنـد. برخی از زمینه سازی هایی که در مورد گریه برای حضـرت بیان شـد، اگر شدیـد شود می تواند به ضجّه و تضرّع هم منتهی گردد. فراموش نکنیم که به فرموده امام صادق علیه السلام ضجّه و بکاء در زمان غیبت امام عصر علیه السـلام و درخواست تعجیـل فرج ایشـان - که بنی اسـرائیل چهل صـباح انجام دادنـد و نتیجه گرفتنـد - تأثیر به سزایی در جلو افتادن ظهور آن سرور خواهد داشت.(۳)

بنابراین علاوه بر دعا برای تعجیل فرج امام علیه السلام خود حالت گریه و ضجّه داشتن درم.

ص: ۱۱۰

---

۱- اصول کافی، کتاب الدّعاء، باب البکاء، ح۷.
۲- همان، ح۱۰، امام صادق علیه السلام: سَل حاجَتکَ وَ تَباکَ وَلشو مِثلَ رَأسِ الذُّبابِ.
۳- رجوع شود به بخش دوم، فصل سوم، فایده سوم از فوائد دعاهای ما برای امام عصر علیه السلام.

فراق ایشان موضوعیّت دارد و می تواند ظاهر شدن امام غریبمان را نزدیک تر سازد. پس باید برای تحقّق چنین حالی تلاش کنیم و از راه های مشروع و صحیح - بدون افتادن در ورطه افراط یا تفریط - در جهت تحقّق بخشیدن آن قدم برداریم. از مؤثّرترین راه ها برای ایجاد این حال، تلاش برای بالا بردن معرفت و محبّت به آن حضرت از طریق انجام وظایف و تکالیفی است که یک منتظر فرج در زمان غیبت مولا-یش دارد. آشنایی با این تکالیف خود یک وظیفه است و کسی که در این امر کوتاهی کند، مانند کسی است که در آموختن مسائل شرعی مبتلا به خویش کوتاهی کرده است. بنابراین ندانستن و بلد نبودن این وظایف عذر موجّهی برای عمل نکردن به آنها - لااقل برای کسانی که آنچنان با امام زمان علیه السلام یگانه نیستند- نیست. لذا مطالبه کتبی که در این زمینه تألیف شده جزء وظایف منتظران قرار می گیرد.

اگر کسی از همین نقطه آغاز کند، هر قدمی که در این مسیر برمی دارد، باعث می شود قدم بعدی را با آگاهی بیشتری بردارد و آرام آرام به همه وظایف خود آشنا می شود و در طول این مسیر خواهد دید که روز به روز بر محبّت و ارادتش به مولایش افزوده می گردد و به آنجا خواهد رسید که حال ضجّه و بکاء در فراق محبوب بدون هیچ تکلّفی برایش حاصل می شود و آرزو می کند که فراغتی داشته باشد تا در گوشه ای بنشیند و برای مولایش سیر بگرید و خلوتی پیدا کند که بتواند دور از چشم اغیار در سوز محبّت و فراق محبوبش فریاد بزند و ضجّه کند. بنابراین پیدایش این احوال احتیاج به تشکیل دادن مجالس خاصّ-ی که به خاطر این هدف تشکیل شود، ندارد و هر کس در خلوت خود می تواند بی سر و صدا به این حالات نائل شود. البتّه ایجاد چنین احوالی به اختیار خود انسان نیست؛ خدا و امام عصر علیه السلام هستند که با عنایت خاصّ خود دوستانشان را این گونه شیفته و مجذوب می سازند.

البتّه تشکیل دادن محافل و مجالسی - همچون مجالس روضه اهل بیت علیهم السلام - برای دعا کردن در حقّ امام عصر علیه السلام نیز بسیار مطلوب و پسندیده است و دوستان حضرت نباید از این فرصت ها غافل باشند، به خصوص که دعای جمعی - طبق احادیث

ائمّه علیهم السـلام - مورد تأکیـد ایشـان بوده است. امّـا همـان طور که در بخش اوّل بیان شـد،(۱) در دعای جمعی و آشـکار ممکن است افراد مبتلا به تظاهر و خودنمایی شوند که اگر چنین خوفی وجود داشـته باشد، دعای فردی و پنهانی افضل خواهد بود. به هر حـال در جمع احتمـال اینکه ضـجّه زدن همه افراد معلول حـال طبیعی آنهـا نباشـد و تحت تـأثیر شور و حالی که در مجلس هست، به تظاهر بیفتند، وجود دارد و از کید و مکر شیطان در این گونه موارد نباید غافل شد.

گـاهی شور و حـال حـاکم بر یـک مجلس، خود بـاعث فریب انسـان می شود و موجب پیـدایش حال عُجب (خودسـتایی) می گردد که یکی از موانع قبولی عبادت به شمار می آید.(۲) همچنین گاهی ضجّه ها و فریادها از سویدای دل نیست و کسانی به این نیّت که مجلس را گرم کنند و شور بگیرند، داد و فریاد می زنند یا به سر و سینه می کوبند. چنین اعمالی اگر از روی ریا و خودنمـایی نباشـد، اشـکالی نـدارد امّا در عین حال با آنچه از ما خواسـته انـد فاصـله دارد. بهتر است در پی ایجاد شور و حالی باشـیم که از معرفت و محبّت عمیق به امام زمان علیه السـلام نشأت گرفته باشد که خودبه خود ضجّه و بکاء را به دنبال خواهد آورد.

### بکاء و ابتهال امام عصر علیه السلام در دعای عبرات

در این جا مناسب است تأمّلی داشته باشیم در اینکه خود وجود مقدّس حضرت مهدی علیه السلام با چه حالی برای تعجیل فرج خود و شـیعیانشان دعا می کنند. کافی است به عنوان نمونه به قسـمت هایی از دعای عبرات که در عنوان گذشـته، بخش هایی از آن را نقل کردیم، توجّه نماییم تا حال آن حضرت را در دعا درک کنیم. از جمله اوّل دعا سخن از اشک و آه است. دعا با این عبارت آغاز می شود:د.



---

۱- بخش اوّل، فصل چهارم، ادب سیزدهم از آداب دعا.

۲- توضیح مستدلّ این مطلب را می توانید در کتاب «در ضیافت ضریح» بخش چهارم، فصل ۴ و ۵ مطالعه فرمایید.

اللّهُمَّ إنّی اَسأَلُکَ یا راحِمَ العَبَراتِ و یا کاشِفَ الزَّفَراتِ.(۱)

خدایا از تو درخواست می کنم، ای رحم کننده به اشک ها و ای برطرف کننده آه ها.

«عَبره» به معنای اشک و «زَفرَه» به معنای آه بلند است و خواندن خدا با این اوصاف نشانگر حال شدید گریه و ناله بلند امام عصر علیه السلام از ابتدای دعاست. ایشان پس از دعاهای مفصّلی که نقل آن چند صفحه طول کشیده و پیش از توسّل به انوار مقدّسه چهارده معصوم علیهم السلام، در عبارتی حال خود را در پیشگاه الهی چنین معرّفی می کنند:

هذا یا الهی تَعفیرُ خَدّی وَ ابتِهالِی فی مَسأَلَتِکَ وَ جِدّی.(۲)

این است ای خدای من، بر خاک گذاشتن گونه ام و ابتهال و جدّیتم در درخواستم.

در مورد معنای «ابتهال» در بخش اوّل کتاب با استفاده از فرهنگ لغت و احادیث اهل بیت علیهم السلام توضیح دادیم.(۳) خلاصه مطلب این شد که ابتهال به معنای لابه و التماس کردن است که همراه با اشک ریختن و بالا بردن دست ها به طرف آسمان می باشد و به تصریح ائمّه علیهم السلام تا اشک دعاکننده جاری نشود، ابتهال صدق نمی کند.(۴)

روشن است که امام زمان علیه السلام در هنگام دعا، هم حال گریه داشته اند و هم دستان مبارکشان را به نشانه اوج گدایی و مسألت از خدای منّان به بالا بلند کرده اند و هم به تصریح خودشان اصرار و جدّیّت در درخواست خود به خرج داده اند. البتّه در برخی حالات هم، گونه خود را به نشانه کمال تذلّل و خضوع در پیشگاه الهی به خاک گذاشته اند. این وضعیتی است که ایشان از حال خود در هنگام دعا ترسیم فرموده اند.۱.



---

۱- مهج الدّعوات، ص ۶۱۱.
۲- همان، ص ۶۱۵.
۳- بخش اوّل، فصل چهارم، در ذیل ادب پانزدهم از آداب دعا.
۴- اصول کافی، کتاب الدّعاء، باب الرّغبه و الرّهبه...، ح ۱.

علاوه بر این در انتهای دعا و پس از معرّفی یک یک چهارده معصوم به عنوان آبرومندترین شفیعان در درگاه خداوند عرضه داشته اند:

فَهَل بَقِیَ یا رَبِّ غیرُ أن تُجیبَ وَ تَرحَمَ مِنّی البُکاءَ وَ النَّحیبَ.(۱)

پس ای پروردگار من آیا (پس از وسیله قرار دادن این شفیعان آبرومند) چیزی جز این باقی مانده که (دعایم را) اجابت کنی و به گریه و فغان من رحم کنی؟!

«نحیب» به معنای گریه با صدای بلند است(۲) و روشن است که امام عصر علیه السلام در پایان دعا که می خواهند از کلّ آن نتیجه بگیرند، چه حالی داشته اند که خود این گونه بیان کرده اند. تعبیر «هل بَقِیَ یا رَبِّ» با زیبایی و لطافت بر این نکته دلالت دارد که: خدایا، آیا پس از این که برگزیدگان درگاهت را واسطه تقرّب به سوی تو قرار دادم، راهی جز این باقی مانده که دعایم را اجابت کنی؟ همچنین از خدای مهربان خواسته اند که به اشک ها و ناله های بنده مقرّبش رحم آورده و از وجود ایشان با نصرت و فتح خویش، رفع اضطرار فرماید.

حال خوب است اندکی تأمّل کنیم و بنگریم وقتی مولای پُر درد و رنج ما در زمان غیبتش این گونه با سوز و گداز به درگاه خداوند می نالد و برای فرجش - که فرج همه مؤمنان بلکه همه مظلومان عالم است - دعا می کند؛ ما که خود را به عنوان دوستدار ایشان و احیاناً خدمتگزار آن حضرت می شناسیم و تنها سرمایه خود را محبّت به آن حضرت می دانیم؛ آیا نباید ذرّه ای از این حال بکاء و ضجّه و ابتهال را در قلب خود احساس کنیم؟! آیا نباید هفته ای، ماهی یا لااقل سالی یک بار با درصدی از این سوز به درگاه خدا بنالیم و فرج مولای مظلوممان را از خداوند بخواهیم؟ اگر تابحال چنین تجربه ای نداشته و هیچ از این گونه حالات در خود ندیده ایم، پس وای به حال ما! چگونه منتظری هستیم که در فراق محبوبمان یک قطره اشک هم نریخته ایم و برای۱.



---

۱- مهج الدّعوات، ص۶۱۷.

۲- فرهنگ نوین، ص۶۹۱.

رهایی او از رنج های زمان غیبت یک بار هم آن گونه که باید نسوخته ایم و به درگاه الهی دعای با ضجّه و بکاء نداشته ایم؟! بیاییم در باقیمانده زمان غیبت آقایمان - که چه بسا زودتر از باقیمانده عمرمان به سر آید - جبران گذشته را بکنیم و خود را - همچون پیرزن کلاف به دست - با دعا برای تعجیل فرج یوسف زهرا علیها السلام جزء خریداران ایشان قلمداد کنیم.

### ۹- دعا در حالات مختلفی که وعده اجابتش داده شده

مطابق آنچه در بخش اوّل کتاب گذشت، در مورد بعضی افراد یا حالات خاصّی از دعا کنندگان به طور خاص وعده اجابت داده شده است.(۱) ما باید از فراهم بودن این امکان و شرایط ویژه برای دعا در حقّ امام عصر علیه السلام بهره کافی ببریم و در مواقعی که وعده اجابت داده شده، متذکّر دعا برای تعجیل فرج باشیم. در این جا به ده مورد از این شرایط اشاره می کنیم تا روشن شود که اگر کسی درصدد دعا برای مولایش باشد، از چه فرصت هایی می تواند بهره برداری مناسب بکند.

۱- اوّلین نمونه دعای فرد مؤمن است در حقّ برادر مؤمنش وقتی که به خاطر اهل بیت علیهم السلام به او مساعدت و کمکی کرده باشد.(۲) در این صورت دعای خیر انسان برای برادر دینی اش - که به او احسان نموده - مستجاب است. ملاحظه فرمایید در جایی که اگر کسی به خاطر اهل بیت علیهم السلام به دیگری نیکی کند، دعای آنکه مورد احسان واقع شده در حقّ نیکی کننده مستجاب باشد؛ دعای مؤمن در حقّ اهل بیت علیهم السلام که همه نیکی ها و خیرات از ایشان به او رسیده، به طریق اولی مستجاب خواهد بود و ما اگر برای امام عصر علیه السلام دعای خیر نماییم، در حقیقت برای همه اهل بیت علیهم السلام دعا کرده ایم؛ مهم این است که دائماً به این حقیقت متذکّر باشیم که هر خیری از هر طریقی که به ما می رسد، سرچشمه و منبع و مجرای رسیدن آن وجود مقدّس امام زمان علیه السلامی.



---

۱- رجوع کنید به بخش اوّل کتاب، فصل سوم، قسمت اجابت شوندگان.

۲- بحارالانوار، ج۹۳، ص۳۵۶، ح۶، به نقل از امالی طوسی.

است. پس ما نباید همه واسطه ها را ببینیم و از سرچشمه و کانال اصلی فیض غافل باشیم.

۲- دعای دیگری که به فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام مردود نمی شود، دعای فرزند نیکوکار در حقّ پدرش است. (الوَلَدُ البارُّ لِوالِدِهِ(۱)) روشن است که به تصریح احادیث، امام زمان علیه السلام پدر دلسوز (الوالد الشّفیق(۲)) و مهربان بر رعیّت خود هستند و حقّ ایشان بر فرزندان خود از حقّ هر پدر دیگری بر فرزندش بیشتر و بالاتر است. حال اگر یکی از فرزندان ایشان در حقّ این پدر، احسان و نیکی کرده باشد؛ دعایش در حقّ او مستجاب می شود. بنابراین چه خوب است که انسان متوجّه این معنا باشد و اگر موفّق به انجام کار خیری در حقّ مولایش شد، از وعده اجابت دعا که خداوند به او داده است، برای امام زمانش استفاده کند و این فرصت را خرج ایشان کند. به یقین بهترین استفاده از این فرصت، دعا برای تعجیل فرج و رهایی حضرت از رنج ها و گرفتاری های زمان غیبت می باشد.

۳- دعای دیگری که وعده اجابتش داده شده، دعای عمره گزار (معتمر)(۳) و حج گزار (حاجّ)(۴) است. این دو، مهمان های ویژه خداوند هستند که توفیق زیارت و طواف خانه او را پیدا کرده اند. آیا دوستداران امام زمان علیه السلام که به حج یا عمره مشرّف می شوند، می دانند که چه فرصتی برای دعا در حقّ مولایشان دارند؟ چند درصد از ایشان به این موقعیّت توجّه دارند و آن را صرف دعا برای امامشان می کنند؟ حیف است که انسان این فرصت های طلایی و استثنایی را پیدا کند و از بهترین دعاها - که حتّی برای خودش بیشترین فایده ها را دارد - غافل باشد.

۴- دعای دیگری که به فرموده امام هفتم علیه السلام از پیشگاه الهی مردود نمی گردد،۱.



---

۱- بحارالانوار، ج۹۳، ص۴۲۳، ح۴۰، به نقل از الارشاد مفید.
۲- اصول کافی، کتاب الحجّه، باب نادر جامع فی فضل الامام و صفاته، ح۱.
۳- بحارالانوار، ج۹۳، ص۳۵۴، ح۱، به نقل از امالی صدوق.
۴- اصول کافی، کتاب الدّعاء، باب من تستجاب دعوته، ح۱.

دعای روزه دار در هنگام افطار است.(۱)

کسی که یک روز را به خاطر امتثال امر خداوند روزه گرفته است، در وقت افطار پاداشی از جانب پروردگارش دارد و آن اجابت دعایش می باشد. چه زیباست که انسان قدرشناس، این پاداش را تقدیم به مولای خود کند و برای تعجیل فرج ایشان دعا کند. اگر این مولای مهربان ببیند که یکی از دوستانش، جایزه دریافتی خود را به ایشان تقدیم کرد، آیا بهترین پاداش ها و جوایز را از خداوند برای این دوست خود طلب نمی کند؟ آیا خودش که صاحب و مالک خزائن الهی است، به بهترین وجهی احسان دوست خود را تلافی نخواهد کرد؟ و حاشا و کلّا!

۵- مورد بعدی دعای فرد بیمار است(۲)، به خصوص در حقّ کسی که به عیادت او می رود.(۳) خداوند به تلافی درد و رنجی که بیمار تحمّل می کند، وعده استجابت دعا را به او داده است. آیا وقتی بیمار می شویم، توجّه داریم که فرصتی برای دعا در حقّ امام زمان علیه السلام به دست آورده ایم که حیف است آن را در مسیر دیگری مورد استفاده قرار دهیم؟ اگر همه بیماران شیعه با توجّه به این فرصت خدادادی، دعای مستجاب خود را خرج مولایشان کنند، آیا تأثیری در تعجیل فرج ایشان نخواهد داشت؟

آیا می دانیم که طبق فرموده امیرمؤمنان علیه السلام(۴) هر مؤمنی که مریض می شود، امام زمانش هم به خاطر بیماری او بیمار می شوند؟! و اگر دعایی کند، امام زمانش به دعای او آمین می گویند؟! بیماری آن حضرت در بیماری شیعه اش همچون بیمار شدن مادر است به خاطر بیماری فرزندش که به سبب شدّت علاقه و محبّت به او، چنین می شود و قطعاً امام زمان علیه السلام برای فرزندانش از مادر در حقّ فرزند، مهربان تر و دلسوزتر هستند. حال که این پدر مهربان در بیماری فرزندش چنان رنجور می شود که خود۱.



---

۱- بحارالانوار، ج۹۳، ص ۳۶۰، ح ۲۱، به نقل از الدّعوات راوندی.

۲- اصول کافی، کتاب الدّعاء، باب من تستجاب دعوته، ح ۱.

۳- بحارالانوار، ج ۸۱، ص۲۱۷، ح ۱۰، به نقل از ثواب الاعمال.

۴- بصائر الدّرجات، جزء ۵، باب ۱۶، ح ۱.

بیمـار می گردد، آیـا رسم انسانیّت و مروّت نیست که آن فرزنـد در هنگام بیماری به فکر پـدر و مولایش باشـد و برای او دعا کند، به این امید که این دعا به آمین خود او مستجاب گردد؟

نکته دیگری که توجّه به آن در این بحث مفیـد و سازنـده است، اینکه طبق نقـل جناب حسـین بن روح نوبختی نایب سوم امام زمان علیه السـلام در زیارت رجبیّه، شـفای بیماران صـرفاً به برکت اهل بیت علیهم السـلام صورت می پذیرد. در همان زیارت خطاب به آن ذوات مقدّسه می خوانیم:

فَبِکُم یُجبَرُ المَهیضُ وَ یُشفَی المَریضُ.(۱)

شکستگی ها فقط به واسطه شما التیام پیدا می کند و بیماران صرفاً به سبب شما بهبودی می یابند.

این عبارات نشان می دهد که خداوند تنها صدقه سـر امام عصـر علیه السـلام بیمار را شفا عنایت می فرماید. پس چقدر شایسته است که هر بیماری به خاطر سپاسـگزاری از این واسـطه نعمت، از دعا برای مولایش غفلت نکنـد تا مبتلا به کفران نعمت های الهی نگردد.

۶- یکی از دعاهـایی که وعـده اجـابت آن داده شـده، دعا در غیاب برادر مؤمن است. امام باقر علیه السـلام فرمودنـد که چنین دعایی از پروردگار متعال محجوب نمی مانـد و هرکس پشت سـر مؤمنی برای او دعا کنـد، از جانب خداونـد به او خطاب می شود:

و لَکَ مِثلُه.(۲)

و مانند آنچه خواسته ای برای خودت است.

کـدام برادر مؤمن را سـراغ داریم که ایمانش از مولایش امام زمان علیه السـلام کامل تر و حقوقش بر ما بیشتر باشـد؟ طبق این وعده الهی اگر کسـی در غیاب آن حضـرت، برای ایشان دعا کند، مشمول همان دعا از جانب خداوند خواهد شد و به فرموده پیامبر۲.



---

۱- بحارالانوار، ج۱۰۲، ص۱۹۵.

۲- اصول کافی، کتاب الدّعاء، باب من تستجاب دعوته، ح۲.

اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم هیچ دعایی از دعای دیگری در حقّ برادر غائبش زودتر مستجاب نمی گردد.(۱)

بنابراین حیف است که از این فرصت برای دعا در حقّ بهترین برادر غایب خود، حضرت ولیّ عصر (عجّل الله تعالی فرجه الشّریف) استفاده نکنیم.

۷- از موارد دیگری که وعده اجابت دعا داده شده، وقتی است که به یک مؤمن فقیر کمک می شود، خداوند دعای آن نیازمند را مستجاب می فرماید.(۲) با این ترتیب هم مؤمن نیازمند و هم کسی که به او مساعدتی می کند، می توانند از این فرصت برای برآورده شدن حاجت هایشان استفاده کنند. امّا حقیقتاً چند درصد از دوستان امام عصر علیه السلام از این امکان برای دعا در حقّ ایشان بهره برداری می کنند؟ آیا وقتی به فقیری کمک می کنیم، متذکّر هستیم که به این وسیله فرصتی برای عرضه یک دعای مستجاب به پیشگاه خداوند فراهم نموده ایم؟ آیا خود آن مؤمن فقیر به این حقیقت توجّه دارد؟

۸- یکی دیگر از دعاهای مستجاب، دعای کودکی است از امّت پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم که هنوز به تکلیف نرسیده و مرتکب گناه نشده است.(۳) برخلاف آنچه گاهی مشاهده می شود که به کودکان در انجام عبادات اهمیّت چندانی داده نمی شود، در اسلام کودکانی که پدر یا مادر آنها مؤمن باشند، احترام خاصّی دارند و عباداتشان می تواند صحیح و مقبول باشد. یکی از این عبادت ها، دعای ایشان است که طبق وعده رسول گرامی اسلام صلّی الله علیه و آله و سلّم پذیرفته و مستجاب می باشد.

بنابراین ما می توانیم و باید برای دعاهای کودکان امّت اسلام حساب باز کنیم و برای برآورده شدن هر حاجتی - و در صدر همه تعجیل فرج مولایمان - از آنها بخواهیم دعا کنند یا خود دعا کنیم و آنان آمین بگویند. به همین جهت لازم است با برنامه ریزی های خاصّ تربیتی، کودکان خود را پیش از سنّ بلوغ با امام زمان علیه السلامم.



---

۱- همان، ح۷.
۲- بحارالانوار، ج۹۳، ص ۳۶۰، ح ۲۰، به نقل از الجواهر کراجکی.
۳- همان، ص۳۵۷، ح۱۴، به نقل از صحیفه الرّضا علیه السلام.

به طور شایسته آشنا کنیم تا زمینه برای اینکه اهل دعا در حقّ آن حضرت شوند، برایشان فراهم گردد. چه اشکالی دارد که فرزندان ما از ابتدای سنّ فهم و درک خود، دعا برای امام زمان علیه السلام را یاد بگیرند؟ چرا کودکان شیعه سال ها پیش از سنّ تکلیف بسیاری از مسائل غیر ضروری را یاد می گیرند، امّا برنامه ای حساب شده براساس مشی تربیتی صحیح در جهت آشنایی با امام عصر علیه السلام و دعا برای آن حضرت، ندارند؟! گاهی همین کودکان از سنین طفولیّت با اسامی ورزشکاران و هنرپیشگان داخلی و خارجی آشنا هستند ولی تکالیف ابتدایی خود را نسبت به امام زمانشان نمی دانند. آیا این امر معلول تقصیر والدین و مربیّان آنان نیست؟

۹- یکی از دعاهایی که به فرموده پیامبر اسلام صلّی الله علیه و آله و سلّم شکّی در مستجاب شدنش نیست، دعای مسافر است.(۱) این فرصتی است که معمولاً- بدون هیچ زحمتی برای انسان فراهم می شود. آیا توجّه داریم که از این فرصت می توانیم برای دعا در حق امام زمان علیه السلام و تعجیل فرج ایشان استفاده کنیم؟ حقیقتاً چند درصد از شیعیان از این امکان بهره برداری کامل می کنند؟

۱۰- آخرین موردی که در این بحث اشاره می کنیم، دعای قاری قرآن است. به فرموده امام مجتبی علیه السلام هرکس قرآن تلاوت کند، دعایش مستجاب است یا فوری و سریع (عاجل) و یا در آینده (آجل)(۲). انصافاً از این همه قرائت قرآن که در میان مسلمانان انجام می پذیرد، چه تعدادی از آنها با دعای برای امام زمان علیه السلام همراه است؟ متأسّفانه اکثریّت قابل توجّه از قاریان قرآن – چون شیعه نیستند و اعتقاد صحیحی به امام عصر علیه السلام ندارند – از معرض این عبادت شریف بیرون هستند. امّا شیعیان و دوستداران آن حضرت چطور؟ آیا این قاریان، از تلاوت قرآن در جهت دعا برای تعجیل فرج مولایشان بهره کافی می برند؟ آیا به اندازه حاجات شخصی خود، به این امر اهمیّت می دهند؟ی.



---

۱- بحارالانوار، ج۹۳، ص۳۵۸، ح۱۷، به نقل از نوادر الرّاوندی.

۲- همان، ص۳۱۳، ح۱۷، به نقل از الدّعوات راوندی.

### ۱۰- نیابت از زندگان و مردگان

یکی از آدابی که رعایت آن در دعا برای حضرت ولیّ عصر (عجّل الله تعالی فرجه الشّریف) تأثیر بسزایی در اجابت دارد، دعا به نیـابت از اهـل ایمـان است. نیـابت در یک عمل به معنای انجام دادن آن از جانب «منوبٌ عنه» است و نیابت در عبادت یابی است در فقه که شامـل بسیاری از اعمـال مسـتحبّ عبـادی - از جمله دعـا - می شود. در این جا قصـد مطرح کردن ادلّه جواز نیـابت را نـداریم، این موضوع در جای خود مورد بحث قرار گرفته(۱) و اکنون تنهـا نیابت از یک مصـداق عبادت یعنی دعا را مدّنظر داریم.

ما می توانیم از جانب یک یا چند فرد دیگر دعا کنیم و با این کار «منوبٌ عنه» را در دعای خود شریک کنیم. این نیابت انگیزه هـای مختلفی دارد: گـاهی می خواهیم خیری به دیگری برسـانیم، از جـانب او دعا می کنیم تا این عمل عبادی در نامه عمل او ثبت گردد؛ گویی خود او این عمل را انجام داده است. گاهی هم می خواهیم دعایمان به اجابت نزدیک تر شود، لذا از جانب مؤمن آبرومنـدی دعا می کنیم تا خداوند به خاطر او دعایمان را اجابت کند. در نیابت از دیگری فرقی بین زنده و مرده نیسـت چنـانچه بین یک یا چنـد نفر هم تفاوتی وجود نـدارد. می توانیم از یک یا چنـد فرد زنـده یا مرده نیابت کنیم یا از عـدّه ای که برخی از آنهـا مرده و برخی دیگر زنـده هسـتند. اگر از جـانب تعـداد زیادی نیابت کنیم، بهره و حظّ هریک، کمتر از وقتی که فقـط از یـک نفر نیـابت کنیم، نمی شود. بـا این ترتیب می توانیم بسـیاری از عبـادت های مستحبّی خود - از جمله دعا - را به نیـابت از تعـداد زیـادی زن و مرد مؤمن انجـام دهیم تـا هم آنها را در عبادت خود شـریک نماییم و به هم به خاطر آبرویی که حدّاقل برخی از آنها نزد خدا دارند، دعایمان زودتر به اجابت برسد.

دعا در حقّ امام عصر علیه السلام هم از این قاعده کلّی مستثنا نیست. اگر می خواهیم دعای ما برای مولایمان هم برای خودمان بیشتر فایده داشته باشد و هم خیر بیشتر به ت.



---

۱- به عنوان نمونه در کتـاب «در ضـیافت ضـریح» بخش سوم، فصـل سوم بحث مختصـر و مسـتندی در مورد انجـام عبـادت به نیابت مطرح شده است.

دیگران و خود امام زمان علیه السلام برساند، خوب است که در دعاهایمان سایرین را شریک کنیم و به نیابت از آنان دعا کنیم. البتّه نیّت نیابت در عبادت باعث نمی شود که - در صورت قبولی آن - چیزی از بهره ما در عبادت کاسته شود، بلکه به دلایلی که گفتیم احتمال بهره بردن ما را بیشتر می کند. بنابراین نیابت از دیگران، ما را از زمره عاملان آن عبادت، خارج نمی سازد.

نمونه هایی از این گونه دعا کردن را در آنچه از ائمّه اطهار علیهم السلام به ما رسیده است، مشاهده می کنیم. در همین دعای عهد معروف که از وجود مقدّس امام صادق علیه السلام نقل شده و فضائل زیادی برای خواندن آن در چهل صبح ذکر فرموده اند.(۱) چنین می خوانیم: اللهمَّ بَلِّغ مَولانَا الهادِیَ المَهدِیَّ القائِمَ بِأَمرِکَ صَلَواتُ اللهِ عَلَیهِ وَ عَلی آبائِهِ الطّاهِرینَ عَنِ المُؤمِنینَ وَ المُؤمِناتِ فی مَشارِقِ الأَرضِ وَ مَغارِبِها وَ سَهلِها وَ جَبَلِها وَ بَرِّها وَ بَحرِها وَ عَنّی وَ عَن والِدَیَّ مِنَ الصَّلَواتِ زِنَةَ عَرشِ اللهِ وَ مِدادَ کَلِماتِهِ وَ ما اَحصاهُ عِلمُهُ وَ اَحاطَ بِهِ کِتابُه.(۲)

این عبارات، دعایی است در حقّ امام زمان علیه السلام که دعاکننده از خدا می خواهد که بالاترین درودها و رحمت های خود را - به اندازه عرش خدا و جوهر کلمات او و آنچه مشمول علم خدا گردیده و در کتابش گنجانده شده - بر وجود مقدّس مهدیّ قائم علیه السلام ارزانی کند. در این جا دعاکننده تصریح نموده که این درخواست را از جانب خودش و پدر و مادرش و همه مردها و زنان با ایمان در سراسر زمین - دشت و کوه و خشکی و دریا - مطرح می کند. این یک نمونه از دعایی است که دعاکننده افراد بسیار زیادی رار.

ص: ۱۲۲

---

۱- امام صادق علیه السلام فرموده اند: هرکس چهل صبح این دعا را بخواند، از یاوران قائم علیه السلام باشد. اگر پیش از ظهور ایشان بمیرد، خدای متعال او را از قبرش بیرون می آورد و به ازاء هر کلمه دعا، هزار حسنه به او عطا می فرماید و هزار بدی را از او محو می سازد. (بحارالانوار، ج۵۳، ص۹۵، ح۱۱۱، به نقل از مصباح الزّائر)

۲- بحارالانوار، ج۵۳، ح۱۱۱، به نقل از مصباح الزّائر.

در عمـل خود شـریکـ می گردانـد و بـا این کار هم خیری به آنان می رسانـد و هم اجابت دعایش را سـهل تر و سـریع تر می سازد. هرچنـد در این دعا صـراحتاً نیابت از دیگران مطرح شـده ولی لزومی نـدارد که همیشه چنین باشد و نیابت صـرفاً با نیّت شخص تحقّق پیـدا می کنـد. همین که انسان در قلب خود از جانب یکـ یا چند فرد قصد نیابت کند، آثار آن بر عملش مترتّب می شود و نیازی نیست که نیّت خود را به زبان آورد.

با این ترتیب ما می توانیم در همه دعاهایی که در حقّ امام عصـر علیه السـلام به خصوص تعجیل فرج ایشان می خوانیم، قصـد نیـابت کنیم و افراد زیادی را در این عمل شـریف، شـریکـ خود قرار دهیم. در این کار به خصوص ذوی الحقوق خود را نباید فراموش کنیم که در رأس آنها خود امام زمان علیه السلام هستند. پس از ایشان کسانی که ما را با دین خدا و ائمّه هدی علیهم السـلام آشـنا کرده و ارادت ورزی به اهل بیت علیهم السـلام را به ما آموخته انـد، همچنین پـدر و مادر و پدران و مادرانی که اگر ایشان نبودند، خیری به ما نمی رسـید. بعد از اینها نوبت می رسد به سایر ذوی الحقوق اعم از اساتید، فرزندان، ارحام و ... . در میان ذوی الحقوق، علما و دانشمندان بزرگـ شیعه که سهم وافری در ضبط معارف الهی و رساندن آن به نسل های بعدی داشـته اند - همچون علّامه کلینی و مرحوم شـیخ صدوق علّامه مجلسـی و ... - نباید فراموش شوند. به هر حال قصد نیابت باب پر برکتی است که با ورود به آن، خیرات غیر قابل وصفی نصیب انسان می گردد. انشاءالله دوستان امام زمان علیه السلام از این امکان برای زودتر اجابت شدن دعاهایشان در حقّ آن حضرت استفاده کافی ببرند.

ص: ۱۲۳

## فصل ۵– دعای مأثور و غیرمأثور برای امام زمان علیه السلام

### اشاره

پس از اینکه بـا چگونگی دعـا برای امـام زمـان علیه السـلام آشـنا شـدیم، اکنون در آخرین فصـل این بخش اشاره ای خواهیم داشت به برخی از دعاهـایی که می توانیم در حقّ مولا یمـان داشـته باشـیم. به طور کلّی دعاهـای مـا دو گونه هسـتند: یـا متن و عبـارت آنهـا عینـاً از زبان یا قلم معصوم علیه السـلام صادر شـده و یا غیر معصومین آنها را انشا کرده انـد. قسم اوّل را دعاهای مأثور می نامیم چون از ناحیه مقـدّسه معصوم علیهم السـلام به ما رسـیده است و قسم دوم، دعاهای غیر مأثور هسـتند که شامل دعاهـایی که خودمـان – به زبان فارسـی یا هر زبان دیگری – انشا می کنیم، می گردد. ابتـدا به بحث درباره دعاهای غیر مأثور می پردازیم.

### الف– دعاهای غیر مأثور

#### اشاره

اوّلین نکته این است که دعا به معنای خوانـدن خـداست و ما مُجازیم که به هر زبانی خداوند را بخوانیم به شـرط آنکه عبارات ما دالّ بر تشبیه پروردگار نباشد. تشبیه به این است که مثلاً او را جسم یا جسمانی بدانیم و تعابیری را به کار ببریم که دلالت بر جسـمانیّت ذات مقـدّس خداوند داشـته باشد. بنابراین اگر کسـی خدای خود را انسان گونه بخواند – مثلاً برای او دست و پا و گوش و زبـان شـبیه آنچه در انسـان هـاست، قائـل شود – مرتکب تشـبیه شـده است. اگر بـا هر زبـانی که دعـا می کنیم، چنین انحرافاتی

در عباراتمان نباشد، انشاء دعا اشکالی ندارد.

البتّه نوع خوانـدن خداوند در حالات مختلف، مختلف است. گاهی می خواهیم به طور ساده بگوییم: «خدایا ظهور مولای ما را برسـان». این گونه دعـا کردن پیچیـدگی خاصّـی نـدارد و برای همگـان میسّـر و ممکن است. کـافی است از لفظی که بر ذات خداونـد دلالت می کنـد معنایی که دالّ بر تشبیه باشـد، اراده نکنند. گاهی الفاظی برای حکایت از پروردگار متعال به کار می رود که معنای تشبیهی دارنـد و دعاکننـده از روی جهل همان معنای باطل را اراده می کنـد. این جا بایـد او را متـذکّر خطایش نمود تـا از ورطه تشبیه ناخواسـته، به درآیـد. امّـا اگر بـا علم به اینکه لفظ دالّ بر تشبیه است، آن را بر خداونـد اطلاق نمایـد و همان معنای تشبیهی – مثلاً جسمانیّت – را اراده کند، مرتکب خطای نابخشودنی شده و دعایش مردود است.

پس نوع افراد عادی در دعاهایی که به زبان ساده – فارسی، عربی و ... – می کننـد، نیاز به معلومات چنـدانی در معارف دینی ندارند. امّا اگر از این سادگی درآید و کسی بخواهد از حدّ به کار بردن الفاظی که فقط بر وجود مقدّس پروردگار دلالت می کنـد، بالاتر رود؛ باید با علوم و معارف دینی آشـنایی داشته باشد. مثلاً اگر بخواهد در مقدّمه دعا به حمد و ثنای الهی بپردازد یا در ضمن دعا به مسائلی همچون قضا و قدر و بداء اشاره نماید، باید معنای صایح تحمید و توصیف خدا و معانی اصطلاحات خاصّ قرآنی و روایی را بداند و این کار از سطح دانش نوع عوام بالاتر است. کسانی صلاحیّت این گونه دعا کردن را دارند که با معارف توحیدی اهل بیت علیهم السلام آشنایی خوب و قابل قبولی دارند. این گونه افراد معمولاً در دعاهایی که انشا می کننـد از عین عبارات ائمّه علیهم السـلام یا حـدّاقل مضامین آنها اسـتفاده می کنند، چون با زبان ایشان مأنوس هسـتند و به طور معمول چیزی خارج از حوزه معارف اهل بیت علیهم السلام به زبان نمی آورند.

یکی از بهترین نمونه های این گونه دعا، دعای معروف «عالیه المضامین» است که در کتب ادعیه همچون «مفاتیـح الجنان» نقل شـده است. این دعا با اینکه مأثور از معصوم علیهم السـلام نیست امّا الفاظ آن یا عیناً الفاظ احادیث است و یا همان مضامین را – با

مختصر اختلافی در تعبیر - در بر دارد. همین ویژگی نشان می دهد که فرد یا افرادی که این دعا را انشا کرده اند، از علمای آشنا به معارف اهل بیت علیهم السلام بوده اند.

نمونه ای از این دانشمندان، مرحوم علّامه سیّدبن طاووس - متوفّای سال ۶۶۴ هجری قمری - است که میزان احاطه ایشان به ادعیه مأثور از ائمّه علیهم السلام از کتاب های ارزشمندی چون «اقبال الاعمال» و «مهج الدّعوات» و «جمال الاسبوع» پیداست، ایشان در برخی از کتابهایش دعاهایی را که خود انشا کرده، نقل نموده است.(۱)

### مقایسه دعای غیرمأثور همراه با حضور قلب با دعای مأثور بدون آن

نکته ای که در مورد دعاهای غیر مأثور جالب توجّه است اینکه گاهی انسان اگر از روی مکتوبی دعایی را که از ائمّه اطهار علیهم السلام نقل شده بخواند، توجّه و حضور قلب چندانی به محتوا و مضمون آن ندارد، امّا اگر با زبان خودش متناسب با حال درونی اش دعا کند، با اقبال و رقّت قلب بیشتری همراه است. در این صورت خوب است که از حال شخصی اش برای انشاء دعا کمال استفاده را ببرد. در برخی از روایات به این نکته با بیان زیبایی اشاره کرده اند. نمونه آن روایتی است که زراره از امام صادق علیه السلام نقل کرده است. می گوید:

از امام صادق علیه السلام خواستم تا دعایی به من تعلیم فرماید.

ایشان فرمودند:

اِنَّ اَفضَلَ الدُّعاءِ ما جَری عَلی لِسانِکَ.(۲)

بهترین دعا آن چیزی است که به زبانت جاری شود.

یک احتمالی که در معنای این جمله امام علیه السلام می توان داد اینکه مراد دعایی است که انسان به اقتضای حال درونی اش به زبانش جاری می شود. آنچه به طور طبیعی به زبان می آید، از نیازی ناشی می شود که قلباً احساس می کند. به همین جهت اقبال قلبی ۱.

ص: ۱۲۶

---

۱- مراجعه کنید به مهج الدّعوات ص ۵۴۱ و ۵۴۲ تحت عنوان «دعوات للمؤلّف».

۲- وسائل الشّیعه، ج۴، ص ۱۱۷۱، باب۶۲، ح ۱.

در آن وجود دارد و همین شرایط اجابت آن را بهتر فراهم می سازد. شاید - همان طور که مؤلّف کتاب «مکیال المکارم» استنباط کرده - بتوان از فرمایش امام صادق علیه السلام استفاده کرد که: دعای غیر مأثور همراه با حضور قلب از دعای مأثور بدون حضور قلب افضل می باشد.(۱)

با این ترتیب هرچند که دعای مأثور به طور مطلق از دعای غیر مأثور بهتر است، امّا شرایط روحی دعاکننده هم باید در نظر گرفته شود. اگر بتواند دعای نقل شده از ائمّه علیهم السلام را با حضور قلب بخواند، بهتر از این است که خودش دعایی انشا کند.

کسانی که معنای دعای مأثور را می فهمند و هنگام خواندن دعا همان معنا را قصد می کنند، حضور قلب بیشتری در دعا دارند نسبت به کسانی که موقع دعا خواندن چیزی از معنای آن سر در نمی آورند. اینها اگر حالی هم پیدا کنند، برخاسته از معانی دعا نیست بلکه از غیر متن دعا ناشی می شود. در این صورت با اینکه صرف خواندن دعای مأثور مصداق عبادت و امتثال فرمایش امام علیه السلام است و اگر از خیر آن بگذرند، فضیلت خواندن آن دعا را از دست می دهند، امّا از جهت دیگر وقتی با دعایی که به مقتضای حالشان به زبانشان جاری می شود، حضور قلب بیشتری پیدا می کنند و می فهمند که چه می گویند، خوب است که در کنار خواندن دعای مأثور یا - اگر کسب فضیلت آن دعا برایشان مهم نیست - به جای خواندن آن، به زبان خودشان دعا کنند و آنچه می خواهند را از پیشگاه الهی با حال خودشان درخواست نمایند.

بر این اساس، در دعا برای امام زمان علیه السلام و تعجیل فرج ایشان هم نباید از این امر غفلت شود. دعاهای زیادی در این خصوص از ائمّه اطهار علیهم السلام نقل شده که خواندن آنها - هرچند که همه معانیش را نفهمیم- مصداق عبادت و دعا برای حضرت هست؛ امّا گاهی انسان اگر به زبان و مقتضای حال خود برای امام زمان علیه السلام دعا کند، حضور قلب بیشتری پیدا می کند. گاهی انسان چیزهایی را از خدا برای امامش می خواهد که به زبان دلخواهش در دعاهای مأثور نیست یا او سراغ ندارد. این جا بهتر است یا در کنار دعاهای مأثور و یا بجای آن - بسته به اینکه بخواهد از فضیلت دعای ۰.

ص: ۱۲۷

---

۱- مکیال المکارم، ج۲، ص ۶۰.

مأثور بهره منـد شود یا خیر - به همان زبانی که دوست دارد و می فهمد که چه می گوید، برای امامش دعا کند و تعجیل فرج آن حضرت را از خداوند طلب نماید.

ولی اگر انسان معانی دعاهای مأثور برای امام زمان علیه السلام را می فهمد و می تواند با توجّه و قصد کردن مضامین آنها، با حضور قلب همـان دعاها را بخوانـد، بسیار بهتر از این است که به زبان خودش دعا کنـد. در مجموع جمع کردن بین دو گونه دعا کردن، بهترین کار است. هم از خیر خوانـدن دعاهای مأثور نگذرد و هم اگر حال حضور قلبی در دعا به زبان خودش پیدا می کند، به آن هم در کنار دعای مأثور عمل نماید.

انسان به تعابیر مختلفی می توانـد برای تعجیل فرج مولایش دعا کند که شاید برخی از آنها در دعاهای مأثور نیامده باشد، مثلاً اینکه: «خـدایا دعای کسانی که دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السـلام می کننـد را مسـتجاب فرما» یا اینکه: «خدایا تعداد دعاکننـدگان برای تعجیل فرج را بیشتر کن» این گونه دعاها به صورتی که انسان به زبان خودش می تواند بگوید، در دعاهای مأثور نیامده است و بنابراین خوب است که در کنار آنها از خیر این گونه دعا کردن نگذریم.

## ب- دعاهای مأثور

### برتری دعاهای مأثور بر غیرمأثور

دعـای مأثور دعایی است که از ناحیه معصوم علیه السـلام به ما رسـیده و الفاظش انشای فرد عادی نیست. اگر بخواهیم خـدا را بخوانیم، به چه الفاظی بهتر است؟ آیا معصومین علیهم السـلام بهتر از دیگران خـدا را نخوانـده انـد؟ یکی از آداب بسـیار مهمّ دعا، مقدّم کردن توصـیف خدای متعال است. در این مقام ما بهتر می توانیم خدا را توصیف کنیم یا اهل بیت علیهم السلام که آنچه از توحیـد و اسـماء و صـفات پروردگـار یـاد گرفته ایم، به تعلیم ایشان است؟ ما می بینیم که صـحیح ترین و گویاترین و دلنشـین ترین مناجات ها با خـدای متعال از زبان معصومین علیهم السـلام نقل شده است. غیر ایشان نتوانسـته و نمی تواند مانند آنهـا خداونـد را بخوانـد. در بسـیاری موارد مشاهـده می کنیم که افراد دیگر در مقـام توصـیف پروردگـار مطالبی به زبان می آورند که بعضاً اشتباه است. مثلاً الفاظ، دالّ بر تشبیه

خداونـد می باشـد و اگر هم صـحیح باشد، به یقین از خود اهل بیت علیهم السـلام اخذ شده است. لذا می توانیم ادّعا کنیم که هیچکس در شـناخت صـحیح خدای متعال بی نیاز از تعلیم خاندان عصمت و طهارت نیست و هرکس اگر مطلب صحیحی در باب توحیـد و معرفه الله می گوید - چه بداند و چه نداند - آن را از سرچشـمه وحی دریافت کرده و واسـطه اش وجود مقدّس معصومین علیهم السلام بوده اند. این موضوع درباره فرشتگان الهی هم که:

لا يَسبِقُونَهُ بِالقَولِ وَ هُم بِأَمرِهِ يَعمَلُونَ.(۱)

فرشتگان در گفتار از خداوند سبقت نمی جویند و صرفاً به امر او عمل می کنند.

صادق است چه رسـد به افراد عادی. طبق آنچه در احادیث متعدّد نقل شده است، ملائکه تسبیح و تهلیل و تحمید پروردگار را از اهـل بیت علیهم السـلام آمـوخته انـد. به عنـوان نمـونه پیـامبر اکرم صـلّی الله علیه و آله و سـلّم ضـمن فرمایشـات مفصّـلی به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

... فَسَبَّحَتِ المَلائِکَهُ لِتَسبِيحِنا... فَبِنَا اهتَدَوا اِلی مَعرِفَهِ (تَوحيدِ) اللهِ تَعالی وَ تَسبِيحِهِ وَ تَهليلِهِ وَ تَحميدِهِ.(۲)

... فرشـتگان به خاطر تسبیـح ما، (خـدا را) تسبیـح کردند... پس به سـبب ما به معرفت (توحید) خدای متعال و تسبیح و تهلیل و تحمید او هدایت شدند.

با این ترتیب روشن است که هیچکس در نحوه بنـدگی خداوند -که توصـیف و تحمید او هم از مصادیق آن است - از تعالیم اهـل بیت علیهم السـلام بی نیـاز نیست. پس قطعـاً بهترین ثناهـا و عمیق ترین مناجـات هـا و دلنشـین ترین دعاهـا را در کلمات خاندان عصمت و طهارت می توان یافت و این یکی از ادلّه ترجیح دعای مأثور بر غیر مأثور است.

جنبه دیگری که ملاک فضیلت دعای مأثور بر غیر مأثور است، ثواب هایی است۴.

ص: ۱۲۹

---

۱- انبیاء/۲۷.

۲- کمال الدّین، باب۲۳، ح۴.

که بر خواندن دعای مأثور مترتّب می باشد. نوع دعاهایی که از معصومین علیهم السلام نقل شده دارای فضایلی است که برای خوانـدن آنهـا بیان شـده و شـرط درک آنها دانسـتن معانی و توجّه به محتوای آن نیست. بنابراین می توان یک دعای مأثور را فقط برای درک ثوابش قرائت کرد. البتّه اگر خواننـده دعا معانی آن را بدانـد و در ضـمن خوانـدن، قصد همان معانی را بکند قطعاً اولی و افضـل است، ولی چنین نیست که در فرض عـدم درک معانی، ثوابی بر خوانـدن آن مترتّب نباشـد. بهترین حالت این است که انسان با عنایت به مضامین دعاهای مأثور، مطابق آنچه اهل بیت علیهم السلام فرموده اند، دعا بخواند یعنی تا آنجا که می تواند از همان ادعیه مأثوره استفاده کند و در کنار آنها با زبان و انشاء خودش هم آنچه می خواهد – به شرط صحّت – از خـدایش طلب نماید. در این صورت هم فضـیلت خواندن دعاهای مأثور را درک کرده و هم با حال و قلب خودش آنچه را که می خواسته به زبان آورده است.

## اهتمام ائمّه طاهرین علیهم السلام به دعا در حقّ امام عصر علیه السلام

بـا توجّه به این مقـدّمه، بایـد به دعاهایی که از اهل بیت علیهم السـلام در خصوص امام عصـر علیه السـلام و تعجیل فرج ایشان وارد شـده، اهمیّت خاصّـی بـدهیم. مـا می دانیم که همه ایشـان اهتمام زیادی به دعا در حقّ امام زمان علیه السـلام داشـته انـد. خوب است به اظهارنظر یکی از والاترین صاحب نظران در این خصوص توجّه نماییم:

پوشیده نیست بر کسی که تتبع و ممارست در حالات و دعوات ائمّه طاهرین علیهم السلام داشته باشد، اینکه چه قدر اهتمام در امر دعا نمودن به حضـرت صاحب الزّمان علیه السـلام و مسئلت فرج آن جناب از خداونـد عالمیان جلّ شأنه داشـته و دارند. و اگر بخواهی اندکی بر صدق این مدّعی آگاه شوی، ملاحظه کن. دعای حضرت امیر علیه السلام را در ضمن حدیث مروی در «غیبت نعمانی» و دعای حضرت سیّدالسّاجدین علیه السلام را در روز عرفه در «صحیفه سجّادیّه» و بعد از نماز ظهر و نماز عصر روز جمعه مروی در «جمال الاسبوع»، و دعای حضرت صادق علیه السلام را به آن حضرت بعد از نماز ظهر مروی در «فلاح

السّائـل» و «بحار». و دعای آن حضـرت را صـبح بیست و یکم ماه رمضان مروی در «اقبال» و دعای حضـرت امام موسـی کاظم علیه السـلام را بعد از نماز عصـر، مروی در «فلاح السّائل» و دعای حضرت امام رضا علیه السلام را مروی در «جمال الاسبوع» و دعای امام محمّـد تقی علیه السـلام را مروی در «کافی»، و دعای امام حسن عسـکری علیه السـلام مروی در «مُهج الدّعوات»، و دعـای مروی از خود آن جناب مروی در «کمال الـدّین» و قنوت نماز ظهر جمعه مروی در «جمال الاسـبوع» و دعای بعـد از دو رکعت اولی نمـاز نـافله شب، مروی در «مصـباح المتهجّـد» و «مفتاح الفلاح» و دعای روز بیست و پنجم ماه ذی قعـده، و دعای صبحهـای روزهـای جمعه و دعـای بعـد از نمازهـای فریضه، و دعـای وقت رفتن به مسـجد در روز جمعه، و دعای افتتاح و غیر اینهـا، که ذکرش موجب طول است. بلکه از عبـارت دعـای روز عرفه، و روایت مرویّه در «جمـال الاسـبوع» در باب قنوت روز جمعه و بعض ادلّه دیگر، ظـاهر می شود که مؤمن هر دعـایی که می نمایی، بایـد ابتـدا کنـد به دعای از برای حضـرت صاحب الزّمان «عجّل الله تعالی فَرَجَهُ و ظُهورَه».(۱)

دعاهای ائمّه علیهم السـلام در حقّ امام زمان علیه السلام مضامین مختلفی دارد. عموم آنها شامل درخواست سلام و صلوات از خداونـد برای ایشان است، و در بیشتر آنها تأکید خاص بر تعجیل فرج آن حضـرت به چشم می خورد و در بسـیاری از آنها نیز برای اعوان و انصار ایشان – چه در زمان غیبت و چه ظهور – دعا کرده انـد. مهم ترین دعا در حقّ امام عصر علیه السـلام، دعا برای تعجیـل فرج ایشـان می باشـد که به تصـریح امام صادق علیه السـلام – در دعای صـبح بیست و یکم ماه مبارک رمضان – فرج همه اولیا و برگزیدگان خدا به آن حاصل می شود. عین عبارت ایشان این است:

أسأَلُـکَ... اَن تُصَـلّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ اَهـلِ بَیتِهِ وَ اَن تَـأذَنَ لِفَرَجِ مَن بِفَرَجِهِ فَرَجُ اَولِیائِکَ وَ اَصـفِیائِکَ مِن خَلقِکَ... عَجِّل ذلِکَ یا رَبَّ العالَمینَ.(۲)ن.

ص: ۱۳۱

---

۱– مرحوم میرزا محمّدتقی اصفهانی، کنز الغنائم فی فوائد الدّعاء للقائم علیه السلام، ص ۷۲ و ۷۳.

۲– بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳، ح ۱۴، به نقل از کمال الدّین.

(خدایا) از تو می خواهم ... که بر محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم و اهل بیت او درود بفرستی و اجازه فرمایی فرج کسی را که فرج همه اولیا و برگزیدگانت از آفریدگانت به فرج اوست... ای پروردگار عالمیان در این امر تعجیل فرما.

سؤالی که در این جا به ذهن می رسد این است که: دعا برای تعجیل فرج امام دوازدهم در زمان امامان گذشته چه وجهی دارد؟ ما که در زمان غیبت ایشان به سر می بریم، وقتی برای جلو افتادن ظهور آن حضرت دعا می کنیم، معنایش این است که می خواهیم خداوند هرچه زودتر به ایشان اجازه آشکار شدن بدهد. امّا در زمان ائمّه پیشین علیهم السلام - که امام دوازدهم یا هنوز متولّد نشده بودند و یا کودکی چند ساله بودند که هنوز به امامت هم نرسیده بودند - جلو افتادن ظهور چه معنایی دارد؟

پاسخ این سؤال با اندک تأمّلی روشن می شود. امامان گذشته از زمان حیات خودشان نگران وضعیّت زمان غیبت آخرین وصیّ پیامبر خاتم صلّی الله علیه و آله و سلّم بوده اند و برای رهایی زودتر ایشان و امّتشان از رنج ها و سختی های این زمان دعا می کرده اند.

ائمّه علیهم السلام از پیشگویی های پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم که از غیبت طولانی آخرین وصیّ خود پیش از ظهورش خبر داده بودند، اطّلاع داشتند.(۱) همچنین از اینکه مدّت زمان غیبت ایشان امری قابل بداء می باشد نیز آگاه بودند. بنابراین ملاحظات، دعای ایشان برای تعجیل فرج آخرین امام علیه السلام به این منظور بوده که خداوند مدّت زمان غیبت آن حضرت را کوتاه تر کند تا هم خود ایشان و هم منتظران ظهورش رنج کمتری از دوران غیبت متحمّل شوند و وعده ای که خدا به اولیایش داده است، زودتر محقّق گردد.

### دعای امام عصر علیه السلام برای تعجیل فرج خویش

باید توجّه داشت که دعاهای ائمّه علیهم السلام برای تعجیل فرج اختصاص به زمان امامان گذشته نداشته و تا زمان ظهور امام زمان علیه السلام ادامه دارد. این حقیقت را می توانیم از دو جهت توضیح دهیم: یکی اینکه خود امام عصر علیه السلام هم برای جلو افتادن ظهورشان دعا۲)



---

۱- به عنوان نمونه پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم فرمودند: يَظهَرُ بَعدَ غَيبَةٍ طَويلَةٍ؛ پس از غیبتی طولانی ظهور می کند. (کمال الدّین، باب۲۴، ح۲)

می کنند و قطعاً هیچ فرد زنده ای در حال حاضر به اندازه خود حضرت اهتمام به این امر ندارد. دلیلی که می توانیم برای این ادّعا ارائه نماییم، این است که دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام یک عبادت بسیار ارزشمند و شریف است که روایات زیادی بر انجام آن تأکید کرده اند. هرکس درجه ایمانش بالاتر باشد، در عمل به این عبادت اهتمام بیشتری به خرج می دهد. روشن است که در زمان ما هیچ فرد زنده ای که ایمانش در رتبه امام عصر علیه السلام باشد، روی کره زمین یافت نمی شود. پس خود آن حضرت بیش از هرکس دیگری به این امر اهتمام دارند. برخی دعاهایی که از امام زمان علیه السلام در این خصوص نقل شده نشانگر شدّت این اهتمام است. نمونه روشن آن را در فرازهایی از دعای «عبرات» ملاحظه کردیم. نمونه دیگر در قنوت نماز ایشان نقل شده که قسمتی از آن چنین است:

فإنّکَ اللّهُمَّ قُلتَ:... «فَلَمّا آسَفُونَا انتَقَمنا مِنهُم».(۱) وَ اِنَّ الغـایَهَ عِنـدَنا قَد تَناهَت وَ إنّا لِغَضَبِکَ غاضِبُونَ وَ إنّا عَلی نَصرِ الحَقِّ مُتَعاصِبُونَ وَ اِلی وُرُودِ اَمرِکَ مُشتاقُونَ وَ لِاِنجازِ وَعدِکَ مُرتَقِبُونَ وَ لِحُلولِ وَعیدِکَ بِأعدائِکَ مَتَوَقِّعُونَ.(۲)

پس خدایا تو خود فرمودی: «پس آنگاه که ما را اسفناک ساختند، ما از ایشان انتقام گرفتیم» و به راستی که مهلت و فرصت (برای ظالمان و جبّاران) نزد ما به سر آمده و ما برای خشم تو خشمگین هستیم و ما بر یاری حق، همداستان هستیم و به صدور فرمانت مشتاقیم و در انتظار تحقّق وعده ات هستیم و چشم به راه فرا رسیدن تهدیدهایت نسبت به دشمنانت هستیم.

اینکه حضرت در دعا عرضه داشته اند که مهلت ظالمان از نظر ایشان پایان یافته است، معنایش این نیست که خدای ناکرده خواسته باشند در کار خداوند پیش از صدور فرمان او، شتاب بورزند یا اینکه از قضای الهی در مورد غیبت خویش اعلامت.



---

۱- زخرف/۵۵.

۲- مهج الدّعوات، ص ۱۵۰ و ۱۵۱، متن کامل این قنوت در بخش سوم کتاب آمده است.

عدم رضایت کنند. هیچ مؤمنی به چنین اشتباه بزرگی نمی لغزد، چه برسد به امامی که مظهر ایمان کامل و بنده بی نظیر خداوند در زمان حاضر می باشند. ایشان بیشترین و کامل ترین درجه تسلیم و رضا را نسبت به خواست خداوند و امر او دارا هستند.

این جمله حضرت در حقیقت بیان حال خود ایشان و زبان شکایت - البتّه همراه با رضایت - از دردهایی است که ایشان در این زمان دارند. وقتی به خدای خویش عرضه می دارند که فرصت از نظر ما تمام شده است، می خواهند نهایت ناراحتی و رنج خود را از غم و غصّه های خویش - البتّه به خاطر خدا و برای رضای او - بیان کنند. در ادامه عرضه داشته اند که خشم ایشان خشم خداست و در عین حال مشتاقانه منتظر صدور فرمان الهی برای ظهور خود هستند.

در دعای دیگری هم که از وجود مقدّس حضرت مهدی علیه السلام در تعجیل فرج خودشان نقل شده چنین آمده است:

یا نُورَ النّورِ یا مُدَبِّرَ الأمورِ... اجعَل لی و لِشیعَتی مِنَ الضّیقِ فَرَجاً وَ مِنَ الهَمِّ مَخرَجاً وَ اَوسع لَنَ المَنهَجَ و اَطلِق لنا مِن عِندِکَ ما یُفَرِّج.(۱)

ای نور روشنایی و ای تدبیرکننده امور ... برای من و شیعیانم گشایشی از تنگناها و راه نجاتی از ناراحتی ها قرار بده و راه (پیروزی) را برای ما وسیع گردان و از جانب خود آنچه فرج ما را برساند، بر ما ارزانی دار.

تعبیر «ضیق» به معنای تنگناها که در این دعا به کار رفته است، به خوبی حال امام علیه السلام را نشان می دهد؛ به خصوص که ایشان برای خود و شیعیانشان از خداوند خروج از تنگناها و خلاصی از غم و غصّه ها را خواسته اند و این هم اشاره ای است به این حقیقت که پدر مهربان امّت در گرفتاری ها و رنج های فرزندان خویش، مغموم و گرفتار می شوند.(۲)

دعای دیگری از آن حضرت در قنوت نمازشان نقل شده که در آن اصرار و الحاح۱.

ص: ۱۳۴

---

۱- المصباح (کفعمی)، ص۳۰۵.

۲- سلوک منتظران، ص۱۳۹ تا ۱۴۱.

ایشان بر درخواست تعجیل فرج از خدای متعال واضح و روشن می باشد. ایشان در این دعا پس از حمد و ثنای الهی، خدا را به ده اسم و به آنچه پیامبران اولوالعزم علیهم السلام دعا کرده اند، می خوانند. سپس به اسمی دعا می کنند که هرکس خدا را به آن بخواند، دعایش را اجابت می کند و در انتهای دعا با عبارات مختلف فرج خود را از خداوند درخواست می نمایند:

یـا مَن لا یُخلِفُ المیعادَ اَنجِز لی ما وَعَـدتَنی وَاجمَع لی اَصحابی وَ صَبِّرهُم وانصُرنی علی اَعداءِکَ رَسُولِکَ ولا تُخَیِّب دَعوَتی فإنّی عَبدُکَ ابنُ عَبدِکَ ابنُ اَمَتِکَ اَسیرٌ بَینَ یَدَیکَ... .(۱)

ای آنکه خلف وعده نمی کنی، وعده ای را که به من فرموده ای، محقّق فرما و یارانم را برایم جمع کن و به آنان صبر بده و مرا (برای غلبه) بر دشمنانت و دشمنان پیامبرت یاری کن و مرا از اجابت دعایم محروم مکن، همانا من بنده تو پسر بنده ات و پسر کنیزت و اسیری در دستان تو هستم.

همان طور که مرحوم سیّدبن طاووس پس از نقل این قنوت ها اشاره کرده اند، از عبارات این دعاها حال روحی ایشان هنگام خواندن آنها برای ما روشن می شود. نتیجه اینکه تنها باقیمانده الهی - حضرت بقیّه الله ارواحنا فداه - از اهل بیت عصمت و طهارت در حال حاضر برای تعجیل فرج خودشان - که فرج همه انبیا و اولیای الهی است - همواره دعا می کنند. این یک جهت از این حقیقت است که گفتیم دعاهای ائمّه علیهم السلام تا زمان فرارسیدن وعده فرج نهایی ایشان ادامه دارد.

### دعای ارواح پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم و ائمّه علیهم السلام در حقّ امام عصر علیه السلام

جهت دوم این است که علاوه بر خود امام زمان علیه السلام، ارواح پاک ائمّه طاهرین علیهم السلام و رسول مکرّم اسلام صلّی الله علیه و آله و سلّم به همراه فرشتگان و ارواح پیامبران الهی نیز در زمان غیبت امام عصر علیه السلام برای تعجیل فرج ایشان دعا می کنند. یعنی دعا در حقّ امامت.



---

۱- مهج الدّعوات ص ۱۵۳، متن کامل این دعا در بخش سوم کتاب آمده است.

زمان علیه السلام منحصر به افراد زنده روی کره زمین نیست، بلکه ارواح برگزیدگان و اولیای خداوند هم در این عبادت بزرگ سهیم هستند و بعید نیست که در نهایت دعاهای ایشان باعث صدور اذن ظهور از جانب خدای متعال گردد.

ذکر یک نمونه زیبا از این دعاها بسیار آموزنده است. مرحوم نعمانی در بحث نشانه های پیش از ظهور امام زمان علیه السلام به سند خود از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمودند:

إذا کانَ لیلَهَ الجُمُعَهِ اَهبَطَ الرَّبُّ تَعالی مَلَکاً إلی السَّماءِ الدُّنیا، فإذا طَلَعَ الفَجرُ جَلَسَ ذلِکَ المَلَکُ عَلی العَرشِ فوقَ البَیتِ المَعمُورِ، وَ نُصِبَ لِمُحَمَّدٍ وَ عَلیٍّ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَینِ علیهم السلام مَنابِرُ مِن نُورٍ، فَیَصعَدُونَ عَلیها وَ تُجمَعُ لَهُمُ المَلائِکَهِ وَ النبیُّونَ وَ المُؤمِنُونَ، وَ تُفتَحُ أَبوابُ السَّماء، فاذا زالَتِ الشَّمسُ قالَ رَسُولُ اللهِ صلّی الله علیه و آله و سلّم: یا رَبِّ میعادَکَ الّذی وَعَدتَ بِهِ فی کِتابِکَ، وَ هُوَ هذه الآیَهُ: «وَعَدَ اللهُ الَّذینَ آمَنُوا مِنکُم وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ لَیَستَخلِفَنَّهُم فِی الأرضِ کَمَا استَخلَفَ الَّذینَ مِن قَبلِهِم وَ لَیُمَکِنَنَّ لَهُم دینَهُمُ الَّذی ارتَضی لَهُم وَ لَیُبَدِّلَنَّهُم مِن بَعدِ خَوفِهِم أمناً»(۱) ثَمَّ یَقُولُ المَلائِکَهُ وَ النَبیُّونَ مِثلَ ذلِکَ، ثُمَّ یَخِرُّ مُحَمَّدٌ وَ عَلِیٌّ وَ الحَسَنُ وَ الحُسَینُ سُجَّداً، ثُمَّ یَقُولُونَ: یا رَبِّ اغضَب فإنّه قد هُتِکَ حَریمُکَ وَ قُتِلَ أصفِیاؤُکَ و اُذِلَّ عِبادُکَ الصّالِحُونَ، فَیَفعَلُ اللهُ ما یَشاءُ، و ذلِکَ یَومٌ مَعلومٌ.(۲)

وقتی شب جمعه فرا برسد، پروردگار متعال فرشته ای را به پایین ترین آسمان فرو می فرستد. هنگام طلوع فجر آن فرشته روی عرش بر فراز بیت معمور می نشیند و منبرهایی از نور باری حضرت محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم و علی علیه السلام و حسن و حسین علیهما السلام گذاشته می شود؛ آنها بالای منبر می روند و فرشتگان و پیامبران۶.

ص: ۱۳۶

---

۱- نور/۵۵.

۲- غیبت نعمانی، باب۱۴، ح۵۶.

و مؤمنان نزد آنان گرد آورده می شوند و درهای آسمان گشوده می گردد. وقتی ظهر فرا می رسد پیامبر خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم عرضه می دارد: ای پروردگارم آن وعده ای را که در کتابت داده ای، برآورده فرما و و آن این آیه است: وَعَدَ اللهُ الَّذینَ آمَنُوا... آنگاه فرشتگان و پیامبران نیز همین را می گویند، سپس حضرت محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم و علی علیه السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام به سجده می افتند و عرضه می دارند: خداوندا غضب فرما، چرا که حرمتت را هتک نمودند و برگزیدگانت به قتل رسیدند و بندگان شایسته ات خوار و ذلیل شدند، آنگاه خداوند آنچه بخواهد انجام می دهد و این روزی است که (نزد خداوند) معلوم می باشد.

از ظاهر عبارت حدیث استفاده می شود که این دعای با اصرار در نزدیکی های ظهور امام عصر علیه السلام تحقّق می یابد و به همین جهت مرحوم نعمانی آن را در فصل مربوط به نشانه های پیش از قیام حضرت آورده است. بر این اساس، شب و روز جمعه ای که در این حدیث آمده، مربوط به جمعه خاصّی است که «یوم معلوم» نامیده شده است و شامل هر شب و روز جمعه نمی شود. مرحوم صاحب مکیال هم در توضیح آخرین جمله حدیث فرموده اند:

مراد زمان ظهور و استیلای حضرت صاحب الامر علیه السلام است، چنانچه در روایات دیگر تصریح شده.(۱)

به هر حال این نمونه ای از دعاهای ارواح پاک پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم و اهل بیت گرامی ایشان علیهم السلام و پیامبران و مؤمنان است که در عالم برزخ برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام به درگاه الهی عرضه می دارند. ما از آن عالم بی خبر هستیم، امّا مسلّم است که ارواح بندگان صالح خدا که برای انجام عبادت آزادی عمل دارند، از دعا برای تعجیل فرج کوتاهی نمی ورزند. این جهت دومی است که می توانیم بگوییم دعای اهل بیت عصمت و طهارت در حقّ آخرین وصیّ پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم تا ظهور ایشان ادامه خواهد داشت.

درسی که ما از این همه اهتمام اهل بیت علیهم السلام برای دعا در حقّ امام عصر علیه السلام۵.



---

۱- کنز الغنائم فی فوائد الدّعاء للقائم علیه السلام، ص۷۴ و ۷۵.

به خصوص تعجیل فرج ایشان می گیریم، این است که از انجام این عبادت ارزشمند کوتاهی نکنیم و در تأسّی به آن بزرگواران، دعاهایی که از آنان در این زمینه نقل شده را در صدر دعاهای خود برای امام زمانمان قرار دهیم.

ما در ادامه این فصل به نقل برگزیده ای از دعاهای مأثور درباره امام عصر علیه السلام می پردازیم که در مناسبت ها یا موقعیّت های خاص خوانده می شود. اینها صرفاً از باب نمونه انتخاب شده اند و غرض، توجّه کردن به گستره این دعاها و اهتمام ورزیدن به آنها در هر موقعیّت مناسبی است. این نمونه ها را در هفت عنوان دسته بندی می کنیم:

## ۱- دعا در قنوت نماز

### اشاره

یکی از بهترین حالات انسان برای دعا کردن، حال قنوت نماز است. ابوذر غفّاری رحمه الله از رسول گرامی اسلام صلّی الله علیه و آله و سلّم نقل کرده که فرمودند:

اَطوَلُکُم قُنُوتاً فی دارِ الدُّنیا اَطوَلُکُم راحَةً یَومَ القِیامَهِ فی المَوقِفِ.(۱)

هرکدام از شما که در سرای دنیا قنوتش طولانی تر باشد، در موقف روز قیامت راحتی اش طولانی تر خواهد بود.

از ائمّه علیهم السلام دعاهای طولانی در قنوت های نمازهایشان نقل شده که در این کتاب محلّ بحث ما نیست. در صفحات گذشته به دو قنوت از امام زمان علیه السلام (عجّل الله تعالی فرجه الشّریف) اشاره کردیم که در آنها برای تعجیل فرج خود و اصحاب و یارانشان دعا کرده اند. علاوه بر اینها دعاهای مختصرتری که در همه اوقات خوانده می شود، در قنوت نباید فراموش گردد. دعای معروف:

اللّهُمَّ کُن لِوَلیِّکَ مُحَمَّدبنِ الحَسَنِ المَهدیِّ فی هذِهِ السّاعَهِ وَ فی کُلِّ ساعَهٍ وَلیّاً وَ حافِظاً وَ قائِداً وَ ناصِراً وَ دَلیلاً وَ عَیناً حَتّی تُسکِنَهُ اَرضَکَ طَوعاً وَ تُمَتِّعَهُ فیها طَویلاً.(۲)ت.



---

۱- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص۷۲.

۲- المصباح (کفعمی)، ص۵۸۶، این دعا در فلاح السّائل، ص۴۶ و البلد الامین، ص۲۰۳ و کافی، ج۴، ص۱۶۲ و مستدرک الوسائل، ج۷، ص۴۸۳ با اختلاف بسیار جزیی در برخی الفاظ آن نیز نقل شده است.

مطابق آنچه در سندش آمده در همه اوقات خوانده می شود، پس می توانیم در قنوت نمازهای خود به خواندن آن مقید شویم.

### دعا در قنوت نماز وتر

یکی از نمازهایی که قنوتش بسیار مهم و با فضیلت است، نماز وتر می باشد که آخرین رکعت از نماز شب محسوب می شود. در صدر همه مؤمناتی که باید در قنوت نماز وتر دعایشان کرد، وجود مقدّس امام عصر علیه السلام هستند که مهم ترین دعا در حقّ ایشان دعا برای تعجیل فرجشان است.

امام باقر علیه السلام به زراره فرمودند:

قنوت در نماز وتر مانند قنوتت در روز جمعه است که در دعای قنوت می گویی:

اللّهُمَّ تَمَّ نُورُکَ فَهَدَیتَ... اللّهُمَّ اِلَیکَ نَشکُو غَیبَهَ نَبِیِّنا(۱) وَ شِدَّهَ الزَّمانِ عَلَینا وَ وُقُوعَ الفِتَنِ بِنا وَ تَظاهُرَ الَاعداءِ وَ کَثرَهَ عَدُوِّنا وَ قِلَّهَ عَدَدِنا فَفَرِّج ذلِکَ یا رَبِّ بِفَتحٍ مِنکَ تُعَجِّلُه وَ نَصرٍ مِنکَ تُعِزُّهُ وَ اِمامِ عَدلٍ تُظهِرُهُ اِلَهَ الحَقِّ رَبَّ العالَمینَ.(۲)

خدایا نور تو کامل شد پس هدایت فرمودی... خدایا تنها به تو شکایت می کنیم از غیبت پیامبرمان صلّی الله علیه و آله و سلّم و سختی زمانه بر ما و گرفتار شدنمان به فتنه ها و پشتیبانی دشمنان از یکدیگر و زیادی دشمنان و کم بودن تعدادمان، پس ای پروردگار من این مشکلات را رفع کن با پیروزیی از جانب خودت که آن را زودتر می رسانی، و یاری کردن خود آن را عزیزت.

ص: ۱۳۹

---

۱- در جمال الاسبوع، ص۲۵۷ عبارت چنین است: اللهُمَّ الیکَ نَشکُو فَقدَ نَبِیِّنا وَ غَیبَهَ وَلیِّنا.

۲- بحارالانوار، ج۸۷، ص۱۹۸، ح۶، به نقل از امالی صدوق، متن کامل این قنوت در بخش سوم کتاب آمده است.

می شماری و پیشوای عدل که او را آشکار می فرمایی. ای معبود حق، پروردگار جهانیان.

در آغـاز دعا به تمام شـدن نور پروردگار اشاره شـده که این نور هرچه باشـد، مخلوقی از مخلوقات خـداست که هـدایت او به سبب آن نور صورت می گیرد. سـپس در انتهای دعای قنوت از نبودن پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم در میان امّت و سختی هـای زمـانه و زیـادی دشـمنان و کمی یـاران شـکایت کرده انـد و راه نجـات از این گرفتـاری هـا را ظهور امام عـدل (پیشوای عدالت) دانسـته اند. این دعا در قنوت نماز وتر خوانده می شود و پس از آن به فرموده امام باقر علیه السلام ۷۰ مرتبه با این دعا استغفار می کنند: أستَغفِرُ اللهَ وَ اَتُوبُ اِلیه سپس فرمودند:

زیاد از آتش به خدا پناه می بری و سپس از سلام دادن نماز وتر سه بار می گویی:

سُبحانَ رَبِّیَ المَلِکِ القُدُّوسِ العَزیزِ الحَکیم.

و نیز سه بار می گویی:

الحَمدُ لِرَبِّ الصَّباحِ الحَمدُ لِفالِقِ الإصباحِ.(۱)

### دعای قنوت نماز جمعه

دعای قنوت دیگر مربوط به نماز جمعه است که امام رضا علیه السلام به مقاتل بن مقاتل فرمودند این گونه بخواند:

اللّهُمَّ اَصلِح عَبدَکَ وَ خَلیفَتکَ بِما اَصلَحتَ بِهِ أَنبِیاءَکَ وَ رُسُلَکَ وَ حُفَّهُ بِمَلائِکَتِکَ وَ اَیِّدهُ بِرُوحِ القُدُسِ مِن عِندِکَ وَ اسلُکهُ مِن بَینِ یَدَیهِ وَ مِن خَلفِهِ رَصَداً یَحفَظُونَهُ مِن کُلِّ سُوءٍ وَ اَبدِلهُ مِن بَعدِ خَوفِهِ اَمناً یَعبُدُکَ لا یُشرِکُ بِکَ شَیئاً ولا تَجعَل لِأَحَدٍ مِن خَلقِکَ علی وَلِیِّکَ سُلطاناً وَأذَن لَهُن.



---

۱- همان.

فی جِهادِ عَدُوِّکَ وَ عَدُوِّهِ وَاجعَلنی مِن اَنصارِهِ إِنَّکَ علی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ.(۱)

خدایا (کار) بنده و خلیفه ات را به آنچه (کار) پیامبران و فرستادگانت را اصلاح فرمودی، اصلاح کن و او را با فرشتگانت بپوشان (در حمایت فرشتگانت قرارش ده) و با روح القدس از جانب خود تأییدش فرما و از روبرو و پشت سرش مراقبانی قرار ده که او را از (اصابت) هر بدی محافظت کنند و ترس او را تبدیل به امنیّتی گردان که تو را بپرستد و هیچ شرکی به تو روا ندارد و هیچ یک از آفریدگانت را بر ولیّت مسلّط مکن و برای او اجازه جهاد با دشمنت و دشمن خودش صادر فرما و مرا از یاران او قرار ده، همانا که تو بر هر امری توانا هستی.

## ۲- دعا در حال سجده

یکی از حالات بسیار مناسب برای دعا در حقّ امام عصر علیه السلام، حال سجده است. سعیدبن یسار از امام صادق علیه السلام پرسیده است که آیا در حال رکوع دعا کنم یا در حال سجده، حضرت پاسخ دادند:

اُدعُ وَ اَنتَ ساجِدٌ فإنَّ اَقرَبَ ما یَکونُ العَبدُ اِلَی اللهِ و هُوَ ساجِدٌ اُدعُ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ لِدُنیاکَ وَ آخِرَتِکَ.(۲)

در حال سجده دعا کن زیرا نزدیک ترین حالت بنده به خداوند هنگام سجده است. خدای عزّ و جل را برای دنیا و آخرتت بخوان.

طبق این فرمایش نزدیک ترین حالت بنده خدا حال سجده است که باید برای دنیا و آخرتش دعا کند. چه دعایی برای دنیا و آخرت انسان مهم تر از دعا در حقّ امام زمان علیه السلام و تعجیل فرج ایشان است؟ خوب است یادآور شویم که این سنّت نیکو - دعا برای تعجیل فرج در حال سجده - را خود امام عصر (عجّل الله تعالی فرجه الشّریف) در ابتدای ولادت انجام داده اند. جناب حکیمه خاتون نقل کرده است که وقتی بلافاصله پس از به۶.



---

۱- بحارالانوار، ج۸۹، ص۲۵۱، ح۶۹، به نقل از المصباح.

۲- همان، ج۸۵، ص۱۳۱ و ۱۳۲، ح۶.

دنیا آمدن آخرین حجّت الهی، مادرش - حضرت نرجس خاتون - را دیده، چنان نوری ایشان را احاطه کرده بود که چشم توان دیدن آن را نداشت و در همین حال کودک تازه به دنیا آمده را مشاهده نموده که صورت و زانوان خود بر زمین گذارده و در حالی که انگشتان سبّابه خود را بلند فرموده، چنین می گوید:

اَشهَدُ اَن لا اِلهَ الّا اللهُ [وَحدَه لا شَریکَ لَهُ] وَ اَنَّ جَدّی محمّداً رَسُولُ اللهِ وَ اَنَّ أبی أمیرُالمُؤمِنینَ.

سپس یک یک امامان را اسم می برد تا به خودش می رسد، سپس می گوید:

اللّهُمَّ اَنجِز لی ما وَعَدتَنی وَ اَتِمِم لی اَمری وَ ثَبِّت وَطأَتی و اَملَأِ الارضَ بی عَدلاً وَ قِسطاً.(۱)

خدایا وعده ای را که به من فرمودی، عملی کن و کار مرا برایم به اتمام برسان و گام مرا استوار بدار و زمین را به واسطه من از عدل و داد پُر فرما.

ملاحظه می کنیم که امام زمان ما اوّلین اقدامی که بلافاصله پس از تولّد خویش انجام داده اند، دعا برای فرج بوده است و این نشانگر اهمیّت خاصّ این عبادت - خصوصاً در حال سجده - نزد آن حضرت می باشد. ما هم می توانیم به آن بزرگوار تأسّی نموده و در سجده های خود - به خصوص در حال نماز - برای تعجیل فرج ایشان دعا کنیم، حدّاقلّ آن اضافه کردن دعای عَجِّل فَرَجَهُم به صلواتی است که در حال سجده - پس از ذکر سجده - می خوانیم.

### ۳- دعا در تعقیب نماز

#### اشاره

یکی از مواقع استجابت دعا، خواندن آن پس از نماز به خصوص نمازهای واجب می باشد. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

اِنَّ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ عَلیکُمُ الصَّلَواتِ فی اَحَبِّ الاَوقاتِ الیهِ فاسأَلُوا۲۱.

ص: ۱۴۲

---

۱- کمال الدّین، باب۴۲، ح۲.

اللهَ حَوائِجَكَم عَقیبَ فَرائِضِکَم.(۱)

خدای عزّ و جل نمازها را در بهترین زمان ها نزد خود، بر شما واجب فرمود، پس رفع نیازهای خود را به دنبال نمازهای واجب خود از خداوند بخواهید.

البتّه بنابر بعضی روایات، پس از ادای هر فریضه دیگر غیر از نماز هم، خداوند وعده اجابت دعا داده است.(۲) امّا بحث ما فعلاً در خصوص دعا پس از نماز می باشد. تعقیب نماز به دعا، ذکر، تلاوت قرآن و هر عمل خوب دیگری ماننـد گریه برای خـدا گفته می شود که بلافاصله پس از ادای نماز انجام شود. نبایـد کار دیگری بین نماز و تعقیب آن فاصـله بیندازد به صورتی که در نگاه بیننده، مشغول به غیر نماز و تعقیب تلقّی شود. بنابراین اگر در حال سفر نیست، باید در محل نماز خود بنشیند و به دعا و امثال آن بپردازد. اگر مصلّای خود را ترک کنـد و سپس دعا نمایـد، تعقیب صدق نمی کند. البتّه لازم نیست حتماً دعاهای مـأثور خوانـده شـود، بلکه هر دعـایی به هر زبـانی می توان کرد، امّـا خوانـدن دعاهـای منقول از ائمّه علیهم السـلام افضـل می باشد.(۳)

علاوه بر تشویق های فراوانی که نسبت به خواندن تعقیبات نماز صورت گرفته، در برخی احادیث دعا نکردن پس از ادای نماز مذمّت شده است. به عنوان نمونه از نبیّ اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم نقل شده که فرمودند:

اِذا فَرَغَ العَبدُ مِنَ الصَّلاهِ وَلَم یَسأَلِ اللهَ تَعالی حاجَتَهُ یَقُولُ اللهُ تَعالی لِمَلائِکَتِهِ انظُروا اِلی عَبدی فَقَد اَدّی فَریضَتی وَلَم یَسأَل حاجَتَهُ مِنّی کأنّه قَدَ استَغنی عَنّی خُذُوا صَلاتَه فَاضرِبُوا بِها وَجهَه.(۴)

اگر بنـده از نماز فارغ شود و (رفع) نیاز خود را از خدای متعال درخواست نکند، خداوند متعال به فرشـتگانش می گوید: نگاه کنید به بنده من، واجب مرا ادا۸.



---

۱- بحارالانوار، ج۸۵ ح۱۵، به نقل از عدّه الدّاعی.

۲- همان، ص۳۲۲، ح ۱۰، به نقل از المحاسن.

۳- العروه الوثقی، ج ۱، ص۷۰۳.

۴- بحارالانوار، ج۸۵ ص۳۲۵، ح۱۸.

کرده و (رفع) حاجت خود را از من نخواسته است، گویی خود را از من بی نیاز احساس می کند. نمازش را بگیرید و آن را به صورتش بزنید.

زدن نماز به صورت نمازگزار کنایه از پذیرفته نشدن آن نماز است. این حدیث هشداری است به اینکه انسان نباید نسبت به دعا کردن پس از نماز بی اعتنا باشد. حدّاقلّ آن فرستادن صلوات بر پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم و اهل بیت ایشان علیهم السلام است که دعای بسیار مهم و شریفی است و نباید از خواندن آن بعد از نماز غفلت نمود. امّا دوستداران امام عصر علیه السلام از این موقعیّت ویژه که به طور عادی روزی پنج بار برایشان پیدا می شود، فرصت مغتنمی می یابند تا برای بزرگ ترین و مهم ترین حاجت خود و دیگران - که در رأس آنها وجود مقدّس امام زمان علیه السلام است - دعا کنند. حیف است که مؤمنان این همه فرصت طلایی را از دست بدهند و کاری برای تعجیل فرج مولایشان انجام ندهند.

در احادیث ائمّه علیهم السلام تعقیبات متعدّد مفصّلی در همین خصوص نقل شده که ما در این کتاب به برخی از آنها اشاره می کنیم و علاقمندان به مطالعه بیشتر را به کتاب شریف «مکیال المکارم» رجوع می دهیم.(۱)

### تعقیب اوّل برای نماز واجب

۱- اوّلین مورد دعایی است که از حضرت جواد الائمّه علیه السلام نقل شده و شامل دعاهای مفصّلی در حقّ امام زمان علیه السلام می باشد:

رَضیتُ بِاللهِ رَبّاً، وَ بِالإسلامِ دیناً، وَ بِالقُرآنِ کِتاباً، وَ بِمُحَمَّدٍ صلّی الله علیه و آله و سلّم نَبِیّاً، وَ بِعَلِیٍّ علیه السلام وَلِیّاً، وَ الحَسَنِ وَ الحُسَینِ وَ عَلیِّ بنِ الحُسَینِ وَ مُحَمَّدِبنِ عَلِیٍّ وَ جعفَربنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَی بنِ جَعفَرٍ وَ عَلِیِّ بنِ مُوسی وَ مُحَمَّدِبنِ عَلِیٍّ وَ عَلِیِّ بنِ مُحَمَّدٍ وَ الحَسَنِ بنِ عَلِیٍّ وَ الحُجَّهِ بنِ الحَسَنِ بنِ عَلِیٍّ علیهم السلام أئِمَّهً، اللّهُمَّ وَلِیُّکَ الحُجَّهُ، فاحفَظهُ مِن بَینِ یَدَیهِ وَ مِن خَلفِهِ وَ عَن یَمینِهِ وَ عَن شِمالِهِ وَ مِن فَوقِهِ وَ مِن تَحتِهِ، وَ امدُد لَهُ فی عُمرِهِ، وَاجعَلهُ القائِمَ بِأَمرِکَ،۴.

ص: ۱۴۴

---

۱- مکیال المکارم، ج۲، باب ششم، ص۲ تا ۱۴.

المُستَنصِرَ لِدینِکَ، وَ أرِهِ ما یُحِبُّ، وَ تَقَرُّ بِهِ عَینُهُ، فی نَفسِهِ وَ ذُرِّیَّتِهِ وَ فی أهلِهِ وَ مالِهِ، وَ فی شیعَتِهِ وَ فی عَدُوِّهِ، وَ أرِهِم مِنهُ ما یَحذَرُونَ، وَ أرِهِ فیهِم ما یُحِبُّ، وَ تَقَرُّبِهِ عَینُهُ، وَاشفِ بِهِ صُدُورَنا وَ صُدُورَ قَومٍ مُؤمِنینَ.(۱) به خداوند به عنوان پروردگار و اسلام به عنوان دین و قرآن به عنوان کتاب (آسمانی) و حضرت محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم به عنوان پیامبر و حضرت علی علیه السلام به عنوان ولیّ (خدا) و به حضرات حسن و حسین و علیّ بن الحسین و محمّد بن علی و جعفربن محمّد و موسی بن جعفر و علیّ بن موسی و محمّد بن علی و علیّ بن محمّد و حسن بن علی و حجّه بن الحسن بن علی علیهم السلام به عنوان امامان (از جانب خدا) راضی و خشنود شدم. خداوندا ولیّ خود حضرت حجّت علیه السلام را از پیش رو و از پشت و از راست و چپ و بالا و پایین (یعنی از هر جهت) حفظ فرما و عمر ایشان را طولانی گردان و او را قیام کننده به امرت و یاری جوینده برای دینت قرار ده و به او آنچه دوست دارد و باعث چشم روشنی اش - در مورد خودش و فرزندان و اهل و مال و شیعیان و دشمنانش - می شود، نشان بده و به دشمنان حضرت از ایشان چیزی را که از آن می ترسند، نشان بده و به خود آن حضرت در مورد دشمنانش چیزی را که مورد علاقه او و باعث چشم روشنی اش هست، بنما و به سبب آن حضرت دل های ما و دلهای اهل ایمان را شفا ببخش.

ملاحظه می شود که در این دعا چه دعاهای زیبایی در حقّ امام عصر علیه السلام از زبان امام نُهم علیه السلام صادر شده است.

### تعقیب دوم برای نماز واجب

۲- مورد دوم تعقیبی است که مداومت بر خواندن آن آثار و برکات خاصّی دارد. یکی از این برکات، تشرّف پیدا کردن خدمت حضرت ولیّ عصر (عجّل الله تعالی فرجه الشّریف) می باشد. اصل حدیث مطابق نقل مرحوم ابونصر طبرسی چنین است:۰.

ص: ۱۴۵

---

۱- من لا یحضره الفقیه، ج۱، ص۳۲۷، ح ۹۶۰.

رُوِیَ اَنَّ مَن دَعا بِهذا الدُّعاءِ عَقیبَ کُلِّ فریضَهٍ و واظَبَ عَلی ذلِکَ عاشَ حَتّی یَمَلَّ الحَیاهَ وَ یَتَشَرَّفَ بِلِقاءِ صاحِبِ الأمرِ عَجَّلَ اللهُ فَرَجَه وَ هو: «اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحمّدٍ اللهُمَّ اِنَّ رَسُولَکَ الصّادِقَ المُصَدَّقَ صَلَواتُکَ عَلیهِ وَ آلِهِ قالَ: إنَّکَ قُلتَ: ما تَرَدَّدتُ فی شَیءٍ أنَا فاعِلُه کَتَرَدُّدی فی قَبضِ رُوحِ عَبدِیَ المُؤمِنِ یَکرَهُ المَوتَ وَ أنَا اَکرُهُ مَساءَتَهُ اللّهُمَّ فَصَلِّ عَلی مُحمَّدٍ وَ آل مُحَمَّدٍ وَ عَجِّل لِاَولیائِکَ الفَرَجَ وَ النَّصرَ وَ العافِیَهَ وَلا تَسُؤنی فی نَفسی ولا فی ...» قالَ: وَ تَذکُرُ مَن شِئتَ.(۱)

روایت شده که هرکس این دعا را بعد از هر نماز واجب بخواند و نسبت به آن مراقبت داشته باشد، چندان زندگی کند که از زنده بودن ملول گردد و به دیدار صاحب الامر (عجّل الله تعالی فرجه) مشرّف شود و دعا این است: خدایا بر محمّد و آل محمّد صلوات فرست. خداوندا همانا فرستاده راستگو و مورد تأیید تو - که صلوات تو بر او و خاندانش باد- فرمود که تو فرموده ای: من - در اموری که خودم انجام دهنده اش هستم - (از اراده خود) برنگشته ام (صرف نظر نکرده ام) آن چنان که در مورد قبض روح بنده مؤمنم (از اراده خود) بر می گردم (صرف نظر می کنم)، او از مرگ کراهت دارد در حالی که من از ناراحتی او کراهت دارم. خداوندا پس بر محمّد و آل محمّد صلوات فرست و هرچه زودتر گشایش و یاری و عافیت را برای اولیای خود برسان و مرا در مورد خودم و ... ناراحت مگردان. فرمود: و (غیر از خودت) هرکه را می خواهی ذکر کن.

در این دعای شریف، یک حدیث قدسی از زبان پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم نقل شده که احترام و ارزش بنده مؤمن را نزد خداوند به خوبی روشن می سازد. خدای متعال می فرماید: گاهی اراده من به قبض روح بنده مؤمنم تعلّق می گیرد، امّا خود او از مرگ کراهت دارد. در این صورت چون من هم از ناراحتی او کراهت دارم، از اراده۴

ص: ۱۴۶

---

۱- مکارم الاخلاق، ص۲۸۴.

خود برمی گردم.(۱) و لذا او را - با حال کراهت از مرگ - قبض روح نمی کنم. بنابراین خداوند - مطابق آنچه در احادیث دیگر بحث «تردّد» آمده است - یا فعلاً مرگ او را به تأخیر می اندازد و یا این که کراهت او را با ارسال گل های خوشبویی - که آنها را استشمام می کند - از بین می برد و با میل و رغبت خودش، او را می میراند.

با توجّه به این حدیث قدسی، وقتی می گوییم: «لا تَسُؤنی فی نَفسی» مقصود این است که: «خداوندا مرا - با وجود کراهت از مرگ - قبض روح مکن چون خودت فرمودی که از ناراحتی مؤمن کراهت داری» و وقتی می گوییم: «لا تَسؤنی فی نفسی ولا فی ...» یعنی همین کار (قبض روح نکردن با وجود کراهت از مرگ) را در حقّ شخص یا اشخاص دیگری که در این دعا ذکر می کنم، انجام بده. به همین جهت است که فرموده اند: اگر کسی مواظبت بر خواندن این دعا کند، از زنده ماندن خسته و ملول می شود. مقصود این است که در هنگام قبض روحش، از مرگ کراهت ندارد بلکه با میل و رغبت خودش از دنیا می رود. همچنین چون بنده مؤمن آرزوی درک محضر امام عصر (عجّل الله تعالی فرجه) و یاری رساندن به ایشان را دارد، از خدا تعجیل در فرج آن حضرت را تقاضا می کند و خدای متعال هم لطف فرموده و او را - اگر هنوز زمان ظهور نرسیده باشد - قبل از مرگ به شرف لقای محبوبش می رساند و این دعا در حقّ هرکس که مستجاب شود، همین آثار و برکات را خواهد داشت.(۲).۷



---

۱- «تَرَدَّ» بر وزن «تَفعَّل» و به معنای مطاوعه و پذیرش «ردّ» است. یعنی کراهت مؤمن از مرگ به عنوان «ردّ= برگرداندن» تلقّی می شود که خداوند این ردّ را می پذیرد و مؤمن را با وجود کراهتش از مرگ قبض روح نمی کند. در کتاب های لغت در معنای تردّد، «تَراجَعَ» تعبیر کرده اند. (لسان العرب، ج۶، ص۱۳۳ و المعجم الوسیط، ص۳۳۸) و «تَراجَعَ القَوم: رَجَعَوا اِلی مَحَلِّهم» (لسان العرب، ج۶، ص۱۰۷) به همین جهت در ترجمه حدیث، «تردّد» را به «برگشتن و صرف نظر کردن از اراده خود» معنا نمودیم.

۲- راز پنهانی و رمز پیدایی، ص۱۱۶ و ۱۱۷.

### تعقیب سوم در نمازهای واجب

۱- سومین تعقیب نماز که شامل دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام می باشد، در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده که، فرمودند:

اِنَّ مِن حُقُوقِنا علی شیعَتِنا اَن یَضَعُوا بَعدَ کُلِّ فَریضَهاَیدِیَهُم عَلی اَذقانِهِم وَ یَقُولُوا ثَلاثَ مَرّاتٍ: یا رَبَّ مُحمَّدٍ عَجِّل فَرَجَ آلِ مُحمَّدٍ صلّی الله علیه و آله و سلّم، یا رَبَّ مُحمَّدٍ احفَظ غَیبَهَ مُحمَّدٍ صلّی الله علیه و آله و سلّم، یا رَبَّ مُحمَّدٍ انتَقِم لِاِبنَهِ مُحمَّدٍ صلّی الله علیه و آله و سلّم.(۱)

یکی از حقوق ما بر شیعیانمان این است که پس از ادای هر نماز واجب دستان خود را بر چانه هایشان بگذارند و سه بار بگویند: ای پروردگار محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم فرج آل محمّد علیهم السلام را زودتر برسان، ای پروردگار محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم غیبت محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم را حفظ فرما، ای پروردگار محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم انتقام دختر محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم را بگیر!

دعاهای مختصر زیبایی است که در آن تعجیل فرج امام زمان علیه السلام به تعابیر مختلف درخواست شده است. انتقام حضرت صدّیقه اطهر علیها السلام که مظلومانه به شهادت رسیدند، به دست مبارک فرزندش امام مهدی علیه السلام صورت خواهد پذیرفت؛ پس دعا برای انتقام خون شهیده مظلومه حضرت زهرای مرضیّه علیها السلام در حقیقت دعا برای فرج امام زمان علیه السلام می باشد.

### تجدید عهد با امام عصر علیه السلام بعد از نماز واجب

۴- تعقیب دیگری که پس از ادای نمازهای واجب خوانده می شود، تجدید عهدی است با امام عصر علیه السلام که شامل دعاهای زیبایی در حقّ آن حضرت، و برای خود دعا کننده می باشد. متن کامل این دعا مطابق نقل مرحوم علّامه مجلسی از امام صادق علیه السلام چنین است:ن.

ص: ۱۴۸

---

۱- مکیال المکارم، ج۲، ص۷، ح۱۰۴۸، به نقل از کتاب جمال الصّالحین.

بسم الله الرّحمن الرّحیم

اللّهُمَّ بَلِّغ مَولانـا صاحِبَ الزَّمـانِ أَینَما کانَ وَ حَیثُما کانَ مِن مَشارِقِ الأَرضِ وَ مَغارِبِها وَ سَهلِها وَ جَبَلِها عَنّی و عَن والِدَیَّ وَ عَن وُلـدی وَ إخوانَی التَّحِیَّهَ وَ السَّلامَ عَدَد خَلقِ اللهِ وَ زِنَهَ عَرشِ اللهِ وَ ما أَحصاهُ کِتابُهُ وَ أَحاطَ عِلمُهُ اللّهُمَّ إنّی اُجَدِّدُ لَهُ فی صَبیحَهِ هذَا الیَوم وَ مـا عِشتُ فیهِ مِن أَیّام حَیـاتی عَهـداً وَ عَقـداً وَ بَیعَهً لَهُ فی عُنُقی لا أَحُولُ عَنها وَلا أَزُولُ اللّهُمَّ اجعَلنی مِن أَنصارِهِ وَ نُصّارِهِ الـذّابّینَ عَنهُ وَ المُمتَثِلینَ لِأَوامِرِهِ وَ نَواهیهِ فِی أَیّامِهِ وَ المُستَشـهَدینَ بَینَ یَدَیهِ اللّهُمَّ فَإِن حالَ بَینی وَ بَینَهُ المَوتُ الَّذی جَعَلتَهُ عَلی عِبـادِکَ حَتمـاً مَقضِیّاً فَأَجرِجنی مِن قَبری مُؤتَزِراً کَفَنی شاهِراً سَیفی مُجَرِّداً قَناتی مُلَبِّیاً دَعوَهَ الـدّاعی فِی الحاضِرِ وَ البادی اللّهُمَّ أَرِنِی الطَّلعَهَ الرَّشِیدَهَ وَ الغُرَّهَ الحَمیدَهَ وَاکحَل بَصَری بِنَظرَهٍ مِنّی إلَیهِ وَ عَجِّل فَرَجَهُ وَ سَهِّل مَخرَجَهُ اللّهُمَّ اشدُد أَزرَهُ وَ قَوِّ ظَهرَهُ وَ طَوِّل عُمرَهُ اللّهُمَّ اعمُر بِهِ بِلادِکَ وَ أَحیِ بِهِ عِبـادَکَ فَإِنَّکَ قُلتَ وَ قَولُکَ الحَقُّ ظَهَرَ الفَسـادُ فِی البَرِّ وَ البَحرِ بِمـا کَسَبَت أَیـدِی النّاسِ فَأَظهِرِ اللّهُمَّ لَنا وَلِیَّکَ وَابنَ بِنتِ نَبِیِّکَ المُسـمّی بِاسمِ رَسُولِکَ صَلَواتُکَ عَلیهِ وَ آلِهِ حَتّی لا یَظفَرَ بِشَیءٍ مِنَ الباطِلِ إلّا مَزَّقَهُ وَ یُحِقَّ اللهُ الحَقَّ بِکَلِمـاتِهِ وَ یُحَقِّقَهُ اللّهُمَّ اکشِف هـذِهِ الغُمَّهَ عَن هـذِهِ الأُمَّهِ بِظُهُورِهِ إنَّهُم یَرَونَهُ بَعیـداً وَ نَراهُ قَریباً وَ صَلَّی اللهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

هرکس بعد از هر نماز واجب این دعا را بخواند، حضرت امام «م ح م د» بن الحسن - علیه و علی آبائه السّلام - را در بیداری یا در خواب خواهد دید.(۱)

دیدن آن حضرت در خواب یا در بیداری باعث ازدیاد معرفت و محبّت انسان بهی.

ص: ۱۴۹

---

۱- بحارالانوار، ج۸۶، ص۶۱، ح۶۹، به نقل از اختیار ابن الباقی.

آن بزرگوار می گردد.

این چهـار نمونه از تعقیبات مشترکه است که پس از هر نماز واجب برای تعجیل فرج مولایمان خوانـده می شود. علاوه بر اینها تعقیبات مخصوصه ای هم از اهل بیت علیهم السلام نقل شده که اختصاص به بعضی از نمازهای واجب یومیّه دارد. ما به نمونه هایی از این دعاها هم اشاره می کنیم:

### تعقیب نماز ظهر

۵- یکی از این تعقیبات مخصوص نماز ظهر است که امام صادق علیه السـلام بعد از ادای نماز ظهر در حالی که دستان خود را به سوی آسمان بلند کرده بودند، چنین دعا فرمودند:

أی سـامِعَ کُـلِّ صَوتٍ أی جـامِعَ کُلِّ فَوتٍ أی بارِئَ کُلِّ نَفسٍ بَعـدَ المَوتِ أی باعِثُ أی وارِثُ أی سَـیِّدَ السّادَهِ أی إلهَ الآلِهَهِ أی جَبّارَ الجَبابِرَهِ أی مَلِکَ الدُّنیا وَ الآخِرَهِ أی رَبَّ الأربابِ أی مَلِکَ المُلُوکِ أی بَطّاشُ أی ذَا البَطشِ الشَّدِیدِ أَی فَعّالاً لِما یُرِیدُ أَی مُحصِیَ عَدَدِ الاَنفاسِ وَ نَقلِ الاَقـدامِ أَی مَنِ السِّرُّ عِنـدَهُ عَلانِیَهٌ أَی مُبـدِئُ أَی مُعیـدُ أسأَلُکَ بِحَقِّکَ عَلی خِیَرَتِکَ مِن خَلقِکَ وَ بِحَقِّهِمُ الَّذی أَوجَبتَ لَهُم عَلی نَفسِکَ أَن تُصَـلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَهلِ بَیتِهِ وَ أَن تَمُنَّ عَلیَّ السّاعَهَ بِفَکاکِ رَقَبَتی مِنَ النّارِ وَ أَنجِز لِوَلِیِّکَ وَابـنِ نَبِیِّکَ الّداعی إلَیـکَ بِإذنِکَ وَ أَمینِکَ فی خَلقِکَ وَ عَینِکَ فِی عِبـادِکَ وَ حُجّتِکَ عَلی خَلقِکَ عَلیهِ صَلَواتُکَ وَ بَرَکاتُکَ وَعـدَهُ اللّهُمَّ أَیِّدهُ بِنَصـرِکَ وَ انصُـر عَبـدَکَ وَ قَوِّ أَصـحابَهُ وَ صَبِّرهُم وَافتَح لَهُم مِن لَدُنکَ سُلطاناً نَصـیراً وَ عَجِّل فَرَجَهُ وَ أَمکِنهُ مِن أَعداءِکَ وَ أَعداءِ رَسُولِکَ یا أَرحَمَ الرّاحِمینَ.(۱)ل.

ص: ۱۵۰

---

۱- همان، ص۶۲، ح۱، به نقل از فلاح السّائل.

ای شنونده هر صدا، ای جمع آورنده همه فوت شدگان،(۱) ای آفریننده هرکس بعد از مرگ، ای مبعوث کننده، ای ارث برنده، ای آقای آقاها، ای معبود معبودان،(۲) ای قدرتمندی که بر همه جبّاران مسلّط هستی، ای پادشاه دنیا و آخرت، ای صاحب اختیار همه صاحب اختیاران، ای پادشاه پادشاهان، ای قدرتمند بسیار توانا، ای آنکه می توانی (هرکس و هرچه را بخواهی) با قدرت اخذ کنی، ای انجام دهنده هرچه را بخواهی، ای احاطه کننده بر تعداد نَفَس ها و جابجایی قدم ها، ای آنکه رازها برای او آشکار و عیان است، ای به وجود آورنده، ای خلق کننده مجدّد (در قیامت)، از تو به حقّی که بر برگزیدگان از آفریدگانت داری و به حقّی که برای آنان بر خودت واجب کرده ای، می خواهم که بر محمّد و آل محمّد که اهل بیت او هستند درود بفرستی و در همین ساعت با آزاد کردن گردن من از آتش منّت گذاری و وعده (ظهور) او را برای ولیّت و پسر پیغمبرت - که به اجازه تو به سوی تو دعوت می کند- و امانت دار تو در میان آفریدگانت و چشم تو در بین بندگانت و حجّت تو بر آفریدگانت- که صلوات و برکات تو بر او باد - محقّق فرمایی. خدایا او را با یاری کردن خود تأیید نما و بنده ات را یاری کن و یارانش را قوی گردان و به آنان صبر عطا فرما و برای آنان از جانب خودت راه سلطه پیروز کننده ای را باز گردان و در فرج او تعجیل فرما و او را بر دشمنانت و دشمنان پیامبرت مسلّط کن، ای ارحم الرّاحمین.

راوی وقتی دعای حضرت را شنید، پرسید:

فدایتان شوم، آیا برای خودتان دعا نکردید؟

حضرت فرمودند:

قَد دَعَوتُ لِنُورِ آلِ مُحَمَّدٍ صلّی الله علیه و آله و سلّم و سابِقِهِم وَ المُنتَقِمِ بِأَمرِ اللهِ مِن اَعداءِهِم.د.



---

۱- به نظر مرحوم شیخ بهایی منظور از «فوت» در عبارت دعا، «فائت» است و ما در ترجمه چنین معنایی را در نظر گرفتیم. (بحارالانوار، ج۸۶، ص۶۳، به نقل از بیان علّامه مجلسی)

۲- مقصود چیزهایی هستند که به غلط به عنوان معبود گرفته شده اند.

برای نور آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم و سبقت گیرنده آنان و آنکه به امر خداوند از دشمنان آنان انتقام می گیرد، دعا کردم.

با این تعابیر راوی متوجّه می شود که مقصود امام صادق علیه السلام، آخرین وصیّ پیامبر خاتم صلّی الله علیه و آله و سلّم بوده که منتقم خون همه اهل بیت علیهم السلام است. لذا می پرسد که ظهور ایشان چه وقت خواهد بود. امام می فرمایند:

اِذا شاءَ مَن لَهُ الخَلقُ وَ الاَمرُ.(۱)

هر وقت کسی که آفرینش و امر کردن به دست اوست، بخواهد.

ملاحظه می شود که امام صادق علیه السلام برای معرّفی امام عصر علیه السلام چه تعابیر زیبا و عمیقی به کار برده اند. «نور آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم» بسیار تعبیر عجیبی است. آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم همگی نورند و نور همه آفرینش هم از ایشان است. آن چه وجود مقدّس و مطهّری است که نور این انوار نامیده شده است؟ ما از درک عظمت این نور الهی قطعاً عاجزیم امّا می دانیم که هرچه بر معرفت ما نسبت به آن حضرت افزوده شود، به ادراک مقام نورانی ایشان یک قدم نزدیک تر می شویم. هرچند که هیچ گاه ایشان را چنانچه هستند، نخواهیم شناخت امّا از آنچه می توانیم برسیم – البتّه به لطف و عنایت خودشان – هم نباید چشم بپوشیم.

تعبیر «سابقهم» نیز برای ما – به طور قطعی – قابل درک نیست. حضرتش بر سایر آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم در چه چیزی سبقت گرفته اند؟ شاید مراد این باشد که ایشان اوّلین فرد از آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم هستند که وعده های الهی – که در آیه ۵۵ سوره نور(۲) آمده است – به دست ایشان محقّق خواهد شد و بقیّه اهل بیت علیهم السلام پس از ایشان در هنگام رجعت، ادامه دهندگان راهشان خواهند بود. این احتمالی است که به ذهن ما می رسد، اگر معنای دیگری موردنظر امام صادق علیه السلام بوده است، نمی دانیم. صفت سومی که برای امام زمان علیه السلام به کار برده اند معنایش روشن است که توضیح داده شد. می بینیم که امام..

ص: ۱۵۲

---

۱- بحارالانوار، ج۸۶، ص۶۲، به نقل از فلاح السّائل.

۲- وَعَدَ اللهُ الَّذینَ آمَنُوا مِنکُم وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ لَیَستَخلِفَنَّهُم فِی الاَرضِ...

صادق علیه السلام در تعقیب نماز ظهر خود، برای تعجیل در فرج امام دوازدهم علیه السلام به صراحت دعا فرموده اند.

## تعقیب نماز عصر

۶- تعقیب دیگر اختصاص به نماز عصر دارد که از زبان مبارک امام هفتم علیه السلام درباره دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام صادر شده است. متن دعا این است:

أَنتَ اللهُ لاـ اِلهَ اِلّا أَنتَ الاَوَّلُ وَ الآخِرُ وَالظّاهِرُ وَ الباطِنُ وَ أنتَ اللهُ لا إلهَ اِلّا أَنتَ إلَیکَ زیادَهُ الاَشیاءِ وَ نُقصانُها وَ أَنتَ اللهُ لا إلهَ إلّا أنتَ خَلَقتَ خَلقَکَ بِغیرِ مَعُونَهٍ مِن غَیرکَ وَلا حاجَهٍ إلَیهِم وَ أنتَ اللهُ لا إلهَ إلّا أَنتَ مِنکَ المَشیَّهُ وَ إلَیکَ البَداء أَنتَ اللهُ لا إلهَ إلّا أَنتَ قَبلَ القَبلِ وَ خالِقُ القَبلِ أَنتَ اللهُ لا إلهَ إلّا أَنتَ بَعدَ البَعدِ وَ خالِقُ البَعدِ أَنتَ اللهُ لا إلهَ إلّا أَنتَ تَمحُو ما تَشاءُ وَ تُثبِتُ وَ عِندَکَ أُمُّ الکِتابِ أَنتَ اللهُ لاـ إلهَ إلّا أَنتَ غایَهُ کُلِّ شَیءٍ وَ وارِثُهُ أَنتَ اللهُ لا إلهَ إلّا أَنتَ لا یَعزُبُ عنکَ الدَّقیقُ وَلا الجَلیلُ أَنتَ اللهُ لا إلهَ إلّا أَنتَ لا تَخفی عَلَیکَ اللُّغاتُ وَلا تَتَشابَهُ عَلَیکَ الأَصواتُ کُلَّ یَومٍ أنتَ فی شَانٍ لا یَشغَلُکَ شَأنٌ عَن شَأنٍ عالِمُ الغَیبِ وَ أخفی دَیّانُ یَومِ الدِّینِ مُدَبِّرُ الأمُورِ باعِثُ مَن فَی القُبُورِ مُحیِی العِظامَ وَ هِیَ رَمیمٌ أسألُکَ بِاسمِکَ المَکنُونِ المَخزُونِ الحَیِّ القَیُّومِ الَّذی لا یُخَیِّبُ مَن سَألَکَ بِهِ أَسأَلُکَ أَن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَن تُعَجِّلَ فَرَجَ المُنتَقِمِ لَکَ مِن أَعدائِکَ وَ أَنجِز لَهُ ما وَعَدتَهُ یا ذَا الجَلالِ وَ الإکرامِ.(۱)

تو خدایی هستی که جز تو - که اوّل و آخر و ظاهر و باطنی - معبودی نیست و تو خدایی هستی که جز تو معبودی نیست، زیادی و کمی همه چیز تنها بهل.



۱- بحارالانوار، ج۸۶، ص۸۱، ح۸، به نقل از فلاح السّائل.

دست توست و تو خـدایی هستی که جز تو معبودی نیست، آفریدگان خود را بدون کمک گرفتن از غیر خودت و بدون نیازی به آنها خلق کردی و تو خـدایی هستی که جز تو معبودی نیست، خواسـتن (مشـیّت) از تو است و اختیار بداء هم با تو است. تو خـدایی هستی که جز تو معبودی نیست، پیش از قبـل بوده ای و خـالق قبـل هستی. تو خـدایی هستی که جز تو معبودی نیست، پس از بعـد خواهی بود و خـالق بعـد هسـتی. تو خـدایی هسـتی که جز تو معبودی نیست، آنچه را که بخواهی محو و (آنچه را بخواهی) اثبات می کنی و امّ الکتاب نزد تو است.

تو خـدایی هستی که جز تو معبودی نیست، غایت هرچیز و وارث آن هستی، تو خـدایی هستی که جز تو معبودی نیست، ریز و درشـتی از تـو پوشـیده نمی باشـد. تو خـدایی هسـتی که جز تو معبودی نیست، زبـان هـا (ی مختلف) از تو مخفی نمی مانـد و صـداها (ی گوناگون) برایت اشـتباه نمی شود. هر روز در کار (جدیـد) هستی که هیچ کاری تو را از کار دیگر باز نمی دارد، دانای به غیب و (امور) مخفی تر هستی، حاکم روز جزا، تـدبیر کننـده امور، برانگیزاننـده اهل قبور، زنـده کننده اسـتخوان های پوسـیده هستی. از تو می خواهم به اسم پوشـیده و محفوظ خودت که (آن اسم) حیّ قیوم است، همـان (اسـمی) که هرکس به آن از تو بخواهد، دست خالی نمی ماند، از تو می خواهم که بر محمّد و آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم درود بفرستی و در فرج انتقام گیرنده خودت از دشمنانت تعجیل فرمایی و آنچه را به او وعده داده ای، محقّق فرما ای صاحب جلالت و اکرام.

راوی می گوید در بغداد خدمت امام هفتم علیه السلام رسیدم که پس از اتمام نماز عصر، در حالی که دستان خود را به سوی آسمان بلند کرده بودند، این دعا را خواندند. از ایشان پرسیدم:

برای چه کسی دعا فرمودید؟

فرمودند:

ذاکَ المَهـدِیُّ مِن آلِ مُحَمَّدٍ صلّی الله علیه و آله و سلّم ... بِأبی المُنتَـدَحُ البَطنَ المَقرُونُ الحاجِبَینِ اَحمَشُ السّاقَینِ بَعیـدٌ ما بَینَ المَنکِبَینِ اَسمَرُ اللَّونِ یَعتَورُهُ مَعَ

سُمرَتِهِ صُفرَةٌ مِن سَهَرِ اللَّيلِ بِأَبی مَن لَیلَهَ یَرعَی النُّجُومَ ساجِداً وَ راکِعاً بِأَبی مَن لا یَأخُذُه فِی اللهِ لَومَهُ لائِمٍ مِصباحِ الدُّجی بِأَبی القائِمُ بِأَمرِاللهِ.(۱)

او مهدی از آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم است... پدرم فدای آن کشیده شکم، پیوسته ابرو، باریک ساق، چهار شانه، گندمگونی که زردی ناشی از شب زنده داری به آن آمیخته شده است. پدرم فدای آنکه شب خود را در حال سجود و رکوع به مراقبت از ستارگان می گذراند. پدرم فدای کسی که در راه خدا ملامت هیچ ملامت کننده ای در او اثر نمی گذارد. چراغ تاریکی ها، پدرم فدای قیام کننده به امر خداوند.

در این چند سطر امام هفتم علیه السلام چهار بار تعبر «بَأبی...» را در مورد فرزندشان حضرت بقیه الله ارواحنا فداه به کار برده اند. بسیار قابل تأمّل است که حجّم معصوم خداوند که خود مقام امامت عظمی داشته اند، در حقّ یک امام دیگر چنین سخن بگویند. یعنی پدرشان را - که ایشان هم امام بوده اند - فدای آخرین وصیّ پیامبر خاتم صلّی الله علیه و آله و سلّم بدانند. اوصافی هم که برای معرّفی این تنها باقیمانده الهی به کار برده اند، قابل توجّه است. گویی حضرتش را می دیدند که با چه سیمای زیبایی به عبادت می پردازند. آنچه امام موسی بن جعفر علیهما السلام فرموده اند، بیان حال فعلی امام زمان ماست که سال های سال بلکه قرن های طولانی چنین بوده اند. اکنون ۱۱۶۸ سال(۲) از این حالات مهدی آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم می گذرد که شب زنده داریش صورت مبارکش را به رنگ گندمی مایل به زرد درآورده و هر شب در حال عبادت خدا از ستارگان آسمان مراقبت و محافظت می فرماید. آری آسمان و ستارگانش، بلکه همه ساکنان آسمان، بالاتر، همه عالم هستی تحت رعایت و عنایت آن وجود گرامی اداره می شود. اگر عنایت او نباشد، کیان هستی به هم می ریزد و سنگ روی سنگ بند نمی شود. آیا عالمد.



---

۱- همان.

۲- اکنون سال ۱۴۲۸ هجری قمری است که از سال ۲۶۰ هجری قمری که حضرتش به امامت رسیده اند، ۱۱۶۸ سال می گذرد.

هستی به طفیل او نیست؟ پس همه زمینیان باید فدای او گردند، چون همگان طفیلی او زنده اند و از نعمت های الهی به واسطه او بهره می برند. چقدر زیباست که وقتی این تعقیب نماز عصر را می خوانیم، به یاد داشته باشیم که گوینده آن پدرش را فدای حضرت ولیّ عصر علیه السلام می دانست. آن موعود منتظر چه عظمتی دارد که جدّ شریفش این گونه در حقّش سخن می گوید؟! اما جان ناقابل ما در مقایسه با نَفس شریف امام صادق علیه السلام ارزشی ندارد که قابل ذکر باشد. باید از حضرتش ملتمسانه بخواهیم که به فضل و کرم خویش لیاقت فدا شدن در آستان مقدّسش را عطایمان فرماید و آرزوی شهادت در رکابشان را به دل هایمان نگذارد.

سال های سال است که وقتی یاد و خاطره اصحاب با وفای سیّدالشّهداء علیه السلام را می خوانیم و می شنویم، آرزو می کنیم که: ای کاش همراه آنان بودیم و به رستگاری عظیم نائل می شدیم. فرمایش امام هشتم علیه السلام را به ریّان بن شبیب خوانده ایم و باور کرده ایم که فرمود:

اِن سَرَّکَ اَن یَکونَ لَکَ مِنَ الثَّوابِ مِثلُ ما لِمَنِ استُشهِدَ مَعَ الحُسَینِ علیه السلام فَقُل مَتی ما ذَکَرتَه: یا لَیتَنی کُنتُ مَعَهُم فَأفُوزَ فَوزاً عَظیماً.(۱)

اگر خوشحال می شوی از اینکه پاداش کسانی را که در رکاب حسین علیه السلام به شهادت رسیده اند، ببری، هرگاه او را یاد کردی بگو: ای کاش من با آنان بودم، پس به رستگاری بزرگ می رسیدم.

هربار که این جمله را به زبان آوردیم، وارث حسین علیه السلام در نظرمان مجسّم شد که همچون جدّ شریفش در زمان غیبت، غریب و تنها مانده و «هَل مِن ناصِرٍ یَنصُرُنی» سر می دهد. پیش خود گفتیم: آیا می شود جان ناقابل ما لیاقت فدا شدن در پیش روی نور آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم را بیابد؟ آیا ممکن است آن عزیز زهرا علیها السلام ما را در زمره فدائیانش بپذیرد؟ هرچه به خود می نگریم، هیچ گونه شایستگی برای آنکه در درگاهش پذیرفته شویم، نمی بینیم. از خود ناامید می شویم امّا از کرم و بزرگواری مولایمان نه، به اینم.



---

۱- بحارالانوار، ج۴۴، ص۲۸۶، ح۲۳، به نقل از عیون اخبار الرّضا علیه السلام.

دلخوشیم که مولایمان همان گونه که جدّش با حرّبن یزید ریاحی رفتار کرد، دست رد بر سینه ما نزد و توبه مان را بپذیرد. حرّ وقتی خود را میان بهشت و جهنّم مخیّر دید و تصمیم گرفت که خود را از جهنّم نجات داده و بهشتی شود، در حالی که دستانش را بر سر گذارده بود، سوار بر اسب به سوی مولایش آمد و با دل شکسته و تائب عرضه داشت:

اللّهُمَّ اِلیکَ اَنبتُ فَتُب عَلَیَّ فَقَد اَرعَبتُ قُلُوبَ اَولِیاءِکَ وَ اَولادِ بِنتِ نَبِیِّکَ.

خدایا به سوی تو بازگشتم، پس توبه ام را بپذیر که من دل های دوستانت و فرزندان دختر پیامبرت را لرزاندم.

آنگاه به امام حسین علیه السلام عرضه داشت:

جُعِلتُ فِداکَ أنا صاحِبُکَ الَّذی حَبَسَکَ عَنِ الرُّجُوعِ وَ جَعجَعَ بِکَ وَ ما ظَنَنتُ اَنَّ القَومَ یَبلُغُونَ مِنکَ ما اَری وَ أَنا تائِبٌ اِلَی اللهِ تَعالی فَهَل تَری لی مِن تَوبَةٍ؟

فدایت گردم، من همان کسی هستم که در کنارت قرار گرفت و مانع بازگشت شما شد و کار را بر شما تنگ کرد و من گمان نمی کردم که این قوم نسبت به شما به این جا که می بینم، برسند (قصد جان شما را بکنند) و من اکنون به سوی خدا بازگشته ام، آیا جای توبه برای من می بینی؟!

حرّ چنان خود را شرمنده و سرافکنده می دید که با نگاه به گذشته اش، کاملاً از خود ناامید بود، لذا گفت من توبه کارم، امّا آیا جای توبه برای من وجود دارد؟! این اظهار، نشانگر کمال ناامیدی او از خودش بود که دقیق ترین معنای توبه همین است. گاهی انسان به زبان توبه می کند، امّا از خودش ناامید نیست و در برخی زوایای قلبش هنوز اتّکای به خود وجود دارد؛ این توبه کامل نیست. توبه کامل وقتی است که انسان هیچ امیدی - بله واقعاً هیچ امیدی - به خودش و کارهایش نداشته باشد. در این حالت است که اتّکای انسان فقط و فقط به فضل و لطف خدای متعال خواهد بود و در چنین حالی مشمول رحمت واسعه الهی واقع می گردد. حرّ به همین نقطه رسیده بود که از

همه چیز خود ناامید بود حتّی توبه اش! پیش خود نمی گفت که چون توبه کرده ام، پس لیاقت این را دارم که خدا مرا ببخشاید و امام حسین علیه السلام مرا بپذیرد. لذا به بهترین بیان به حضرت عرضه داشت که آیا جای توبه برای من می بینید؟

این جا بود که آقایی مولا روح تازه ای در کالبد حرّ دمید و او را برای جانفشانی در رکاب سرور جوانان بهشت مهیّا نمود. حضرت با مهربانی و رأفت تمام به او فرمودند:

نَعَم یَتُوبُ اللهُ عَلَیک.

آری، خداوند توبه تو را می پذیرد.

آنگاه حرّ اجازه خواست که چون نخستین کسی بود که راه بر امام علیه السلام بست، اوّلین شهید پیش روی آن حضرت باشد. حسین علیه السلام اجازه فرمودند و حرّ پس از جهادی زیبا که گروهی از شجاعان و پهلوانان دشمن را به هلاکت رساند، به شهادت رسید و بدن شریفش را خدمت ابی عبدالله علیه السلام آوردند. حضرت در حالی که خاک را از روی صورت او پاک می کردند، فرمودند:

أنتَ الحُرُّ کما سَمَّتکَ اُمُّکَ حُرّاً فی الدُّنیا وَ الآخِرَه.(۱)

تو آزاد هستی همان طور که مادرت تو را حرّ نامید در دنیا و آخرت.

اینچنین بود که حرّ به آرزویش که فدا کردن جان به پیشگاه حجّت زمان بود، رسید. ما هم با ناامیدی کمال از گذشته خود به امام زمانمان عرضه می داریم: آقا جان ما هرچند که راه به روی شما نبستیم و در مقابل شما علناً جبهه نگرفتیم، امّا می دانیم که با گناهان خود و ناشکری هایی که نسبت به همه نعمت های الهی - و در صدر آنها نعمت وجود و معرفت خود شما - داشته ایم، دل پاک و مقدّس شما را آزرده خاطر نمودیم و بر خلاف انتظار شما عمل کردیم. به همین جهت لیاقت فدا کردن جان های خود را در رکاب شما نداریم. امّا هر بار که خاطره شهدای کربلا را می خوانیم یا می شنویم و غربت و مظلومیّت شما مهدی آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم را می بینیم، دلمان به درد می آید و آرزو می کنیم که همچون حرّ بتوانیم با فدا کردن جان ناقابل۴.



---

۱- اللّهوف علی قتلی الطّفوف، ص۱۰۳ و ۱۰۴.

خود، مرهمی بر درد بی کسی و غربت شما باشیم و به این وسیله از شرمندگی گذشته های خود به در آییم، آیا شما ما را می پذیرید و اجازه دفاع از وجود مقدّستان را به ما می دهید؟ آیا توبه ما به پیشگاه خداوند مقبول است؟ به زبان حال و مقال خدمتتان عرضه می داریم:

هَل تَری لی مِن تَوبَهٍ؟

و از حضورتان انتظار داریم که همچون جدّ بزرگوارتان - که از گذشته حرّ صرف نظر کردند - اعمالی را که موجبات آزردگی خاطر شما را در گذشته فراهم کرده است، به روی ما نیاورید و بزرگوارانه اجازه جانفشانی در پیشگاهتان را عطایمان فرمایید. این بزرگ ترین آرزوی ما در زندگی مان است.

### تعقیب نماز صبح و ظهر

۷- یکی دیگر از تعقیبات نمازهای واجب که در آن دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام مطرح شده، دعای بسیار مهمّ صلوات بر پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم و اهل بیت ایشان علیهم السلام به همراه درخواست تعجیل فرج برای آنان است. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

مَن قالَ بَعدَ صَلاهِ الفَجرِ وَ بَعدَ صَلاهِ الظُّهرِ: اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّل فَرَجَهُم لَم یَمُت حَتّی یُدرِکَ القائِمَ مِن آلِ مُحَمَّدٍ صلّی الله علیه و آله و سلّم.(۱)

هرکس بعد از نماز صبح و نماز ظهر بگوید: «اللهمّ صلِّ علی محمّد و آل محمّدٍ و عجّل فرجهم» نمی میرد مگر آنکه قائم آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم را درک نماید.

این دعای شریف را در هر زمانی می توان خواند و در عین کوتاهی، فضیلت فوق العاده ای دارد، امّا در مورد تعقیبات نماز صبح و ظهر، به خصوص وارد شده است. بنابراین در این دو حالت به نیّت ورود هم می توان این دعا را خواند. وعده ای که امامن.



---

۱- بحارالانوار، ج۸۶، ص۷۷، ح۱۱، به نقل از جنّه الامان.

صادق علیه السلام برای این عمل ارزشمند فرموده اند، همان آرزویی است که همه اولیای الهی در طول تاریخ از خداوند درخواست می کرده اند. درک زمان ظهور امام زمان علیه السلام و توفیق یاری ایشان بزرگ ترین پاداشی است که منتظران آن حضرت از خدا می طلبند و از فضل پروردگار بعید نیست که به خاطر انجام یک عمل به ظاهر ساده و آسان (گفتن اللهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد و عجّل فرجهم پس از نماز صبح و ظهر) این پاداش عظیم و آرزوی بسیار مهم را برآورده سازد. ارزش یک عمل به حجم ظاهری آن مربوط نمی شود.

### تعقیب دو رکعت اوّل نماز شب

۸- علاوه بر تعقیبات نمازهای واجب، پس از نمازهای مستحبّی هم دعا برای تعجیل مولایمان بسیار پسندیده و مطلوب است. در این جا به ذکر یک نمونه از تعقیبات نمازهای نافله اکتفا می کنیم. این دعا پس از دو رکعت اوّل نماز شب (یا هر دو رکعت نماز شب(۱)) خوانده می شود. متن دعا مطابق نقل مرحوم علّامه مجلسی این است:

اللّهُمَّ اِنّی أسألُکَ وَ لَم یُسأَل مِثلُکَ، أنتَ مَوضِعُ مَسأَلَهِ السّائِلینَ، وَ مُنتَهی رَغبَهِ الرّاغِبینَ، أَدعُوکَ وَ لَم یُدعَ مِثلُکَ، وَ أرغَبُ إلَیکَ وَلَم یُرغَب اِلی مِثلِکَ، أنتَ مُجیبُ دَعوَهِ المُضطَرّینَ، وَ أَرحَمُ الرّاحِمینَ، أسأَلُکَ بِأَفضَلِ المَسائِلِ وَ أَنجَحِها وَ أَعظَمِها، یا اَللهُ یا رَحمنُ یا رَحیمُ، بِاَسماءِکَ الحُسنی، وَ بِأمثالِکَ العُلیا، وَ نِعَمِکَ الَّتی لا تُحصی، وَ بِأَکرَم أَسماءِکَ عَلَیکَ، وَ أَحَبِّها اِلَیکَ، وَ أَقرَبِها مِنکَ وَسیلَهً، وَ أَشرَفِها عِندَکَ مَنزِلَهً، وَ أَجزَلِها لَدَیکَ ثَواباً، وَ أَسرَعِها فِی الاُمُورِ اِجابَهً، وَ باسمِکَ المَکنُونِ الأَکبَرُ الأَعَزِّ الأَجَلِّ الأعظَمِ الاَکرَمِ، الَّذی تُحِبُّهُ وَ تَهواهُ، وَ تَرضی عَمَّن دَعاکَ بِهِ، فَاستَجَبتَ لَهُ دُعاءَهُ، وَ حَقٌّ عَلَیکَ أن لا تَحرِمَ سائِلَکَ، وَلا ۱.

ص: ۱۶۰

---

۱- بنا به نقل علّامه مجلسی از مرحوم کفعمی در المصباح، ص۵۱.

تَرَدَّهُ، وَ بِکَلِّ اسم هُوَ لَکَ فِی التَوراهِ وَ الاِنجیلِ وَ الزَّبُورِ وَ الفُرقانِ العَظیمِ، وَ بِکَلِّ اسم دَعاکَ بِهِ حَمَلَهُ عَرشِکَ، وَ مَلائِکَتِکَ وَ أَنبیاءُکَ وَ رُسُلُکَ وَ أَهلُ طاعَتِکَ مِن خَلقِکَ، أن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أن تُعَجِّلَ فَرَجَ وَلِیِّکَ وَ ابنِ وَلِیِّکَ، وَ تُعَجِّلَ خِزیَ أعدائِهِ.(۱)

ملاحظه می شود که پس از حمد و ثنای خداوند و خواندن او به اسامی مختلف، تعجیل در فرج ولیّ خدا و فرزند ولیّ خدا که همانا وجود مقدّس بقیّه الله الاعظم ارواحنا فداه است را از پروردگار متعال طلب می نماییم.

ما این هشت نمونه از تعقیبات نمازهای واجب و مستحب را که شامل دعا بر تعجیل فرج امام عصر علیه السلام می باشد، نقل کردیم تا میزان اهتمام ائمّه طاهرین علیهم السلام به این امر روشن شود.

### ۴- دعا در زمان های مناسب

#### اشاره

علاوه بر دعاهایی که در قنوت و سجده نماز و تعقیبات آن در حقّ امام عصر علیه السلام وارد شده، مناسبت های زمانی خاصّی هم وجود دارد که باید در آنها به دعا برای آن وجود مقدّس اهمیّت خاصّی قائل شویم.

#### دعا در صبح و شام

۱- اوّلین مناسبت زمانی برای دعا در حقّ امام زمان علیه السلام، ابتدا و انتهای هر روز است. مرحوم میرزا محمّد تقی فقیه احمد آبادی مؤلّف کتاب ارزشمند «مکیال المکارم فی فوائد الدّعاء للقائم علیه السلام» تعبیر زیبای در بیان ضرورت این دعا دارند. می فرماید:

آیا غلامان و خادمان را نمی بینی که هر صبح و شام برای اظهار خدمت و شکر نعمت نزد ارباب و آقای خود حاضر می شوند؟ ما سزاوارتر از آنان به اینّد



---

۱- در «جمال الصّالحین» دنباله دعا چنین است: وَ تَجعَلَنا مِن أصحابِهِ وَ أَنصارِهِ وَ تَرزُقَنا بِهِ رَجاءَنا وَ تَستَجیبَ بِهِ دُعاءَنا. بحارالانوار، ج۸۷، ص۲۴۵، ح۵۵، به نقل از مصباح المتهجّد

عمل هستیم، چون می دانیم که همه انواع نعمت ها و احسان هایی که خدای عزّ و جل بر ما ارزانی داشته تنها و تنها به برکت مولایمان صاحب الزّمان علیه السلام می باشد. پس شایسته است که خود را با همه وجود در هر صبح و شام در محضر ایشان حاضر نمایی و بدانی که او تو را می بیند و صدایت را می شنود، هر چند که تو او را نمی بینی و بر امو کسانی که دوستشان دارد، اهتمام خاص دارد.(۱)

آری دور از رسم انصاف و شکر نعمت است که ما صبح و شام از ولیّ نعمت خود یاد نکنیم، با اینکه می دانیم او همواره به ما توجّه دارد و از یادمان نمی برد و دعایمان می کند. اگر دعاها و رعایت های ایشان در حقّ ما نبود، قطعاً به گرفتاری های سخت مبتلاـ می شدیم یا دشمنان ریشه کنمان می کردند. این حقیقتی است که در متن فرمایش خود امام علیه السلام به صراحت آمده است.(۲) همچنین در توقیع شریف خود به دوستانشان اطمینان داده اند که با دعاهای خود از آنان محافظت می فرمایند.(۳) پس آیا رسم انسانیّت و مروّت نیست که ایشان را از یاد نبریم و ابتدا و انتهای هر روز برای حضرتش دعا کنیم؟

ائمّه طاهرین علیهم السلام از روی لطف و عنایتی که به شیعیان خود داشته اند، رسم وفا و شکر گزاری را به آنان آموخته اند و دعا برای امام مسلمانان را - در هر زمان - مورد تأکید قرار داده اند. نمونه ای از آن دعایی است که امام صادق علیه السلام تعلیم فرموده و در ابتدای آن چنین تأکید کرده اند:

مَهما تَرَکتَ مِن شَیءٍ فَلا تَترُک اَن تَقُولَ فی کُلِّ صَباحٍ وَ مَساءٍ.

هرچه را ترک کردی، این را ترک مکن که در هر صبح و شام بگویی.

ملاحظه می شود که اهتمام زیادی نسبت به این دعا به خرج داده اند. در این جا به۵.



---

۱- مکیال المکارم، ج۲، ص۲۷، آنچه ذکر شد ترجمه متن کتاب است.

۲- احتجاج طبرسی، ج۲، ص۳۲۳، مراجعه کنید به فصل اوّل از بخش دوم همین کتاب ذیل عنوان: دعا برای امام عصر علیه السلام به خاطر تلافی کردن احسان ایشان.

۳- احتجاج طبرسی، ج۲، ص۳۲۴ و ۳۲۵.

قسمت هایی از آن اشاره می کنیم و متن کامل آن را در بخش پایانی کتاب نقل می کنیم:

اللّهُمَّ احفَظ اِمامَ المُسلِمینَ بِحِفظِ الایمانِ وَانصُرهُ نَصراً عَزیزاً وَ افتَح لَهُ فَتحاً یَسیراً وَاجعَل لَهُ وَ لَنا مِن لَدُنکَ سُلطاناً نَصیراً اللّهُمَّ العَن فُلاناً و فلاناً وَ الفِرَقَ المُختَلِفَهَ عَلی رَسُولِکَ وَ وُلاهِ الأمرِ بَعدَ رَسُولِکَ وَ الاَئِمَّهِ مِن بَعدِهِ وَ شِیعَتِهِم...(۱)

خدایا امام مسلمانان را با حفظ ایمان محافظت فرما و او را چنان یاری کن که پیروز گردد و برایش فتح آسانی قرار ده و او و ما را به سلطنت حمایت شده ای برسان. خدایا فلانی و فلانی (غاصبان خلافت) و فرقه هایی که (از مسیر صحیح خلافت) پراکنده شده و با پیامبرت و صاحبان امر (امامت) پس از پیامبرت و امامان بعد از او و شیعیانشان مخالفت کردند، همگی را از رحمت خود دور کن.

می بینیم که حضرت صادق علیه السلام دعا در حقّ امام زمان علیه السلام و تعجیل فرج ایشان را همراه با لعن بر اوّلین کسانی که با رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم در امر خلافت اختلاف کردند، تعلیم فرموده اند. این دعای شریف به سفارش امام صادق علیه السلام یک بار ابتدای روز و یک بار هم انتهای آن باید خوانده شود. شایسته است که دوستان امام عصر علیه السلام قرائت این دعا را به همراه دعای شریف عهد - که آن هم از امام صادق علیه السلام روایت شده است - پس از ادای نماز صبح و خواندن تعقیباتش، ترک نکنند.

### پیدا کردن فرصت برای دعا

ممکن است انسان تصوّر کند که فرصت خواندن این دعا را دوبار در روز ندارد، در این صورت باید به سه نکته توجّه کند: اوّل اینکه اگر انسان به انجام کاری اهتمام داشته باشد، در عمل می بیند که وقتش را پیدا می کند. ما اگر اوقاتی را که در شبانه روز بدون توجّه و برنامه ریزی به بطالت می گذرانیم، حساب کنیم: روشن می شود که زمان۳.



---

۱- اصول کافی، کتاب الدّعاء، باب القول عند الاصباح و الإمساء، ح۲۳.

زیادی برای دعا کردن در اختیار داریم که از آن استفاده کامل نمی بریم. بنابراین با برنامه ریزی دقیق و صحیح خواهیم توانست که از اوقات تلف شده خود استفاده های بهتر ببریم. یکی از راه های آن خواندن همین نوع دعاهاست که در عمل بیش از ۳ تا ۵ دقیقه طول نمی کشد. آیا در شبانه روز به اندازه دو تا پنج دقیقه یعنی ده دقیقه زمان تلف شده نداریم تا آن را به دعای برای امام زمان علیه السلام اختصاص دهیم؟!

نکته دوم: در این دعا و امثال آن خیرات زیادی برای خود می خواهیم و از قضا و قدر شر به خدا پناه می بریم. اگر حقیقتاً دعا به پیشگاه الهی را در جلب خیرات و رفع شرور مؤثّر می دانیم، باید چنین بیندیشیم که خواندن این ادعیه ما را از صرف وقت و امکانات زیادی که ممکن است صرف معالجه بیماری ها و رفع گرفتاری ها شود، بی نیاز می کند. کسی که به این دعاها اعتقاد دارد، یقین پیدا می کند که با خواندن آنها می تواند خود را از بسیاری بلاها بیمه کند و به این وسیله از عمر گرانقدر خود استفاده بیشتری بنماید.

نکته سوم اینکه اگر حقیقتاً وقت کافی برای خواندن همه دعاها در هر روز - صبح و شام - نداریم، به کلّی آنها را کنار نگذاریم. اگر در صبح وقت دعا خواندن داریم و شب فرصت نداریم، دعای صبح را ترک نکنیم. یا اگر در شب این فرصت را داریم و صبح وقت نداریم، دعای شب را بخوانیم. همچنین اگر یک یا چند روز فرصت دعا خواندن پیدا نکردیم، در یک روز که این فرصت را پیدا می کنیم، از خواندن آن غفلت نورزیم. به این ترتیب قطعاً در طول هفته فرصت حدّاقل یک یا چند بار دعا خواندن را پیدا خواهیم کرد و هرگز چنین نمی شود که هفته ها و ماه ها بگذرد و یک بار هم دعای سفارش شده امام صادق علیه السلام - در صبح و شام - را نخوانده باشیم.

## دعای عهد روزانه

دعای دیگری که صبح هر روز به عنوان تجدید بیعت با وجود مقدّس امام عصر علیه السلام خوانده می شود، دعایی است که به دعای عهد معروف می باشد. این دعا سفارش شده

امام صادق علیه السلام است که در فضیلت خواندن آن فرموده اند:

هرکس چهل صبح با این عهد به پیشگاه خداوند دعا کند، از یاوران قائم ما خواهد بود. پس اگر پیش از قیام ایشان بمیرد، خدای متعال او را از قبرش بیرون می آورد و به ازای هر کلمه (این دعا ثواب) هزار کار خوب به او عطا می فرماید و هزار بدی را از او محو می سازد.(۱)

این دعای شریف در کتب مختلف دعا از جمله کتاب گرانقدر «مفاتیح الجنان» اثر ماندگار مرحوم حاج شیخ عبّاس قمی نقل شده است. باید توجّه داشت که خواندن این دعا باید جزء برنامه روزانه دوستداران حضرت باشد که در هر صبحگاه پیمان خود را با امام زمانشان تازه و نو می کنند. برخی تصوّر می کنند که با خواندن چهل روز این دعا، وظیفه شان را نسبت به آن انجام داده اند، چنین نیست. حقوق امام زمان علیه السلام بسیار بزرگ تر از آن است که ما در طول عمر خود فقط چهل روز با ایشان تجدید عهد کنیم و در حقّ آن حضرت دعا نماییم. درست است که پس از خواندن چهل روز - البتّه به شرط قبولی آن - امید داریم که بشارت امام صادق علیه السلام نصیب ما بشود، امّا از طرف دیگر به خاطر خطاها و گناهانی که هر روز در معرض انجامش هستیم، از حبط شدن اثر آن می ترسیم.(۲) بنابراین هر روز صبح آن را تکرار می کنیم بلکه لااقل یکی از دعاهای چهل روزه ما مورد قبول درگاه الهی قرار بگیرد و آثار و برکات آن به طور کامل شامل حالمان بشود.

### دعا در شب و روز جمعه

۲- دومین مناسبت زمانی برای دعا در حقّ امام عصر علیه السلام شب ها و روزهای جمعه هر هفته است. اگر بیشتر افراد - به خصوص آقایان - در طول روزهای میانی هفته، مشغول کار و تلاش هستند و باید با اهتمام ورزیدن به امر دعا فرصت لازم را برای آن به وجود آورند، امّا در تعطیلی آخر هفته این فرصت به سادگی فراهم است. شب و روز».



---

۱- بحارالانوار، ج۱۰۲، ص۱۱۱ و ۱۱۲، به نقل از مصباح الزّائر.

۲- درباره حبط اعمال و جدّی بودن خطر آن رجوع کنید به کتاب «در ضیافت ضریح».

جمعه بهترین وقت برای عبادت و بندگی خداست. دعا هم یکی از بهترین مصادیق عبادت می باشد که در این زمان باید حقّش ادا گردد. احادیث زیادی در فضیلت شب و روز جمعه وارد شده که به برخی از آنها اشاره می کنیم. از حضرت صادق علیه السلام منقول است که فرمودند:

ما طَلَعَتِ الشَّمسُ بِیَومٍ اَفضَلَ مِن یَومِ الجُمُعَهِ.(۱)

خورشید در روزی بهتر از روز جمعه طلوع نمی کند.

از رسول گرامی اسلام صلّی الله علیه و آله و سلّم نیز نقل شده که در فضیلت روز جمعه چنین فرمودند:

یَومُ الجُمُعَهِ سَیِّدُ الاَیّامِ وَ اَعظَمُ عِندَ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِن یَومِ الأضحی وَ یَومِ الفِطر.(۲)

روز جمعه آقای همه روزهاست و نزد خدای عزّ و جل از روز (عید) قربان و روز (عید) فطر بزرگ تر است.

همچنین از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمودند:

اِنَّ اللهَ اختارَ الجُمُعَهَ فَجَعَلَ یَومَها عیداً وَاختارَ لَیلَها فَجَعَلَها مِثلَها... فَلَیلَهُ الجُمُعَهِ اَفضَلُ اللَّیالی وَ یَومُها اَفضَلُ الاَیّامِ.(۳)

خداوند جمعه را برگزید پس روزش را عید قرار داد و شبش را برگزید پس آن را همچون روزش قرار داد... پس شب جمعه بهترین شبها و روزش بهترین روزهاست.

با این فضیلتی که شب و روز جمعه دارد، باید انسان حدّاکثر بهره برداری را از برکات آنها بکند و حقّ آنها را به خوبی ادا نماید. هرچه معرفتمان به برکات شب و روز جمعه بیشتر شود، استفاده بهتری از آنها خواهیم برد. عالم بزرگوار مرحوم آیه الله حاج میرزا محمّد تقی موسوی اصفهانی (فقیه احمدآبادی) سال ها پیش از۸.



---

۱- بحارالانوار، ج۸۹، ص۲۷۳، ح۱۹، به نقل از عدّه الدّاعی.

۲- همان، ص۲۶۷، ذیل ح۵، به نقل از الخصال.

۳- همان، ص۲۸۲، ذیل ح۲۸.

تألیف مکیال المکارم» کتاب مفصّلی به زبان فارسی تألیف نموده اند که نام آن را «ابواب الجنّات فی آداب الجمعات» نهاده اند. ایشان انگیزه خود را در این کار در ابتدای مقدّمه آن چنین بیان داشته اند:

چون حضرت رسول الله صلّی الله علیه و آله و سلّم از جانب حضرت پروردگار غفّار از فرط شفقت و رحمت در هر هفته یک شب و یک روز را که شب و روز جمعه باشد از برای امّت خود عید قرار دادند و آن شب و روز را سیّد روزها و شب ها خواندند که بندگان در آن تهیّه سفر آخرت نمایند و از اعمالی که در شش شبانه روز سابق مرتکب شده اند استعفا و استغفار جویند و به ارتکاب اعمال شایسته مشغول شوند نه آنکه بیش از پیش مشغول عصیان و نافرمانی شوند (و در این زمان امر بر عکس شده، بعضی مردم ایّام هفته را به کسب مشغول و شب و روز جمعه را به جهت معاصی می گذرانند، غافل از آنکه عقابش مضاعف است و بعضی دیگر لااقل به بیهوده می گذرانند و به کارهای لغو طی می کنند) لهذا این حقیر سراپا تقصیر، تصمیم عزم نمودم که کتابی تألیف نمایم جامع که مشتمل باشد بر فضایل و خصایص شب و روز جمعه و اعمال آن، شاید مؤمنی بدان عمل نماید و آن موجب آمرزش گناهان این عاصی و ذخیره روز تنگدستی و درماندگی بوده باشد.(۱)

آنچه از ایشان نقل کردیم مستند به احادیث ائمّه طاهرین علیهم السلام است. به عنوان نمونه از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است:

اِجتَنِبُوا المَعاصِیَ لَیلَهَ الجُمُعَهِ فَإنَّ السَیِّئَهَ مُضاعَفَهٌ وَ الحَسَنَهَ مُضاعَفَهٌ وَ مَن تَرَکَ مَعصِیَهَ اللهِ لَیلَهَ الجُمُعَهِ غَفَرَ اللهُ لَهُ کُلَّ ما سَلَفَ فیه وَ قیلَ له: اِستَأنِفِ العَمَلَ وَ مَن بارَزَ اللهَ لَیلَهَ الجُمُعَهِ بِمَعصِیَهِ اَخَذَهُ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِکُلِّ ما عَمَلِ فی عُمرِهِ وَ ضاعَفَ عَلَیهِ العَذابَ بِهذِهِ المَعصِیَه.(۲)۸.

ص: ۱۶۷

---

۱- ابواب الجنّات فی آداب الجمعات (آیین جمعه)، ص ۱۰ و ۱۱. خوب است بدانیم که مؤلّف گرانقدر، این کتاب ۵۰۰ صفحه ای را در سنّ ۲۵ سالگی نوشته اند (رحمه الله علیه).

۲- بحارالانوار، ج۸۹، ص۲۸۳، ذیل ح ۲۸.

شب جمعه از گناهـان بپرهيزيـد زيرا (عقـاب) گناه (در آن) چنـد برابر و (پاداش) كار خوب هم چنـد برابر است. و هركس در شب جمعه نافرمانی خدا را ترک نمايد، خداوند هرچه در گذشـته اش مرتكب شده را می بخشايد و به او گفته می شود: عمل را از نو شـروع كن و هركس در شب جمعه با گناهش به مخالفت با خـدا برخيزد، خدای عزّ و جل او را به خاطر همه گناهانی كه در طول عمرش انجام داده، مؤاخده می كند و به سبب همين گناه (شب جمعه) چند برابر عذابش می نمايد.

با اين توضـيحات بايد قدر شب و روز جمعه را بيشتر بدانيم و بار سفر آخرت خود را در اين اوقات ببنديم. حال كه كار خوب در اين زمـان هـا چنـد برابر حسـاب می شود، دعا برای تعجيل فرج مولای مهربانمان هم فضـيلت فوق العاده ای پيـدا می كنـد. خوب است بدانيم كه روز جمعه را در برخی احاديث، روز ظهور امام زمان عليه السـلام دانسـته اند. از امام صادق عليه السـلام نقل شده كه فرمودند:

يَخرُجُ قائِمُنا اَهلَ البَيتِ يَومَ الجُمُعَهِ... وَ ما مِن عَمَلٍ اَفضَلَ يَومَ الجُمُعَهِ مِنَ الصَّلَواتِ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.(۱)

قائم ما اهل بيت عليهم السـلام در روز جمعه ظهور می كند... و هيچ عملی در روز جمعه از فرستادن صلوات بر پيامبر صلّی الله عليه و آله و سلّم و آل ايشان بهتر نيست.

البتّه چون وقت ظهور امـام عصـر عليه السـلام از امور بداءپـذير است، به طور قطعی نمی توانيم روز آن را پيش بينی نماييم؛ امّا آنچه طبق اين حـديث شـريف مقـدّر شده، ظهور در روز جمعه است كه اگر در آن بداء صورت نپذيرد، همان واقع می گردد. در روزی كه اين قدر فضـيلت دارد، هيچ عملی مهم تر از فرسـتادن صـلوات بر پيامبر صلّی الله عليه و آله و سلّم و عترت ايشان عليهم السـلام نيست. حـال اگر اين عبـادت گرانقـدر بـا دعا برای تعجيل فرج ايشان همراه شود، عظمت بی نظيری پيـدا خواهد نمود. از امام صادق عليه السلام منقول است كه فرمودند:ل.



---

۱- همان، ص۲۶۸، ح۷، به نقل از الخصال.

در روز قیامت، خدای متعال همه روزها را مبعوث می فرماید و روز جمعه را همچون عروس دارای کمال و جمال پیشاپیش همه آنها مبعوث می فرماید... آنگاه جمعه برای هرکس که در آن بر محمّد و آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم زیاد صلوات فرستاده باشد، شفاعت می کند.

راوی می پرسد: منظور از زیاد چه تعداد است و در چه وقت از اوقات روز جمعه صلوات فرستادن بهتر است؟ حضرت فرمودند:

بعد از عصر صد بار صلوات بفرستد.

مرحوم سیّدبن طاووس منظور از عصر را در فرمایش امام علیه السلام نماز عصر دانسته اند. راوی می پرسد: چگونه این صلوات را بفرستم، می فرمایند:

صد بار می گویی: اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحمَّدٍ وَ عَجِّل فَرَجَهُم.(۱)

به این ترتیب یکی از بهترین عبادت های روز جمعه برای دوستداران امام عصر علیه السلام انجام همین عمل شریف در فرمایش امام صادق علیه السلام می باشد. شبیه همین تکلیف برای شب های جمعه نیز وارد شده است. مرحوم شیخ الطّائفه ابوجعفر طوسی در کتاب «مختصر المصباح» در بیان وظایف شب جمعه می فرماید:

صد بار یا هر تعداد که می توانی در صلوات بر پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم می گویی:

اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمّدٍ وَ عَجِّل فَرَجَهُم وَ اَهلِك عَدُوَّهُم مِنَ الجِنِّ وَ الاِنسِ مِنَ الاوَّلینَ وَ الآخِرینَ.(۲)

یکی دیگر از دعاهای وارد در روز جمعه، دعای ندبه است که مضامین آن شامل اظهار شوق دیدار امام غایب و درخواست تعجیل فرج ایشان با تعابیر مختلف می باشد. البتّه دعاهای شب و روز جمعه در حقّ امام عصر علیه السلام و تعجیل فرج ایشان فراوان است. ما در این جا به معرّفی یک دعای دیگر اکتفا کرده و علاقمندان را به منابع ۱.



---

۱- جمال الاسبوع، فصل ۴۷، ح۷، ص۲۷۷.
۲- مکیال المکارم، ج۲، ص۳۱.

مفصّل تر در این خصوص ارجاع می دهیم.(۱)

این دعـا را جناب شـیخ عثمان بن سـعید عمروی اوّلین نایب امام عصـر علیه السـلام املا فرموده است که با توجّه به مقام نیابت خاصّه ایشان می توانیم آن را دعای مأثور از معصوم علیهم السلام تلقّی کنیم. مرحوم سیدبن طاووس در خصوص این دعا می فرماید:

اگر نسبت به خواندن همه آنچه در تعقیبات عصـر روز جمعه آوردیم، عذری داشتی، مبادا در خواندن این دعا سستی بورزی. هر آینه این امر را از فضیلت های اختصاصی خداوند در حقّ خود می دانیم، پس بر آن اعتماد کن.(۲)

البتّه در سـند دعـا اشـاره ای به اینکه در روز جمعه خوانـده شود، وجود نـدارد و خود مرحوم سـیّد این دعـا را جزء اعمال روز جمعه قرار داده است. متن کامل این دعا مطابق نقل مرحوم سیّدبن طاووس در بخش سوم کتاب آمده است.

آخرین فرصت دعـا در روز جمعه مربـوط به دقـایق پایـانی آن می شـود که به فرمـوده پیـامبر اکرم صـلّی الله علیه و آله و سـلّم هرکس در آن وقت از خدا طلب خیری نماید، دست خالی نمی ماند. حضـرت صدّیقه طاهره علیها السـلام از پدر بزرگوارشان نقل فرموده اند که فرمود:

اِنَّ فی الجُمُعَهِ لَساعَهً لا یُراقِبُها (لا یُوافِقُها) رَجُلٌ مُسلِمٌ یَسأَلُ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ فیها خَیراً إلّا اَعطاهُ إیّاهُ.

در روز جمعه زمانی است که هیـچ مسـلمانی از آن مراقبت نمی کنـد (یا با آن هماهنگ نمی شود) که از خـدای عزّ و جل در آن زمان خیری طلب نماید، مگر آنکه (خدا) آن را عطایش فرماید.

حضرت زهرای اطهر علیها السلام می پرسند:

آن زمان کدام ساعت است؟

پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

اِذا تَدَلّی نِصفُ عَینِ الشَّمسِ لِلغُرُوبِ.

هنگامی که نیمی از قرص خورشید در افق مغرب ناپدید می شود.۵.



---

۱- به عنوان نمونه کتاب نجم الثّاقب، باب ۱۱ و جمال الاسبوع.

۲- جمال الاسبوع، ص۳۱۵.

به همین جهت حضرت فاطمه علیها السلام به غلام خویش می فرمودند که از روی بلندی ها مراقب باشد، هرگاه نیمی از قرص خورشید در افق مغرب ناپدید می شود، ایشان را خبر نماید تا حضرتش دعا فرمایند.(۱)

زمانی که پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم معیّن فرمودند، چند دقیقه بیشتر نیست، امّا به قدری اهمیّت دارد که حضرت زهرای مرضیّه علیها السلام غلام خود را برای تعیین آن به روی بلندی می فرستادند تا این فرصت از دستشان نرود. این چند دقیقه درست پیش از زمان غروب کامل خورشید است که می توان از خداوند طلب خیر نمود. کدام خیری از تعجیل فرج مولایمان بالاتر است که در این زمان محدود از پیشگاه الهی درخواست شود؟

### دعا در عصر روز دوشنبه و پنجشنبه

۳- از دیگر زمان های مناسب دعا در حقّ امام عصر علیه السلام به خصوص برای تعجیل فرج ایشان، عصر روز دوشنبه و روز پنجشنبه هر هفته است. این دو وقت، زمان هایی هستند که اعمال امّت خدمت پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم و ائمّه طاهرین علیهم السلام و به طور خاص محضر بقیّه الله الاعظم ارواحنا فداه عرضه می شود. این حقیقت در قرآن کریم و احادیث اهل بیت علیهم السلام به صراحت مطرح شده است. در این جا نیاز به بحث تفصیلی نیست.(۲) به اجمال اشاره می شود که قرآن کریم از اینکه اعمال بندگان به رؤیت خدا، رسول و مؤمنان خاص می رسد، به صراحت خبر می دهد و می فرماید:

وَ قُلِ اعمَلُوا فَسَیَرَی اللهُ عَمَلَکُم وَ رَسُولُهُ وَ المُؤمِنونَ.(۳)

و (ای پیامبر) بگو عمل کنید که خدا و رسولش و مؤمنان، عمل شما را می بینند.۵.



---

۱- معانی الاخبار، ص۳۹۹ و ۴۰۰، ح۵۹.

۲- تفصیل این بحث در کتاب «آفتاب در غربت»، بخش دوم، فصل دوم، تحت عنوان «۷- شاهد خدا بر خلق» آمده است.

۳- برائت/۱۰۵.

در تفسیر این آیه شریفه احادیث متعدّدی دلالت می کند بر اینکه همه اعمال بندگان در فواصل مختلف بر پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم و ائمّه طاهرین علیهم السلام - که مقصود از مؤمنان در آیه فوق هستند - عرضه می شود. از زمان های عرضه اعمال روزهای دوشنبه و پنجشنبه هر هفته است. مرحوم سیّدبن طاووس از جدّ شریفش شیخ ابوجعفر طوسی در تفسیر آیه فوق چنین نقل کرده است:

رُوِیَ فی الخَبَرِ اَنَّ الاَعمالَ تُعرَضُ علی النَّبِیِّ صلّی الله علیه و آله و سلّم فی کُلِّ اثنَینِ وَ خَمیسٍ فَیعلَمُها وَ کَذلِکَ تُعرَضُ علی الاَئِمَّهِ صلّی الله علیه و آله و سلّم فَیَعرِفُونَها وَ هُمُ المَعنِیُّونَ بِقَولِهِ «وَ المُؤمِنُونَ».(۱)

در حدیث آمده است که همه اعمال در هر دوشنبه و پنجشنبه خدمت پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم عرضه می گردد و ایشان از آنها آگاه می شوند و همچنین بر امامان علیهم السلام عرضه می شود، پس آنها هم از اعمال آگاه می گردند و منظور از «المؤمنون» در آیه قرآن تنها ائمّه علیهم السلام هستند.

احادیث متعدّدی بر وقوع این مطلب دلالت می کند که در ذیل آیه ۱۰۵ سوره برائت و آیات دیگری از قرآن - از جمله آیه ۳۳ سوره انفال - آمده است. جالب این جاست که پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم و جانشینانش به خاطر رأفت و لطف شدید به امّت خویش، وقتی از پرونده اعمال آنان آگاه می شوند، برای بدی هایشان از خدا طلب مغفرت می کنند. حضرت باقرالعلوم علیه السلام از خود پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم نقل فرموده اند که ایشان چنین فرمودند:

... لِأنَّ اَعمالَکُم تُعرَضُ عَلَیَّ کُلَّ اثنَینِ وَ خَمیسٍ فما کانَ مِن حَسَنٍ حَمِدتُ اللهَ علیهِ وَ ما کانَ مِن سَیِّیءٍ استَغفَرتُ لَکُم.(۲)

... چون در هر دوشنبه و پنجشنبه اعمال شما بر من عرضه می شود. پس به خاطر کارهای خوبتان خداوند را می ستایم و برای کارهای بدتان (از خدا) طلب مغفرت می نمایم.۴.



---

۱- محاسبه النّفس، ص ۱۶ و ۱۷.

۲- تفسیر کنز الدّقائق، ج۵، ص۳۳۴.

مرحوم سیّدبن طاووس این مطلب را از منابع اهل سنّت نیز نقل کرده و آن را مورد اتّفاق فریقین دانسته است.(۱) چون ائمّه طاهرین علیهم السلام در همه شؤون – به جز نبوّت – جانشین پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم هستند، همین استغفار برای امّت گناهکار برای آنان نیز اثبات می شود، علاوه بر اینکه بعضاً تصریحاتی نسبت به این مطلب دارند. به عنوان نمونه امام هشتم علیه السلام به شخصی به نام موسی بن سیّار فرمودند:

ای موسی بن سیّار! آیا نمی دانی که اعمال شیعیان ما در هر صبح و شام بر همگی ما امامان عرضه می شود؟ آنگاه اگر تقصیری در رفتار آنها باشد، از خداوند می خواهیم که از سر تقصیراتشان بگذرد و اگر کار خوبی داشته باشند، از خدا می خواهیم که از آنها قدردانی فرماید؟(۲)

البتّه هیچ منافاتی بین این حدیث و احادیث گذشته وجود ندارد. عرضه اعمال بر امامان علیهم السلام می تواند به صورت های مختلف و در زمان های مختلف باشد و همه آنها با هم قابل جمع هستند. قدر مسلّم این است که ائمّه علیهم السلام به پیروی از پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم، چنان محبّتی به امّت خویش – یعنی شیعیان – دارند که وقتی اعمال بد آنان را در پرونده اعمالشان می بینند، برای آمرزش گناهانشان دست به دعا بلند می کنند و برای آنها طلب مغفرت می نمایند. این کاری است که امام عصر علیه السلام نیز درباره دوستانش انجام می دهد. یعنی با هر روز و یا حدّاقل روزهای دوشنبه و پنجشنبه وقتی نامه اعمال ما به دست مبارکشان می رسد و کارهای بدمان ایشان را ناراحت می کند، برایمان طلب مغفرت می فرمایند.

مرحوم سیّدبن طاووس می فرمایند:

شیعه روایت کرده است که زمان عرضه اعمال در این دو روز (دوشنبه و پنجشنبه) هنگام پایان یافتن روز (یعنی پیش از غروب) است.(۳)

با این ترتیب ما اطمینان داریم که حدّاقل هفته ای دو روز – روزهای دوشنبه و ۷.



---

۱– محاسبه النّفس، ص ۱۸ و ۱۹.

۲– بحارالانوار، ج۴۹، ص۹۹.

۳– جمال الاسبوع ص۱۱۷.

پنجشنبه - پیش از غروب، پرونده اعمال ما خدمت مولایمان عرضه می گردد و ایشان از حال یک یک ما آگاه می شوند. سپس برای پاک شدن ما از آلودگی گناهانی که در چند روز گذشته مرتکب شده ایم، به پیشگاه الهی دعا می کنند.

حال که چنین است، آیا رسم جوانمردی و مروّت نیست که ما هم - حدّاقل در این دو وقت - به یاد ولیّ نعمتمان باشیم و چون ایشان را به خاطر کارهای زشت خود ناراحت کرده ایم، در صدد جلب رضایت حضرتش برآییم؟ ما می دانیم چه چیزی مولایمان را بیش از هر چیز دیگر خوشحال می کند، آری هیچ چیز به اندازه مژده ظهور، امامان را مسرور و شاد نمی کند. پس آیا بهترین عمل در آن زمان ها، دعا برای سلامتی و تعجیل فرج ایشان نیست؟ پس چرا به این فکر نیستیم و فراموشمان می شود؟! به این فرمایش حضرت امام صادق علیه السلام توجّه فرمایید:

اِذا کانَ یَومُ الخَمیسِ عِندَ العَصرِ اَهبَطَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَلائِکَةً مِنَ السَّماءِ اِلَی الاَرضِ مَعَها صَحائِفُ مِن فِضَّةٍ بِأَیدیهِم اَقلامٌ مِن ذَهَبٍ تَکتُبُ الصَّلاةَ عَلی مُحَمَّدٍ صلّی الله علیه و آله و سلّم عِندَ غُرُوبِ الشَّمسِ.(۱)

در روز پنجشنبه هنگام عصر، خدای عزّ و جلّ فرشتگانی را از آسمان به زمین فرو می فرستد که با آنها برگ هایی از نقره و در دستانشان قلم هایی از طلاست، (با این قلم های طلایی روی آن برگ های نقره ای) هنگام غروب خورشید صلوات بر پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم را می نویسند.

بنابراین آیا شایسته نیست که این صلوات ها را با دعای بر تعجیل فرج اهل بیت علیهم السلام قرین کنیم تا به این وسیله قدمی کوتاه در راه شکر نعمت ولایت و محبّت ائمّه طاهرین به خصوص امام غریب و غایبمان برداشته باشیم؟ این دعا در هنگام غروب روز پنجشنبه به خصوص وارد شده است. مطابق نقل مرحوم سیّدبن طاووس جزء تکالیف مستحبّی انسان در روزهای پنجشنبه این است که هزار بار این گونه صلوات بفرستد:۲.

ص: ۱۷۴

---

۱- محاسبه النّفس، ص۲۲.

اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّل فَرَجَهُم.

و در روایت دیگری فرموده اند که صد بار به این صورت صلوات بفرستد:

اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّل فَرَجَهُم وَ اَهلِک عُدُوِّهُم مِنَ الجِنِّ وَ الإِنسِ مِنَ الاوَّلینَ وَ الآخِرینَ.(۱)

این همان دعای شریفی است که برای روز جمعه به خصوص پس از نماز عصر به آن سفارش شده است.

اهتمام به دعای صلوات همراه با درخواست تعجیل فرج اهل بیت علیهم السلام در روزهای پنجشنبه آخر هر ماه قمری تأکید بیشتری دارد، زیرا مطابق روایات، پرونده اعمال هر ماه در آخرین پنجشنبه آن به پیشگاه خداوند عرضه می شود تا مورد بررسی قرار گیرد و مورد قبول یا رد واقع شود. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

آخِرُ کُلِّ خَمیسٍ فِی الشَّهرِ تُرفَعُ فیهِ اَعمالُ الشَّهرِ.(۲)

پایان هر پنجشنبه در ماه، اعمال آن ماه (به درگاه خداوند) بالا می رود.

از این روایت و شبیه آن بر می آید که اعمال هرکس به صورت ماهانه بالا می رود تا نسبت به پذیرفته شدن یا نشدن کارهای خوب و آمرزیده شدن یا نشدن کارهای بد مورد رسیدگی قرار گیرد. کسی که در طول یک ماه گناهانی مرتکب شده و نمی داند که خداوند آنها را آمرزیده است یا خیر، همچنین نمی داند که کارهای خویش در این ماه مقبول درگاه الهی قرار گرفته یا خیر، می تواند با جلب رضایت امام انس و جانّ حضرت بقیّه الله الاعظم ارواحنا فداه خود را رو سپید کند و همه کوتاهی های یک ماه گذشته را جبران نماید و چه کاری بهتر از دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام در جلب خشنودی ایشان؟!

البتّه چه خوب است که همراه با این دعا صیغه استغفار را - به صورتی که دستور داده اند - از اعماق جانش به زبان جاری کند به این امید که این استغفار با استغفار امامع.

ص: ۱۷۵

---

۱- جمال الاسبوع، ص۱۲۱.

۲- محاسبه النّفس، ص۲۴، به نقل از علل الشّرایع.

زمان علیه السلام برای او- یا آمین آن بزرگوار - همراه شده و به آبروی آن عزیز به هدف اجابت برسد. مستحب است انسان در پایان روز پنجشنبه این گونه استغفار نماید:

اَستَغفِرُ اللهَ الَّذی لا اِلهَ اِلّا هُوَ الحَیُّ القَیُّومُ وَ اَتُوبُ الیه تَوبَهَ عَبدٍ خاشِعٍ خاضِعٍ مِسکینٍ مُستَکینٍ مُستَجیرٍ لا یَستَطیعُ لِنَفسِهِ صَرفاً وَلا عَدلاً وَلا نَفعاً وَلا ضَرّاً وَ لا حَیاهً وَلا مَوتاً وَ لا نُشُوراً وَ صَلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَ عِترَتِهِ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ الأبرارِ وَ سَلَّمَ تَسلیماً کَثیراً.(۱)

## دعا در روز عید غدیر

### اشاره

۴- چهارمین مناسب زمانی برای دعا در حقّ امام عصر علیه السلام به خصوص تعجیل فرج ایشان روز عید غدیر است. این عید به یقین بزرگ ترین عید مسلمانان است که آن را حق «عیدالله الاکبر» نامیده و امام صادق علیه السلام قسم خورده اند که خداوند روزی که حرمتش بالاتر از روز غدیر باشد، نیافریده است.(۲)

عظمت این روز به خاطر آن است که در آن عهد و پیمان الهی - که همان عهد امامت و ولایت ائمّه طاهرین علیهم السلام است - به همه جهانیان تا روز قیامت اعلام گردیده و از همه انسان ها در هر نسلی بر عمل به آن پیمان الهی، بیعت خواسته شده است. همه مخاطبان غدیر تا روز رستاخیز موظّفند که با قول و عمل خویش بر وفا به این عهد خداوند، پیمان ببندند و مولویّت موالی خویش را با جان و دل گردن نهند. هرچند پیمان غدیر به همه امامان - اعم از گذشتگان و امام حاضر - مربوط می شود، امّا از یک جهت می توان گفت که عصاره و نتیجه ولایت و مولویّت همه امامان پیشین در وجود مقدّس آخرین باقی مانده از خاندان عصمت و طهارت متجلّی شده است. بنابراین بیعت با ایشان در روز عید غدیر، بیعت با همه جانشیان پیامبر خاتم صلّی الله علیه و آله و سلّم به شمار می آید. لذا می توانیم مهم ترین عمل را در عید غدیر بیعت با امام۶.

ص: ۱۷۶

---

۱- محاسبه النّفس، ص۲۳.

۲- اقبال الاعمال، ص۴۷۶.

زمان علیه السلام به عنوان ولیّ امر و صاحب اختیار مطلق از جانب پروردگار بشماریم و آن را روز تجدید عهد با آن حضرت بنامیم. با این توضیح مختصر روشن می شود که دعا در حق امام عصر علیه السلام در روز غدیر و به خصوص درخواست تعجیل فرج ایشان - که فرج همه اهل بیت علیه السلام است - از خداوند چه اهمیّت خاصّی دارد. اگر نگاهی به دعاهای مأثور در این روز شریف بیندازیم به این اهمیّت بیشتر پی خواهیم برد.

یکی از زیباترین دعاها در عید غدیر دعایی است که مرحوم سیّدبن طاووس از جناب شیخ مفید رضوان الله علیه نقل فرموده است. اوّل دعا چنین است:

اللّهُمَّ إنّی أسأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِیِّکَ وَ عَلِیٍّ وَلِیِّکَ وَ الشَّأنِ وَ القَدرِ الَّذی خَصَصتَهُما بِهِ دونَ خَلقِکَ... .

خدایا به حقّ محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم پیامبرم و علیّ ولیّت و شأن و منزلتی که در بین خلایقت به ایشان اختصاص داده ای، از تو می خواهم ... .

در آخر دعا هم آمده است:

اللّهُمَّ فَرِّج عَن اَهلِ بَیتِ مُحَمَّدٍ نَبِیِّکَ وَاکشِف عَنهُم وَ بِهِم عَنِ المُؤمِنینَ الکُرُباتِ. اللّهُمَّ املَأِ الاَرضَ بِهِم عَدلاً کَما مُلِئَت ظُلماً وَ جَوراً وَ اَنجِز لَهُم ما وَعَدتَهُم إنَّکَ لا تُخلِفُ المیعادَ.(۱)

خدایا بر خاندان محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم پیامبرت فرج و گشایش ده و از آنها و از مؤمنان به سبب آنها، محنت ها و غم ها را برطرف ساز. خداوندا زمین را به وسیله آنها پر از عدل کن همچنان که از ظلم و جور پر شده است و آنچه به ایشان وعده فرموده ای تحقّق بخش، همانا که تو خلف وعده نمی کنی.

ملاحظه می شود که در این فراز از دعا، درخواست فرج اهل بیت علیهم السلام - و به واسطه آنان فرج همه مؤمنان - از خدای متعال مطرح شده است. عمل دیگری که در روز عید غدیر بر انجام آن تأکید شده، شامل دعایی از قول امام صادق علیه السلام است که در آن تقاضای یاری کردن امام منتظر و قائم آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم مطرح می باشد. متنل.



---

۱- بحارالانوار، ج۹۸، ص۳۱۹ و ۳۲۱، به نقل از اقبال الاعمال.

فرمایش امام ششم علیه السلام چنین است:

صَومُ یوم غَدیرِ خُمٍّ یَعدِلُ صِیامَ عُمرِ الدُّنیا لَو عاشَ اِنسانٌ عُمرَ الدُّنیا ثُمَّ لو صامَ ما عَمَرتِ الدُّنیا لَکانَ لَهُ ثَوابُ ذلِکَ وَ صِیامُهُ یَعدِلُ عِندَ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِأَةَ حَجَّهٍ وَ مِأَةَ عُمرَهٍ وَ هُوَ عیدُ اللهِ الأکبَرُ وَ ما بَعَثَ اللهُ عَزَّ وَ جَلَّ نَبیّاً إلّا وَ تَعَیَّدَ فی هذَا الیَومِ وَ عَرَفَ حُرمَتَهُ وَ اسمُهُ فی السَّماءِ یَومُ العَهدِ المَعهُودِ وَ فِی الاَرضِ یَومُ المِیثاقِ المَأخُوذِ وَ الجَمعِ المَشهُودی... .

روزه عید غدیر خم معادل روزه عمر دنیاست. اگر انسانی به اندازه عمر دنیا می زیست سپس همه عمر دنیا را روزه می گرفت، همان قدر ثواب داشت و روزه عید غدیر نزد خدای عزّ و جل با صد حج و صد عمره برابری می کند و آن بزرگ ترین عید خداوند است و خدای عزّ و جل هیچ پیامبری را مبعوث نکرده، مگر آنکه این روز را عید گرفته است و برای آن احترام خاصّ قائل بوده است. نام آن در آسمان روز عهد شناخته شده و در زمین روز پیمان ستانده شده و جمع مشهود است.

سپس اضافه فرمودند:

هرکس نیم ساعت پیش از ظهر دو رکعت نماز به خاطر شکر خدای عزّ و جل بجا آورد و در هر رکعت آن ده بار سوره حمد و ده بار سوره قدر و ده بار آیه الکرسی را بخواند، نزد خدای عزّ و جل با صد هزار حج و صد هزار عمره برابری می کند و هیچ حاجتی از حاجت های دنیا و آخرت را از خدای عزّ و جل درخواست نمی کند - هر حاجتی باشد - مگر آنکه خدای عزّ و جل به برآورده شدن آسان و بی دردسر آن حکم می فرماید.

آنگاه در پایان فرمایشات خود، دعایی را تعلیم فرمودند که پس از آن دو رکعت نماز خوانده شود. قسمت پایان این دعا چنین است:

اللّهُمَّ اِنّی اَسأَلُکَ بِالحَقِّ الَّذی جَعَلتَهُ عِندَهُم و بِالَّذی فَضَّلتَهُم عَلَی العالَمینَ جَمیعاً اَن تُبارِکَ لَنا فی یومِنا هذَا الَّذی اَکرَمتَنا فیهِ بِالوَفاءِ لِعَهدِکَ الَّذی عَهِدتَ اِلَینا وَ المیثاقِ الَّذی واثَقتَنا بِهِ مِن مُوالاهِ اَولیائِکَ وَ

ص: ۱۷۸

البَرائَهِ مِن اَعدائِکَ وَ تَمُنَّ عَلینا بِنعمَتِکَ وَ تَجعَلَهُ عِندَنا مُستَقَرّاً ثابِتاً وَلا تَسلُبَناهُ اَبَداً ولا تَجعَلَهُ عِندَنا مُستودَعاً فَاِنَّکَ قُلتَ: «فَمُستَقَرٌّ وَ مُستَودَعٌ» فاجعَلهُ مُستَقَرّاً ثابِتاً وَارزُقنا نَصرَ دینِکَ مَعَ وَلِیٍّ هادٍ مِن اَهلِ بَیتِ نَبِیِّکَ قائِماً رَشیداً هادیاً مَهدِیّاً مِنَ الضَّلالَهِ اِلَی الهُدی وَاجعَلنا تَحتَ رایَتِهِ وَ فی زُمرَتِهِ شُهَداءَ صادقینَ مَقبُولینَ فی سَبیلِکَ وَ عَلی نُصرَهِ دینِکَ.(۱)

خداوندا از تو می خواهم به حقّی که نزد آنان (خاندان پیامبر) قرار داده ای و به آنچه بر تمام جهانیان برتریشان بخشیده ای که این روز را بر ما مبارک گردانی، همان روزی که ما را در آن گرامی داشته ای، به خاطر وفا به عهدی که از ما خواسته ای و پیمانی که از ما گرفته ای - پیمان دوستی و پیروی اولیایت و بیزاری از دشمنانت ... و [از تو می خواهم] با لطف خود بر ما منّت نهی و آن را نزد ما ماندنی و ثابت بداری و هرگز از ما نگیری و نزد ما امانت قرار ندهی که تو فرموده ای: «پس [ایمانی] ماندنی است و [ایمانی] به ودیعه گذاشته شده» پس آن را ماندنی و ثابت بدار و یاری رساندن به دینت را روزی ما فرما به همراه ولیّ هدایت کننده ای از خاندان پیغمبرت، آن هنگام که به ارشاد قیام کند و هدایتگر هدایت شده از گمراهی به سوی راه راست باشد. و ما را زیر پرچم و در گروه او، شهیدان راستینی قرار بده که در راه تو و به خاطر یاری دینت، پذیرفته درگاهت می شوند.

پس از اتمام دعا فرمودند:

سپس حاجت های دنیوی و اخروی خود را بخواه که قسم بخدا، قسم بخدا، قسم بخدا همه آنها در این روز برآورده می شود. (۲)

ملاحظه می شود که در این دو دعای روز غدیر، فرج اهل بیت علیهم السلام و توفیق یاری و همراهی با قائم آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم و شهادت در این راه مسألت شده است. معلوم می شود که روز غدیر، روز یاد کردن از حضرت مهدی موعود عجّل الله تعالی فرجه الشّریف و قیام ۰.

ص: ۱۷۹

---

۱- اقبال الاعمال، ص ۴۸۰.

ایشان و درخواست فرج آن حضرت از خداست.

## دعای ندبه در عید غدیر

شاهد دیگر بر این امر آن است که دعای ندبه جزء اعمال این روز مبارک شمرده می شود. این دعا – همان طور که از نامش پیداست – نشانگر حال گریه و ناله در فراق حضرت مهدی علیه السلام و اظهار شوق برای دیدار ایشان و دعا برای تعجیل در فرجشان می باشد. این دعای شریف در روز جمعه نیز – که عید بزرگ مسلمانان است – خوانده می شود. به نظر مرحوم صدرالاسلام همدانی:

از جمله خواصّ خواندن این دعای مبارک آن است که در هر مکانی و موضعی که خوانده شود با حضور قلب و اخلاص کامل و ملتفت مضامین عالیه فائقه و عبارات و اشارات نامیه رائقه آن بودن، توجّه و التفات مخصوص حضرت صاحب العصر و الزّمان (ارواحنا فداه) در آن مکان و محل، بلکه حضور به هم رسانیدن آن حضرت است در آن مجلس، چنانچه در بعض مواضع و موارد اتّفاق افتاده.(۱)

آری با شرایطی که این بزرگوار فرمودند، تشرّف به محضر حضرت بقیّه الله ارواحنا فداه در هنگام خواندن دعای ندبه بعید نیست. این دعا شامل زیارات امام علیه السلام نیز هست، لذا پس از خواندن آن نماز زیارت وارد شده است.

نمونه ای از تشرّفات به محضر امام عصر علیه السلام در هنگام زیارت و دعای ندبه، داستانی است که جناب حجّه الاسلام والمسلمین حاج آقا محمود میردامادی از مرحوم آقای میرجهانی نقل فرموده است. ایشان می گوید:

من از مرحوم عالم متّقی و وارسته آقای میرجهانی قدّس سرّه شنیدم که فرمودند: یک سالی از طرف آیه الله اصفهانی (رحمه الله علیه) برای شیعیان سامراء کمک هایی بردم. شبها در حرم مطهّر می ماندم و اذان صبح به سرداب امام زمان (عج) مشرّف می شدم. آن روزها برق نبود، چراغهای مختصری بود که۷.



---

۱- پیوند معنوی، ص۱۹۷.

انسان به سختی می توانست از آن استفاده کند.

پلّه های سرداب و داخل سرداب هم نور خیلی کمی داشت، شب جمعه ای در حرم مطهّر به دعا و زیارت مشغول بودم، و اذان صبح که هنوز هوا تاریک بود به طرف سرداب حرکت نمودم. ولی آن روز برخلاف روزهای گذشته پله های سرداب را روشن یافتم، تعجّب کردم، این نور از کجاست؟

داخل سرداب شدم، دیدم مثل روز روشن است، اصلاً سابقه نداشت سرداب این اندازه روشن باشد، بر شگفت من افزوده شد. در این حال متوجّه شدم، آقای جوانی که بسیار نورانی هستند، مشغول نماز می باشند. من هم در کناری مشغول نافله شدم. گویا محلّی که من ایستاده بودم کمی جلوتر از محلّ نماز ایشان بود، لذا وقتی از نماز فارغ شدند، به من فرمودند: «جلوی امامت نایست نماز بخوان»، من بی اختیار در حالی که جذب این جوان نورانی شده بودم خودم را به کناری کشیدم و عقب ایستادم.

نماز صبح را خواندم، و با شوق به دعای ندبه پرداختم رسیدم به جمله: «عَرَجتَ بِروحِهِ الی سَمائِکَ» آقا فرمودند: «عرجت به» بخوان - عرجت بروحه - از معصوم نرسیده است.

بدون چون و چرا و بحث طلبگی، خواندم «عرجت به الی» و بعد کم کم رسیدم به جملات مربوط به امام زمان (عج) و آباء ایشان، این الحسنُ، این الحسینُ، این ابناءُ الحُسَینِ صالحٌ بعدَ صالحٍ... این بقیّه الله... حال خوشی داشتم، اشک می ریختم و در طلب امام زمان می سوختم، امّا نمی دانستم در جوار او نشسته ام و خدمتش مشرّف شده ام و به زیارتش نائل گشته ام.

بعد از دعا به نماز ایستادم، در نماز به فکرم رسید، این آقا امام زمان هستند، به دلیل:

۱- نوری که سرداب را احاطه کرده است و این نور از ایشان است.

۲- فرمودند: جلوی امامت نایست نماز بخوان، و این صراحت دارد بر اینکه ایشان امام زمان بوده اند.

۳- فرمودند: «عرجت به بخوان» و من بدون چون و چرا پذیرفتم، و این احاطه ولایت حضرت بود بر قلب من که مباحثه نکردم.

ص: ۱۸۱

خلاصه در نماز یقین کردم که ایشان امام زمان (عج) می باشند، نماز را تمام کردم و قصد کردم به پای ایشان بیفتم و دامنشان را بگیرم و عرض ادب و محبّت نمایم ولی تا رو بر گرداندم ایشان را ندیدم.

گریه کردم، آقا را صدا زدم، دیگر خبر نیافتم از پلّه ها آمدم بالا، از خادم پرسیدم، سیّد را ندیدی؟

گفت: کدام سیّد؟ اوّلین کسی که وارد سرداب شده تو هستی و من از دیگری خبر ندارم.

فهمیدم او امام زمان (عج) را ندیده است، و زیارت حضرت فقط نصیب من شده است.(۱)

## دعا در عید فطر و قربان

### اشاره

۵ و ۶- دو مناسبت دیگر برای دعا در حقّ امام عصر علیه السلام و تعجیل فرج ایشان، دو عید بزرگ دیگر مسلمانان یعنی عید فطر و عید قربان است. به طور کلّی مسلمانان چهار عید بزرگ دارند که عبارتند از: غدیر، جمعه، فطر و قربان. محور و قطب همه این اعیاد وجود مقدّس بقیّه الله الاعظم ارواحنا فداه است که جای خالی ایشان در زمان غیبت، در این چهار مناسبت بیشتر حس می شود. خواندن دعای شریف ندبه نیز در هر چهار روز مستحب است.(۲) ممکن است این سؤال به ذهن خطور نماید که روز عید چه مناسبتی با ندبه و گریه دارد و چرا خواندن دعایی که سراسر سوز و آه و ناله است، در اعیاد بزرگ اسلامی توصیه شده است؟

خوب است پاسخ این پرسش را از بیان امام صادق علیه السلام بشنویم که فرمودند:

مامِن عیدٍ لِلمُسلِمینَ اَضحی وَلا فِطرٍ إلّا وَ هُوَ یُجَدِّدُ لِآلِ مُحمَّدٍ فیهِ حُزناً.

هیچ عید قربان و فطری برای مسلمانان نیست مگر اینکه برای آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم غم و اندوهی را تازه می کند.۴.

ص: ۱۸۲

---

۱- سه رساله درباره حجّه بن الحسن العسکری (عج)، ص ۳۴ و ۳۵.

۲- بحارالانوار، ج۱۰۲، ص۱۰۴.

راوی می گوید: پرسیدم چرا چنین است؟ فرمودند:

لِأَنَّهُم یَرَونَ حَقَّهُم فی یَدِ غَیرِهِم.(۱)

چون ایشان حقّ خود را در دست غیر خود می بینند.

حقّ اهل بیت علیهم السلام این است که همه اهل دنیا (نه فقط شیعیان بعضی کشورهای خاص) - اعم از مسلمان و غیر مسلمان - ایشان را به عنوان ولیّ نعمت خود بشناسند و به آنان در همه امورشان - به خصوص مسائل دینی - رجوع نمایند. اعیاد بزرگ اسلامی بهترین فرصت برای تجلّی ولایت و محبّت مردم دنیا با امام زمانشان و تجدید بیعت با آن بزرگوار است. امّا در زمان غیبت آن حضرت نه فقط مردم جهان، بلکه اکثریّت مسلمانان هم - که به دلیل عدم آشنایی با تشیّع، معرفتی نسبت به امام زمانشان ندارند- هیچ گونه حقّی برای ایشان قائل نیستند و هیچ یادی هم از آن بزرگوار نمی کنند. خود اهل بیت علیهم السلام هم از این بابت - البتّه به خاطر امّتشان نه خودشان - ناراحت و غمگین می شوند و این روزهای عید زنده کننده غم و اندوه حضرات معصومین علیهم السلام می باشد. از همین جهت است که به تعبیر مرحوم صاحب مکیال شایسته است مؤمنان در این اعیاد ظهور امام عصر علیه السلام را با اصرار و الحاح از خداوند طلب نمایند تا به این وسیله حزن و اندوه را از دل های پاک اهل بیت علیهم السلام بزدایند.(۲)

### عدم توفیق کامل مسلمانان برای عید فطر و قربان

جهت دیگری که دعا برای تعجیل فرج مولای غریبمان را در عید فطر و قربان مؤکّد می سازد، توجّه به این حقیقت است که طبق روایات متعدّد از اهل بیت عصمت و طهارت، تا منتقم خون ابی عبدالله الحسین علیه السلام ظهور نفرماید هیچ عید فطر و قربانی برای همه مسلمانان منشأ خیر و برکت کامل نخواهد شد. به نمونه ای از این احادیث در بیان امام صادق علیه السلام توجّه فرمایید:۵.

ص: ۱۸۳

---

۱- اصول کافی، ج۴ (فروع)، ص ۱۷۰، باب النّوادر، ح۲.

۲- مکیال المکارم، ج۲، ص۳۵.

لَمّا ضُـرِبَ الحُسَینُ بنُ عَلِیٍّ علیهما السلام بِالسَّیفِ ثُمّش ابتَدَرَ لِیَقطَعَ رَأسَهُ نادی مُنادٍ مِن قِبَلِ رَبِّ لِعِزَّهِ تَبارَکَ وَ تَعالی مِن بُطنانِ العَرشِ فَقالَ: اَلا اَیَّتُها الاُمَّهُ المُتَحَیِّرَهُ الظّالِمَهُ بَعدَ نَبِیِّها: لا وَفَّقَکُمُ اللهُ لِاَضحی وَلا فِطرٍ.

وقتی حسـین بن علی علیهما السـلام با شمشـیر ضـربه خوردند، سـپس (قاتل ایشان) آمد تا سر (مقدّس) آن بزرگوار را (از تن) جـدا نمایـد، نـدا دهنـده ای از جـانب پروردگار عزّت تبارک و تعالی از داخل عرش نـدا در داد و گفت: آگاه باشـید ای امّت سرگردان ستمگر پس از پیامبرشان: خداوند شما را برای (عید) قربان و فطر موفّق نگرداند.

آنگاه امام صادق علیه السلام فرمودند:

لا جَرَمَ وَاللهِ ما وُفِّقُوا ولا یُوَفَّقُونَ اَبَداً حَتّی یَقُومَ ثائِرُ الحُسَینِ علیه السلام.(۱)

قسم به خدا یقیناً موفّق نشده اند و هرگز موفّق نخواهند شد، تا اینکه خونخواه حسین علیه السلام قیام فرماید.

علّامه بزرگوار مجلسـی رحمه الله در بیـان معنای عـدم توفیق مسـلمانان برای فطر و قربان چنـد احتمال مطرح فرموده انـد. یک احتمال که برداشت اکثریّت علما بوده این است که در بسـیاری از زمان ها هلال ماه شوّال و ذیحجّه به صورت قطعی تشخیص داده نمی شود و به همین جهت روز عید فطر و قربان مشتبه می گردند.

احتمال دیگری که خود علّامه مجلسی آن را ظاهرتر دانسته اند این است که این حکم به عامّه (اهل سنّت) اختصاص دارد.(۲)

این عـدم موفقیّت هر معنایی داشـته باشـد، قدر مسلّم این است که در سـطح دنیا همه مسـلمانان جهان از بهره برداری کامل از برکات این عیدهای مبارک محروم می مانند تا اینکه منتقم خون ابی عبدالله الحسین علیه السلام ظهور فرماید و انتقام آن خون پاک را بگیرد. از این رو مهم ترین و بزرگ ترین عبادت در روز عید فطر و قربان دعا۸

ص: ۱۸۴

---

۱- بحارالانوار، ج۴۵، ص۲۱۷، ح۴۲، به نقل از الامالی صدوق.

۲- همان، ص۲۱۷ و ۲۱۸.

برای تعجیل فرج خونخواه سیّدالشّهداء علیه السلام می باشد تا با ظهورش عید واقعی را برای مسلمانان - بلکه همه مردم دنیا - به ارمغان آورد. بسیار دور از انصاف است که این اعیاد گرامی بر مسلمانان بگذرد و یاد مناسب امام منتظرمان در این روزها صورت نپذیرد. راستی مسلمانان در این ۱۱۶۸ سال غیبت آن عزیز در عید فطر و قربان چقدر به یاد امامشان بوده و برای تعجیل فرج ایشان دعا کرده اند؟!

## دو نمونه از دعاهای مأثور در روز عید

توجّه به مضامین برخی از دعاهای مأثور در این اعیاد شریف تذکّر دهنده خوبی برای این موضوع است. از حضرت باقرالعلوم علیه السلام نقل شده که فرمودند:

وقتی آماده خارج شدن (برای ادای نماز جمعه یا عید) شدی، این دعا را بخوان.

ابتدای دعا طبق نقل مرحوم سیّدبن طاووس چنین است:

اللّهمَّ مَن تَهَیَّأَ فی هذَ الیَومِ... .

در فراز بعدی دعا ذکر صلوات پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم و اوصیای ایشان علیهم السلام - با ذکر اسامی هرکدام - مطرح می شود تا اینکه به حضرت صاحب الزّمان علیه السلام منتهی می گردد، آنگاه در دعا برای ایشان چنین می گوییم:

اللّهمَّ افتَح لَنا فَتحاً یَسیراً وانصُرهُ نَصراً عَزیزاً اللّهمَّ اَظهِر به دینَکَ و سُنَّهَ رَسُولِکَ حَتّی لایَستَخفِیَ بِشَیءٍ مِنَ الحَقِّ مَخافَهَ اَحَدٍ مِنَ الخَلقِ.

خدایا ما را به آسانی پیروز بفرما و او را به گونه ای یاری کن که شکست پیدا نکند. خدایا دینت و سنّت پیامبرت را به سبب او آشکار گردان تا اینکه هیچ حقّی را به خاطر ترس از خلق مخفی نگه ندارد.

اللّهمَّ إنّا نَرغَبُ اِلَیکَ فی دَولَهٍ کَریمَهٍ تُعِزُّ بِها الِاسلامَ وَ اَهلَهُ وَ تُذِلُّ بِها النِّفاقَ وَ اَهلَهُ وَ تَجعَلُنا فیها مِنَ الدُّعاهِ اِلَی طاعَتِکَ وَ القادَهِ اِلی سَبیلِکَ وَ تَرزُقُنا بِها کَرامَهَ الدُّنیا وَ الآخِرَهِ... .

ص: ۱۸۵

خداوندا ما به سویت رغبت می جوییم در دولت کریمه ای که به سبب آن اسلام و اهلش را عزیز می گردانی و نفاق و اهلش را ذلیل می فرمایی و ما را در آن (دولت) در زمره دعوت کنندگان به سوی فرمانبرداریت و هدایت کنندگان به راهت قرار می دهی و به سبب آن (دولت) کرامت دنیا و آخرت را روزی ما می فرمایی ... .

اینها بهترین دعاهایی است که برای خودمان در دولت کریمه حضرت بقیه الله ارواحنا فداه می توانیم داشته باشیم. آنگاه فرمودند:

ثُمَّ تَدعُو اللهَ لَهُ وَ عَلی عَدُوِّهِ وَ تَسأَلُ حاجَتَکَ.(۱)

سپس به پیشگاه خداوند برای او دعای خیر می کنی و دشمن او را نفرین می کنی و حاجت خود را درخواست می نمایی.

دعای دیگری که در روز عید فطر هنگام رفتن برای ادای نماز وارد شده از حضرت امام علیّ بن موسی الرّضا علیهما السلام است. قسمتی از این دعای شریف که در خصوص حضرت مهدی موعود «عجّل الله تعالی فرجه الشّریف می باشد، چنین است:

اللّهُمَّ صَلِّ عَلی وَلِیِّکَ المُنتَظِرِ اَمرَکَ المُنتَظِرِ لِفَرَجِ اَولِیاءِکَ اللّهُمَّ اشعَب بِهِ الصَّدعَ وَ ارتُق بِهِ الفَتقَ وَ اَمِت بِه الجَورَ وَ اَظهِر بِهِ العَدلَ وَ زَیِّن بِطُولِ بَقاءِهِ الاَرضَ وَ اَیِّدهُ بِنَصرِکَ وَانصُرهُ بِالرُّعبِ.(۲)

خداوندا بر ولیّت که منتظر امرت و منتظر فرج دوستانت است، درود بفرست. خدایا اختلاف و شکاف را به وسیله او اصلاح و ترمیم فرما و ظلم را به دست او بمیران و عدل را به وجود او آشکار گردان و زمین را با ماندن طولانی اش مزیّن کن و او را با یاری خود، تأیید و با ترس و وحشت یاری فرما.

می بینیم که امام هشتم علیه السلام با این دعاها یاد امام عصر علیه السلام را از همان زمان تاکنون زنده نگه داشته اند.ت.

ص: ۱۸۶

---

۱- اقبال الاعمال، ج۱، ص ۲۸۰، متن کامل دعا در بخش سوم کتاب آمده است.

۲- همان، ص۲۸۴، متن کامل دعا در بخش سوم کتاب آمده است.

## دعا در روز عرفه

۷- یکی از روزهای سال که دعا در آن بسیار سفارش شده، روز عرفه یعنی نهم ذیحجّه بخصوص عصر آن است. امام صادق علیه السلام این روز را یکی از اعیاد مسلمانان و «یومُ دعاءٍ و مسألهٍ» خوانده اند(۱) و مهم ترین عمل در آن دعا کردن است به گونه ای که روزه آن هم در صورتی مستحب است که شخص از دعا کردن ناتوان نشود.(۲) در این روز دعاهای متعدّدی از ائمّه طاهرین علیهم السلام وارد شده که دارای مضامین بسیار بلند و پرمحتوایی است و در بیشتر آنها دعاهای زیبایی در حقّ امام عصر علیه السلام وارد شده است. ما به چند نمونه از این دعاها اشاره می کنیم.

در یکی از این دعاها که از زبان حضرت سیّدالسّاجدین علیه السلام نقل شده، چنین می خوانیم:

اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ فَرِّج عَن آلِ مُحَمّدٍ... وَ اَنجِز لَهُم ما وَعَدتَهُم وَ بَلِّغنی فَتحَ آلِ مُحَمَّدٍ... اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَصلِح لَنا اِمامَنا وَ استَصلِحهُ وَ اَصلِح عَلی یَدَیهِ وَ آمِن خَوفَهُ وَ خَوفَنا عَلَیهِ واجعَلهُ اللّهُمَّ الَّذی تَنتَصِرُ بِهِ لِدِینِکَ... .

خداوندا بر محمّد و آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم درود بفرست و برای آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم فرج و گشایش برسان ... و آنچه را به ایشان وعده فرموده ای محقّق کن و مرا به (زمان) پیروزی آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم برسان... خدایا بر محمّد و آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم درود بفرست و (امر فرج) امام ما را برای ما اصلاح بفرما و او را (برای انجام رسالت هایش) شایسته قرار ده و به دستان او صلاح را جاری فرما و ترس او و ترس ما را بر او، به امنیّت مبدّل ساز و او را همان کسی قرار بده که به سبب او دینت را پیروز می کنی ... .

اللّهُمَّ املَأ الاَرضَ بِهِ عَدلاً وَ قِسطاً کَما مُلِئَت ظُلماً وَ جَوراً وَ امنُن بِهِخ.

ص: ۱۸۷

---

۱- بحارالانوار، ج۹۷، ص۱۲۴، به نقل از مجالس الشّیخ.

۲- همان، ص۲۱۲، به نقل از مجالس الشّیخ.

عَلی فُقَراءِ المُسلِمینَ وَ اَرامِلِهِم وَ مَساکینِهِم وَاجعَلنی مِن خِیارِ مَوالیهِ وَ شِیعَتِهِ اَشَدِّهِم لَهُ حُبّاً وَ اَطوَعِهِم لَهُ طَوعاً وَ اَنفَذِهِم لِأَمرِهِ وَ اَسرَعِهِم اِلی مَرضاتِهِ وَ اَقبَلِهِم لِقَولِهِ وَ اَقوامِهِم بِأَمرِهِ وَ ارزُقنِی الشَّهادَهَ بَینَ یَدَیهِ حَتّی اَلقاکَ وَ أَنتَ عَنّی راضٍ.(۱)

خدایا زمین را به سبب او پر از عدل و داد فرما همان طور که از ظلم و جور پر شده است و به وسیله او بر مسلمانان فقیر و نیازمند (یا بیوه زنان) و بیچارگان آنها منّت بگذار و مرا از بهترین پیروان و شیعیان او قرار ده که بیشترین محبّت را نسبت به او دارند و مطیع ترین کس در برابر اویند و امر او را بهتر از دیگران اطاعت می کنند و سریع تر (از دیگران) به (کسب) خشنودی او می شتابند و نسبت به سخن او پذیرنده تر (از دیگران) و در برابر امرش عامل تر هستند و شهادت پیش روی او را روزیم بفرما تا تو را در حالی که از من راضی و خشنود هستی، ملاقات نمایم.

ملاحظه فرمایید که چه دعاهای زیبایی از زبان مبارک امام سجّاد علیه السلام نسبت به خود امام عصر علیه السلام و دوستداران ایشان صادر شده است. ابتدا فرج آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم را از خدا طلب کرده و آرزو نموده اند که پیروزی آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم را درک نمایند. تحقّق این آرزو می تواند در زمان رجعت ائمّه طاهرین علیهم السلام - از جمله حضرت سجّاد علیه السلام - باشد که ادامه دهنده حکومت عدل جهانی امام عصر علیه السلام هستند. سپس از آخرین وصیّ پیامبر خاتم صلّی الله علیه و آله و سلّم به عنوان «امامَنا» یاد کرده اند. این تعبیر عظمت مقام حضرت مهدی موعود عجّل الله تعالی فرجه الشّریف را نشان می دهد که حجّت معصوم خداوند ایشان را پیشوای خود خوانده اند.

در فراز بعدی دعا پس از درخواست پر شدن زمین از عدل و داد به دست امام عصر علیه السلام و منّت گذاشتن خداوند بر بیچارگان و نیازمندان به وسیله آن حضرت، از خدا خواسته اند که در زمره بهترین شیعیان و دوستداران ایشان باشند و در پایان همل.



---

۱- بحارالانوار، ج۹۸، ص۲۳۴، به نقل از اقبال الاعمال.

شهادت در پیش روی آن حضرت را از خداوند درخواست نموده اند. این دعاها بهترین و زیباترین آرزوهای یک مؤمن منتظر را بیان می دارد که در روز عرفه از خدایش طلب نماید.

دعای دیگری که در روز عرفه از وجود مبارک امام صادق علیه السلام نقل شده، دعای مفصّلی است که مرحوم سیّدبن طاووس آورده است. این دعای شریف دارای مضامین بسیار عالی و پرمحتواست که دو قسمت از آن شامل دعا در حقّ حضرت ولیّ عصر عجّل الله تعالی فرجه الشّریف می باشد. یکی از این موارد چنین است:

اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحمّدٍ وَ آلِ مُحمّدٍ الَّذینَ اَذهَبتَ عَنهُمُ الرِّجسِ وَ طَهَّرتَهُم تَطهیراً اللّهُمَّ افتَح لَهُم فَتحاً یَسیراً وانصُرهُم نَصراً عَزیزاً وَاجعَل لَهُم مِن لَدُنکَ سُلطاناً نَصیراً اللّهُمَّ مَکِّن لَهُم فِی الاَرضِ وَاجعَلهُم اَئِمَّةً وَاجعَلهُمُ الوارِثینَ اللّهُمَّ اَرِهِم فی عَدُوِّهِم ما یَأمُلُونَ وَ اَرِ عَدُوَّهُم مِنهُم ما یَحذَرُونَ اللّهُمَّ اجمَع بَینَهُم فی خَیرٍ وَ عافِیَةٍ اللّهُمَّ عَجِّلِ الرَّوحَ وَ الفَرَجَ لِآلِ مُحمَّدٍ... .(۱)

در پایان همین دعا چنین می خوانیم:

اللّهُمّش یا رَبِّ نَشکُو غَیبَةَ نَبِیِّنا عَنّا وَ قِلَّةَ ناصِرِنا و کَثرَةَ عَدُوِّنا وَ شِدَّةَ الزَّمانِ عَلَینا وَ وُقُوعَ الفِتَنِ بِنا وَ تَظاهُرَ الخَلقِ عَلَینا اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افرُج ذلِکَ بِفَرَجٍ مِنکَ تُعَجِّلُهُ وَ ضُرٍّ تَکشِفُهُ وَ حَقٍّ تُظهِرُهُ اللّهُمَّ ابعَث بِقائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ صلّی الله علیه و آله و سلّم لِلنَّصرِ لِدینِکَ وَ اِظهارِ حُجَّتِکَ وَ القِیامِ بِأَمرِکَ وَ تَطهیرِ اَرضِکَ مِن أَرجاسِها بِرَحمَتِکَ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ...(۲)

در این قسمت دعا هم به طور مشخّص از قائم آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم یاد شده و فرج کّلی ول.

ص: ۱۸۹

---

۱- بحارالانوار، ج۹۸، ص۲۴۵، به نقل از اقبال الاعمال.

۲- همان، ص۲۵۵، به نقل از اقبال الاعمال.

نهایی به دست مبارک ایشان برای پاک شدن زمین از هر آلودگی درخواست شده است.

سومین دعایی که در این جا از آن یاد می کنیم، از زبان حضرت زین العابدین علیه السلام در روز عرفه صادر شده و دعای چهل و هفتم از صحیفه مبارکه سجّادیّه می باشد. قسمتی از این دعا اختصاص به امام حیّ و حاضر در هر زمان دارد که در عصر ما بر وجود مبارک حضرت بقیّه الله ارواحنا فداه منطبق می گردد. این فراز دعا چنین آغاز می شود:

اللّهُمّ إنَّکَ اَیَّدتَ دینَکَ فِی کُلِّ اَوانٍ بِإمامٍ اَقَمتَهُ عَلَماً لِعِبادِکَ وَ مَناراً فی بِلادِکَ بَعدَ اَن وَصَلتَ حَبلَهُ بِحَبلِکَ وَ جَعَلتَهُ الذَّریعَهَ اِلی رِضوانِکَ وَ افتَرَضتَ طاعَتَهُ وَ حَذَّرتَ مَعصِیَتَهُ وَ اَمَرتَ بِامتِثالِ اَوامِرِهِ وَ الاِنتِهاءِ عِندَ نَهیِهِ وَ اَلّا یَتَقَدَّمَهُ مُتَقَدِّمٌ وَلا یَتَأَخَّرَ عَنهُ مُتَأَخِّرٌ فَهُوَ عِصمَهُ اللّائِذینَ وَ کَهفُ المُؤمِنینَ وَ عُروَهُ المُتَمَسِّکینَ وَ بَهاءُ العالَمینَ.(۱)

خدایا تو دینت را در هر زمانی با امامی تأیید فرمودی که او را برای بندگانت به عنوان نشانه و در سرزمین هایت به عنوان راهنما اقامه نمودی، پس از آنکه ریسمان او را به ریسمان خود وصل کردی و او را وسیله (کسب) خشنودی خود قرار دادی و فرمانبری از او را واجب نمودی و از نافرمانی او برحذر داشتی و به اطاعت از دستوراتش و پرهیز از منهیّاتش امر فرمودی و به اینکه هیچکس از او جلو نیفتد و عقب نماند (امر کردی) پس او پناه دهنده به پناهندگان و مأمن اهل ایمان و دستاویز محکم چنگ زنندگان و نور با شکوه جهانیان است.

به دنبال این قسمت دعاهایی در حقّ این امام گرانقدر و بی نظیر مطرح فرموده اند که بیشتر آنها درخواست فرج برای ایشان است. سپس دعا در حقّ دوستان و پیروان ایشان آغاز می شود که آنها هم بسیار پرمحتوا و نغز است. ما برای رعایت اختصار از نقل و ترجمه فرازهای دیگر این دعای شریف خودداری می کنیم و خوانندگان۷.



---

۱- صحیفه سجّادیّه، دعای ۴۷.

محترم را به صحیفه مبارکه سجّادیّه ارجاع می دهیم.

نتیجه ای که از نقل این سه نمونه دعا برای امام عصر علیه السلام در روز عرفه می گیریم، این است که مؤمنان در ایّام عرفه – به خصوص در دوران غیبت امامشان – نباید از خواندن این دعاها غفلت نمایند. بسیار دور از انصاف است که در روز عرفه – که این همه تأکید بر دعا به پیشگاه الهی صورت گرفته – دعا برای امام زمانمان را فراموش کنیم و تنها به فکر خودمان باشیم. هرچند که اگر خیر و صلاح دنیا و آخرت خودمان را هم می خواهیم بهترین راهش دعا در حقّ امام غریبمان است. به هر حال توجّه به اهمیّت دعا برای امام علیه السلام در روز عرفه توفیق انسان را در انجام آن بیشتر و بهتر می سازد.

### دعا در ماه مبارک رمضان

۸- در بین ماه های قمری، ماه مبارک رمضان برتری خاصّی بر دیگر ماه ها دارد. به همین جهت است که این ماه به خداوند منسوب و «شهر الله» نامیده شده است. از پیامبر گرامی اسلام صلّی الله علیه و آله و سلّم نقل است که فرمودند:

شَهرُ رَمَضانُ شَهرُ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هُوَ شَهرٌ یُضاعِفُ اللهُ فیهِ الحَسَناتِ وَ یَمحُو فیه السَّیِّئاتِ... ولا یَکُونَنَّ شَهرُ رَمَضانَ عِندَکُم کَغَیرِه مِنَ الشُّهُورِ فإنَّ لَهُ عِندَ اللهِ حَرمَهً وَ فَضلاً عَلی سائِرِ الشُّهُورِ.(۱)

ماه رمضان ماه خدای عزّ و جل است و آن ماهی است که خداوند در آن (پاداش) خوبی ها را چند برابر می کند و بدی ها را در آن از بین می برد... و نباید ماه رمضان نزد شما مانند سایر ماه ها باشد، زیرا آن (ماه) نزد خداوند احترام و فضیلتی خاصّ بر سایر ماه ها دارد.

روشن است که در یک چنین ماهی دعا در حقّ امام عصر علیه السلام که عبادت بسیار بزرگی است، فضیلت فوق العاده ای پیدا می کند و آثار و برکات آن چندین برابر ماه هایه.



---

۱- بحارالانوار، ج۹۶، ص ۳۴۰، ح۵، به نقل از فضائل الاشهر الثّلاثه.

دیگر می شود. از فضایل خاصّ ماه مبارک رمضان فرمایش امام هشتم علیه السلام است که فرمودند:

مَن اَعانَ فیهِ مُؤمِناً اَعانَهُ اللهُ تَعالی علی الجَوازِ علی الصِّراطِ یَومَ تَزِلُّ فیه الاَقدامُ... وَ مَن نَصَرَ فیهِ مَظلُوماً نَصَرَهُ اللهُ عَلی کُلِّ مَن عاداهُ فی الدُّنیا وَ نَصَرَهُ یَومَ القِیامَهِ عِندَ الحِسابِ وَ المیزانِ.(۱)

هرکس در ماه رمضان مؤمنی را کمک کند، خدای متعال در روزی که قدم ها روی صراط می لغزد، برای عبور از آن کشمکش می کند... و هرکس در آن (ماه) مظلومی را یاری کند، خداوند در دنیا بر همه کسانی که با او دشمنی می کنند، یاریش می نماید و در روز قیامت هنگام محاسبه و سنجش اعمال نیز یاریش می کند.

نکته ای که- با الهام از فرمایش مرحوم صاحب مکیال در کتاب ارزشمندشان - از این حدیث شریف استفاده می توان کرد این است که دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السلام از مصادیق اعانت (کمک) و نصرت (یاری) ایشان است. وقتی کمک کردن به مؤمن چنان فضیلتی دارد، کدام مؤمن از وجود مقدّس امام عصر علیه السلام بالاتر یافت می شود که بتوان با دعا در حقّ ایشان یاریش کرد؟ همچنین اگر یاری مظلوم، پاداش های عظیم دنیوی و اخروی دارد، کدام مظلومی از مولای غریبمان حضرت بقیّه الله الاعظم علیه السلام مظلوم تر یافت می شود که بتوان به یاری ایشان شتافت؟ این جاست که برخی از برکات دعا در حقّ آن عزیز در ماه مبارک رمضان برایمان روشن تر می گردد.

اگر کسی بخواهد از این فرصت طلایی برای دعا در حقّ مولایش بهره مند گردد، می تواند از خواندن دعاهای مأثور در این ماه شریف کمال استفاده را ببرد. ما در این جا به بیان فهرستی از مهم ترین ادعیه ماه مبارک رمضان که شامل دعا برای امام عصر علیه السلام است، اکتفا می کنیم و خوانندگان محترم را به کتب و منابع خاصّ آنها ارجاع می دهیم.

اوّلین دعایی که در ابتدای ماه مبارک از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده شامله.

ص: ۱۹۲

---

۱- بحارالانوار، ج۹۶، ص۳۴۱، ح۵، به نقل از فضائل الاشهر الثّلاثه.

مناجات های با خـدای متعال است و قسـمتی از آن هم دعا در حقّ امام زمان علیه السـلام و درخواست خـدمتگزاری در دولت کریمه آن بزرگوار می باشد، عرضه می داریم:

اللّهُمَّ إنّا نَرغَبُ إِلَیکَ فی دَولَهٍ کَریمَهٍ... اللّهُمَّ إنّا نَشکُو اِلَیکَ غَیبَهَ نَبِیِّنا وَ کَثرَهَ عَدُوِّنا... .(۱)

این عبارات بسیار شبیه عبارات دعای افتتاح است که از وجود مقدّس امام عصر علیه السلام صادر شده است.

در قسـمت دیگری از این دعـای شـریف، نام مقـدّس چهارده معصوم علیهم السـلام به صـراحت ذکر شـده و از آخرین وصـیّ حضرت خاتم الانبیاء صلّی الله علیه و آله و سلّم تحت عنوان «الحجّه القائم بالحقّ» یاد شده است.(۲)

دومین دعایی که خوانـدن آن در ماه مبارک رمضان بسـیار مورد تأکید قرار گرفته، دعای افتتاح می باشد. این دعایی است که نایب دوم امام عصـر علیه السـلام جناب محمّدبن عثمان بن سعید عمروی در دفتری نوشته و به خواندن آن مقیّد بود. راوی دعا می گوید: در ابتدای آن چنین نوشته بود:

تَدعُو بِهذَا الدُّعاءِ فی کُلِّ لَیلَهٍ مِن شَهرِ رَمَضانَ فَإنَّ الدُّعاءَ فی هذَا الشَّهرِ تَسمَعُهُ المَلائِکَهُ وَ تَستَغفِرُ لِصاحِبِه.(۳)

این دعـا را در هر شب ماه رمضان می خوانی، زیرا در این ماه فرشـتگان دعا را می شـنوند و برای صاحب آن طلب مغفرت می نمایند.

ظـاهر عبـارت دلاـلت می کنـد بر اینکه این عبارت فرمایش امام زمان علیه السـلام به نایب خاصّ خود باشـد و اصل دعا هم از خود حضـرت است. این دعـا را مرحوم محـدّث قمّی اعلی الله مقامه الشَّریف در کتاب مستطاب مفاتیـح الجنان ذکر فرموده و شامل دعاهای۸

ص: ۱۹۳

---

۱- بحارالانوار، ج۹۷، ص۳۳۲، به نقل از اقبال الاعمال.

۲- این دعـای شـریف را مرحوم علّامه مجلسـی در کتاب گرانقـدر بحارالانوار، ج۹۷، از ص ۳۲۶ تا ص ۳۴۰، به نقـل از اقبال الاعمال سیّدبن طاووس نقل فرموده است.

۳- اقبال الاعمال، ج ۱، ص۵۸.

زیبایی در حقّ امام زمان علیه السلام از جمله درخواست تعجیل فرج ایشان می باشد.

سومین دعـا مربوط به روزهای ماه مبارک رمضان است. این دعای شـریف هم در کتاب مفاتیـح الجنان به طور کامل - البتّه با مختصر اختلافی در برخی از تعابیر - نقل شده و با این عبارت آغاز می گردد:

اللّهُمَّ هذا شَهرُ رَمَضانَ.

برخی از عبارات دعا که به وجود مقدّس حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشّریف مربوط می شود، این است:

یا رَبَّ مُحَمَّدٍ صلّی الله علیه و آله و سلّم وَ آلِ مُحَمَّدٍ صلّی الله علیه و آله و سلّم اغضَبِ الیَومَ لِمُحَمَّدٍ و لِاَبرارِ عِترَتِهِ... أنتَ خلیفَهُ محمَّدٍ وَ ناصِرُ محمَّدٍ وَ مُفَضِّلُ محمَّدٍ اسأَلُکَ أن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَن تَنصُرَ خَلیفَهَ محمّدٍ وَ وَصِیَّ مُحمّدٍ و القائِمَ بِالقِسطِ مِن اَوصِیاءِ محمّدٍ... .(۱)

ای پروردگار محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم و آل محمّد امروز به خاطر محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم و نیکان از عترتش غضب فرما... تو جانشین محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم و یاری کننده محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم و برتری دهنده محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم هستی، از تو می خواهم که بر محمّد و آل محمّد درود بفرستی و جانشین محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم و وصیّ محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم و به پا دارنده عدل از اوصیای محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم را یاری فرمایی.

روشن است که نتیجه غضب خداوند به خاطر پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم و عترت پاکش، اذن ظهور به آخرین وصیّ پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم می باشد و اینکه خداوند را خلیفه و جانشین محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم می خوانیم، به این جهت است که انتقام گیرنده از دشمنان او و عترت پاکش خود خداست و این انتقام به ظهور حضرت بقیّه الله ارواحنا فداه واقع می شود.

چهارمین دعـا در ماه مبارک رمضان که در حقّ حضرت ولیّ عصر عجّل الله تعالی فرجه الشّریف می باشد، مربوط به شب ششم این ماه شریف است. قسمتی از دعا این است:ل.



---

۱- بحارالانوار، ج۹۸، ص۱۰۴، به نقل از اقبال الاعمال.

اَسأَلُکَ اَن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَن تُعَجِّلَ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ فَرَجنا بِفَرَجِهِم.(۱)

پنجمین دعا در ماه رمضان، به روز هشتم این ماه مبارک مربوط است که قسمتی از آن چنین است:

اَسأَلُکَ اَن تُصَلِّیَ عَلی مُحمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَن تُعَجِّلَ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ فَرَجی مَعَهُم وَ فَرَجَ کُلِّ مُؤمِنٍ وَ مُؤمِنَهٍ.(۲)

ششمین دعا در ماه مبارک مربوط به شب دوازدهم ماه رمضان است. در این دعا تعجیل فرج آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم همراه با عافیت از خداوند درخواست شده است.(۳)

هفتمین دعا در ماه مبارک اختصاص به روز سیزدهم این ماه دارد. این دعا در کتاب شریف بحارالانوار علّامه مجلسی و نیز کتاب مکیال المکارم به طور کامل از کتاب اقبال الاعمال مرحوم سیّدبن طاووس نقل شده است. (۴) دعای دیگری هم برای روز سیزدهم ماه مبارک نقل شده که علاقمندان می توانند به کتاب اقبال الاعمال مرحوم سیّدبن طاووس رجوع نمایند.(۵)

دعای هشتم در این خصوص مربوط به روز هجدهم ماه مبارک رمضان است که مرحوم علّامه مجلسی از کتاب اقبال الاعمال نقل فرموده است.(۶)

پس از روز هجدهم ماه مبارک رمضان، از شب نوزدهم بحث مربوط به شب قدر مطرح می شود که بهترین شب سال است و اختصاص تام به وجود مقدّس امام عصر علیه السلام دارد.



---

۱- بحارالانوار، ج۹۸، ص۲۴.

۲- همان، ص۲۸، به نقل از اقبال الاعمال.

۳- همان، ص۳۴.

۴- همان، ص۳۷ و مکیال المکارم، ج۲، ص۴۳ و ۴۴.

۵- متن این دعا در کتاب صحیفه مهدیّه، باب پنجم، عنوان دهم، به نقل از کتاب اقبال الاعمال آمده است.

۶- بحارالانوار، ج۹۸، ص۴۹ و صحیفه مهدیّه، باب پنجم، عنوان یازدهم، به نقل از اقبال الاعمال.

دارد. ما در این کتاب قصد توضیح این مطلب را نداریم و از خدای منّان توفیق انجام این خدمت را در مجالی مستقل طلب می کنیم. در این جا می خواهیم توجّه خوانندگان محترم را به وسعت ادعیه مربوط به امام زمان علیه السلام در روزها و شب های ماه مبارک رمضان جلب نماییم تا انشاء الله همگی با ایمان و انگیزه قوی تری به این عبادت شریف (دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام) به خصوص در ماه رمضان بپردازیم. به همین جهت فهرست وار گزارشی از برخی دعاهای مربوط به امام زمان علیه السلام در این ماه ارائه می دهیم.

دعای نُهم در ماه مبارک رمضان، دعایی است که امام صادق علیه السلام در صبح روز بیست و یکم آن ماه خوانده اند. حمّادبن عثمان نقل می کند که نماز صبح روز بیست و یکم ماه رمضان را به آن حضرت اقتدا نمودیم. ایشان در رکعت اوّل سوره حمد و سوره قدر را تلاوت فرمودند و در رکعت دوم، حمد و قل هو الله احد را خواندند. پس از ادای نماز و تعقیبات آن به سجده رفتند و زمان طولانی در سجده بودند و دعایی خواندند که در ضمن آن از خداوند به اسامی مختلف، فرج قائم آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم را درخواست نمودند. این دعا را مرحوم صاحب مکیال در کتاب شریف خود به طور کامل نقل فرموده(1) و ما در بخش سوم کتاب متن آن را مطابق نقل مرحوم علّامه مجلسی خواهیم آورد.

دهمین و آخرین دعایی که در ماه مبارک رمضان نقل می کنیم، مربوط به شب بیست و سوم این ماه است که به تصریح برخی روایات، شب قدر می باشد. دعایی که در این شب گرانقدر بسیار مورد تأکید قرار گرفته، دعای معروف اللّهُمَّ کُن لِوَلِیِّکَ... می باشد، این دعا در سندهای متعدّد شیعی، با اختلاف اندکی در برخی الفاظش ذکر شده و ما آن را مطابق نقل مرحوم علّامه کلینی در کتاب شریف کافی در این جا می آوریم.(2) محمّد بن عیسی با اسناد خود از ائمّه طاهرین علیهم السلام نقلت.



---

۱- مکیال المکارم، ج۲، ص ۴۴ و ۴۵.

۲- لازم به تذکّر است که مقاله بسیار خوبی درباره بررسی سندی این دعا در فصل نامه انتظار، شماره ۱۸، از آقای حمید احمدی جلفایی به چاپ رسیده که مطالعه آن مفید است.

کرده که فرمودند:

تُکَرِّرُ فی لَیلَهِ ثَلاثٍ وَ عَشرینَ مِن شَهرِ رَمَضانَ هذَا الدُّعاءَ ساجِداً وَ قائِماً وَ قاعِداً وَ عَلی کُلِّ حالٍ وَ فِی الشَّهرِ کُلِّهِ وَ کَیفَ اَمکَنَکَ وَ مَتی حَضَرَکَ مِن دَهرِکَ تَقُولُ بَعدَ تَحمیدِ اللهِ تَبارَکَ وَ تَعالی وَ الصَّلاهِ علی النَّبِیِّ صلّی الله علیه و آله و سلّم: اللّهُمَّ کُن لِوَلِیِّکَ فُلانِ بنِ فُلانٍ فی هذِهِ السّاعَهِ وَ فی کُلِّ ساعَهٍ وَلیّاً وَ حافِظاً وَ ناصِراً وَ دلیلاً وَ قائِداً وَ عَوناً وَ عَیناً حَتّی تُسکِنَهُ اَرضَکَ طَوعاً وَ تُمَتِّعَهُ فیها طَویلاً.(۱)

در شب بیست و سوم ماه رمضان این دعا را در حال سجده و ایستاده و نشسته و در هر حالتی تکرار می کنی، همچنین در همه ماه (رمضان) و هر طوری که برایت امکان پذیر بود و در هر زمانی از عمرت، پس از بیان حمد خدای تبارک و تعالی و درود فرستادن بر پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم، می گویی: اللّهمّ کن لولیّک... .

ملاحظه می شود که در نقل کافی اسم مبارک امام زمان علیه السلام ذکر نشده و روشن است که این امر چه از ناحیه خود ائمّه علیهم السلام باشد یا از جانب راویان، به خاطر مصالحی همچون تقیّه و امثال آن بوده است و در بعضی نقل های دیگر - همچون نقل مرحوم کفعمی در المصباح - به نام مبارک امام علیه السلام و نام پدرشان و لقب «المهدی» تصریح شده است. به هر حال این امر هیچ اشکالی در دلالت حدیث بر وجود مقدّس حضرت مهدی علیه السلام وارد نمی سازد.

همچنین اختلاف مختصری که در برخی کلمات دعا یا ترتیب بیان آنها با آنچه مشهور است وجود دارد نیز، اصل اعتبار آن را مخدوش نمی سازد. ما می توانیم این دعا را به هر یک از صورت هایی که نقل شده، به قصد ورود بخوانیم.(۲)ت.



---

۱- کافی، ج۴، ص۱۶۲، ح۴.

۲- طرق مختلف نقل این دعا در مقاله «بررسی سندی دعای سلامت امام زمان علیه السلام» در شماره ۱۸ فصل نامه انتظار آمده است.

با رجوع به منابع مختلفی که این دعا را نقل کرده اند روشن می شود که بهترین وقت خواندن آن، شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان در حالات مختلف است که بر تکرار آن نیز تأکید فرموده اند. البتّه همان طور که از متن حدیث برمی آید، در هر زمان دیگری نیز می توانیم این دعا را بخوانیم.

قابل ذکر است که همین دعا به صورت کامل تری هم در برخی منابع نقل شده که عمل به آن می تواند بهره دعاکننده را در شب قدر و زمان های دیگر بیشتر و بهتر گرداند. ما این متن را در بخش سوم کتاب مطابق آنچه مرحوم علّامه مجلسی از اقبال الاعمال سیّدبن طاووس نقل کرده،(۱) ذکر خواهیم کرد.

این ده مورد از دعا برای امام عصر علیه السلام را در ماه مبارک رمضان به صورت بسیار فشرده نقل کردیم تا روشن شود که یک مؤمن منتظر چگونه می تواند از برکات این ماه خدا برای تقرّب بیشتر به پروردگارش از طریق انجام بهترین عبادت (دعا در حقّ مولای غریبش) استفاده کامل ببرد.

### دعا در شب و روز نیمه شعبان

۹- شب نیمه شعبان یادآور میلاد اوّلین و آخرین امید همه انبیا و اولیای الهی است، علاوه بر آنکه به خودی خود دارای فضایل خاصّی می باشد. امام صادق علیه السلام فرمودند که از پدرشان درباره فضیلت شب نیمه شعبان پرسیدند. ایشان چنین اظهار فرمودند:

هِیَ اَفضَلُ لَیلَهٍ بَعدَ لَیلَهِ القَدرِ فیها یَمنَحُ اللهُ تَعالی العِبادَ فَضلَهُ وَ یَغفِرُ لَهُم بِمَنِّهِ فَاجتَهِدُوا فِی القُربَهِ اِلَی اللهِ فیها فإنَّها لَیلَهٌ آلَی اللهُ تَعالی عَلی نَفسِهِ اَن لا یُرُدَّ سائِلاً له فیها مالَم یَسأَل مَعصِیَهً... .(۲)ی.



---

۱- بحارالانوار، ج۹۷، ص۳۴۹.

۲- همان، ص۸۵، ح۵، به نقل از امالی طوسی.

آن شب بهترین شب پس از شب قدر است که خدای متعال فضل خویش را به بندگان عنایت می فرماید و آنها را از روی منّت خویش می آمرزد. پس در تقرّب جستن به سوی خداوند در آن بکوشید، زیرا آن شبی است که خدای متعال به ذات مقدّسش سوگند خورده است که هیچ سؤال کننده ای را در آن رد نکند مادام که معصیتی را درخواست نکند... .

وعده ای که در این حدیث شریف مطرح شده این است که هیچ سائلی مادام که از خدا معصیتی را درخواست نکند، دست خالی نمی ماند. اگر قرار باشد که در شب نیمه شعبان دعای ما رد نشود و از درگاه خداوند ناامید برنگردیم، چه درخواستی مهمتر از رفع غیبت امام غایبمان وجود دارد که آن را از پروردگار طلب نماییم؟ اگر در هیچ شب و روزی در سال به یاد مولایمان نیستیم، لااقل در سالگرد میلادش جای خالی اش را حس کنیم و در کنار جشن و سرورها به خود آییم و از خود سؤال کنیم: چرا تاکنون کاری برای تعجیل فرجش انجام نداده ایم؟ آیا نُقل و شیرینی تنها درد غیبت امامان را التیام می بخشد؟ آیا چراغانی ها غم هزار و صد و هفتاد ساله مولایمان را از بین می برد؟! به چه دل خوش کرده ایم که اینقدر غافل هستیم؟! چرا دردمان نمی آید؟! چرا فکری برای اینکه خداوند زودتر امامان را برساند، نمی کنیم؟

اگر به تک تک ما علاقمندان به امام عصر علیه السلام - که در نیمه شعبان به خاطر سالروز میلادش جشن می گیریم - بگویند که خداوند تصدّق سر آن آقای مهربان، در شب میلادش یک دعای هرکدام از شما را مستجاب می فرماید و این همان وعده امام باقر علیه السلام است، در این صورت چند درصد از ما دوستان آن حضرت این دعای مستجاب را برای تعجیل فرج ایشان می خواهیم؟ آیا این امر را بر درخواست منافع شخصی خود ترجیح می دهیم؟ اگر واقعاً چنین است، خوشا به حالمان و گوارای وجودمان! ولی اگر چنین نیست وای به حالمان وافّ بر ما به خاطر این همه ناسپاسی از مهربانی های مولایمان که هرچه داریم از اوست ولی فراموشش میکنیم و آنگاه که در رحمت الهی به سوی ما گشوده می شود، به یاد فرج او نیستیم. به هر حال واقعاً مصداق قطعی ناشکری این است که در شب نیمه شعبان هم برای تعجیل در فرج مولایمان دعا

و اصـرار نکنیم. این دعا می توانـد به هر زبانی و بیانی مطرح شود، امّا دعای بسـیار زیبایی از بزرگان محدّثین شـیعه برای شـب نیمه شـعبان نقل شده که باید با تأمّل و حضور قلب کافی خوانده شود. خواندن این دعا به تصریح مرحوم شیخ طوسی در شب نیمه شعبان مستحب است.(۱) متن دعا در کتاب های متعـدّدی از جمله مفاتیـح الجنان مرحوم شـیخ عبّاس قمّی اعلی الله مقامه الشّریف آمده و در سال های اخیر شرح نسبتاً جامعی بر آن نگاشته شده است.(۲) ابتدای آن چنین است:

اللّهُمَّ بِحَقِّ لَیلَتِنا هذِهِ وَ مُوعُودِها.

## دعای روز دحوالارض

۱۰- یکی از مناسبت های مهمّ زمانی برای دعا در حقّ حضرت ولیّ عصر عجّل الله تعالی فرجه الشّریف، روز بیست و پنجم ماه ذیقعـده می باشـد که آن را روز «دحو الاـرض» می نامنـد. «دحو» به معنـای بسـط و گسترش دادن است و مراد از دحو الارض گسترش دادن زمین از زیر خانه کعبه است که نشانگر ابتـدای خلقت زمین می باشـد. فضایلی برای این روز نقل شـده از جمله اینکه روزه آن ثواب روزه شـصت مـاه را دارد.(۳) دعـای بسـیار پرمحتوایی در این روز وارد شـده که شامل درخواست تعجیل فرج حضرت بقیّه الله ارواحنا فداه می باشد. قسمتی از این دعای شریف چنین است:

اللّهُمَّ وَ عَجِّل فَرَجَ اَولِیـاءِکَ و اردُد عَلَیهِم مَظالِمَهُم وَ اَظهِر بِالحَقِّ قائِمَهُم وَاجعَلهُ لِدینِکَ مُنتَصِراً وَ بِأَمرِکَ فی اَعـداءِکَ مُؤتَمَراً اللهُمَّ احفُفهُ بِمَلائِکَهِ النَّصرِ وَ بِما اَلقَیتَ عَلَیهِ مِنَ الأمرِ فی لَیلَهِ القَدرِ مُنتَقِماً لَکَ حَتّی تَرضی وَ یَعُودَ دینُکَ بِهِ وَ عَلی یَدَیهِ جَدیداً غَضّاً و یَمحَضَ الحَقَّ ۱.

ص: ۲۰۰

---

۱- المصباح المتهجّد، ص۷۷۳.

۲- کتاب «سوگند به نور شب تاب» اثر محقّق دانشمند جناب آقای سیّد مجتبی بحرینی.

۳- بحارالانوار، ج۹۷، باب ۶۳، ح ۱.

مَحضاً وَ یَرفِضَ الباطِلَ رَفضاً.(۱)

و خدایا در فرج اولیای خود تعجیل فرما و حقوق از دست رفته آنان را به ایشان باز گردان و قائم ایشان را با حقّ آشکار گردان و او را پیروز کننده دینت قرار ده و امر خود را به سبب او در حقّ دشمنانت نافذ قرار ده. خدایا او را با فرشتگان یاری دهنده و اموری که در شب قدر به او القا فرموده ای احاطه فرما، تا انتقام تو را (از دشمنانت) بگیرد تا اینکه راضی و خشنود شوی و دینت به واسطه او و به دست او تازه و نو شود و حقّ را خالص گرداند و باطل را برای همیشه کنار گذارد.

چه خوب است که دوستداران حضرت از خواندن این دعای شریف در این روز عزیز غفلت ننمایند.

### دعا در روز عاشورا

۱۱- از روزهایی که تعلّق خاص به وجود مقدّس امام زمان علیه السلام دارد، روز دهم محرّم الحرام یعنی عاشورای حسینی علیه السلام است. در حدیثی از حضرت باقر العلوم علیه السلام نقل شده که فرمودند: مؤمنان در روز عاشورا وقتی یکدیگر را ملاقات می کنند، با این عبارات به هم تسلیت بگویند:

عَظَّمَ اللهُ اُجُورَنا بِمُصابِنا بِالحُسَینِ علیه السّلام وَ جَعَلَنا و ایّاکُم مِنَ الطّالِبینَ بِثارِهِ مَعَ وَلیِّهِ الاِمامِ المَهدیِّ مِن آلِ مُحمّدٍ صلَّی الله علیه و آله.(۲) خداوند پاداش های ما را به خاطر مصیبتمان به جهت (امام) حسین علیه السلام بزرگ بدارد و ما و شما را از خونخواهان آن حضرت به همراه ولیّش امام مهدی علیه السلام از آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم قرار دهد.

«ثار» به معنای خون است و «طلب ثار» یعنی خونخواهی. وقتی کسی به ناحق۹.

ص: ۲۰۱

---

۱- البلد الامین، ص۲۴۳.

۲- کامل الزّیارات، باب ۷۱، ح۹.

کشته می شود، اولیای دم او صاحبان خونش هستند که از طرف خداوند حقّ انتقام گرفتن از قاتل ظالم را دارند. خدای متعال در قرآن کریم می فرماید:

مَن قُتِلَ مَظلُوماً فَقَد جَعَلنا لِولِیِّهِ سُلطاناً.(۱)

هرکس مظلوم کشته شود، برای ولیّ او (نسبت به قاتل) سلطه قرار دادیم.

نکته ای که باید مورد توجّه قرار گیرد این است که انتقام خون ابی عبدالله الحسین علیه السلام یک امر الهی است و جنبه تصفیه حساب و تشفّی خاطر شخصی برای هیچکس ندارد، یعنی این انتقام گرفتن مانند انتقام هایی که بعضی افراد در دنیا - به خاطر بغض و کینه مادّی شخصی - از یکدیگر می گیرند، نیست و صرفاً جنبه الهی دارد و در حقیقت یک کار خدایی است نه بشری.

### خداوند: طالب خون حسین علیه السلام

با این توضیح می توانیم ادّعا کنیم که اوّلین ولیّ دم سیّدالشّهداء علیه السلام در حقیقت خود خداوند است. ما به معنای واقعی کلمه خدای متعال را طالب حقیقی خون ابی عبدالله الحسین علیه السلام می دانیم. در برخی از احادیث قدسی هم به این معنا تصریح شده که انتقام گیرنده از قاتل آن حضرت خود خداوند است. پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم فرمودند:

وقتی حضرت موسی علیه السلام برادرش هارون را از دست داد، از خدا برای او طلب مغفرت نمود. خداوند متعال در پاسخ به موسی علیه السلام وحی فرمود:

یا موسی لَو سَأَلتَنی فی الأَوَّلینَ وَ الآخِرینَ لَاَجَبتُکَ ما خَلا قاتِلِ الحُسَینِ بنِ عَلیِّ بنِ اَبی طالبٍ علیهما السلام فَإنّی أنتَقِمُ لَهُ مِن قاتِلِه.(۲)

ای موسی اگر درباره اوّلین و آخرین از من چیزی بخواهی، تو را اجابت می کنم جز قاتل حسین بن علیّ بن ابی طالب علیهما السلام که من از قاتلش انتقام می گیرم.

ملاحظه می شود که خداوند متعال خود را انتقام گیرنده خون ابی عبدالله۹.



---

۱- اسراء/۳۳.

۲- عیون اخبار الرّضا علیه السلام، ج۲، ص۴۷، ح۱۷۹.

الحسین علیه السلام معرّفی فرموده و شاید وجه تسمیه آن حضرت به «ثارالله» همین مطلب باشد.(۱) در زیارت روز عاشورای آن حضرت - که الفاظش حدیث قدسی است - خطاب به ایشان می گوییم:

السّلامُ عَلَیکَ یا ثارَ اللهِ وَابنَ ثارِهِ.(۲)

با این عنایت تعبیر «ثار الله» یعنی خونی که صاحب و مالکش خداست، همان معنایی که از ولیّ دم اراده می شود. البتّه تعبیر «ابن ثاره» هم دلالت دارد بر اینکه مالک و ولیّ خون به ناحقّ ریخته امیرالمؤمنین علیه السلام هم خود خداست.

با این ترتیب اضافه کلمه «ثار» به «الله» از قبیل اضافه یک چیز به مالک و صاحب اختیار آن است و لذا در ترجمه فارسی آن به «خون خدا» باید توجّه شود که معنای نادرستی از آن برداشت نشود. پس خدای متعال اوّلین طالب خون مطهّر سیّدالشّهداء علیه السلام است.

### امام عصر علیه السلام: خونخواه ابی عبدالله الحسین علیه السلام

دومین خونخواه، آن کسی است که خداوند به دست او از کشندگان سیّدالشّهداء علیه السلام خونخواهی می فرماید. این وجود مقدّس را خدای متعال در زمان های مختلف معرّفی کرده است. یکی از این مواقع، عصر روز عاشورای سال ۶۱ هجری بود که امام صادق علیه السلام در این مورد چنین فرمودند:

لمّا کانَ مِن اَمرِ الحُسَینِ علیه السلام ما کانَ ضَجَّتِ المَلائِکَةُ اِلَی اللهِ بِالبُکاءِ وَ قالَت یا رَبِّ هذَا الحُسَینُ علیه السلام صَفِیُّکَ وابنُ بِنتِ نَبِیِّکَ... فَاَقامَ اللهُ ظِلَّ القائِمِ علیه السلام وَ قالَ بِهذا اَنتَقِمُ لِهذا.(۳)۷.

ص: ۲۰۳

---

۱- این نکته را مرحوم صاحب مکیال المکارم در جلد دوم کتابش، ص ۴۵۸، تذکّر فرموده اند رحمه الله علیه.
۲- کامل الزّیارات، باب ۷۱، ح۹.
۳- اللّهوف علی قتلی الطّفوف، ص ۱۲۷.

وقتی کار حسین علیه السلام تمام شد (به شهادت رسید) فرشتگان گریه کنان به ضجّه در آمدند و عرضه داشتند: پروردگارا این حسین علیه السلام برگزیده تو و پسر دختر پیامبرت است!... پس خداوند نور قائم علیه السلام را اقامه فرمود و گفت: به این (قائم) انتقام این (شهید) را می گیرم.

طبق این حدیث شریف و امثال آن که مکرّر در فرمایشات اهل بیت علیهم السلام آمده است، حضرت مهدی موعود عجّل الله تعالی فرجه الشّریف از جانب خدای متعال طالب خون جدّ شهیدش می باشد و خداوند عمل این بنده برگزیده و معصومش را به خود نسبت داده است.

### مؤمنان: طلب کنندگان خون امام حسین علیه السلام

امّا طالب خون مقدّس سیّدالشّهداء علیه السلام فقط خدا و امام زمان علیه السلام نیستند، بلکه در مرتبه سوم، یاران و اصحاب قائم علیه السلام می باشند که به همراه مولایشان به خونخواهی از سرور شهیدان عالم قیام می کنند. مطابق آنچه در احادیث آمده، شعار امام عصر علیه السلام در هنگام ظهور و شعار یاران ایشان «یا لَثاراتِ الحُسَین» است. امام صادق علیه السلام در توصیف یاران حضرت بقیّه الله ارواحنا فداه فرمودند:

یَتَمَنَّونَ اَن یُقتَلُوا فی سَبیلِ اللهِ شِعارُهُم یا لَثاراتِ الحُسَینِ علیه السلام ... بِهِم یَنصُرُ اللهُ اِمامَ الحَقِّ.(۱)

آرزو می کنند که در راه خدا کشته شوند، شعارشان «یا لَثارات الحسین» است... خداوند بوسیله ایشان امام حقّ را یاری می فرماید.

شعار «یا لثارات الحسین» نشانگر این حقیقت است که طلب خون امام حسین علیه السلام در رأس اهداف قیام جهانی حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشّریف می باشد.

حال اگر کسی توفیق طلب خون مطهّر سیّدالشّهداء علیه السلام را پیدا کند، می تواند خود را پس از خدا و ائمّه طاهرین علیهم السلام ولیّ دم امام حسین علیه السلام بداند. چنین کسی می تواند۲.



---

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۳۰۸، ح۸۲.

خون آن حضرت را به خود منسوب کرده و بگوید: «ثاری» و مقصودش این باشد که او خود صاحب و ولیّ دم مولای شهیدش حضرت حسین بن علی علیهما السلام است. به این عبارت زیبا از زیارت عاشورا توجّه فرمایید:

اَسأَلُهُ... اَن یَرزُقَنی طَلَبَ ثاری مَعَ اِمامٍ مَهدِیٍّ ظاهِرٍ ناطقٍ مِنکُم.(۱)

از او (خداوند) درخواست می کنم ... که طلب خون خودم را همراه با امام مهدی (یا هدایت شده) آشکار و ناطق از شما (اهل بیت علیهم السلام) روزیم نماید.

اینکه کلمه «ثار» به یاء متکلّم اضافه شده می تواند به این معنا باشد که زائر امام حسین علیه السلام، خود را صاحب خون آن حضرت و یکی از اولیای دم ایشان می شناسد و از خداوند می خواهد که آرزوی خونخواهی آن حضرت را نصیبش فرماید.

حقیقت مهمّی که به ما مؤمنان اجازه می دهد خود را ولیّ دم ابی عبدالله الحسین علیه السلام بدانیم، این است که طبق بیانات نورانی ائمّه طاهرین، امام علیه السلام پدر واقعی همه مؤمنان هستند و کسی که پدرش مظلومانه به قتل رسیده است، می تواند خود را صاحب خون به ناحق ریخته پدر بداند. یا چنین اعتقادی است که هر مؤمن امام شناس می تواند خون مطهّر سیّدالشّهداء علیه السلام را به خود منسوب نماید و تعبیر «طلب ثاری» را در زیارت عاشورا به کار ببرد.

اکنون سؤال این است که: آیا این خونخواهی به زمان ظهور امام عصر علیه السلام اختصاص دارد یا تحقّق آن در زمان غیبت ایشان هم امکان پذیر است؟

نکته زیبا و لطیفی که در کتاب ارزشمند «مکیال المکارم» مطرح شده، پاسخ خوبی به این پرسش می باشد. خلاصه فرمایش ایشان این است که انجام هر عملی که اسباب خونخواهی سیّدالشّهداء علیه السلام را فراهم نماید، مصداق طلب کردن خون آن حضرت است و با این همه تأکیدی که بر دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام و تأثیر آن در جلو افتادن ظهور ایشان صورت گرفته، قطعاً این دعا مصداق طلب خون سیّدالشّهداء علیه السلام خواهد بود.(۲)۵



---

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص۲۹۵.
۲- مکیال المکارم، ج ۱، ص۴۹۵.

بـا این توضـیحات روشن می شـود دعـایی که – به تعلیم امـام بـاقر علیه السـلام – مؤمنـان در روز عـاشورا به عنـوان تسـلیت به یکـدیگر می گوینـد، چه دعای با عظمت و عجیبی است. وقتی می گوییم: عَظَّمَ اللهُ اُجُورَنا بِمُصابِنا بِالحُسَـینِ علیه السـلام... در حقیقت خود را به خـاطر آنچه بر ابی عبـدالله الحسـین علیه السـلام گذشـته است، مصـیبت زده و صاحب عزا می دانیم، لـذا هر مؤمنی دیگری را در تحمّـل این مصـائب مأجور دانسـته و از خداونـد بزرگـداشت این اجر را طلب می کنـد. و وقتی اضافه می کنیم:

وَ جَعَلَنا وَ اِیّاکُم مِنَ الطّالِبینَ بِثارِهِ مَعَ وَلِیِّهِ الامامِ المَهدیِّ مِن آلِ مُحَمَّدٍ صلّی الله علیه و آله و سلّم.

بزرگ ترین آرزوی خود را در زمـان ظهور امام عصـر علیه السـلام از خداونـد مسألت می کنیم. امّا با توجّه به نکته پیش گفته می توانیم در همین روز عـاشورا طلب کردن خون سیّدالشّـهداء علیه السـلام را جـامه عمـل بپوشانیم و این کار با دعا بر تعجیل فرج منتقم ابی عبدالله الحسین علیه السلام محقّق می شود.

به فرمایش صاحب مکیال المکارم، اگر دعا برای تعجیل فرج امام زمان علیه السـلام هیچ ثوابی جز همین فضـیلت نداشته باشد، از جهت فضل و شـرف کفایت می کنـد و چگونه چنین نباشد، در حالی که فضـیلت طلب خون سیّدالشّـهداء علیه السـلام قابل احصا و پاداش آن قابل محاسبه نیست؟!(۱)

### بهترین عمل در روز عاشورا

علاوه بر این خوب است بدانیم که بنابر برخی از روایات روز عاشورا به عنوان روز ظهور امام زمان علیه السـلام مشـخّص شده است. از امام صادق علیه السلام منقول است که فرمودند:

یَقُومُ فی یَومِ عاشوراءَ وَ هُوَ الیَومُ الَّذی قُتِلَ فیهِ الحُسَینُ بنُ عَلیٍّ علیهما السلام.(۲)۹.

ص: ۲۰۶

---

۱– همان، ص ۴۵۷.

۲– ارشاد مفید، ج۲، ص ۳۷۹.

(قائم علیه السلام) در روز عاشورا - همان روزی که حسین بن علی علیهما السلام در آن کشته شدند - قیام می کند.

در این حدیث روز عاشورا به عنوان روز قیام امام عصر علیه السلام مقدّر شده، امّا در عین حال به سبب بدایی بودن زمان ظهور، این تقدیر الهی دست خدا را نمی بندد و روز آن قابل تغییر می باشد. با این وجود امید ما به قیام حضرت مهدی علیه السلام در روز عاشورا به خاطر این حدیث شریف زیاد است و این خود انگیزه دیگری برای دعا در حقّ آن حضرت و درخواست تعجیل در فرجشان می باشد.

با مراجعه به اعمالی که ائمّه طاهرین علیهم السلام برای روز عاشورا تعیین فرموده اند، می بینیم که تأکید زیادی بر دعای تعجیل فرج با بیانی که حاکی از سوز دل آن بزرگواران است، به چشم می خورد. ما در این جا به نمونه ای از این دعاها اشاره می کنیم. عبدالله بن سنان می گوید: روز عاشورا به محضر آقایم امام جعفر صادق علیه السلام شرفیاب شدم. ایشان را با رنگ و رویی گرفته و ظاهری غمگین یافتم در حالی که از چشمان مبارکشان اشک همچون دُر سرازیر بود. عرض کردم: ای پسر رسول خدا! گریه شما به خاطر چیست؟ خداوند چشمانتان را گریان نکند. ایشان به من فرمودند:

آیا غافل هستی؟ نمی دانی که در یک چنین روزی حسین بن علی علیهما السلام به شهادت رسید؟!

آنگاه پس از بیان مطالبی فرمودند:

در یک چنین ساعتی از روز عاشورا جنگ از خاندان رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم برطرف گردید و آتش آن خاموش شد در حالی که سی نفر از آنها در میان عزیزانشان به زمین افتاده بودند که این امر بر رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم گران و سخت بود و اگر ایشان آن روز در دنیا زنده بودند، به خاطر آنان عزادار بودند.

این جا امام صادق علیه السلام چنان گریستند که محاسن شریفشان به اشک های چشمشان تر شد. سپس در ادامه فرمایشات خود به عبدالله بن سنان فرمودند:

بهترین عملی که می توان در این روز انجام دهی این است که لباس های پاک بپوشی و دکمه های آن را نبندی و آستین های آن را تا آرنج بالا بزنی، درست

مانند مصیب دیدگان؛ سپس به یک زمین خالی و متروکه یا جایی که کسی ترا نبیند یا به یک منزل خالی یا مکان خلوتی می روی در اواسط روز (حوالی ظهر)؛ آنگاه چهار رکعت نماز با رکوع و سجود نیکو می خوانی که پس از هر دو رکعت آن سلام می دهی. در رکعت اوّل سوره حمد و «قل یا ایّها الکافرون» و رکعت دوم حمد و «قل هو الله احد»، دو رکعت بعدی، رکعت اوّل حمد و سوزه احزاب و رکعت دوم حمد و سوره «اذا جاءک المنافقون» یا هرچه از قرآن میسّر شد، می خوانی. سپس سلام می دهی و رو به سوی قبر و مرقد شریف حسین علیه السلام می کنی و قتلگاه ایشان و فرزندان و نزدیکانش را در نظر خود مجسّم می کنی و به ایشان سلام می دهی و درود می فرستی و کشندگان او را لعنت می کنی و از کارهایشان بیزاری می جویی، خدای عزّ و جلّ به سبب این اعمال، تو را به درجات بالای بهشت می رساند و گناهانت را می ریزد. سپس از مکانی که هستی – هرجا که باشد – قدم هایی بر می داری و در حال حرکت می گویی:

إنّا لِلّهِ و إنّا الیه راجِعُونَ رِضیً بِقَضائِهِ وَ تَسلیماً لِاَمرِهِ.

و باید در این کارها حالت غم و اندوه داشته باشی و ذکر خدای سبحان و کلمه استرجاع (اِنّا للهِ و اِنا الیهِ راجِعونَ) را زیاد داشته باش، پس وقتی همه این کارها را انجام دادی، در محلّی که نماز خواندی بایست و بگو:

اللّهُمَّ عَذِّبِ الفَجَرَةَ الَّذینَ شاقُّوا رَسُولَکَ... .

در چند قسمت از این دعا، درخواست تعجیل فرج برای آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم مطرح شده که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

اللّهُمَّ وَ عَجِّل فَرَجَ آلِ مُحمَّدٍ... وافتَح لَهُم فَتحاً یَسیراً وَ اَتِح لَهُم رَوحاً وَ فَرَجاً قَریباً... .

آنگاه دست هایت را بالا بگیر و به حال قنوت بخوان:

... اللّهُمَّ اِنَّ سُنَّتَکَ ضائِعَهٌ وَ اَحکامَکَ مُعَطَّلَهٌ وَ عِترَهَ نَبِیِّکَ فی الَارضِ

ص: ۲۰۸

هائِمَهُ اللهُمَّ فَأَعِنِ الحَقَّ وَ أَهلَهُ وَ اقمَعِ الباطِلَ وَ اَهلَه وَ مَنَّ عَلَينا بالنَّجاهِ... وَ عَجِّل فَرَجَنا وانظِمهُ بِفَرَجِ اَولِياءِکَ... .

خدایا به سنّت تو عمل نمی شود و احکامت تعطیل است و عترت پیامبرت در زمین سرگردانند، خدایا پس حقّ و اهلش را یاری فرما و باطل و اهلش را ریشه کن نما و با نجات دادن (ما) بر ما منّت بگذار ... و در فرج ما تعجیل فرما و آن را با فرج دوستانت مرتّ کن (یعنی با فرج ما فرج دوستانت را هم برسان)... .

اللّهُمَّ وَضاعِف صَلَواتِکَ وَ رَحمَتَکَ وَ بَرَکاتِکَ عَلی عِترَهِ نَبِیِّکَ العِترَهِ الضّائِعَهِ الخائِفَهِ المُستَذَلَّهِ ... وَاجعَل لَهُم ایّاماً مَشهُودَهً وَ اَوقاتاً مَحمُودَهً مَسعُودَهً یُوشِکُ فیها فَرَجُهُم وَ تُوجِبُ فیها تَمکینَهُم و نَصرَهُم کَما ضَمِنتَ لِاَولِیاءِکَ فی کِتابِکَ المُنزَلِ فإنَّکَ قُلتَ وَ قَولُکَ الحَقُّ: وَعَدَ اللهُ الَّذینَ آمَنُوا مِنکُم وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ... .(۱)

خدایا و صلوات و رحمت و برکات خود را بر عترت پیامبرت، همان عترتی که حقّشان ادا نمی گردد و در حال ترس زندگی می کنند و نزد دیگران ذلیل انگاشته می شوند... و برای ایشان روزگاری که شاهدش باشند و زمان های نیکو و سعادتمند را قرار بده که فرج آنها در آن ایّام نزدیک باشد و آنها را (برای اجرای دین) قدرت بدهی و یاری فرمایی همان طور که به اولیای خود در کتاب نازل شده ات ضمانت فرموده ای و گفته ای در حالی که گفتارت حقّ است: وَعَدَ اللهُ الَّذینَ آمَنُوا... .

پس از اتمام دعای در حال قنوت، فرمودند:

صورت خود را بر زمین (خاک) بگذار و بگو:

... فَعَجِّل یا مَولایَ فَرَجَهُم وَ فَرَجَنا بِهِم فَإنَّکَ ضَمِنتَ اِعزازَهُم بَعدَ الذِّلَّهِ... .۵

ص: ۲۰۹

---

۱- نور/۵۵.

پس ای مولای من در فرج ایشان (عترت پیامبرت) و فرج ما به سبب ایشان تعجیل فرما چرا که تو عزیز داشتن ایشان را پس از ذلّت ضمانت فرموده ای. سپس فرمودند:

سَرَت را به سوی آسمان بلند کن و بگو:

أعُوذُ بِکَ مِن اَن اَکُونَ مِنَ الَّذینَ لا یَرجُونَ اَیّامَکَ فَأَعِذنی یا إلهی بِرَحمَتِکَ مِن ذلِکَ.

به تو پناه می برم از اینکه جزء کسانی باشم که امید به روزگارت (روزگار غلبه اولیای خدا بر دشمنانش) ندارند، پس با رحمت خود مرا از اینکه این گونه باشم، پناه بده.

امام علیه السلام در پایان فرمایش خویش فضایل فراوانی برای کسی که این نماز و دعا را بخواند، بیان فرمودند،(۱) مرحوم علّامه مجلسی پس از نقل این حدیث شریف می فرماید: مرحوم سیّدبن طاووس عین آن را در «مصباح الزّائر» نقل فرموده امّا در کتاب «اقبال الاعمال» حدیث عبدالله بن سنان را به صورت دیگری نقل کرده است. سپس ایشان نقل دوم را هم از سیّد آورده است تا هرکس بتواند به هرکدام که خواهد عمل کند یا به خاطر رعایت احتیاط به هر دو عمل نماید.(۲)

نقل دوم مرحوم سیّد شامل هزار بار لعن قاتل سیّدالشّهداء علیه السلام است که در نقل اوّل چنین چیزی نبود. امّا دعاهایی که شامل درخواست تعجیل فرج قائم آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم هست یا عیناً و یا با عباراتی شبیه نقل اوّل، در آن آمده است. یکی از تعابیری که در این نقل دوم متفاوت با اوّلی است، این است که وقتی تعجیل فرج اهل بیت علیهم السلام را از خدا خواسته اند، چنین دعا کرده اند:

وَعَجِّل فَرَجَنا بِالقائِمِ علیه السلام ... .(۳)ل.



---

۱- بحارالانوار، ج۱۰۱، ص۳۰۳ تا ۳۰۷، به نقل از المصباح شیخ طوسی.

۲- همان، ص۳۰۹.

۳- بحارالانوار، ج۱۰۱، ص۳۱۱، به نقل از اقبال الاعمال.

به هر حال هر دو نقل مستند و معتبر است و به هر یک عمل شود مناسب است، کسی هم که اهل احتیاط باشد، می تواند به هر دو عمل کند. ما اعمال مربوط به هر دو را در بخش سوم به طور کامل ذکر خواهیم کرد.

نکات مهمّی در این حدیث شریف وجود دارد که برای دوستداران حضرت بقیّه الله الاعظم ارواحنا فداه قابل تأمّل می باشد. یکی از این نکات اوصافی است که برای عترت پاک پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم به کار رفته است. یکجا «عِترَه نَبِیِّکَ فی الاَرضِ هائِمَهٌ» تعبیر کرده اند، یعنی سرگردان بودن عترت در زمین. جای دیگر عبارت «الضّائِعَه الخائِفَه المستَذَّه» را به کار برده اند، یعنی عترتی که حقوقشان تضییع شده و با ترس زندگی می کنند و دیگران آنان را ذلیل می انگارند. اینها اوصاف اهل بیت پاک پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم پیش از ظهور قائم ایشان علیه السلام است و خود امام زمان علیه السلام که تنها باقی مانده از این عترت برگزیده الهی هستند، بیش از ۱۱۷۰ سال است که با این وضعیّت روزگار می گذرانند. شاید بتوان گفت که ایشان در هر عاشورای این سال های طولانی به فرمایش جدّشان امام صادق علیه السلام عمل کرده و از خداوند با همین عبارات سوزناک تعجیل فرجشان را درخواست کرده اند. در حقیقت در هر روز عاشورا مصیبت های آن حضرت تازه شده و غم و غصّه های قلب مبارکشان بیشتر و شدیدتر می گردد. با این وضعیّت آیا دوستان ایشان نباید همّ و غمّ خود را در مناسبت های مختلف سال به خصوص ایّام عاشورای حسینی، بر دعا برای تعجیل فرج محبوبشان متمرکز کنند و مجالس عزاداری حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام را به مجالس گریه و ضجّه برای رفع حزن و اندوه امام خائف خود تبدیل نمایند؟ راستی اگر ذرّه ای از غم جانسوزی که مولایمان در عاشورای حسینی متحمّل می شود را درک می کردیم، همه خواسته های خود را فراموش می کردیم و با دل های داغدار در مصیبت شهدای کربلا فقط برای ظهور منجی عالم دعا می کردیم!

ص: ۲۱۱

### ۵- دعا در مکان های مناسب

#### اشاره

همان طور که در بخش اوّل کتاب گذشت، همه مکان ها از جهت امکان استجابت دعا یکسان نیستند و برخی از آنها به خاطر شرافتی که دارند، بر دیگر مکان ها برتری دارند. ما در این جا به ذکر نمونه های محدودی از این امکنه اکتفا می نماییم.

#### دعا در مسجدالحرام

۱- یکی از بهترین مکان ها برای استجابت دعا مسجدالحرام در کنار خانه کعبه می باشد. در این مکان مقدّس مولای غریبمان فرج خود را از خداوند درخواست نموده است. از نایب دوم آن حضرت جناب محمّد بن عثمان عمروی نقل شده که ایشان آخرین بار امام علیه السلام را در کنار کعبه مشاهده نموده در حالی که این گونه دعا می فرمودند:

اَللّهُمَّ اَنجِز لی ما وَعَدتَنی.(۱)

خدایا آنچه وعده ام فرموده ای، برایم محقّق فرما.

چنانچه در گذشته بیان گردید، از بهترین موقعیّت های کنار کعبه، گرفتن پرده آن همراه با چسباندن خود به «مستجار» یا «ملتزَم» می باشد که حضرت رضا علیه السلام درباره آن فرمودند:

...قِف عِندَ المُستَجارِ وَ تَعَلَّق بِاَستارِ الکَعبَهِ وادعُ اللّهُ کثیراً وَ اَلِحَّ عَلَیهِ وَ سَل حَوائِجَ الدُّنیا وَ الآخِرَهِ فإنّه قَریبٌ مُجیبٌ.(۲)

نزد مستجار بایست و خود را به پرده های کعبه بیاویز و بسیار خدا را بخوان و بر آن اصرار کن و نیازهای دنیا و آخرت را طلب کن که او (خداوند) نزدیک و اجابت کننده است.

طبق این فرمایش، کنار مستجار محلّ دعای کثیر و اصرار بر آن است که امکانم.

ص: ۲۱۲

---

۱- کمال الدّین، باب ۴۳، ح۹.

۲- بحارالانوار، ج۹۹، ص۱۹۶، ح۸، به نقل از فقه الرّضا علیه السلام.

اجابت آن بسیار بالاست. نایب خاصّ حضرت، جناب محمّد بن عثمان عمروی می گوید:

امام زمان علیه السلام را - در حالی که خود را در مستجار به پرده های کعبه آویخته بودند - دیدم که چنین دعا می کردند:

اللّهُمَّ انتَقِم لی مِن اَعدائِی.(۱)

خدایا انتقام مرا از دشمنانم بگیر.

این نایب بزرگوار حضرت که دو بار ایشان را در حال دعا برای تعجیل فرج کنار کعبه مشاهده نموده، قبل از سال ۲۶۷ هجری قمری به سفارت امام علیه السلام منصوب شده و تا حدود ۴۰ سال این مقام را واجد بوده است.(۲) از آن سال ها تاکنون که نزدیک به ۱۱۰۰ سال می گذرد علی القاعده این امر استمرار داشته و می توان با احتمال قریب به یقین ادّعا کرد که آن امام بزرگوار در این یازده قرن مکرّر در کنار کعبه برای تعجیل فرجشان دعا کرده اند. چه خوب است که اگر برای یکی از دوستان ایشان امکان تشرّف به بیت الله الحرام پیدا شد، در کنار مستجار با تأسّی به خود امام علیه السلام، برای جلو افتادن ظهور ایشان با حالت اصرار و الحاح دعا کند و ولیّ نعمت خویش را فراموش ننماید.

نقطه دیگری از مسجدالحرام که بر دعا در آن تأکید زیادی صورت گرفته، حِجر اسماعیل به خصوص زیر ناودان کعبه است که امام هشتم علیه السلام درباره آن فرموده اند:

... تَعَمَّد تَحتَ المیزابِ وَادعُ عِندَهُ کثیراً.(۳)

... زیر ناودان را قصد کن و نزد آن زیاد دعا کن.

پیش از هرکس، نواده بزرگوار امام رضا علیه السلام یعنی وجود مقدّس حضرت مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشّریف به این سفارش عمل کرده اند. ابونعیم انصاری ایشان را داخل حجر اسماعیل زیر ناودان در حال سجده مشاهده نموده که چنین دعا می کردند:م.

ص: ۲۱۳

---

۱- کمال الدّین، باب ۴۳، ح ۱۰.
۲- حدیث دو سفیر، ص ۸۱.
۳- بحارالانوار، ج۹۹، ص ۲۳۰، ح۴، به نقل از فقه الرّضا علیه السلام.

عُبیدُکَ بِفِناءِکَ سائِلُکَ بِفِناءِکَ یَسأَلُکَ ما لا یَقدِرُ علیه غَیرُکَ.(۱)

بنده کوچکت به درگاهت آمده، گدای تو به درگاهت آمده، از تو چیزی را می خواهد که غیر تو بر انجام آن قدرت ندارد.

ببینـد با چه لحن خاکسارانه و زیبایی از خداونـد طلب ظهورش را کرده است. آنچه هیچکس جز خداوند قدرت بر انجامش را نـدارد، در درجه اوّل اذن ظهور خود ایشـان می باشـد. این اجـازه فقـط در یـد قـدرت خداونـد است و تا او نخواهـد، امام علیه السـلام اقـدام به قیام نمی فرمایـد. پس اگر از خـدا چیزی را می خواهیم که فقط به دست او انجام شدنی است، باید بدانیم که اجازه ظهور حضرت از اهمّ مصادیق آن است.

امیدواریم خداوند منّان به لطف خویش به همه ما توفیق دعا بر تعجیل فرج - با همین الفاظی که خود حضـرت دعا کرده اند - زیر ناودان حجر اسماعیل عطا فرماید تا همنوا با آن گرامی به استقبال قیام با شکوهش به در خانه کعبه برویم.

### دعا در سرزمین عرفات

۲- مکـان دیگری که برای اسـتجابت دعا بسـیار مناسب و مطلوب است، سـرزمین مقـدّس عرفات می باشـد که حجّاج بیت الله الحرام در روز نُهم ذیحجّه از ظهر تا غروب در آن وقوف می کنند. این مکان به خصوص در عسـر روز عرفه مناسبت کاملی با دعـا بر تعجیل فرج امام عصـر علیه السـلام دارد. به برخی از این دعاها پیش از این (در مناسـبت روز عرفه) اشاره کردیم. آنچه اکنون یـادآوری می کنیم این است که بنـابر برخی احادیث، وجود مقـدّس امام علیه السـلام در مواقف حـج (از جمله عرفات) حضور دارند(۲) و در این صورت دعای حاجیان در حضور مولایشان برای تعجیل در فرج ایشان با حال و هوای خاصّی همراه می شود. نقل ماجرای تشرّف یکی از شیفتگان حضرت به محضرشان در عرفات بسیار شنیدنی است:).



---

۱- بحارالانوار، ج۹۹، ص۱۹۵، ح۷، به نقل از کمال الدّین.

۲- اصول کـافی، کتـاب الحجّه، بـابٌ فی الغیبه، ح۱۲ (نحوه دلاـلت این حـدیث شـریف بر مـدّعای مورد بحث در کتـاب «راز پنهانی و رمز پیدایی»، ص ۳۰ آمده است).

جناب حجّه الاسلام آقای قاضی زاهدی گلپایگانی گفت: من در تهران از جناب آقای حاج محمّد علی فشندی که یکی از اخیار تهران است، شنیدم که می گفت: من از اوّل جوانی مقیّد بودم که تا ممکن است گناه نکنم و آن قدر به حج بروم تا به محضر مولایم حضرت بقیّه الله روحی فداه مشرّف گردم. لذا سالها به همین آرزو به مکّه معظّمه مشرّف می شدم.

در یکی از این سالها که عهده دار پذیرایی جمعی از حجّاج هم بودم، شب هشتم ماه ذیحجّه با جمیع وسائل به صحرای عرفات رفتم تا بتوانم یک شب قبل از آنکه حجّاج به عرفات می روند، من برای زوّاری که با من بودند، جای بهتری تهیّه کنم. تقریباً عصر روز هفتم وقتی بارها را پیاده کردم و در یکی از آن چادرهایی که برای ما مهیّا شده بود مستقر شدم (و ضمناً متوجّه گردیده بودم که غیر از من هنوز کسی به عرفات نیامده) یکی از شرطه هایی که برای محافظت چادرها آنجا بود نزد من آمد و گفت: تو چرا امشب این همه وسایل را به این جا آورده ای، مگر نمی دانی ممکن است سارقین در این بیابان بیایند و وسایلت را ببرند؟! به هر حال حالا که آمده ای باید تا صبح بیدار بمانی و خودت از اموالت محافظت بکنی.

گفتم: مانعی ندارد، بیدار می مانم و خودم از اموالم محافظت می کنم. آن شب در آنجا مشغول عبادت و مناجات با خدا بودم و تا صبح بیدار ماندم تا آنکه نیمه های شب بود که دیدم سیّد بزرگواری که شال سبز به سر دارد، به در خیمه من آمد و مرا به اسم صدا زد و گفت: حاج محمّد علی سلامٌ علیکم، من جواب دادم و از جا برخاستم. او وارد خیمه شد و پس از چند لحظه جمعی از جوانها که هنوز تازه مو از صورتشان بیرون آمده بود مانند خدمتگزار به محضرش رسیدند. من ابتدا مقداری از آنها ترسیدم ولی پس از چند جمله که با آن آقا حرف زدم، محبّت او در دلم جای گرفت و به آنها اعتماد کردم، جوانها بیرون خیمه ایستاده بودند ولی آن سیّد داخل خیمه شده بود. او به من رو کرد و فرمود: حاج محمّد علی خوشا به حالت، خوشا به حالت. گفتم: چرا؟ فرمود: شبی در بیابان عرفات بیتوته کرده ای که جدّم حضرت سیّدالشّهداء

ابا عبدالله الحسین علیه السلام هم در این جا بیتوته کرده بود. گفتم: در این شب چه باید بکنیم؟

فرمود: دو رکعت نماز می خوانیم، پس از حمد یازده قل هو الله بخوان. لذا بلند شدیم و این کار را با آن آقا انجام دادیم، پس از نماز آن آقا یک دعایی خواند، که من از نظر مضامین مثلش را نشنیده بودم. حال خوشی داشت، اشک از دیدگانش جاری بود، من سعی کردم که آن دعا را حفظ کنم، آقا فرمود: این دعا مخصوص امام معصوم است و تو هم آن را فراموش خواهی کرد. سپس به آن آقا گفتم ببینید من توحیدم خوب است؟ فرمود: بگو. من هم به آیات آفاقیه و انفسیّه به وجود خدا استدلال کردم و گفتم: معتقدم که با این دلایل خدایی هست. فرمود: برای تو همین مقدار از خداشناسی کافی است. سپس اعتقادم را به مسئله ولایت برای آن آقا عرض کردم. فرمود: اعتقاد خوبی داری. بعد از آن سؤال کردم که: به نظر شما الآن امام زمان علیه السلام در کجاست؟ حضرت فرمود: الآن امام زمان در خیمه است.

سؤال کردم روز عرفه که می گویند حضرت ولیّ عصر علیه السلام در عرفات است در کجای عرفات می باشند؟ فرمود: حدود جبل الرّحمه. گفتم: اگر کسی آنجا برود آن حضرت را می بیند؟ فرمود: بله او را می بیند ولی نمی شناسد.

گفتم: آیا فردا شب که شب عرفه است حضرت ولیّ عصر عجّل الله تعالی فرجه الشّریف به خیمه های حجّاج تشریف می آورند و به آنها توجّهی دارند؟

فرمود: به خیمه شما می آید، زیرا شما فردا شب به عمویم حضرت ابوالفضل علیه السلام متوسّل می شوید. در این موقع آقا به من فرمودند: حاج محمّد علی چایی داری؟ (ناگهان متذکّر شدم که من همه چیز آورده ام ولی چایی نیاورده ام). عرض کردم: آقا اتّفاقاً چایی نیاورده ام و چقدر خوب شد که شما تذکّر دادید زیرا فردا می روم و برای مسافرین چایی تهیّه می کنم.

آقا فرمودند: حالا چایی با من و از خیمه بیرون رفتند مقداری که به صورت ظاهر چایی بود ولی وقتی دَم کردیم به قدری معطّر و شیرین بود که من یقین کردم آن چایی از چایی های دنیا نمی باشد آوردند و به من دادند. من از

آن چایی خوردم. بعد فرمودند: غذایی داری بخوریم؟ گفتم: بلی نان و پنیر هست. فرمودند: من پنیر نمی خورم. گفتم: ماست هم هست. فرمودند: بیاور، من مقداری نان و ماست خدمتش گذاشتم. او از آن نان و ماست میل فرمود. سپس به من فرمود: حاج محمّد علی به تو صد ریال (سعودی) می دهم، تو برای پدر من یک عمره بجا بیاور.

عرض کردم: چشم. اسم پدر شما چیست؟ فرمود: اسم پدرم سیّد حسن است. گفتم: اسم خودتان چیست؟

فرمودند: سیّد مهدی (پول را گرفتم) و در این موقع آقا از جا برخاست که برود، من بغل باز کردم و او را به عنوان معانقه در بغل گرفتم، وقتی خواستم صورتش را ببوسم، دیدم خال سیاه بسیار زیبایی روی گونه راستش قرار گرفته، لبهایم را روی آن خال گذاشتم و صورتش را بوسیدم.

پس از چند لحظه که او از من جدا شد، من در بیابات عرفات هرچه این طرف و آن طرف را نگاه کردم کسی را ندیدم. یک مرتبه متوجّه شدم که او حضرت بقیّه الله ارواحنا فداه بوده بخصوص که او اسم مرا می دانست، فارسی حرف می زد، نامش مهدی بود پس امام حسن عسکری بود!

بالاخره نشستم و زار زار گریه کردم، شرطه ها فکر می کردند که من خوابم برده و سارقین اثاثیه مرا برده اند، دور من جمع شدند؛ به آنها گفتم شب است، مشغول مناجات بودم گریه ام شدید شد.

فردای آن روز که اهل کاروان به عرفات آمدند من برای روحانی کاروان قضیّه را نقل کردم، او هم برای اهل کاروان جریان را شرح داد، در میان آنها شوری پیدا شد.

اوّل غروب شب عرفه نماز مغرب و عشا را خواندیم بعد از نماز با آنکه من به آنها نگفته بودم که آقا فرموده اند: فردا شب من به خیمه شما می آیم زیرا شما به عمویم حضرت عبّاس علیه السلام متوسّل می شویم، خود به خود روحانی کاروان روضه حضرت ابوالفضل علیه السلام را خواند، شوری برپا شده و اهل کاروان حال خوبی پیدا کرده بودند ولی من دائماً منتظر مقدم مقدّس حضر

بقیّه الله روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفدا بودم.

بالأخره نزدیک بود روضه تمام شود که من حوصله ام سر آمد. از میان مجلس برخاستم و از خیمه بیرون آمدم، دیدم حضرت ولیّ عصر روحی فداه بیرون خیمه ایستاده اند و به روضه گوش می دهند و گریه می کنند، خواستم داد بزنم و به مردم اعلام کنم که آقا این جاست. با دست اشاره کردند که چیزی نگو و در زبان من تصرّف فرمودند که من نتوانستم چیزی بگویم، من این طرف در خیمه ایستاده بودم و حضرت بقیّه الله روحی فداه آن طرف خیمه ایستاده بودند و هر دومان بر مصائب حضرت ابوالفضل علیه السلام گریه می کردیم و من قدرت نداشتم که حتّی یک قدم به طرف حضرت ولیّ عصر علیه السلام حرکت کنم. وقتی روضه تمام شد آن حضرت هم تشریف بردند.(۱)

## دعا در حرم مطهّر سامرّا و سرداب

۳- سومین مکان مقدّس برای دعا در حقّ حضرت ولیّ عصر عجّل الله تعالی فرجه الشّریف حرم مطهّر شهر مقدّس سامرّا است. این صحن و سرای ملکوتی منزل شخصی و خانه ملکی امام غریبان است که از پدران گرامی شان به ارث برده اند. هرچند که جای جای کره خاکی ملک طلق آن حضرت می باشد و همه ساکنان زمین مهمانان آن کریم به شمار می آیند، امّا حرم مطهّر سامّرا اختصاص بیشتری به آن عزیز دارد. این اختصاص از چند جهت است: یکی اینکه آنجا خانه پدری آن بزرگوار می باشد که در آن به دنیا آمده و بزرگ شده اند و طبیعتاً خاطرات زیادی از دوران کودکی خود در آن منزل دارند که تعلّق خاطرایشان را به آن مکان مقدّس بیشتر می کند. دوم اینکه مرقد مطهّر پدر و جدّ بزرگوار و نیز مادر گرامی شان در آن حرم شریف می باشد که به همین جهت قطعاً می توان گفت حضرتش برای زیارت قبور پدر و جدّ و مادرشان در آن مکان مکرّر حاضر شده و می شوند. سوم اینکه سرداب مطهّر ایشان در آن صحن و سراست۶.

ص: ۲۱۸

---

۱- کرامات الحسینیّه، ج۲، ص۱۹۱ تا ۱۹۶.

که در منابع تاریخی معتبر به عنوان یکی از محل های عبادت آن بزرگوار به ثبت رسیده و مورد علاقه خاصّ ایشان بوده و هست.

یکی از شیفتگان و دلدادگان آن عزیز سفر کرده که مقتدای بسیاری از امام شناسان زمان غیبت محسوب می شود، عالم بزرگوار شیعه و آن یگانه ای است که به سبب اُنس با حضرت بقیّه الله ارواحنا فداه، صدای ایشان برایش آشنا بود. او نقل می کند که در شب چهارشنبه سیزدهم ماه ذیقعده سال ۶۳۸ هجری قمری در سامرّا، به هنگام سحر، صدای دعای امام خود را شنیدم و آنچه به خاطرم ماند، این دعا بود:

وَ اَبقِهِم (أحیِهِم) فی عِزِّنا وَ مُلکِنا وَ سُلطانِنا وَ دَولَتِنا.(۱)

و آنان را در روزگار عزّت و پادشاهی و سلطنت و دولت ما باقی (زنده) بدار.

مرحوم سیّدبن طاووس عبارات قبل از این دعا را نقل نکرده تا روشن شود حضرت درباره چه کسانی دعا فرموده اند، امّا علی القاعده مرجع ضمیر «هُم» در عبارات ایشان، برخی یا همه دوستانشان هستند.

نقل دیگری هم از مرحوم سیّد مشهور است که علّامه میرزا حسین نوری آن را چنین حکایت فرموده است:

در ملحقات کتاب «انیس العابدین» مذکور است که نقل شده از ابن طاووس که او شنید در سحر در سرداب مقدّس از صاحب الامر علیه السلام که آن جناب می فرمود:

اللّهُمَّ اِنَّ شیعَتَنا خُلِقَت مِن شُعاعِ اَنوارِنا... وَ قَد فَعَلُوا ذُنُوباً کَثیرهً اتّکالاً عَلی حُبِّنا وَ وِلایَتِنا... .

امّا مؤلّف بزرگوار کتاب «نجم الثّاقب» پس از این نقل، می فرماید:

مؤلّف گوید: عبارت این دعا در مصنّفات جمله از متأخّرین از علّامه مجلسی و معاصرین به نحو دیگر نقل شده و در رساله «جنّه المأوی» اشکال کردم در صحّت نسبت اصل این واقعه به جهت نبودن آن در مصنّفات صاحب۴.

ص: ۲۱۹

---

۱- مهج الدّعوات، ص۵۲۴.

واقعه و مؤلّفات متأخّرین از او و کتب علّامه مجلسی و محدّثین معاصرین او بلکه احتمال دادم در آنجا این کلام مأخوذ باشد از کلام شیخ رجب برسی در «مشارق الانوار» ... و عصر او قریب عصر سیّد است و چنانچه از سیّد چنین عبارتی شایع بوده، او اولی بود به نقل از آن به جهت کثرت حرص او بر این مطالب و اطّلاع او بر شواهد بر آنها، اگرچه این نسبت بعید نیست از مقام سیّد.(۱)

برخی از عبارات دعای منقول در این حکایت با مضامین احادیث ائمّه علیهم السلام تطبیق می کند و برخی جملات آن به معنای ظاهرش مطابقت کامل با فرمایشات اهل بیت علیهما السلام ندارد،(۲) امّا صرف نظر از این امر با توجّه به تشکیک علّامه نوری رحمه الله در اسناد حکایت به جناب سیّد، دلیل کافی برای صحّت این نقل به طور قطعی وجود ندارد. البتّه همان طور که خود علّامه فرموده است، شنیدن دعای امام عصر علیه السلام از جناب سیّدبن طاووس استبعادی ندارد، بنابراین در عین آنکه به طور قطعی نمی توانیم انتساب این حکایت را به مرحوم سیّد نفی کنیم، امّا دلیل معتبری هم برای این اسناد نداریم. آنچه خود آن بزرگوار در کتاب «مهج الدّعوات» آورده همان است که نقل شد و از آن کثرت و شدّت علاقه پدر دلسوز امّت امام عصر علیه السلام به دوستان و شیعیانشان به خوبی فهمیده می شود.

اکنون سخن در این است که ما به دعا کردن امام عصر علیه السلام در حقّ دوستانشان یقین داریم و از مکان هایی که قطعاً محلّ دعای ایشان می باشد، سرداب مقدّس و حرم مطهّر عسکریّین علیهما السلام است. پس آیا شکر نعمت های بیکران امام زمان علیه السلام بر ما - که دعای حضرت تنها یکی از این نعمت هاست - اقتضا نمی کند که اگر روزی به آن صحن و سرای ملکوتی راه یافتیم، بیشترین همّ خود را برای دعا در حقّ ایشان به خصوص تعجیلد!



---

۱- نجم الثّاقب، ص ۴۵۴ تا ۴۵۶.

۲- نکته محلّ تأمّل این است که شیعیان معمولاً به خاطر اتّکال به محبّت و ولایت اهل بیت علیهم السلام دست به ارتکاب گناه نمی زنند، هرچند که در صورت انجام گناه امیدشان به شفاعت ائمّه علیهم السلام است امّا نه اینکه از ابتدا به سبب تکیه بر ولایت ایشان مرتکب گناه شوند، این دو نکته با هم تفاوت دارند!

فرجشان اختصاص دهیم؟

دعاهایی که به خواندن آنها در حرم و سرداب مطهّر سامرّا نقل شده، به خوبی شدّت اهتمام به این موضوع را می رساند. یک نمونه از این دعاها در پایان زیارتی است که برای هر دو امام بزرگوار - امام هادی و امام عسکری علیهما السلام - با هم نقل شده است. در این زیارت که از معصومین علیهم السلام نقل شده پس از درخواست انتقام الهی از ستمکاران در حقّ آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم:

اللّهُمَّ العَن ظالِمی آلِ مُحمَّدٍ حَقَّهُم وَانتَقِم مِنهُم... .

خدایا ستمکاران به حقوق آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم را از رحمت خود دور کن و از آنان انتقام بگیر... .

عرضه می داریم:

اللّهُمَّ عَجِّل فَرَجَ وَلِیِّکَ وابنِ وَلیِّکَ وَاجعَل فَرَجَنا مَعَ فَرَجِهِم یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ.(۱)

خدایا فرج ولیّت و پسر ولیّت را نزدیک فرما و فرج ما را با فرج ایشان (اهل بیت علیهم السلام) قرار بده، ای ارحم الرّاحمین.

نمونه دیگر در اواخر زیارت حضرت نرجس خاتون علیها السلام آمده است که عرضه می داریم:

اللّهمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلی مُحمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّل لَهُم بِانتِقامِکَ.(۲)

خدایا بحقّ محمّد و آل محمّد بر محمّد و آل محمّد درود بفرست و انتقام گیری خود برای ایشان (از دشمنانشان) را تعجیل بفرما.

انسان وقتی خود را در کنار قبر پدر و مادر امام زمانش می بیند، حیفش می آید که برای تعجیل فرج یگانه فرزندشان که سال ها - بلکه قرن ها - در انتظار اذن خداوندر.



---

۱- کامل الزّیارات، باب ۱۰۳، ح ۱.

۲- بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۷۱، به نقل از مصباح الزّائر.

برای ظهورش است، دعـا نکنـد. ما یقین داریم که پاها و بـدن مطهّر آن یگانه امام و ذخیره خداونـد روی زمین بارها و بارها – در طـول بیش از یـازده قرن – کنـار مرقـد مطهّر حضـرت نرجس خـاتون را مبـارک کرده است و چه فرصت خوبی است برای عاشقان ولیّ عصر عجّل الله تعالی فرجه الشّریف که به آن مکان مقدّس تبرّک جویند و سر و صورت خود را به زمینی که عطر مولا از آن به مشام می رسد، معطّر نمایند.

راستی چه زیبـاست که انسـان بتوانـد جـای پاهای امامش را بوسه زنـد و حال که از دیـدار روی نازنینش محروم است، روح و بـدن خود را بـا عطر و بوی محبوبش در کنار قبر مادرش صـیقل دهـد. امّا و هزار امّا، اکنون بیش از یک سال است که دسـت های پلیـد و خبیث دشـمنان امام عصـر علیه السـلام قبور جـدّ و پـدر و مادر ایشان را به مخروبه تبـدیل کرده و در حقیقت منزل شخصی امام علیه السلام را ویران ساخته است.(۱)

چقـدر تلـخ است تحمّـل این مصـیبت برای دوسـتان حضـرت و چقـدر غریب است این بزرگواری که محلّ زیـارت خودش و مشـتاقانش به این حالت اسـفبار در آمـده است. راستی می توان باور کرد که نقطه دلخوشـی امام غریبمان – که برای زیارت و خواندن فاتحه و قرآن و نماز هر سال و هر ماه و چه بسا هر هفته و هر روز به آن رفت و آمد داشته و دارند – چنین بی رحمانه تخریب شود و اشک از چشـمان آن غایب مصـیبت دیده سرازیر نگردد؟ جایی که دوستداران ایشان به خاطر این غم، گریان و نالان شوند، خود آن بزرگوار چه حالی دارند؟!ن.



---

۱– این حادثه فجیع و جانگداز در صبح روز چهارشنبه ۲۳ محرّم الحرام سال ۱۴۲۷ هجری قمری مصادف با سوم اسفند ۱۳۸۴ هجری شمسـی رخ داده و همه مسـلمانان واقعی را به عزا نشانده است. و با کمال تأسّف همان دسـتان خبیث و ناپاک، گلدسته های باقیمانـده از آن حرم شـریف را در روز چهارشـنبه ۲۷ جمـادی الاولی سال ۱۴۲۸ قمری مصـادف با ۲۳ خرداد مـاه ۱۳۸۶ شمسی تخریب نمودند و به فاصله اندکی (در ماه جمادی الثنای ۱۴۲۸ مصادف با تیر ماه ۱۳۸۶) مناره ساعت آن صحن مقدّس را نیز بـا موشـک هـدف قرار دادنـد تا به گمان باطل خود، هیـچ اثری از آن حریم ملکوتی باقی نگذارنـد! خداونـدا به کوری چشـمان این دشـمنان قسم خـورده، هرچه زودتر بـا ظهور صـاحب این بارگـاه قـدس، شـکوه و عظمـتی بیش از پیش به آن جا ببخش. الهی آمین.

بیش از یک سال است که دیگر پابوسی حرم شریف سامرّا برای دوستان امام عصر علیه السلام میسّر نیست و آرزوی زیارت قبور شریف امام هادی علیه السلام و حضرت عسکری علیه السلام و حضرت نرجس خاتون و حکیمه خاتون - که هر چهار قبر در یک ضریح شش گوشه جای داشتند - داغی بر دل شیعیان گذاشته و پس از گذشت این مدّت هنوز بازسازی آن حرم شریف امکان پذیر نشده است.

امّا همین جا متذکّر می شویم که اگر در مصیبت تخریب حرم مطهّر سامرّا عزادار هستیم - که باید باشیم - فراموش نکنیم که امام زمان علیه السلام به خاطر تخریب ایمان یک جوان شیعه نیز عزادار و غمناک می شوند. اگر یکی از دوستان آن حضرت در این وانفسای زمان غیبت، از مسیر دین خارج شود و به انحراف عقیدتی یا فساد اخلاقی مبتلاـ گردد، قطعاً مولا و پدر مهربانش مصیبت زده می گردد و چه بسا در غم از دست رفتن ایمان او چشمان مبارکشان گریان شود!

آری گوهر ایمان چنان نزد خدا و امام زمان علیه السلام ارزشمند است که بعید نیست غصّه از دست رفتن یک مؤمن به اندازه تخریب حرم شریف عسکریّین علیهما السلام - بلکه بیش از آن - آقایمان را رنج بدهد! پس بیاییم و در کنار اقامه عزا به خاطر ویران شدن حرم سامرّا، برای برخی از جوانانی که به دلایل مختلف ایمانشان سست و گاهی از مسیر ولایت اهل بیت علیهم السلام خارج می شوند، عزا بگیریم و آنها که می توانند، کاری و تلاشی و اقدامی برای دستگیری از این یتیمان امام عصر علیه السلام در دوران دوری از پدرشان انجام دهند. بگذریم.

پس از زیارت حرم مطهّر نوبت به انجام اعمال سرداب مقدّس می رسد که مشحون از زیارت و دعا در حقّ امام زمان علیه السلام به خصوص درخواست تعجیل فرج ایشان می باشد. البتّه سرداب هم از آسیب ویرانگری دست های آلوده دشمنان حضرت در امان نمانده و امکان داخل شدن و انجام اعمالش هنوز پیدا نشده است.

امّا اگر انشاءالله به زودی زود این امکان فراهم شود، خواهیم توانست اذن دخول ورود به داخل سرداب را بخوانیم و سپس از آستانه در و پلّه های آن بوسه زنان پایین

ص: ۲۲۳

برویم و خود را به عرصه آن برسانیم و پس از ادای دو رکعت نماز، دعای زیبایی را که مرحوم محدّث قمّی در کتاب شریف مفاتیح الجنان نقل فرموده، بخوانیم و به خدای خود عرضه بداریم:

... اللّهُمَّ طالَ الاِنتِظارُ وَ شَمِتَ بِنا الفُجّارُ وَ صَعُبَ عَلَینَا الاِنتِصارُ... .(۱)

... خدایا انتظار به طول انجامید و بدکاران ما را شماتت نمودند و پیروزی بر ما مشکل شد ... .

این دردهای دل را فقط باید به خداوند گفت، آن هم در زمانی که توفیق زیارت سرداب مطهّر پیدا شده است و هم از او خواست تا هرچه زودتر به درد دوری ما از امامان و تحمّل شماتت های دشمن پایان بخشد. آخرین عملی که مرحوم محدّث قمّی برای سرداب مقدّس بیان فرموده، خواندن دعای: «اللّهُمَّ عَظُمَ البَلاءُ» است که از منتهای بزرگی بلا و شدّت مصیبت دعاکننده حکایت می کند. به هر حال از بهترین مکان ها برای دعا در حقّ حضرت ولیّ عصر عجّل الله تعالی فرجه الشّریف، حرم مطهّر عسکریّین علیهم السلام و سرداب مقدّس امام عصر علیه السلام می باشد.

### دعا در حرم مطهّر رضوی

۴- یکی دیگر از مکان های مقدّس که دعا در حقّ امام زمان علیه السلام مورد تأکید می باشد، حرم مطهّر رضوی علیه السلام است. ثواب های عجیبی برای زیارت امام هشتم علیه السلام در مشهد مقدّس نقل شده که تنها به یکی از آنها اشاره می کنیم. احمدبن محمّدبن أبونصر بزنطی می گوید:

در نوشته ابوالحسن الرّضا علیه السلام دیدم که فرموده بود:

اَبلِغ شیعَتی اَنَّ زِیارَتی تَعدِلُ عِندَ اللهِ اَلفَ حَجَّهٍ.

به شیعیانم ابلاغ کنید که زیارت من نزد خداوند با هزار حج برابری می کند.

خدمت امام جواد علیه السلام عرض کردم: هزار حج؟ ایشان فرمودند:ر.

ص: ۲۲۴

---

۱- بحارالانوار، ج۱۰۲، ص۱۰۳، به نقل از مصباح الزّائر.

إی وَاللهِ وَ الفَ الفِ حَجَّهٍ لِمَن زارَه عارِفاً بِحَقِّهِ.(۱)

آری، قسم به خدا و هزار هزار حج برای هرکس که او را با معرفت به حقّش زیارت کند.

در یکی از زیارت های امام هشتم علیه السلام که از زبان معصومین علیهما السلام نقل شده، به چهارده معصوم علیهم السلام درود می فرستیم و در صلوات بر آخرین وارث نبیّ خاتم صلّی الله علیه و آله و سلّم چنین می خوانیم:

اللّهُمَّ صَلِّ عَلی حُجَّتِکَ وَ وَلِیِّکَ وَ القائِمِ فی خَلقِکَ صَلاهً نامِیَهً باقِیَهً تُعَجِّلُ بِها فَرَجَهُ وَ تَنصُرُه بِها وَ تَجعَلُنا مَعَهُ فی الدُّنیا وَ الآخِرَه.(۲)

خدایا بر حجّت و ولیّت و قیام کننده در میان آفریدگانت درود بفرست، درودی بالنده و پایدار که به سبب آن فرج ایشان را تعجیل فرمایی و یاریش نمایی و ما را در دنیا و آخرت با او همراه گردانی.

همین عبارات دعا شامل بهترین درخواست ها از خداوند برای خودمان است. همراهی با امام عصر علیه السلام در دنیا و آخرت بالاترین آرزوی همه منتظران و دوستداران ایشان می باشد و کسی که امام هشتم علیه السلام را زیارت می کند، باید به مضامین این دعاها توجّه کرده و قدر آنها را بداند.

### دعا در زیر قبّه سیّدالشّهداء علیه السلام

۵- در بخش اوّل کتاب جایگاه منحصر به فرد حائر حسینی علیه السلام را در استجابت دعا روشن ساختیم و دانستیم که گاهی خود ائمّه طاهرین (همچون امام صادق علیه السلام) کسی را اجیر می کردند تا برای برآوردن حاجتشان (مثلاً شفای بیماریشان) در کنار قبر سیّدالشّهداء علیه السلام دعا کند.(۳) با این ترتیب زائر امام حسین علیه السلام باید از فرصت به دست آمده۲.



---

۱- کامل الزّیارات، باب ۱۰۱، ح۹.

۲- همان، باب ۱۰۲، ح۲.

۳- وسائل الشّیعه، ج۱۰، ص۴۲۱ و ۴۲۲، ح۲.

در سـفر زیارت کربلا حـدّاکثر بهره برداری را برای دعا در حقّ مولای مظلوم و غریبش بنماید و در آن حائر شـریف، دعای بر تعجیل فرج امام عصر علیه السلام را در رأس خواسته هایش قرار دهد.

اگر بخواهیم حقیقت مطلب را بـدانیم، باید بگوییم همه ما همچون اجیرانی هستیم که با خرج مولایمان به زیارت جدّ شـریفش مشـرّف شده ایم. در این ادّعا هیچ گونه مسامحه و مجامله ای نیست. همه امکانات ما برای سـفر به کربلای معلّی به یمن وجود مبارک امام عصر علیه السلام مهیّا شده و اگر الطاف خاصّ آن بزرگوار بر ما نبود، توفیق زیارت مرقد شریف سیّدالشّهداء علیه السـلام را پیدا نمی کردیم. از سـلامت و عافیت جسـمانی گرفته تا امنیّت جانی و تمکّن مالی و بسیاری از شرایط دیگر که اگر یکی از آنهـا نبود، موفّق به این سـفر زیارتی نمی شـدیم؛ همه اینها را مـدیون عنایت ویژه مولای محبوبمان هستیم. پس ما باید خود را اجیرانی از جـانب آن حضـرت بـدانیم که بـا امکانـاتی که خود ایشان در اختیارمان نهاده، به کربلای معلّی مشـرف می شویم.

در این صـورت آیـا حـقّ مضـاعف ایشـان بر مـا این نیست که برای رفع گرفتـاری هـا و پایـان یـافتن آلا‌م و مصـیبت هـای آن بزرگوار، در کنـار قبر جـدّش سیّدالشّـهداء علیه السـلام دست به دعـا بلنـد کنیم؟ ما که می دانیم تحمّل رنـج غیبت برای ایشان چقدر سخت و ناگوار است، آیا مُجازیم که با بی تفاوتی از کنار غم های عزیز زهرا علیها السلام بگذریم و از فرصت به دست آمـده در حـائر حسـینی، برای دعـا در حقّ ایشـان اسـتفاده نکنیم؟ آری بایـد غیرت به خرج دهیم و حاجات مولایمان – که در رأس آنهـا تعجیـل فرج ایشـان است – را بر نیازهـای شخصـی خودمان مقـدّم کنیم و از خداونـد به هر زبانی که می دانیم، رفع نگرانی های تنها باقی مانده الهی – بقیّه الله الاعظم علیه السـلام – را درخواست نماییم. هر دعایی – چه مأثور و چه غیر مأثور – در کنار قبر مطهّر سیّدالشّـهداء علیه السـلام طبق وعده هایی که ائمّه طاهرین علیهم السـلام داده اند، مستجاب است. پس چه به عربی و چه فارسی می توانیم در آن مکان مقدّس برای مولای پنهان از دیدگان خود دعا کنیم.

جـالب این است که در متن زیـارت ها و دعاهای مأثور در حائر حسـینی، جملاتی یافت می شود که شامل دعا برای تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام با عباراتی بسیار گویا و

عمیق است. به عنوان نمونه زیارتی را جناب ابوحمزه ثمالی از آقا امام صادق علیه السلام برای جدّ بزرگوارش سیّدالشّهداء علیه السلام نقل کرده که شاید در بین زیارت های مأثور از ائمّه علیهم السلام طولانی ترین آنها باشد. این زیارت به طور کامل در کتاب شریف «کامل الزّیارات» نقل شده و اعمالی را معرّفی نموده که زائر امام حسین علیه السلام از هنگامی که در وطن خود قصد زیارت کربلا را می کند، می تواند انجام دهد.(۱)

در اواخر این زیارت معتبر، امام صادق علیه السلام می فرمایند:

سپس گونه های صورت خود را روی قبر می گذاری و می گویی:

اللّهُمَّ رَبَّ الحُسَینِ اِشفِ صَدرَ الحُسَینِ علیه السلام.

خدایا ای پروردگار حسین علیه السلام، قلب حسین علیه السلام را شفا بخش.

اللّهُمَّ رَبَّ الحُسَینِ اُطلُب بِدَمِ الحُسَینِ علیه السلام.

خدایا ای پروردگار حسین علیه السلام از حسین علیه السلام خونخواهی کن.

اللّهُمَّ رَبَّ الحُسَینِ اِنتَقِم مِمَّن رَضِیَ بِقَتلِ الحُسَینِ علیه السلام.

خدایا ای پروردگار حسین علیه السلام از هرکس که به کشته شدن حسین علیه السلام راضی شده، انتقام بگیر.

اللّهُمَّ رَبَّ الحُسَینِ اِنتَقِم مِمَّن خالَفَ الحُسَینَ علیه السلام.

خدایا ای پروردگار حسین علیه السلام از هر که با حسین علیه السلام مخالفت نموده انتقام بگیر.

اللّهُمَّ رَبَّ الحُسَینِ اِنتَقِم مِمَّن فَرِحَ بِقَتلِ الحُسَینِ علیه السلام.(۲)

خدایا ای پروردگار حسین علیه السلام از هرکس که از کشته شدن حسین علیه السلام خوشحال شده انتقام بگیر.

روشن است که اجابت همه این دعاها تنها و تنها با ظهور ولیّ دم سیّدالشّهداء علیه السلام۳.



---

۱- از خدای منّان به آبروی سیّدالشّهداء علیه السلام می خواهیم که توفیق معرّفی کامل این حدیث ابوحمزه ثمالی را در کتابی مستقل به نویسنده در آینده نزدیک عنایت فرماید.

۲- کامل الزّیارات، باب ۷۹، ح۲۳.

– امام عصر علیه السلام – محقّق می گردد. پس هر یک از این دعاها در حقیقت درخواست تعجیل در فرج مولای مظلوممان است. امیدواریم اکنون که به لطف و عنایت ائمّه طاهرین علیهم السلام، طاغوت عراق سرنگون و راه کربلا برای مشتاقان زیارت سیّدالشّهداء علیه السلام باز شده است، زائران با معرفت با دعاهایشان در آن حرم مطهّر، ظهور مولای غریبمان را به جلو بیندازند و به زودی شاهد تحقّق وعده خداوند در این خصوص باشیم.

## دعا در مشاهد مشرّفه

۶- علاوه بر حرم امام رضا علیه السلام در مشهد مقدّس و حائر شریف حسینی در کربلای معلّی، مشاهد مشرّفه سایر چهارده معصوم علیهم السلام نیز مکان های بسیار مناسب برای دعا در حقّ امام عصر علیه السلام هستند. از مضجع شریف نبوی در مدینه منوّره و قبر ناپیدای حضرت سیّده فاطمه علیها السلام در آن حرم شریف گرفته تا کنار قبور ویران شده چهار امام هُمام – حضرات امام مجتبی علیه السلام و زین العابدین علیه السلام و امام باقر علیه السلام و امام جعفر صادق علیه السلام – همچنین حرم با صفای امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف اشرف و نیز کنار قبور حضرت موسی الکاظم علیه السلام و جواد الائمّه علیه السلام در کاظمین، همگی مصادیق این آیه مبارکه قرآن کریم هستند که می فرماید:

فی بُیُوتٍ اَذِنَ اللهُ اَن تُرفَعَ وَ یُذکَرَ فیها اسمُه... .(۱)

در خانه هایی که خداوند اجازه داده که عالی مقام باشند و در آنها نام او یاد شود... .

در این خانه های الهی، دعا برای امام عصر علیه السلام اثر و نتیجه بیشتری دارد. از اینها گذشته در حرم حضرت ابوالفضل العبّاس علیه السلام و حرم حضرت مسلم بن عقیل در کوفه و نیز کنار قبر خواهر گرامی سیّدالشّهداء علیه السلام عقیله بنی هاشم علیها السلام و همچنین حرمت.



---

۱- نور/ ۳۶، توضیح اینکه مشاهد مشرّفه ائمّه طاهرین علیهم السلام مصادیق این آیه کریمه هستند در کتاب «در ضیافت ضریح» آمده است.

باصفای حضرت رقیّه علیها السلام در دمشق و نیز حرم مطهّر حضرت معصومه علیها السلام در قم، دعا برای تعجیل فرج امام عصر علیه السلام نباید مورد غفلت و فراموشی قرار بگیرد. در مرتبه بعد هر مکان مقدّسی که بدن یکی از امام زادگان مدفون است یا کنار قبور علما و بزرگان تشیّع که آبرومندان درگاه اهل بیت علیهم السلام هستند، موقعیّت های خوبی برای دعا در حقّ امام عصر علیه السلام به شمار می آیند.

### دعا در مساجد کوفه، سهله و ...

۷- همه مساجد در روی کره خاکی، خانه های خداوند هستند که عبادت در آنها بسیار مطلوب و مؤثّر است و یکی از بزرگ ترین عبادت ها، دعاست، آن هم در حقّ تنها باقی مانده از اوصیای پیامبر خاتم صلّی الله علیه و آله و سلّم. در میان مساجد، برخی انتساب خاصّی با امام عصر علیه السلام دارند که لزوم دعا برای ایشان در آن مساجد مؤکّد می شود. مسجد کوفه و مسجد سهله از مساجدی هستند که افراد شایسته در آنها مکرّر خدمت امام زمانشان مشرّف شده اند. علاقه خاصّ امام علیه السلام به این دو مکان مقدّس روشن و واضح است. از امیرالمؤمنین علیه السلام در فضیلت مسجد کوفه نقل شده که فرمودند:

لَيَأتِيَنَّ عليهِ زَمانٌ يَكُونُ مُصَلَّى المَهدىِّ مِن وُلدى وَ مُصَلّى كُلِّ مُؤمِنٍ... تَقَرَّبُوا اِلَى اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِالصَّلاهِ فيه وَ ارغَبُوا اليه فى قَضاءِ حَوائِجِكُم... .(۱)

یقیناً خواهد آمد زمانی که مسجد کوفه مصلّای (حضرت) مهدی از اولاد من و مصلّای هر مؤمنی می شود... با نماز خواندن در آن به سوی خدای عزّوجلّ تقرّب جسته و برای برآورده شدن نیازهایتان به سوی آن رغبت نمایید.

مطابق احادیث ائمّه علیهم السلام ادای هر نماز واجب در مسجد کوفه ثواب یک حج و هر نماز مستحبّی ثواب یک عمره دارد.(۲)ت.



---

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۹۰، ح ۱۴، به نقل از امالی صدوق.

۲- همان، ص ۳۹۹، ح ۴۵، به نقل از کامل الزّیارات.

علاوه بر نماز، آنچه در بحث دعا اهمیّت دارد، عمل به سفارش امیرالمؤمنین علیه السلام است که مسجد کوفه را مکان مناسبی برای برآورده شدن حاجات دانستند. طبیعی است که بزرگ ترین حاجت دوستان امام عصر علیه السلام در دوران غیبت، تعجیل فرج ایشان است، بنابراین حقّ آن است که در پس ادای نمازهای مربوط به هریک از مقام ها و ستون های مسجد کوفه، مهم ترین حاجتی که از خدا درخواست می کنین سلامت و تعجیل فرج امامان باشد.

در فضیلت مسجد سهله نیز احادیث متعدّدی از ائمّه طاهرین علیهم السلام نقل شده است. ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمودند:

یا أبا محمَّدٍ کأنّی اَری نُزُولَ القائِمِ علیه السلام فی مَسجِدِ السَّهلَهِ بِأَهلِهِ وَ عِیالِهِ.

ای ابامحمّد گویی فرود آمدن قائم علیه السلام را در مسجد سهله همراه با اهل و عیال خود می بینم.

سپس تصریح فرمودند که این مسجد شریف منزل امام عصر علیه السلام - پس از ظهور - خواهد بود همان طور که منزل حضرت ادریس و ابراهیم خلیل بوده و خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرده مگر آنکه در این مسجد نماز گزارده است. سپس فرمودند:

و ما صَلّی فیه اَحَدٌ فَدَعَا اللهَ بِنِیَّهٍ صادِقَهٍ اِلّا صَرَفَهُ اللهُ بِقَضاءِ حاجَتِهِ.(۱)

و هیچکس در آن نماز نمی گزارد که خدا را صادقانه بخواند، مگر آنکه خداوند او را با برآوردن حاجتش بر می گرداند.

منتظران امام عصر علیه السلام اگر روزی توفیق نماز خواندن در مسجد سهله را یافتند، مهم ترین حاجت خود که تعجیل در فرج مولایشان می باشد را فراموش نمی کنند و در آن مکان مقدّس بر این خواسته خویش اصرار می ورزند.

دو مسجد دیگر هم در نزدیکی مسجد سهله وجود دارد که به نام دو برادر وفادار به امیرالمؤمنین علیه السلام نامگذاری شده است. یکی از آنها مسجد صعصعه بن صوحان و دیگری مسجد زیدبن صوحان است که دعا برای امام عصر علیه السلام در هر دو مکان بسیار۷.

ص: ۲۳۰

---

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۴۳۶، ح ۷.

مناسب و بجاست. اعمال مربوط به این مساجد را مرحوم محدّث قمّی در کتاب شریف مفاتیح الجنان نقل فرموده است. علاوه بر این مساجد، مسجد جمکران در نزدیکی شهر مقدّس قم می باشد که مورد عنایت خاصّ امام عصر علیه السلام بوده و هست. حقّ این است که اگر انسان موفّق به ادای نمازهای این مسجد مقدّس شد، مهم ترین حاجت خود را رفع غم و غصّه های امام زمان علیه السلام با اذن ظهورش از جانب خداوند، قرار دهد و برای آن حضرت مقدّم بر دیگران دعا نماید.

### ۶- دعاهای غیر مقیّد به زمان یا مکان خاص

#### اشاره

علاوه بر دعاهای مأثوری که در مناسبت های خاص وارد شده، دعاهای بسیار دیگری هم درباره امام عصر علیه السلام وجود دارد که مقیّد به زمان یا مکان خاصّی نیستند و در هر موقعیّتی می توان با خواندن آنها تعجیل در فرج حضرت ولیّ عصر علیه السلام را از خدا درخواست نمود. ما در این مجال به سه نمونه از این دعاها اشاره می کنیم و بخش دوم کتاب را با همین بحث خاتمه می دهیم.

#### ذکر صلوات بر حضرت زهرا علیها السلام

اوّلین مورد دعایی است که تحت عنوان صلوات بر حضرت صدّیقه زهرا علیها السلام از امام حسن عسکری علیه السلام نقل شده و راوی، متن آن را با املای آن حضرت نوشته است. این صلوات ها مربوط به هر یک از چهارده معصوم علیهم السلام می باشد که متن هریک در کتاب شریف «مفاتیح الجنان» به طور کامل آمده است. در قسمتی از صلوات مربوط به حضرت فاطمه اطهر علیها السلام چنین می خوانیم:

اللّهُمَّ کُنِ الطّالِبَ لَها مِمَّن ظَلَمَها و استَخَفَّ بِحَقِّها.

خدایا خودت طالب (خون) او از ستمکارانش و سبک شمارندگان حقّش باش.

اللّهُمَّ وَ کُنِ الثّائِرَ لَها بِدَمِ اَولادِها.(۱)۷.

ص: ۲۳۱

---

۱- جمال الاسبوع، ص۲۹۷.

خدایا خودت خونخواه او به سبب خون (به ناحقّ ریخته) فرزندانش باش.

روشن است که خونخواهی خداوند از کسانی که به حضرت زهرا علیها السلام و فرزندان پاکش ستم روا داشتند، جز با ظهور منتقم ایشان - حضرت بقیّه الله اروحنا فداه - محقّق نمی شود. پس این دعاها در حقیقت دعا برای تعجیل در فرج منجی عالم می باشد.

### دعای امام رضا علیه السلام در حقّ حضرت صاحب الزّمان علیه السلام

دومین مورد دعایی است که «یونس بن عبدالرّحمن» از حضرت امام رضا علیه السلام نقل کرده که ایشان به خواندن آن در حقّ حضرت صاحب الزّمان علیه السلام سفارش فرموده اند. این دعا را مرحوم سیّدبن طاووس به دو صورت از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده(۱) و مرحوم محدّث قمّی هم در «مفاتیح الجنان» به نقل از «المصباح» شیخ آورده است. آنچه محدّث قمّی نقل فرموده بیشتر با نقل اوّل مرحوم سیّدبن طاووس (در کتاب جمال الاسبوع) هماهنگی دارد هرچند که مطابقت کامل با آن ندارد. ضمناً این دعا در «مفاتیح الجنان» جزء اعمال روز جمعه آمده است ولی در نقل مرحوم سیّد، دعا اختصاص به زمان خاصّی ندارد و در هر موقعیّتی خوانده می شود. به هر حال چون دعا بسیار دعای جامع و کاملی است، نباید از خیر خواندن آن گذشت و به هرکدام از روایاتی که نقل شده می توان عمل کرد. ما در بخش سوم کتاب، نقل دوم مرحوم سیّد را که مفصّل تر از نقل اول ایشان است، به طور کامل ذکر می کنیم تا خوانندگانی که بخواهند علاوه بر آنچه در مفاتیح الجنان مرحوم شیخ عبّاس قمی آمده، نقل دیگر آن را بخوانند، برایشان امکان پذیر گردد و علاقمندان به خواندن نقل اول مرحوم سیّد را به کتاب ارزشمند «جمال الاسبوع» ارجاع می دهیم. ضمناً مؤلّف کتاب «مکیال المکارم فی فوائد الدّعاء للقائم علیه السلام» نیز در باب هفتم کتاب، هر دو نقل مرحوم سیّد را ذکر فرموده است.(۲)ت.



---

۱- جمال الاسبوع ص ۳۰۷ تا ۳۱۴.

۲- مکیال المکارم، ج۲، ص۷۳ تا ۸۰، علاوه بر منابع ذکر شده، نقل دوم دعا در کتاب «راز و نیاز منتظران» از ص ۴۱ تا ۴۶ هم آمده است.

### صلوات ابوالحسن ضرّاب اصفهانی

سومین مورد دعایی است که به صلوات ابوالحسن ضرّاب اصفهانی معروف است. راوی حدیث می گوید:

در سال دویست و هشتاد و یک هجری قمری با عدّه ای از همشهری های اهل تسنّن عازم سفر حج شدیم، چون به مکّه مشرّفه رسیدیم یکی از آنها پیشقدم شد، و در کوچه ای - که میان بازار لیل بود - برای ما خانه ای اجاره نمود. آنجا خانه حضرت خدیجه علیها السلام بود که به خانه امام رضا علیه السلام مشهور شده بود. در آن خانه پیرزن گندمگونی زندگی می کرد، چون فهمیدم که آن خانه معروف به دارالرّضا علیه السلام است، از پیرزن پرسیدم: تو چه نسبتی با صاحبان این خانه داری؟ و این خانه چرا دارالرّضا علیه السلام نامیده شده؟

گفت: من از دوستان اهل بیت علیهم السلام هستم، و این خانه، خانه امام علیّ بن موسی الرّضا علیهما السلام است که امام حسن عسکری علیه السلام مرا در این خانه ساکن نموده است، و من از خدمتگزاران آن حضرت بودم.

چون این سخن را از او شنیدم با او مأنوس شدم، و این راز را از رفقای مخالف عقیده خودم پنهان کردم.

مدّتی که در آنجا بودیم برنامه ما چنین بود که موقعی که شب از طواف خانه خدا بر می گشتیم در ایوان خانه می خوابیدیم؛ و درب خانه را می بستیم و پشت آن سنگ بزرگی - که از سنگینی آن را می غلطانیدیم- می گذاشتیم.

در آن ایوانی که ما می خوابیدیم شب های متعدّد نوری را مثل نور مشعل می دیدم، نیز می دیدم که درب خانه باز می شد بدون اینکه کسی از ما درب را باز کند. شخصی متوسّط القامه و گندمگون متمایل به زرد لاغر اندام را دیدم که در چهره او اثر سجده نمایان بود، دو پیراهن و عبای نازکی روی آن بر تن کرده و نعلینی قوس دار پوشیده بود، وارد می شد و به اتاقی که پیرزن در

آن بود بالا می رفت، و پیرزن به ما می گفت: دخترم در اتاق است و به کسی اجازه نمی داد که به طرف آن اتاق برود.

هنگامی که از پلّه ها بالا می رفت نوری را می دیدم که بر ایوان می تابید، بعد همان نور را در آن اتاق می دیدم بدون اینکه چراغی ببینم.

همراهان من هم این نور را می دیدند و گمان می کردند که آن شخص شوهر موقّت دختر پیرزن می باشد و می گفتند: این علوی ها ازدواج موقّت را جایز می دانند، و این به گمان خودشان حرام بود.

ما او را می دیدیم که از آن در داخل و خارج می شد ولی سنگ پشت در به همان حالتی بود که ما گذاشته بودیم، و ما از ترس اسباب و اثاثیه خود، در را می بستیم، و کسی نبود که در را باز کند یا ببندد، ولی آن شخص داخل می شد و خارج می شد و سنگ به همان صورت پشت در بود تا وقتی که می خواستیم خارج شویم کنار می گذاشتیم.

چون این جریان را دیدم قلبم به طپش افتاد و در وجودم هیبتی احساس کردم. به آن پیرزن ملاطفت نمودم و دوست داشتم قضیّه آن شخص را بدانم، به او گفتم: فلانی! دوست دارم بدون اطّلاع دوستانم و محرمانه سؤالی از شما بپرسم امّا نمی توانم، چون دیدی رفقایم نیستند بیا تا در مورد مسئله ای از تو سؤال کنم.

او در جواب من بلافاصله گفت: من هم می خواهم رازی را با تو در میان بگذارم، امّا تا حال به خاطر رفقای تو فرصتی پیش نیامده است.

گفتم: می خواهی چه بگویی؟

گفت: به تو می گوید - و کسی را نام نبرد-: با رفقا و شرکای خود خشونت و درشتی نکن، و با آنان خصومت و نزاع مکن، زیرا آنها دشمنان تو هستند و با آنان مدارا کن.

گفتم: چه کسی این سخن را می گوید؟ گفت: من می گویم.

از هیبتی که از او در دلم افتاده بود جرأت نکردم دوباره سؤال را تکرار کنم، گفتم: منظورت کدام رفقای من است؟ خیال می کردم منظورش رفقایی بود

ص: ۲۳۴

که با آنها به حج مشرّف شده بودم.

گفت: شرکایی که در شهر تو (اصفهان) و با تو در یک خانه هستند.

البتّه میان من و آنها بگو مگویی در امر دین شده بود که از من سخن چینی و سعایت کرده بودند، و من به همین جهت فرار کردم و مدّتی به صورت مخفیانه زندگی می کردم، متوجّه شدم که منظور آن پیرزن، همان ها بودند.

به پیرزن گفتم: تو چه ارتباطی با امام رضا علیه السلام داری؟

گفت: من خدمتگزار حضرت امام حسن عسکری علیه السلام بودم.

چون به این مطلب یقین کردم با خود گفتم: خوب است از حضرت غائب صلوات الله علیه از او سؤال کنم؟ و گفتم: تو را به خدا، آیا با چشمهای خودت او را دیده ای؟

گفت: ای برادر! من او را به چشم خود ندیده ام، من (از سامرا) خارج شدم در حالی که خواهرم باردار بود و امام حسن (عسکری) علیه السلام به من مژده داد که در آخر عمرم او را خواهم دید و فرمود: برای او چنان خواهی بود که برای من هستی... .

اکنون امام علیه السلام نامه ای همراه با سی دینار به دست یک مرد خراسانی - که زبان عربی را خوب نمی داند - برایم فرستاده اند و به من دستور داده اند که امسال به حج مشرّف شوم. من به شوق دیدار امام عصر علیه السلام آمده ام.

در این لحظه به دلم افتاد که آن شخصی که بعضی از شب ها به آن خانه می آید خود امام علیه السلام است، ده درهم سالم که یک سکّه رضویّه (به نام امام رضا علیه السلام) در بین آنها بود همراه داشتم و نذر کرده بودم که آنها را در مقام ابراهیم علیه السلام بیندازم، آنها را بیرون آورده و به آن پیرزن دادم و با خود گفتم: اگر اینها را به فرزندان حضرت زهرا علیها السلام بدهم بهتر است از اینکه در مقام ابراهیم علیه السلام بیندازم و ثوابش بیشتر است.

به او گفتم: این پول ها را به مستحقّین از اولاد حضرت فاطمه علیها السلام بده، و نیّتم این بود که شخصی را که دیده ام خود آقاست و این خانم پول ها را به ایشان خواهد داد.

ص: ۲۳۵

پول هـا را گرفت و به اتـاق بالا رفت، پس از زمانی آمـد و گفت: او می فرمایـد: ما در آنها حقّی نـداریم، در همان مکانی که نیّت کرده ای (مقـام ابراهیم) قرار بـده، ولی این سـکّه رضویّه نزد مـا باشـد و عوض آن را از ما بگیر، و در آن مکانی که نـذر کرده ای بینداز.

همـان طور که فرموده بود انجـام دادم و با خودم گفتم: این همان است که مأمور بودم از طرف او انجام بـدهم، یعنی حضـرت حجّت صلوات الله علیه است.

سپس نسـخه ای از توقیعی که به سوی قاسم بن علاء در آذربایجان صادر شـده بود همراه من بود، به او گفتم: این نسـخه را به کسی که توقیعات حضرت امام غائب صلوات الله علیه را دیده نشان می دهی؟

گفت: بده به من، من می شناسم.

نسخه را به او دادم و گمان کردم که آن پیرزن می تواند خوب بخواند.

گفت: این جـا نمی توانم بخوانم، رفت به اتاق سـپس آمـد و گفت: این توقیع صـحیح است، و در آن توقیع چنین نوشـته شـده بود: مژده می دهم شما را به مژده ای که به کسی نداده ام.

آنگاه گفت: او به تو می فرماید: هرگاه به پیامبرت صلوات بفرستی چگونه صلوات می فرستی؟ گفتم: می گویم:

اللّهُمَّ صَـلِّ عَلی مُحمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ بارِک عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، کَاَفضَلِ ما صَـلَّیتَ وَ بارَکتَ وَ تَرَحَّمتَ عَلی اِبراهیمَ وَ آلِ اِبراهیمَ، اِنَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ.

گفت: نه، چون خواستی صلوات بفرستی به همه آنها صلوات بفرست و هر کدام را نام ببر، گفتم: آری.

چون فردا شد آن پیرزن آمد همراه خود دفتر کوچکی داشت، گفت: ایشان به تو می فرمایند: چون خواستی بر پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم صلوات بفرستی طبق این نسخه بر او و بر اوصیای او صلوات بفرست.

نسخه را گرفتم، و اکنون به آن عمل می کنم.

چند شب دیدم که او از اتاق پایین می آید و نور چراغ همچنان روشن است و

من در را می گشودم و دنبال آن نور می رفتم ولی کسی را نمی دیدم فقط آن نور را مشاهده می کردم، تا اینکه وارد مسجد (الحرام) می شد.

گروهی از مردم شهرهای مختلف را می دیدم که به در این خانه می آمدند، برخی نامه هایی به آن پیرزن می دادند، و پیرزن نیز نوشته هایی به آنها می داد، و با همدیگر حرف می زدند، ولی من سخنان آنها را نمی فهمیدم، و برخی از آنها را هنگام برگشت در راه دیدم، تا اینکه وارد بغداد شدم.(۱)

این دعای زیبا که از ناحیه خود امام زمان علیه السلام می باشد، در کتاب «مفاتیح الجنان» ضمن اعمال روز جمعه ذکر شده ولی چنانچه مرحوم صاحب مکیال فرموده، شایسته است که در هر زمانی بر خواندن آن مراقبت و مداومت صورت گیرد.(۲) امّا مرحوم سیّدبن طاووس در مورد این صلوات می فرماید:

اگر به خاطر عذری تعقیب عصر روز جمعه را ترک کردی، هرگز این صلوات را ترک مکن، به جهت چیزی که خداوند - جلّ جلاله - ما را به آن آگاه نموده است.(۳)

مرحوم صاحب مکیال درخصوص فرمایش سیّد می فرماید:

از سفارش سیّد استفاده می شود که از طرف مولای ما حضرت صاحب الزّمان عجّل الله تعالی فرجه امری درخصوص خواندن این صلوات به ایشان رسیده است و همین نشانه صحّت روایت آن است.(۴)

با وجود این تأکیدها لزوم اهتمام دوستداران امام عصر علیه السلام به خواندن این دعای شریف روشن می شود. بهتر است حدّاقل در عصر روز جمعه، ذکر این صلوات ترک نشود.۳.

ص: ۲۳۷

---

۱- صحیفه مهدویّه )با اعمال اصلاحات در ترجمه)، به نقل از مصباح المتهجّد، ص ۴۶۰ و البلدالامین ص ۱۲۰ و المصباح ص ۷۲۵ و دلائل الامامه ص ۵۴۹ و جمال الاسبوع ص ۳۰۱.

۲- مکیال المکارم، ج۲، ص۷۳.

۳- جمال الاسبوع، ص ۳۰۱.

۴- مکیال المکارم، ج ۲، ص ۷۳.

## ۷– دعای عهد با امام زمان علیه السلام

آخرین دعایی که در این فصل معرّفی می کنیم، دعای مأثوری از امام محمّد باقر علیه السلام است که به جابربن یزید جعفی فرمودند:

هرکس در طول عمرش یک بار این دعا را بخواند، دعایش در جلد عبودیّت نوشته می شود و در دفتر حضرت قائم علیه السلام بالا می رود. پس هر زمان که قائم ما (اهل بیت علیهم السلام) قیام کند، او را به نام خودش و نام پدرش می خواند. سپس این نوشته به او داده می شود و به او گفته می شود: این نوشته – همان عهدی که در دنیا با ما بستی – را بگیر و این فرمایش خدای عزّ و جلّ است که:

اِلّا مَنِ التَّخَذَ عِندَ الرَّحمنِ عَهداً.(۱)

و دعا را با طهارت می خوانی، می گویی:

اللّهُمَّ یا إلهَ الآلِهَهِ، یا واحِدُ یا اَحِدُ، یا آخِرَ الآخِرینَ، یا قاهِرَ القاهِرینَ، یا عَلِیُّ یا عَظیمُ، أنتَ العَلِیُّ الأعلی، عَلَوتَ فَوقَ کُلِّ عُلُوٍّ. هذا یا سَیِّدی عَهدی وَ اَنتَ مُنجِزُ وَعدی، فَصِل یا مَولایَ عَهدی وَانجِز وَعدی، آمَنتُ بِکَ (وَ) أسأَلُکَ بِحِجابِکَ العَرَبِیِّ وَ بِحِجابِکَ العَجَمِیِّ وَ بِحِجابِکَ العِبرانِیِّ وَ بِحِجابِکَ السِّریانِیِّ وَ بِحِجابِکَ الرُّومِیِّ وَ بِحِجابِکَ الهِندیِّ، وَ اَثبِتِ مَعرِفَتَکَ بِالعِنایَهِ الأُولی فَإنَّکَ أنتَ اللهُ لا تُری وَ أنتَ بِالمَنظَرِ الأعلی.

وَ أتَقَرَّبُ إلَیکَ بِرَسُولِکَ المُنذِرِ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ،

وَ بِعَلِیٍّ أمیرِالمُؤمِنینَ صَلَواتُ اللهِ عَلَیهِ الهادِی،

وَ بِالحَسَنِ السَّیِّدِ وَ بِالحُسَینِ الشَّهیدِ سِبطَی نَبِیِّکَ،

وَ بِفاطِمَهَ البَتُولِ،

وَ بِعَلِیٍّ بنِ الحُسَینِ زَینِ العابِدینَ ذِی الثَّفَناتِ،۷.

ص: ۲۳۸

---

۱– مریم/۸۷.

وَ مُحَمَّدِبنِ عَلِیٍّ الباقِرِ عَن عِلمِکَ.

وَ بِجَعفَربنِ مُحَمَّدٍ الصّادِقِ الَّذی صَدَّقَ بِمیثاقِکَ وَ بِمیعادِکَ،

وَ بِمُوسَی بنِ جَعفَرٍ الحَصُورِ القائِمِ بِعَهدِکَ،

وَ بعَلِیٍّ بنِ مُوسَی الرِّضا الرّاضی بِحُکمِکَ،

وَ بِمُحَمَّدِبنِ عَلِیٍّ الحِبرِ الفاضِلِ المُرتَضی فِی المُؤمِنینَ،

وَ بِعَلِیٍّ بنِ مُحَمَّدٍ الأمینِ المُؤتَمَنِ هادِی المُستَرشِدینَ،

وَ بِالحَسَنِ بن عَلِیٍّ الطّاهِرِالزَّکِیِّ خَزانَهِ الوَصِیِّینَ،

وَ أتَقَرَّبُ إلَیکَ بِالإمامِ القائِمِ العَدلِ المُنتَظَرِ المَهدِیِّ إمامِنا وَابنِ إمامِنا صَلَواتُ اللهِ عَلَیهِم أجمَعینَ.

یا مَن جَلَّ فَعَظُمَ وَ [هُوَ] أهلُ ذلِکَ فَعَفا وَ رَحِمَ، یا مَن قَدَرَ فَلَطُفَ، أشکُو إلَیکَ ضَعفی وَ ما قَصُرَ عَنهُ أمَلی مِن تَوحیدِکَ وَ کُنهِ مَعرِفَتِکَ، وَ أتوجّه إلَیکَ بِالتَّسمِیَهِ البَیضاءِ، وَ بِالوَحدانِیَّهِ الکُبری الَّتی قَصُرَ عَنها مَن أدبَرَ وَ تَوَلّی، وَ آمَنتُ بِحِجابِکَ الاعظَمِ وَ بِکَلِماتِکَ التّامَّهِ العُلیَا الَّتی خَلَقتَ مِنها دارَ البَلاءِ وَ أحلَلتَ مَن أحبَبتَ جَنَّهَ المَأوی.

وَ آمَنتُ بِالسّابِقینَ وَ الصِّدیقینَ أصحابِ الیَمینِ مِنَ المُؤمِنینَ [وَ] الَّذینَ خَلَطُوا عَمَلاً صالِحاً وَ آخَرَ سَیِّئاً، ألّا تُوَلِّیَنی غَیرَهُم وَلا تُفَرِّقَ بَینی وَ بَینَهُم غَداً، إذا قَدَّمتَ الرِّضا بِفَصلِ القَضاءِ.

آمَنتُ بِسِرِّهِم وَ عَلانِیَتِهِم وَ خَواتیمِ أعمالِهِم، فَإنَّکَ تَختِمُ عَلَیها إذا شِئتَ.

یا مَن أتحَفَنی بِالاِقرارِ بِالوَحدانِیَّهِ وَ حَبانی بِمَعرِفَهِ الرُّبُوبِیَّهِ وَ خَلَّصَنی مِنَ الشَّکِّ وَ العَمی، رَضیتُ بِکَ رَبّاً وَ بِالاَصفِیاءِ حُجَجاً وَ بِالمَحجُوبینَ أنبِیاءَ وَ بِالرُّسُلِ أدِلّاءَ وَ بِالمُتَّقینَ أُمَراءَ وَ سامِعاً لَکَ مُطیعاً.(۱).

ص: ۲۳۹

---

۱- مهج الدّعوات، ص ۵۹۸ تا ۶۰۰.

## بخش سوم: برخی دعاهای مأثور برای امام عصر عجّل اللّه تعالی فرجه الشّریف

### اشاره

ص: ۲۴۰

در ایـن بخش به ذکر متـون برخی از دعاهـایی می پردازیم که در بخش گذشـته آنهـا را معرّفی نمـودیم. هـدف از انعقـاد این بخش ساده کردن زمینه دعا برای خوانندگانی است که دسترسی آسانی به مراجع و منابع اصلی این دعاها ندارند.

ص: ۲۴۱

### ۱- دعای عبرات

متن کامل دعای عبرات از خود امام عصر علیه السلام مطابق نقل مرحوم سیّدبن طاووس در کتاب شریف «مهج الدّعوات» چنین است:

اللّهُمّش إنّی أسألُکَ یا راحِمَ العَبَراتِ وَ یا کاشِفَ الزَّفَراتِ، أنتَ الَّذی تَقشَعُ سَحابَ المِحَنِ وَ قَد أمسَت ثِقالاً وَ تَجلُو ضَبابَ الفِتَنِ وَ قَد سَحَبَت أذیالاً، وَ تَجعَلُ زَرعَها هَشیماً وَ بُنیانَها هَدیماً وَ عِظامَها رَمیماً، وَ تَرُدُّ المَغلُوبَ غالِباً وَ المَطلُوبَ طالِباً وَ المَقهُورَ قاهِراً وَ المَقدُورَ عَلَیهِ قادِراً.

فَکَم یا إلهی مِن عَبدٍ ناداکَ: رَبِّ إنّی مَغلُوبٌ فَانتَصِر، فَفَتَحتَ مِن نَصرِکَ لَهُ أَبوابَ السَّماءِ بِماء مُنهَمِرٍ وَ فَجَّرتَ لَهُ مِن عَونِکَ عُیُوناً فَالتَقَی الماءُ عَلی أمرٍ قَد قُدِرَ، وَ حَمَلتَهُ مِن کِفایَتِکَ عَلی ذاتِ ألواحٍ وَ دُسُرٍ.

یا مَن إذا وَلَجَ العَبدُ فی لَیلٍ مِن حَیرَتِهِ بَهیم وَلَم یَجِد لَهُ صَریخاً یَصرُخُخُ مِن وَلِیٍّ حَمیمٍ وَجَدَ مِن مَعُونَتِکَ صَریخاً مُغیثاً وَ وَلِیّاً یَطلُبُهُ حَثیثاً، یُنجیهِ مِن ضیقِ أمرِهِ وَ حَرَجِهِ وَ یُظهِرُ لَهُ أعلامَ فَرَجِهِ.

ص: ۲۴۲

اَللّهُمَّ فَيا مَن قُدرَتُهُ قاهِرَةٌ وَ نَقِماتُهُ قاصِمَةٌ لِكَلِّ جَبّارٍ دامِغَةٌ لِكَلِّ كَفُورٍ خَتّارٍ، أسألُكَ نَظرَةً مِن نَظَراتِكَ رَحيمَةً تُجلى بِها ظُلمَةً عاكِفَةً مُقيمَةً فى عاهَةٍ جَفَّت مِنهَا الضُّرُوعُ وَ تَلِفَت مِنهَا الزُّرُوعُ وَانهَلَّت مِن أجلِهَا الدُّمُوعُ وَاشتَمَلَ لَها عَلَى القُلُوبِ اليَأسُ وَ جَرَت بِسَبَبِها الأنفاسُ.

إلهى فَحِفظاً لِغَرائِسَ غَرسُها وَ شُربُها بِيَدِ الرَّحمانِ وَ نَجاتُها بِدُخُولِ الجِنانِ أن تَكونَ بِيَدِ الشَّيطانِ تُحَزُّ وَ بِفَأسِهِ تُقطَعُ وَ تُجَزُّ.

إلهى فَمَن أولى مِنكَ بِأن يَكُونَ عَن حَريمِكَ دافِعاً وَ مَن أجدَرُ مِنكَ بِأن يَكُونَ عَن حِماكَ مانِعاً.

إلهى إنَّ الأمرَ قَد هالَ فَهَوِّنهُ وَ خَشُنَ فَأَلِنهُ وَ إنَّ القُلُوبَ كاعَت فَطَمِّنها وَ النُّفُوسَ ارتاعَت فَسَكِّنها.

إلهى إلهى تَدارَك أقداماً زَلَّت وَ أَفكاراً(۱) فى مَهامِهِ الحَيرَةِ ضَلَّت إن رَأَت جَبرَكَ عَلى كَسيرِها وَ إطلاقَكَ لِأسيرِها وَ إجارَتَكَ لِمُستَجيرِها، أجحَفَ الضُّرُّ بِالمَضرُورِ وَ لَبّى داعِيَهُ بِالوَيلِ وَ الثُّبورِ. فَهَل تَدَعُهُ يا مَولاىَ فَريسَةً لِلبَلاءِ وَ هُوَ لَكَ راجٍ؟! أم هَل يَخُوضُ لُجَّةَ الغَمّاءِ وَ هُوَ إلَيكَ لاجٍ؟

مَولاىَ إن كُنتُ لا أشُقُّ عَلى نَفسى فِى التُّقى وَلا أبلُغُ فى حَملِ أعباءِ الطّاعَهِ مَبلَغَ الرِّضا، وَلا أنتَظِمُ فى سِلكِ قَومٍ رَفَضُوا الدُّنيا، فَهُم خُمصُ البُطُونِ مِنَ الطَّوى، ذُبُلُ الشِّفاهِ مِنَ الظَّماءِ، عُمشُ العُيُونِ مِنَ البُكاءِ، بَل أتَيتُكَ بِضَعفٍ مِنَ العَمَلِ وَ ظَهرٍ ثَقيلٍ بِالخَطَأِ وَ الزَّلَلِ وَ نَفسٍ لِلرّاحَهِ مُعتادَهٍ وَ لِدَواعِى الشَّرِّ مُنقادَهٍ..



---

۱- فى البحار: أفهاماً.

أَفَما یَکفینی یا رَبِّ وَسیلَهً إلَیکَ وَ ذَریعَهً لَدَیکَ أنّنی لِأولیاءِ دینِکَ مُوالٍ وَفی مَحَبَّتِهِم مُغالٍ وَ لِجِلبابِ البَلاءِ فیهِم لابِسٌ وَ لِکِتابِ تَحَمُّلِ العَناءِ بِهِم دارِسٌ؟ أما یَکفینی أن أرُوحَ فیهِم مَظلُوماً وَأغدُو مَکظُوماً وَ أقضِیَ بَعدَ هُمُومٍ هُمُوماً وَ بَعدَ وُجُومٍ وُجُوماً؟ أما عِندَکَ یا مَولایَ بِهذِهِ حُرمَهٌ لا تَضیعُ وَ ذِمَّهٌ بِأدناها تُقتَنَعُ؟ فَلِمَ لا تَمنَعُنی یا رَبِّ وَها أنَا ذا غَریقٌ، وَ تَدَعُنی هکَذا وَ أنَا بِنارِ عَدُوّی(۱) حَریقٌ؟

مَولایَ أتَجعَلُ أولِیاءَکَ لِأعداءِکَ طَرائِدَ وَ لِمَکرِهِم مَصائِدَ وَ تُقَلِّدُهُم مِن خَسفِهِم قَلائِدَ؟ وَ أنتَ مالِکُ نُفُوسِهِم لَو قَبَضتَها جَمَدُوا، وَ فی قَبضَتِکَ مَوادُّ أنفاسِهِم لَو قَطَعتَها خَمَدُوا، فَما یَمنَعُکَ یا رَبِّ أن تَکشِفَ بَأسَهُم وَ تَنزِعَ عَنهُم فی حِفظِکَ لِباسَهُم، وَ تُعرِیَهُم مِن سَلامَهٍ بِها فی أرضِکَ یَسرَحُونَ وَ فی مَیدانِ البَغیِ عَلی عِبادِکَ یَمرَحُونَ؟!

إلهی أدرِکنی وَ لَمّا یُدرِکنِیَ(۲) الغَرَقُ وَ تَدارَکنی وَ لَمّا غَیَّبَ شَمسِیَ الشَّفَقُ.

إلهی کَم مِن خائِفٍ التَجَأ إلی سُلطانٍ فَآبَ عَنهُ مَحفُوفاً بِأمنٍ وَ أمانٍ! أفَأقصُدُ أعظَمَ مِن سُلطانِکَ سُلطاناً؟ أم أوسَعَ مِن إحسانِکَ إحساناً؟ أم أکثَرَ مِنَ اقتِدارِکَ اقتِداراً؟ أم أکرَمَ مِنِ انتِصارِکَ انتِصاراً؟ ما عُذری إلهی إذا حُرِمتُ فی حُسنِ الکِفایَهِ نائِلَکَ؟ وَ أنتَ الَّذی لا یُخَیِّبُ آمِلُکَ وَلا یُرَدُّ سائِلُکَ.

إلهی إلهی أینَ رَحمَتُکَ الَّتی هِیَ نُصرَهُ المُستَضعَفینَ مِنَ الأنامِ؟ وَ أینَ أینَ کِفایَتُکَ الَّتی هِیَ جُنَّهُ المُستَهدَفینَ لِجَورِ الأیّامِ؟ إلَیَّ إلَیَّ بِها یا رَبِّ،ی.



---

۱- فی البحار: عدوِّک.

۲- فی البحار: یدرکنی.

نَجِّنى مِنَ القَومِ الظّالِمينَ إنّى مَسَّنِىَ الضُّرُّ وَ أَنتَ أرحَمُ الرّاحِمينَ.

مَولاىَ تَرى تَحَيُّرى فى أمرى وَانطِواىَ عَلى حُرقَهِ قَلبى وَ حَرارَهِ صَدرى، فَجُد لى يا رَبِّ بِما أنتَ أهلُهُ فَرَجاً وَ مَخرَجاً وَ يَسِّر لى نَحوَ اليُسرِ مَنهَجاً، وَاجعَل مَن يَنصِبُ الحِبالَهَ لى لِيَصرَعَنى بِها صَريعاً فيما مَكَرَ، وَ مَن يَحفِرُ لِىَ البِئرَ لِيُوقِعَنى فيها واقِعاً فيما حَفَرَ.

وَاصرِف عَنّى شَرَّهُ وَ مَكرَهُ وَ فَسادَهُ وَ ضُرَّهُ ما تَصرِفُهُ عَنِ القَومِ المُتَّقينَ. إلهى عَبدُکَ عَبدُکَ أجِب دَعوَتَهُ، وَ ضَعيفُکَ ضَعيفُکَ فَرِّج غُمَّتَهُ، فَقَدِ انقَطَعَ بِهِ کُلُّ حَبلٍ إلّا حَبلُکَ وَ تَقَلَّصَ عَنهُ کُلُّ ظِلٍّ إلّا ظِلُّکَ. مَولاىَ دَعوَتى هذِهِ إن رَدَدتَها أينَ تُصادِفُ مَوضِعَ الإجابَهِ وَ مَخيلَتى هـذِهِ إن کَذَّبتَها أينَ تُلاقى مَوضِعَ الإصابَهِ؟ فَلا تَرُدَّ عَن بابِکَ مَن لا يَعرِفُ غَيرَهُ باباً، وَلا تَمنَع دُونَ جَنابِکَ مَن لا يَعرِفُ سِواهُ جَناباً.

إلهى إنَّ وَجهاً إلَيکَ بِرَغبَتِهِ تَوَجَّهَ فَالرّاغِبُ خَليقٌ بِأن لا تُخَيِّبَهُ وَ إنَّ جَبيناً لَکَ بِابتِهالِهِ سَجَدَ حَقيقٌ أن يَبلُغَ المُبتَهِلُ ما قَصَدَ، وَ إنَّ خَدّاً لَدَيکَ بِمَسأَلَتِهِ تَعَفَّرَ جَديرٌ أن يَفُوزَ السّائِلُ بِمُرادِهِ وَ يَظفَرَ. هـذا (يا) إلهى تَعفيرُ خَدّى وَ ابتِهالى فى مَسأَلَتِکَ وَ جِدّى، فَلَقِّ رَغَباتى بِرَحمَتِکَ قَبُولاً وَ سَهِّل إلَىَّ طَلِباتِ بِرَأفَتِکَ وُصُولاً، وَ ذَلِّل لى قُطُوفَ ثَمَرَهِ إجابَتِکَ تَذليلاً.

إلهى وَ إذا قامَ ذُو حاجَهٍ فى حاجَتِهِ شَفيعاً فَوَجَدتَهُ مُمتَنِعَ النّشجاحِ مُطيعاً، فإنّى أستَشفِعُ إلَيکَ بِکَرامَتِکَ وَ الصَّفوَهِ مِن أنامِکَ(۱) الَّذينَ لَهُم(۲) أنشَأتَ ما يَقِلُّ وَ يُظِلُّ وَ نَزَّلتَ ما يَدِقُّ وَ يَجِلُّ.م.



---

۱- فى البحار: أنبياءک.

۲- فى البحار: بهم.

أتَقَرَّبُ إلَیکَ بِأوَّلِ مَن تَوَّجتَهُ تاجَ الجلالَهِ وَ أحلَلتَهُ مِنَ الفِطرَهِ مَحَلَّ السُّلالَهِ، حُجَّتِکَ فی خَلقِکَ وَ أمینِکَ عَلی عِبادِکَ مُحَمَّدٍ رَسُولِکَ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ، وَ بِمَن جَعَلتَهُ لِنُورِهِ مَغرِباً وَ عَن مَکنُونِ سِرِّهِ مُعرِباً، سَیِّدِ الأوصیاءِ وَ إمامِ الأتقِیاءِ یَعسُوبِ الدّینِ وَ قائِدِ الغُرِّ المُحَجَّلینَ أبِی الأئِمَّهِ الرّاشِدینَ، عَلِیٍّ أمیرِ المُؤمِنینَ.

وَ أتَقَرَّبُ إلَیکَ بِخِیَرَهِ الأخیارِ وَ أُمِّ الأنوارِ وَ الإنسِیَّهِ الحَوراءِ البَتُولِ العَذراءِ فاطِمَهَ الزَّهراءِ، وَ بِقُرَّتَی عَینِ الرَّسُولِ وَ ثَمَرَتَی فُؤادِ البَتُولِ السَّیِّدَینِ الإمامَینِ أبی مُحَمَّدٍ الحَسَنِ وَ أبی عَبدِاللهِ الحُسَینِ.

وَ بِالسَّجّادِ زَینِ العُبّادِ ذِی الثَّفَناتِ راهِبِ العَرَبِ عَلِیِّ بنِ الحُسَینِ، وَ بِالإمامِ العالِمِ وَ السَّیِّدِ الحاکِمِ النَّجمِ الزّاهِرِ وَ القَمَرِ الباهِرِ مَولایَ مُحَمَّدِبنِ عَلِیٍّ الباقِرِ، وَ بِالإمامِ الصّادِقِ مُبَیِّنِ المُشکِلاتِ مُظهِرِ الحَقائِقِ المُفحِمِ بِحُجَّتِهِ کُلَّ ناطِقٍ، مُخرِسِ ألسِنَهِ أهلِ الجِدالِ مُسَکِّنِ الشَّقاشِقِ مَولایَ جَعفَرِبنِ مُحَمَّدٍ الصّادِقِ.

وَ بِالإمامِ التَقِیِّ وَ المُخلِصِ الصَّفِیِّ وَ النُّورِ الأحمَدِیِّ وَ النُّورِ الأنوَرِ وَ الضِّیاءِ الأزهَرِ مَولایَ مُوسَی بنِ جَعفَرٍ، وَ بِالإمامِ المُرتَضی وَ السَّیفِ المُنتَضی مَولایَ عَلِیِّ بنِ مُوسَی الرِّضا، وَ بِالإمامِ الأمجَدِ وَ البابِ الأقصَدِ وَ الطَّریقِ الأرشَدِ وَ العالِمِ المُؤَیَّدِ یَنبُوعِ الحِکَمِ وَ مِصباحِ الظُّلَمِ سَیِّدِ العَرَبِ وَ العَجَمِ الهادی إلَی الرَّشادِ وَ المُوَفَّقِ بِالتَّأییدِ وَ السَّدادِ مَولانا مُحَمَّدِبنِ عَلِیٍّ الجَوادِ.

وَ بِالإمامِ مِنحَهِ الجَبّارِ وَ والِدِ الأئِمَّهِ الأطهارِ عَلِیِّ بنِ مُحَمَّدٍ المَولُودِ بِالعَسکَرِ الَّذی حَذَّرَ بِمَواعِظِهِ وَ أنذَرَ، وَ بِالإمامِ المُنَزَّهِ عَنِ المَآثِمِ المُطَهَّرِ مِنَ المَظالِمِ الحِبرِ العالِمِ بَدرِ الظَّلامِ وَ رَبیعِ الأنامِ التَّقِیِّ النَّقِیِّ

الطّاهِرِ الزَّکِیِّ مَولایَ أبی مُحَمَّدٍ الحَسَنِ بنِ عَلِیٍّ العَسکَرِیِّ.

وَ أتَقَرَّبُ إلَیکَ بِالحَفیظِ العَلیمِ الَّذی جَعَلتَهُ عَلی خَزائِنِ الأرضِ وَ الأبِ الرَّحیمِ الَّذی مَلَّکتَهُ أزِمَّهَ البَسطِ وَ القَبضِ، صاحِبِ النَّقیبَهِ المَیمُونَهِ وَ قاصِفِ الشَّجَرَهِ المَلعُونَهِ، مُکَلِّمِ النّاسِ فی المَهدِ وَ الدّالِّ عَلی مِنهاجِ الرُّشدِ، الغائِبِ عَنِ الأبصارِ، الحاضِرِ فِی الأمصارِ الغائِبِ عَنِ العُیُونِ الحاضِرِ فی الأفکارِ، بَقِیَّهِ الأخیارِ الوارِثِ لِذِی الفَقارِ، الَّذی یَظهَرُ فی بَیتِ اللهِ ذِی الأستارِ العالِمِ المُطَهَّرِ مُحَمَّدِ بنِ الحَسَنِ، عَلَیهِم أفضَلُ التَّحِیّاتِ وَ أعظَمُ البَرَکاتِ وَ أتَمُّ الصَّلَواتِ.

اَللّهُمَّ فَهؤُلاءِ مَعاقِلی إلَیکَ فی طَلِباتی وَ وَسائِلی، فَصَلِّ عَلیهِم صَلاهً لایَعرِفُ سِواکَ مَقادیرَها وَلا یَبلُغُ کَثیرُ الخَلائِقِ صَغیرَها، و کُن لی بِهِم عِندَ أحسَنِ ظَنّی، وَ حَقِّق لی بِمَقادیرِکَ تَهیِئَهَ التَّمَنّی.

إلهی لا رُکنَ لی أشَدُّ مِنکَ فَآوی إلی رُکنٍ شَدیدٍ، وَلا قَولَ لی أسَدُّ مِن دُعائِکَ فُاستَظهِرُکَ بِقَولٍ سَدیدٍ، وَلا شَفیعَ لی إلیکَ أوجَهُ مِن هؤُلاءِ فَآتیکَ بِشفیعٍ وَدیدٍ. فَهَل بَقِیَ یا ربِّ غَیرُ أن تُجیبَ وَ تَرحَمَ مِنّی البُکاءَ وَ النَّحیبَ؟

یا مَن لا إلهَ سِواهُ، یا مَن یُجیبُ المُضطَرَّ إذا دَعاهُ، یا راحِمَ عَبرَهِ یَعقُوبَ، یا کاشِفَ ضُرِّ أیُّوبَ، اِغفِرلی وَ ارحَمنی وَ انصُرنی عَلَی القَومِ الکافِرینَ، وَافتَح لی وَ أنتَ خَیرُ الفاتِحینَ، یا ذَا القُوَّهِ المَتینِ یا أرحَمَ الرّاحِمینَ.(۱)۷.

ص: ۲۴۷

---

۱- مهج الدّعوات، ص ۶۱۱ تا ۶۱۷.

## ۲- دعای قنوت امام عصر علیه السلام

متن دعای قنوت امام زمان علیه السلام که در آن با سوز دل برای تعجیل فرج خویش دعا کرده اند، چنین است:

اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَکرِم أولیائِک بِإنجازِ وَعدِک، وَ بَلِّغهِم دَرَکَ ما یَأمُلُونَهُ مِن نَصرِکَ، وَ اکفُف عَنهُم بَأسَ مَن نَصَبَ الخِلافِ عَلَیک وَ تَمَرَّدَ بِمَنعِکَ عَلی رُکُوبِ مُخالَفَتِکَ، وَاستَعانَ بِرِفدِکَ عَلی فَلِّ حَدِّک، وَ قَصَدَ لِکَیدِک بِأَیدِک، وَ وَسِعتَهُ حِلماً لِتَأخُذَهُ عَلی جَهرَهٍ، وَ تَستَأصِلَهُ(۱) عَلی غِرَّهٍ.

فَإنَّکَ اللّهُمَّ قُلتَ وَ قَولُکَ الحَقُّ: «حَتّی إذا أخَذَتِ الأرضُ زُخرُفَها وَ ازَّیَّنَت وَ ظَنَّ أهلُها أنَّهُم قادِرونَ عَلَیها أتاها أمرُنا لَیلاً أو نَهاراً فَجَعَلناها حَصیداً کَأن لَم تَغنَ بِالأمسِ. کَذلِکَ نُفَصِّلُ الآیاتِ لِقَومٍ یَتَفَکَّرُونَ»(۲)، وَ قُلتَ: «فَلَمّا آسَفُونَا انتَقَمنا مِنهُم»،(۳) وَ إنَّ الغایَهَ عِندَنا قَد تَناهَت، وَ إنّا لِغَضَبِکَ غاضِبُونَ وَ إنّا عَلی نَصرِ الحَقِّ مُتَعاصِبُونَ، وَ إلی وُرُودِ أمرِکَ مُشتاقُونَ، وَلِإنجازِ وَعدِکَ مُرتَقِبُونَ، وَ لِحُلُولِ وَعیدِکَ بِأعدائِکَ مُتَوَقِّعُونَ.

اَللّهُمَّ فَأذَن بِذلِکَ وَ افتَح طُرُقاتِهِ، وَ سَهِّل خُرُوجَهُ وَ وَطِّئ مَسالِکَهُ، وَ اشرَع شَرایِعَهُ و أیِّد جُنُودَهُ وَ أعوانَهُ، وَ بادِر بأسَکَ القَومَ الظّالِمینَ، وَ ابسُط سَیفَ نَقِمَتِکَ عَلی أعدائِکَ المُعانِدینَ، و خُذ بِالثّارِ إنّکَ جَوادٌ مَکّارٌ.(۴)۱



---

۱- فی البحار: أو تستأصله.

۲- یونس/۲۴.

۳- الزّخرف/۵۵.

۴- مهج الدّعوات، ص ۱۵۰ و ۱۵۱.

### ۳- دعای دیگر امام عصر علیه السلام در قنوت

متن دعای دیگری که امام زمان علیه السلام در قنوت نمازشان خوانده اند، چنین می باشد:

اَللّهُمّش مالِکَ المُلکِ تُؤتِی المُلکَ مَن تَشاءُ وَ تَنزِعُ المُلکَ مِمَّن تَشاءُ وَ تُعِزُّ مَن تَشاءُ وَ تُـذِلُّ مَن تَشاءُ، بِیَدِکَ الخَیرُ إنَّکَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ، یـا ماجِدُ یـا جَوادُ یا ذَالجَلالِ وَ الإکرامِ، یا بَطّاشُ یا ذَا البَطشِ الشَّدیـدِ، یا فَعّالاً لِما یُریـدُ، یا ذَا القُوَّهِ المَتینِ، یا رَؤُوفُ یا رَحیمُ یا لَطیفُ، یا حَیُّ حینَ لا حَیَّ.

أسألُکَ(۱) بِاسمِکَ المَخزُونِ المَکنُونِ الحَیِّ القَیُّومِ الَّذِی استَأثَرتَ بِهِ فی عِلمِ الغَیبِ عِنـدَکَ وَلَم یَطَّلِع عَلَیهِ أحَدٌ مِن خَلقِکَ، وَ أسألُکَ بِاسمِکَ الَّذی تُصَوِّرُ بِهِ خَلقَکَ فِی الأرحامِ کَیفَ تَشاءُ وَ بِهِ تَسُوقُ إلَیهِم أرزاقَهُم فی أطباقِ الظُّلُماتِ مِن بَینِ العُرُوقِ وَ العِظامِ.

وَ أَسألُکَ بِاسمِکَ الَّذی أَلَّفتَ بِهِ بَینَ القُلُوبِ أولِیائِکَ وَ أَلّفتَ بَینَ الثَّلجِ وَ النّارِ، لا هذا یُذیبُ هذا ولا هذا یُطفِئُ هذا، وَ أَسألُکَ بِاسمِکَ الَّذی کَوَّنتَ بِهِ طَعمَ المِیاهِ، وَ أسألُکَ بِاسمِکَ الَّذی أجرَیتَ بِهِ الماءَ فی عُرُوقِ النَّباتِ بَینَ أطباقِ الثَّری، وَ سُقتَ الماءَ إلی عُرُوقِ الأشجارِ بَینَ الصَّخرَهِ الصَّمّاءِ، وَ أَسألُکَ بِاسمِکَ الَّذی کَوَّنتَ بِهِ طَعمَ الثِّمارِ وَ أَلوانَها.

وَ أسألُکَ بِاسمِکَ الَّذی بِهِ تُبدِئُ وَ تُعیدُ، وَ أسألُکَ بِاسمِکَ الفَردِ الواحِدِ المُتَفَرِّدِ بِالوَحدانِیَّهِ المُتَوَحِّدِ بِالصَّمَدانِیَّهِ، وَ أسألُکَ بِاسمِکَ الَّذی فَجَّرتَ بِهِ الماءَ مِنَ الصَّخرَهِ الصَّمّاءِ، وَ سُقتَهُ مِن حَیثُ شِئتَ، وَ أسألُکَ بِاسمِکَ الَّذی خَلَقتَ بِهِ خَلقَکَ وَ رَزَقتَهُم کَیفَ شِئتَ وَ کَیفَ شاؤُوا.

یا مَن لا یُغَیِّرُهُ الأیّامُ وَ اللَّیالی، أدعُوکَ بِما دَعاکَ بِهِ نُوحٌ حینَ ناداکَ، ک.

ص: ۲۴۹

---

۱- فی البحار: اللّهمّ أسألک.

فـأنجيتَهُ وَ مَن مَعَهُ وَ أهلَكتَ قَومَهُ، وَ أدعُوكَ بِمـا دَعـاكَ إبراهيمُ خَليلُـكَ حينَ نـاداكَ، فـأَنجَيتَهُ وَ جَعَلتَ النّارَ عَلَيهِ وَ سَـلاماً، وَ أدعوكَ بِما دَعاكَ بِهِ مُوسـى كَليمُكَ حينَ ناداكَ، فَفَرَقتَ (فَلَقتَ يا فَفَلَقتَ) لَهُ البَحرَ، فَأنجَيتَهُ وَ بَنى إسرائيلَ وَ أغرَقتَ فِرعَونَ وَ قَومَهُ فِى اليَمِّ، وَ ادعُوكَ بِمـا دَعـاكَ بِهِ عيسى رُوحُـكَ حينَ ناداكَ، فَنَجَّيتَهُ (فَأَنجَيتَه) مِن أعـدائِهِ وَ إلَيكَ رَفَعتَهُ، وَ أدعُوكَ بِما دَعـاكَ حَبيبُـكَ وَ صَـفِيُّكَ وَ نَبِيُّكَ مُحَمَّدٌ صلّى الله عليه و آله، فَاستَجَبتَ لَهُ، وَ مِنَ الأحزابِ نَجَّيتَهُ وَ عَلى أعـدائِكَ نَصَـرتَهُ وَ أسألُكَ بِاسمِكَ الَّذى إذا دُعيتُ بِهِ أجَبتَ.

يا مَن لَهُ الخَلقُ وَ الأمرُ، يا مَن أحاطَ بِكُلِّ شَىءٍ عِلماً وَ (يا مَن) أحصـى كُلَّ شَـىءٍ عَدَداً يا مَن لا تُغَيِّرُهُ الأيّامُ وَ اللَّيالى، وَلا تَتَشابَهُ عَلَيهِ الأصواتُ وَلا تَخفى عَلَيهِ اللُّغاتُ، وَلا يُبرِمُهُ إلحاحُ المُلِحّينَ، أسألُكَ أن تُصَلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آل مُحَمَّدٍ خِيَرَتِكَ مِن خَلقِكَ، فَصَلِّ عَلَيهِم بِأفضَلِ صَـلَواتِكَ، وَ صَلِّ عَلى جَميعِ النَّبِيّينَ وَ المُرسَـلينَ، الَّذينَ بَلَّغُوا عَنكَ الهُدى وَ عَقَدُوا لَكَ المَواثيقَ بِالطّاعَهِ، وَ صَلِّ عَلى عِبادِكَ الصّالِحينَ.

يـا مَن لاـ يُخلِفُ الميعـادَ، أنجِزلى ما وَعـدتَنى وَ اجمَع لى أصـحابى وَ صَبِّرهُم، وَ انصُـرنى عَلى أعـدائِكَ وَ أعـداءِ رَسُولِكَ، وَلا تُخَيِّب دَعوَتى، فَإنّى عَبدُكَ ابنُ عَبدِكَ ابنُ أمَتِكَ أسيرٌ بَينَ يَدَيكَ.

سَيِّدى أنتَ الَّذى مَنَنتَ عَلَىَّ بِهـذَا المَقام، وَ تَفَضَّلتَ بِهِ عَلَىَّ دُونَ كَثيرٍ مِن خَلقِكَ، أَسألُكَ أن تُصَـلِّىَ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أن تُنجِزُ لى ما وَعَدتَنى، إنَّكَ أنتَ الصّادِقُ وَلا تُخلِفُ الميعاد، وَ أنتَ عَلى كُلِّ شَىءٍ قَديرٌ.(۱)۳.

ص: ۲۵۰

---

۱- مهج الدّعوات، ص ۱۵۱ تا ۱۵۳.

## ۴- دعای قنوت نماز وتر

متن دعایی که زراره از حضرت باقرالعلوم علیه السلام در قنوت نماز وتر نقل کرده، چنین است:

اللّهُمَّ تَمَّ نُورُکَ فَهَدَیتَ فَلَکَ الحَمدُ رَبَّنَا وَ بَسَطت یَدَکَ فَأعطَیتَ فَلَکَ الحَمدُ رَبَّنا وَ عَظُمَ حِلمُکَ فَعَفَوتَ فَلَکَ الحَمدُ رَبَّنَا وَجهُکَ أکرَمُ الوُجُوهِ وَ جِهتُکَ خَیرُ الجِهَاتِ وَ عَطِیَّتُکَ أفضَلُ العَطِیّاتِ وَ أهنَأهَا تُطَاعُ رَبَّنَا فَتَشکُرُ وَ تُعصی رَبَّنَا فَتَغفِرُ لِمَن شِئتَ تُجِیبُ المُضطَرَّ وَ تَکشِفُ الضَّرَّ وَ تَشفِی السَّقِیم وَ تُنجی مِنَ الکَربِ العَظِیم لَا یَجزی بِآلائِکَ أحَدٌ وَ لَا یُحصِی نَعماءَکَ قَولُ قَائِلٍ اللّهُمَّ إلَیکَ رُفِعَتِ الأبصَارُ وَ نُقِلَتِ الأقدَامُ وَ مُدَّتِ الأعنَاقُ وَ رُفِعَتِ الأیدِی وَ دُعِیتَ بِالألسُنِ وَ تُحُوکِمَ إلَیکَ فِی الأعمالِ رَبَّنَا اغفِر لَنا وَ ارحَمنا وَ افتَح بَینَنا وَ بَینَ خَلقِکَ بِالحَقِّ وَ أنتَ خَیرُ الفاتِحینَ اللّهُمَّ إلَیکَ نَشکُو غَیبَةَ نَبِیِّنَا[(۱)] وَ شِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَینَا وَ وُقُوعَ الفِتَنِ بِنَا وَ تَظَاهُرَ الأعداءِ وَ کَثرَةَ عَدُوِّنا وَ قِلَّةَ عَدَدِنا فَفَرِّج ذلِکَ یا رَبِّ بِفَتحٍ مِنکَ تُعَجِّلُهُ وَ نَصرٍ مِنکَ تُعِزُّهُ وَ إمامِ عَدلٍ تُظهِرُهُ إلَهَ الحَقِّ رَبَّ العالَمینَ.[(۲)]

پس از خواندن دعای فوق ۷۰ بار أستَغفِرُ اللهَ وَ اَتُوبُ اِلیه را در قنوت وتر می گویی و از آتش زیاد به خدا پناه می بری (به عنوان مثال هفت بار می گویی: هذا مَقامُ العائِذِ بِکَ مِنَ النّارِ) و پس از سلام نماز وتر سه بار سُبحانَ رَبِّیَ المَلِکِ القُدُّوسِ العَزیزِ الحَکیمِ و سه بار الحَمدُ لِرَبِّ الصَّباحِ اَلحَمدُ لِفالِقِ الاِصباحِ می گویی.ق.

ص: ۲۵۱

---

۱- در نسخه جمال الاسبوع، ص ۲۵۷، چنین آمده است: اللّهُمَّ اِلَیکَ نَشکُو فَقدَ نَبِیِّنا وَ غَیبَةَ وَلِیِّنا.

۲- بحارالانوار، ج۸۷، ص۱۹۸، ح۶، به نقل از مجالس صدوق.

## ۵- دعای صبح و شام

متن دعـایی که امام صادق علیه السـلام برای خوانـدن در صـبح و شام سـفارش اکیـد فرموده انـد، مطابق نقل مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی چنین است:

اللّهُمَّ إِنِّی أَصبَحتُ أَستَغفِرُکَ فِی هَـذَا الصَّباحِ وَ فِی هـذَا الیَومِ لِأَهلِ رَحمَتِکَ وَ أَبرَأُ إِلَیکَ مِن أَهلِ لَعنَتِکَ اللّهُمَّ إِنِّی أَصبَحتُ أَبرَأُ إِلَیکَ فی هـذَا الیَوم وَ فِی هـذَا الصَّباحِ مِمَّن نَحنُ بَینَ ظَهرانَیهِم مِنَ المُشرِکِینَ وَ مِمّـا کـانُوا یَعبُـدُونَ إِنَّهُم کـانُوا قَومَ سَوءٍ فاسِـقینَ، اللّهُمَّ اجعَل مَا أَنزَلتَ مِنَ السَّماءِ إِلَی الأَرضِ فی هـذَا الصَّباحِ وَ فِی هـذَا الیَوم بَرَکَهً عَلَی أَولِیائِکَ وَ عِقاباً عَلی أَعدائِکَ اللّهُمَّ والِ مَن والاـکَ وَ عادِ مَن عاداکَ اللّهُمَّ اختِم لی بِالأَمنِ وَ الإِیمانِ کُلَّما طَلَعَت شَـمسٌ أَو غَرَبَت اللّهُمَّ اغفِر لی وَ لِوالِـدَیَّ وَ ارحَمهُمـا کَما رَبَّیانی صَـغِیراً اللّهُمَّ اغفِر لِلمُؤمِنینَ وَ المُؤمِناتِ وَ المُسـلِمینَ وَ المُسلِماتِ الأَحیاءِ مِنهُم وَ الأَمواتِ اللّهُمَّ إِنَّکَ تَعلَمُ مُنقَلَبَهُم وَ مَثواهُمُ اللّهُمَّ احفَظ إِمامَ المُسـلِمینَ بِحِفظِ الإِیمانِ وَ انصُـرهُ نَصراً عَزیزاً وَ افتَح لَهُ فَتحاً یَسیراً وَ اجعَل لَهُ وَ لَنا مِن لَدُنکَ سُلطاناً نَصِیراً اللّهُمَّ العَن فُلاناً وَ فُلاناً(۱) وَ الفِرَقَ المُختَلِفَهَ عَلی رَسُولِکَ وَ وُلاهِ الأَمرِ بَعدَ رَسُولِکَ وَ الأَئِمَّهِ مِن بَعدِهِ وَ شِـیعَتِهِم وَ أَسأَلُـکَ الزِّیـادَهَ مِن فَضـلِکَ وَ الإِقرارَ بِمـا جاءَ مِن عِنـدِکَ وَ التَّسـلیمَ لِأَمرِکَ وَ المُحافَظَهَ عَلی ما أَمَرتَ بِهِ لا أَبتَغی بِهِ بَـدَلاً وَلا أَشتَرِی بِهِ ثَمَناً قَلیلاً اللّهُمَّ اهدِنِی فِیمَن هَدَیتَ وَ قِنِی شَـرَّ مَا قَضَیتَ إِنَّکَ تَقضِی وَ لَا یُقضی عَلَیکَ وَ لَا یَذِلُّ مَن والَیتَ، تَبارَکتَ وَ تَعالَیتَ، سُبحانَکَ رَبَّ البَیتِ تَقَبَّل مِنِّی دُعائی وَ ما تَقَرَّبتُ بِهِ إِلَیکَ مِن خَیرٍ فَضاعِفهُ لِی أَضعافاً [مُضَاعَفَهً] کَثِیرَهً وَ آتِنا مِند.

ص: ۲۵۲

---

۱- به جای فلان و فلان نام اوّلین و دومین دشمن اهل بیت علیهم السلام برده می شود.

لَدُنکَ [رَحمَهً وَ] أَجراً عَظیماً، رَبِّ ما أَحسَنَ مَا ابتَلَیتَنی وَ أَعظَمَ ما أَعطَیتَنی وَ أَطوَلَ ما عافَیتَنی وَ أَکثَرَ ما سَتَرتَ عَلَیَّ فَلَکَ الحَمدُ یَا إِلهی کَثیراً طَیِّباً مُبارَکاً عَلَیهِ؛ مِلءَ السَّماواتِ وَ مِلءَ الأَرضِ وَ مِلءَ ما شاءَ رَبّی کَما یُحِبُّ وَ یَرضی وَ کَما یَنبَغی لِوَجهِ رَبّی ذِی الجَلالِ وَ الإِکرامِ.(۱)

## ۶- دعای «اللهمَّ عَرِّفنی نَفسَکَ...»

این دعا را مرحوم سیّد بن طاووس با سندهایش از علّامه شیخ طوسی نقل فرموده که از ناحیه مقدّس خود امام زمان علیه السلام توسّط نایب اوّل ایشان املا شده و اختصاص به زمان خاصّی ندارد. امّا مرحوم سیّد سفارش اکید به خواندن آن پس از تعقیبات نماز عصر روز جمعه فرموده است:

اَللّهُمَّ عَرِّفنی نَفسَکَ فَإنَّکَ إن لَم تُعَرِّفنی نَفسَکَ لَم أعرِفکَ وَ لَم أعرِف رَسُولَکَ اَللّهُمَّ عَرِّفنی رَسُولَکَ فَإنَّکَ إن لَم تُعَرِّفنی رَسُولَکَ لَم أعرِف حُجَّتَکَ، اَللّهُمَّ عَرِّفنی حُجَّتَکَ فَإنَّکَ إن لَم تُعَرِّفنی حُجَّتَکَ ضَلَلتُ عَن دینی، اَللّهُمَّ لا تُمِتنی میتَهً جاهِلِیَّهً وَ لا تُزِغ قَلبی بَعدَ إذ هَدَیتَنی، اَللّهُمَّ فَکَما هَدَیتَنی لِوِلایَهِ(۲) مَن فَرَضتَ طاعَتَهُ عَلَیَّ مِن وُلاهِ أمرِکَ بَعدَ رَسُولِکَ صَلَواتُکَ عَلَیهِ وَ آلِهِ، حَتّی والَیتُ وُلاهَ أمرِکَ أمیرَ المُؤمِنینَ وَ الحَسَنَ وَ الحُسَینَ وَ عَلِیّاً وَ مُحَمَّداً وَ جَعفَراً وَ مُوسی وَ عَلِیّاً وَ مُحَمَّداً وَ عَلِیّاً وَ الحَسَنَ وَ الحُجَّهَ القائِمَ المَهدِیَّ صَلَواتُکَ عَلَیهِم أجمَعینَ، اَللّهُمَّ ثَبِّتنی عَلی دینِکَ وَ استَعمِلنی بِطاعَتِکَ، وَ لَیِّن قَلبی لِوَلِیِّ أمرِکَ وَ عافِنی مِمّا امتَحَنتَ بِهِ خَلقَکَ، وَ ثَبِّتنی عَلی طاعَهِ وَلِیِّ أمرِکَ الَّذی سَتَرتَهُ عَن خَلقِکَ فَبِإذنِکَ غابَ عَن بَرِیَّتِکَ، وَ أمرَکَ یَنتَظِرُ وَ أنتَ العالِمُ غَیرُ مُعَلَّمٍ.



---

۱- اصول کافی، کتاب الدّعاء، باب القّول عند الاصباح و الإمساء، ح۲۳.

۲- فی اکمال الدین: هدیتنی بولایه.

بِالوَقتِ الَّذی فیهِ صَلاحُ أمرِ وَلِیِّکَ فِی الإذنِ لَهُ بِإظهارِ أمرِهِ وَ کَشفِ سِرِّهِ، وَ صَبِّرنی عَلی ذلِکَ حَتّی لا اُحِبَّ تَعجیلَ ما أَخَّرتَ وَ لا تَأخیرَ ما عَجَّلتَ، وَ لا أَکشِفَ عَمّا سَتَرتَ(١) وَ لا أَبحَثَ عَمّا کَتَمتَ،(٢) وَلا اُنازِعَکَ فی تَدبیرِکَ، وَلا أَقُولَ: لِمَ وَ کَیفَ وَ ما بالُ وَلِیِّ الأَمرِ(٣) لا یَظهَرُ وَ قَدِ امتَلَأَتِ الأَرضُ مِنَ الجَورِ، وَ اُفَوِّضَ اُمُوری کُلَّها إِلَیکَ.

اَللّهُمَّ إِنّی أَسأَلُکَ أَن تُرِیَنی وَلِیَّ أَمرِکَ ظاهِراً نافِذَ الأَمرِ(۴)، مَعَ عِلمی بِأَنَّ لَکَ السُّلطانَ وَ القُدرَهَ وَ البُرهانَ وَ الحُجَّهَ وَ المَشِیَّهَ وَ الحَولَ وَ القُوَّهَ فَافعَل ذلِکَ بی وَ بِجَمیعِ المُؤمِنینَ حَتّی نَنظُرَ إِلی وَلِیِّکَ صَلَواتُکَ عَلَیهِ وَ آلِهِ، ظاهِرَ المَقالَهِ، واضِحَ الدَّلالَهِ، هادِیاً مِنَ الضَّلالَهِ، شافِیاً مِنَ الجَهالَهِ، وَ أَبرِز یا رَبِّ مُشاهَدَتَهُ(١) وَ ثَبِّت قَواعِدَهُ، وَ اجعَلنا مِمَّن تَقَرُّ عَینُهُ بِرُؤیَتِهِ وَ أَقِمنا بِخِدمَتِهِ وَ تَوَفَّنا عَلی مِلَّتِهِ وَ احشُرنا فِی زُمرَتِهِ، اَللّهُمَّ أَعِذهُ مِن شَرِّ جَمیعِ ما خَلَقتَ وَ بَرَأتَ وَ ذَرَأتَ وَ أَنشَأتَ وَ صَوَّرتَ، وَ احفَظهُ مِن بَینِ یَدَیهِ وَ مِن خَلفِهِ وَ عَن یَمینِهِ وَ عَن شِمالِهِ وَ مِن فَوقِهِ وَ مِن تَحتِهِ، بِحِفظِکَ الَّذی لا یَضیعُ مَن حَفِظتَهُ بِهِ، وَ احفَظ فیهِ رَسُولَکَ وَ وَصِیَّ رَسُولِکَ صلّی الله علیه و آله و سلّم. اَللّهُمَّ وَ مُدَّ فی عُمرِهِ وَ زِد فی أَجَلِهِ وَ أَعِنهُ عَلی ما وَلَّیتَهُ(٢) وَ استَرعَیتَهُ، وَ زِد فی کَرامَتِکَ لَهُ، فَإِنَّهُ الهادِی المَهدِیُّ وَ القائِمُ المُهتَدِی، الطّاهِرُ التَّقِیُّ الزَّکِیُّ النَّقِیُّ الرَّضِیُّ المَرضِیُّ الصّابِرُ الشَّکُورُ المُجتَهِدُ،(٣) اَللّهُمَّ وَ لا تَسلُبنَا الیَقینَ لِطُولِ الأَمَدِ فی غَیبَتِهِ وَ انقِطاعِ خَبَرِهِ عَنّا، وَ لا ر.



---

١- فی اکمال الدّین: مشاهده.

٢- فی اکمال الدّین: اَولَیتَهُ.

٣- فی اکمال الدّین: المجتهد الشکور.

تُنسِـنا ذِکرَهُ وَ اِنتِظـارَهِ وَ الایمـانَ بِهِ وَ قُوَّهَ الیَقینِ فِی ظُهُورِهِ وَ الـدُّعاءَ لَهُ وَ الصَّلاهَ عَلَیهِ، حَتّی لا یُقَنِّطَنا طُولُ غَیبَتِهِ مِن [ظُهُورِهِ وَ] قِیامِهِ، وَ یَکُونَ یَقینُنا فی ذلِکَ کَیَقینِنا فِی قِیامِ رَسُولِ اللهِ صلّی الله علیه و آله و سلّم وَ ما جاءَ بِهِ مِن وَحیِکَ وَ تَنزیلِکَ، وَ قوِّ قُلُوبَنا عَلَی الایمـانِ بِهِ حَتّی تَسلُکَ بِنـا عَلی یَدَیهِ مِنهـاجَ الهُـدی وَ المَحَجَّهَ العُظمی وَ الطَّریقَهَ الوُسطی، وَ قَوِّنـا عَلی طاعَتِهِ وَ ثَبِّتنا عَلی مُتابَعَتِهِ، وَ اجعَلنا فی حِزبِهِ وَ أَعوانِهِ وَ أَنصارِهِ وَ الرَاضـینَ بِفِعلِهِ، وَ لا تَسلُبنا ذلِکَ فی حَیاتِنا وَلا عِندَ وَفاتِنا حَتّی تَتَوَفّانا وَ نَحنُ عَلی ذلِکَ لا شاکّینَ وَلا ناکِثینَ وَلا مُرتابینَ وَلا مُکَذِّبینَ.

اَللّهُمَّ عَجِّل فَرَجَهُ وَ أَیِّدهُ بِالنَّصرِ، وَ انصُر ناصِریهِ وَ اخذُل خاذِلیهِ، وَ دَمدِم عَلی مَن نَصَبَ لَهُ وَ کَذَّبَ بِهِ، وَ أَظهِر بِهِ الحَقَّ، وَ أَمِت بِهِ الجَورَ، وَ استَنقِذ بِهِ عِبـادِکَ المُؤمِنینَ مِن الـذُّلِّ، وَ انعَش بِهِ البِلادَ، وَ اقتُل بِهِ جَبابِرَهَ الکَفَرَهِ(۱)، وَ اقصِم بِهِ رُؤُوسَ الضَّلالَهِ، وَ ذَلِّل [بِهِ] الجَبّارینَ وَ الکافِرینَ، وَ أَبِر بِهِ المُنافِقینَ وَ النّاکِثینَ وَ جَمیعَ المُخالِفینَ وَ المُلحِدینَ، فی مَشارِقِ الأَرضِ وَ مَغارِبِها وَ بَرِّها وَ بَحرِها وَ سَهلِها وَ جَبَلِها، حَتّی لا تَدَعَ مِنهُم دَیّاراً وَلا تُبقِیَ لَهُم آثاراً، وَ طَهِّر مِنهُم بِلادَکَ وَ اشفِ مِنهُم صُدُورَ عِبادِکَ، وَ جَدِّد بِهِ مَا امتَحی مِن دینِکَ، وَ أَصلِح بِهِ ما بُدِّلَ مِن حُکمِکَ وَ غُیِّرَ مِن سُنَّتِکَ، حَتّی یَعُودَ دِینُکَ بِهِ وَ عَلی یَدَیهِ غَضّاً جَدیداً صَحیحاً، لا عِوَجَ فیهِ وَ لا بِدعَهَ مَعَهُ، حَتّی تُطفِئَ بَعَدلِهِ نیرانَ الکافِرینَ، فَإِنَّهُ عَبدُکَ الَّذی استَخلَصتَهُ لِنَفسِکَ وَ ارتَضَیتَهُ لِنُصرَهِ دینِکَ وَ اصطَفَیتَهُ بِعِلمِکَ وَ عَصَمتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ بَرَّأتَهُ مِنَ العُیُوبِ وَ أطلَعتَهُ عَلَی الغُیُوبِ وَ أَنعَمتَ عَلَیهِ وَ طَهَّرتَهُ مِنَ الرِّجسِ وَ نَقَّیتَهُ مِنَ الدَّنَسِ، اَللّهُمَّ فَصَلِّ عَلَیهِ).

ص: ۲۵۵

---

۱- الکفر (خ ل).

وَ عَلی آبائِهِ الأئِمَّهِ الطّاهِرینَ، وَ عَلی شیعَتِهِ(۱) المُنتَجَبینَ، وَ بَلِّغهُم مِن آمـالِهِم أَفضَلَ ما یَأمَلُونَ، وَ اجعَل ذلِکَ مِنّا خالِصاً مِن کُلِّ شَکٍّ وَ شُبهَهٍ وَ رِیاءٍ وَ سُمعَهٍ، حَتّی لانُریدَ بِهِ غَیرَکَ وَلا نُطلُبَ بِهِ إلّا وَجهَکَ.

اَللّهُمَّ إنّا نشـکُو إلَیکَ فَقَد نَبِیِّنا وَ غَیبَهَ وَلِیِّنا(۲)، وَ شَـدَّهَ الزَّمانِ عَلَینا وَ وُقُوعَ الفِتَنِ بِنا وَ تَظاهُرَ الأَعـداءِ [عَلَینا] وَ کَثرَهَ عَـدُوِّنا وَ قِلَّهَ عَدَدِنا، اَللّهُمَّ فَفَرِّج(۳) ذلِکَ بِفَتحٍ مِنکَ تُعَجِّلُهُ وَ نَصرٍ مِنکَ تُعِزُّهُ وَ إمامِ عَدلٍ تُظهِرُهُ، إلهَ الحَقِّ رَبَّ العالَمینَ، اَللّهُمَّ إنا نَسأَلُکَ أَن تَأذَنَ لِوَلِیِّکَ فِی إظهارِ عَدلِکَ فِی عِبادِکَ وَ قَتلِ أَعدائِکَ فِی بِلادِکَ حَتّی لا تَدَعَ لِلجَورِ یا رَبِّ دِعامَهً إلّا قَصَـمتَها، وَلا بَقِیَّهً(۴) إلّـا أَفنَیتَها، وَلا قُوَّهً إلّا أَوهَنتَها، وَلا رُکناً إلّا هَـدَمتَهُ، وَلا حَـدّاً إلّا فَلَلتَهُ، وَلا سِـلاحاً إلّا أَکلَلتَهُ، وَ لا رایَهً إلّا نَکَّسـتَها، وَلا شُـجاعاً إلّا قَتَلتَهُ، وَلا جَیشاً إلّا خَذَلتَهُ، وَارمِهِم یا رَبِّ بِحَجَرِکَ الدّامِغِ، وَ اضرِبهُم بِسَیفِکَ القاطِعِ وَ بَأسِکَ الَّذی لا تَرُدُّهُ عَنِ القَومِ المُجرِمینَ، وَ عَـذِّب أَعـدائَکَ وَ أَعـداءَ دینِـکَ وَ أَعـداءَ رَسُولِـکَ صَـلَواتُکَ عَلَیهِ وَ آلِهِ، بِیَـدِ وَلِیِّکَ وَ أَیـدی عِبادِکَ المُؤمِنینَ، اَللّهُمَّ اکفِ وَلِیَّکَ وَ حُجَّتَکَ فِی أَرضِکَ هَولَ عَـدُوِّهِ وَ کَیدَ مَن کادَهُ،(۵) وَ امکُر بِمَن مَکَرَ بِهِ، وَ اجعَـل دائِرَهَ السُّوءِ عَلی مَن أَرادَ بِهِ سُوءً، وَ اقطَع عَنهُـم مـادَّتَهُم وَ اَرعِب لَهُ قُلُوبَهُم وَ زَلزِل [لَهُ] أَقـدامَهُم، وَ خُـذهُم جَهرَهً وَ بَغتَهً، وَ شَـدِّد عَلَیهِم عَـذابَکَ،(۶) وَ اَخزِهِـم فی عِبادِکَ وَ العَنهُم فی بِلادِکَ، وَ أَسکِنهُم أَسفَلَ نارِکَ، وَ أَحِط بِهِم أَشَدَّ.

ص: ۲۵۶

---

۱- فی اکمال الدّین: شیعتهم.

۲- فی الاصل: غیبه نبیّا و فقد ولیّنا، آنچه از متن آمده از نسخه اکمال الدین است.

۳- فی اکمال الدّین: فافرج.

۴- فی اکمال الدّین: بتیّه.

۵- فی اکمال الدّین: کد من کاده.

۶- فی البحار: عقابَک.

عَذابِکَ، وَ أَصلِهُم ناراً وَ احشُ قُبُورَ مَوتاهُم ناراً، وَ أَصلِهُم حَرَّ نارِکَ، فَإِنَّهُم أَضاعُوا الصَّلاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَواتِ وَ أَضَلُّوا عِبادِکَ.(۱)

اَللّهُمَّ وَ أَحيِ بِوَلِيِّکَ القُرآنَ، وَ أَرِنا نُورَهُ سَرمَداً لا ظُلمَةَ فيهِ، وَ أَحيِ [بِهِ] القُلُوبَ المَيِّتَةَ وَ اشفِ بِهِ الصُّدُورَ الوَغِرَةَ وَ اجمَع بِهِ الأَهواءَ المُختَلِفَةَ عَلَى الحَقِّ، وَ أَقِم بِهِ الحُدُودَ المُعَطَّلَةَ وَ الأَحكامَ المُهمَلَةَ، حَتّى لا يَبقى حَقٌّ إِلّا ظَهَرَ وَ لا عَدلٌ إِلّا زَهَرَ، وَ اجعَلنا يا رَبِّ مِن أَعوانِهِ وَ مُقَوِّيَهِ سُلطانِهِ وَ المُؤتَمِرينَ لِأَمرِهِ وَ الرّاضِينَ بِفِعلِهِ وَ المُسَلِّمينَ لِأَحكامِهِ، وَ مِمَّن لا حاجَةَ بِهِ إِلَى التَّقِيَّةِ مِن خَلقِکَ، أَنتَ يا رَبِّ الَّذی تَکشِفُ الضُّرَّ وَ تُجِيبُ المُضطَرَّ إِذا دَعاکَ وَ تُنجی مِنَ الکَربِ العَظيمِ، فَاکشِفِ الضُّرَّ عَن وَلِيِّکَ وَ اجعَلهُ خَليفَتَکَ(۲) فِی أَرضِکَ کَما ضَمِنتَ لَهُ، اَللّهُمَّ وَ لا تَجعَلنی مِن خُصَماءِ آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام، وَلا تَجعَلنی مِن أَعداءِ آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام، وَلا تَجعَلنی مِن أَهلِ الحَنَقِ وَ الغَيظِ عَلى آلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام، فَإِنّی أَعُوذُ بِکَ مِن ذلِکَ فَأَعِذنی، وَ أَستَجيرُ بِکَ فَأَجِرنی، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجعَلنی بِهِم فائِزاً عِندَکَ فِی الدُّنيا وَ الآخِرَهِ وَ مِنَ المُقَرَّبينَ، آمينَ رَبَّ العالَمينَ.(۳)

## ۷- دعای عید غدیر

دعای مربوط به روز عید غدیر، دعایی است که پس از دو رکعت نماز پیش از ظهر - به ترتیبی که در بخش دوم کتاب آمده است - خوانده می شود. متن کامل دعا مطابق نقل مرحوم سیّدبن طاووس در کتاب «اقبال الاعمال» چنین است:۹.

ص: ۲۵۷

---

۱- فی اکمال الدّین و البحار: أذلّوا عبادک.

۲- خلیفه (خ ل).

۳- جمال الاسبوع، ص ۳۱۵ تا ۳۱۹.

رَبَّنا إِنَّنا سَمِعنا مُنادِياً يُنادِی لِلإِیمانِ أَن آمِنُوا بِرَبِّکم فَآمَنّا رَبَّنا فَاغفِر لَنا ذُنُوبَنا وَ کَفِّر عَنّا سَیِّئاتِنا وَ تَوَفَّنا مَعَ الأَبرارِ رَبَّنا وَ آتِنا ما وَعَدتَنا عَلی رُسُلِکَ وَلا تُخزِنا یَومَ القِیامَهِ إِنَّکَ لا تُخلِفُ المِیعادَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَشهَدُ وَ کَفَی بِکَ شَهِیداً وَ أُشهِدُ مَلائِکَتَکَ وَ حَمَلَهَ عَرشِکَ وَ سُکّانَ سَماواتِکَ وَ أَرضِکَ بِأَنَّکَ أَنتَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنتَ المَعبُودُ الَّذِی لَیسَ مِن لَدُن عَرشِکَ إِلَی قَرارِ أَرضِکَ مَعبُودٌ یُعبَدُ سِواکَ إِلَّا باطِلٌ مُضمَحِلٌّ غَیرَ وَجهِکَ الکَرِیمِ لا إِلهَ إِلّا أَنتَ المُعبُودُ لا مَعبُودُ سِواکَ تَعالَیتَ عَمّا یَقُولُ الظّالِمُونَ عُلُوّاً کَبِیراً وَ أَشهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبدُکَ وَ رَسُولُکَ وَ أَشهَدُ أَنَّ عَلِیّاً أَمِیرُ المُؤمِنِینَ وَ وَلِیُّهُم وَ مَولاهُم وَ مَولایَ رَبَّنا إِنَّنا سَمِعنا النِّداءَ وَ صَدَّقنَا المُنادِیَ رَسُولَکَ صلّی الله علیه و آله و سلّم إِنادی نِداءً عَنکَ بِالَّذِی أَمَرتَهُ أَن یُبَلِّغَ عَنکَ ما أَنزَلتَ إِلَیهِ مِن مُوالاهِ وَلِیِّ المُؤمِنِینَ وَ حَذَّرتَهُ وَ أَنذَرتَهُ إِن لَم یُبَلِّغ أَن تَسخَطَ عَلَیهِ وَ أَنَّهُ إِذا بَلَّغَ رِسالاتِکَ عَصَمتَهُ مِنَ النّاسِ فَنادی مُبَلِّغاً وَحیَکَ وَ رِسالاتِکَ أَلا مَن کُنتُ مَولاهُ فَعَلِیٌّ مَولاهُ وَ مَن کُنتُ وَلِیَّهُ فَعَلِیٌّ وَلِیُّهُ وَ مَن کُنتُ نَبِیَّهُ فَعَلِیٌّ أَمِیرُهُ رَبَّنا قَد أَجَبنا دَاعِیَکَ النَّذِیرَ المُنذِرَ مُحَمَّداً عَبدَکَ الَّذِی أَنعَمتَ عَلَیهِ وَ جَعَلتَهُ مَثَلاً لِبَنِی إِسرائِیلَ رَبَّنا آمَنّا وَ اتَّبَعنا مَولانَا وَ وَلِیَّنا وَ هَادِیَنا وَ دَاعِیَنا وَ دَاعِیَ الأَنامِ وَ صِراطَکَ السَّوِیَّ المُستَقِیمَ وَ حُجَّتَکَ البَیضاءَ وَ سَبِیلَکَ الدّاعِیَ إِلَیکَ عَلی بَصِیرَهٍ هُوَ وَ مَنِ اتَّبَعَهس وَ سُبحانَ اللهِ عَمّا یُشرِکُونَ بِوِلایَتِهِ وَ بِأَمرِ رَبِّهِم بِاتِّخاذِ الوَلائِجِ مِن دُونِهِ فَاشهَد یا إِلهی أَنَّ الإِمامَ الهادِیَ المُرشِدَ الرَّشِیدَ عَلِیّ بن أَبِی طالِبٍ علیه السلام أَمِیرَ المُؤمِنِینَ الَّذِی ذَکَرتَهُ فِی کِتابِکَ فَقُلتَ وَ إِنَّهُ فی أُمِّ الکِتابِ لَدَینا لَعَلِیٌّ حَکِیمٌ اللّهُمَّ فَإِنّا نَشهَدُ بِأَنَّهُ عَبدُکَ الهادی مِن بَعدِ نَبِیِّکَ النَّذِیرِ المُنذِرِ وَ الصِّراطُ المُستَقِیمُ وَ إِمامُ المُؤمِنِینَ وَ قائِدُ الغُرِّ المُحَجَّلِینَ وَ حُجَّتُکَ البالِغَهُ وَ لِسانُکَ المُعَبِّرُ عَنکَ فی خَلقِکَ وَ القائِمس

بالقِسطِ بَعدَ نَبیِّک وَ دَیّانُ دینِکَ وَ خازِنُ عِلمِکَ وَ عَیبَهُ وَحیِکَ وَ عَبدُکَ وَ أَمینُکَ المَأمُونُ المَأخُوذُ میثاقُهُ مَعَ میثاقِکَ وَ میثاقِ رُسُلِکَ مِن خَلقِکَ وَ بَریَّتِکَ بِالشَّهادَهِ وَ الإِخلاصِ بِالوَحدانِیَّهِ بِأَنَّکَ أَنتَ اللهُ لا إِلهَ إِلّا أَنتَ وَ مُحَمَّدٌ عَبدُکَ وَ رَسُولُکَ وَ عَلیٌّ أَمیرُ المُؤمِنینَ وَ جَعَلتَ الإِقرارَ بِوِلایَتِهِ تَمامَ تَوحیدِکَ وَ الإِخلاصَ لَکَ بِوَحدانِیَّتِکَ وَ إِکمالَ دینِکَ وَ تَمامَ نِعمَتِکَ عَلی جَمیعِ خَلقِکَ فَقُلتَ وَ قَولُکَ الحَقُّ الیَومَ أَکمَلتُ لَکُم دِینَکُم وَ أَتمَمتُ عَلَیکُم نِعمَتی وَ رَضیتُ لَکُمُ الإِسلامَ دیناً فَلَکَ الحَمدُ عَلی ما مَنَنتَ بِهِ عَلَینا مِنَ الإِخلاصِ لَکَ بِوَحدانِیَّتِکَ وَ جُدتَ عَلَینا بِمُوالاهِ وَلِیِّکَ الهادی مِن بَعدِ نَبیِّکَ النَّذیرِ المُنذِرِ وَ رَضیتَ لَنَا الإِسلامَ دیناً بِمَولانَا وَ أَتمَمتَ عَلَینا نِعمَتَکَ بِالَّذی جَدَّدتَ لَنا عَهدَکَ وَ میثاقَکَ وَ ذَکَّرتَنا ذَلِکَ وَ جَعَلتَنا مِن أَهلِ الإِخلاصِ وَ التَّصدیقِ لِعَهدِکَ وَ میثاقِکَ وَ مِن أَهلِ الوَفاءِ بِذلِکَ وَ لَم تَجعَلنا مِنَ النّاکِثینَ المُکَذِّبینَ وَ الجاحِدینَ بِیَومِ الدّینِ وَ لَم تَجعَلنا مِنَ المُغَیِّرینَ وَ المُبَدِّلینَ وَ المُحَرِّفینَ وَ المُبَتِّکینَ آذانَ الأَنعامِ وَ المُغَیِّرینَ خَلقَ اللهِ وَ مِنَ الَّذین استَحوَذَ عَلَیهِمُ الشَّیطانُ فَأَنساهُم ذِکرَ اللهِ وَ صَدَّهُم عَنِ السَّبیلِ وَ الصِّراطِ المُستَقیمِ.

و بسیار بگو:

اللّهُمَّ العَنِ الجاحِدینَ وَ النّاکِثینَ وَ المُغَیِّرینَ وَ المُبَدِّلینَ الَّذینَ یُکَذِّبُونَ بِیَومِ الدّینِ مِنَ الأَوَّلینَ وَ الآخِرینَ.

سپس بگو: لا

اللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ عَلی نِعمَتِکَ عَلَینا بِالَّذی هَدَیتَنا إِلی مُوالاهِ وُلاهِ أَمرِکَ مِن بَعدِ نَبیِّکَ وَ الأَئِمَّهِ الهادینَ الَّذینَ جَعَلتَهُم أَرکاناً لِتَوحیدِکَ وَ أَعلامَ الهُدی وَ مَنارَ التَّقوی وَ العُروَهَ الوُثقی وَ کَمالَ دینِکَ وَ تَمامَ نِعمَتِکَ وَ مَن بِهِم وَ بِمُوالاتِهِم رَضیتَ لَنَا الإِسلامَ دیناً رَبَّنا فَلَکَ الحَمدُ آمَنّا بِکَ وَ

صَدَّقنا بِنَبِيِّكَ الرَّسُولِ النَّذيرِ المُنذِرِ وَ التَّبعنَا الهادِیَ مِن بَعدِ النَّذيرِ المُنذِرُ وَ والَينا وَلِيَّهُم وَ عادَينا عَدُوَّهُم وَ بَرِئنا مِنَ الجاحِدينَ وَ النّاكِثينَ وَ المُكَذِّبينَ بِيَوم الدّينِ اللّهُمَّ فَكَما كانَ مِن شَأنِكَ يَا صادِقَ الوَعدِ يا مَن لا يُخلِفُ المِيعادَ يا مَن هُوَ كُلَّ يَوم فی شَأنٍ إن أَتمَمتَ عَلَينا نِعمَتَكَ بِمُوالاهِ أَولِيائِكَ المَسؤُولِ عَنهُم عِبادُكَ فَأَنّكَ قُلتَ ثُمَّ لَتُسئَلُنَّ يَومَئِذٍ عَنِ النَّعيم وَ قُلتَ وَ قِفُوهُم إِنَّهُم مَسؤُولُونَ وَ مَنَنتَ بِشَهادَهِ الإخلاصِ لَكَ بِوِلايَهِ أَولِيائِكَ الهُداهِ مِن بَعدِ النَّذيرِ المُنذِرِ السِّراجِ المُنيرِ وَ أَكمَلتَ لَنَا الدّينَ بِمُوالاتِهِم وَ البَراءَهِ مِن أَعدائِهِم وَ أَتمَمتَ عَلَينَا النِّعَمَ بِالَّذی جَدَّدتَ لَنا عَهدَكَ وَ ذَكَّرتَنا ميثاقَكَ المَأخُوذَ مِنّا فِی مُبتَدَءَ خَلقِكَ إِيّانا وَ جَعَلتَنا مِن أَهلِ الإِجابَهِ وَ ذَكَّرتَنَا العَهدِ وَ الميثاقَ وَ لَم تُنسِنا ذِكرَكَ فَإِنَّكَ قُلتَ وَ إِذ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنی آدَمَ مِن ظُهُورِهِم ذُرِّيَتَهُم وَ أَشهَدَهُم عَلی أَنفُسِهِم أَلَستُ بِرَبِّكُم قالُوا بَلی شَهِدنا بِمَنِّكَ بِأَنَّكَ أَنتَ اللهُ لا إِلهَ إِلّا أَنتَ رَبُّنا وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبدُكش وَ رَسُولُكَ نَبِيُّنا وَ أَنَّ عَلِيّاً أَميرُ المُؤمِنينَ وَلِيُّنا وَ مَولانا وَ شَهِدنا بِالوِلايَهِ لِوَلِيِّنا وَ مَولانا مِن ذُرِّيَّهِ نَبِيِّكَ مِن صُلبِ وَلِيِّنا وَ مَولَانا عَلِیِّ بنِ أَبی طالِبِ أَميرِ المُؤمِنينَ عَبدِكَ الَّذی أَنعَمتَ عَلَيهِ وَ جَعَلتَهُ فِی أُمِّ الكِتابِ لَدَيكَ عَلِيّاً حَكيماً وَ جَعَلتَهُ آيَهً لِنَبِيِّكَ وَ آيَهً مِن آياتِكَ الكُبرَی وَ النَّبَأَ العَظيمَ الَّذی هُم فيهِ مُختَلِفُونَ وَ النَّبَأَ العَظيمَ الَّذی هُم عَنهُ مُعرِضُونَ وَ عَنهُ يَومَ القِيامَهِ مَسئُولُونَ وَ تَمامَ نِعمَتِكَ الَّتی عَنها يُسأَلُ عِبادُكَ إِذ هُم مَوقُوفُونَ وَ عَنِ النَّعيم مَسئُولُونَ اللّهُمَّ وَ كَما كانَ مِن شَأنِكَ ما أَنعَمتَ عَلَينا بِالهِدايَهِ إِلی مَعرِفَتِهِم فَلَيَكُم مِن شَأنِكَ أَن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَن تُبارِكَ لَنا فی يَومِنا هذَا الَّذی ذَكَّرتَنا فيهِ عَهدَكَ وَ ميثاقَكَ وَ أَكمَلتَ لَنا دِينَنا وَ أَتمَمتَ عَلَينا نِعمَتَكَ وَ جَعَلتَنا بِنِعمَتِكَ مِن أَهلِ الإِجابَهِ وَ الإِخلاصِ بِوَحدانِيَّتِكَ وَ مِن أَهلِ الإِيمانِ وَ

التَّصديقِ بِولايَهِ أَوليائِکَ وَ البَراءَهِ مِن أَعدائِکَ وَ أَعداءِ أَولِيائِکَ الجاحِدينَ المُکَذِّبينَ بِيَومِ الدّينِ فَأَسأَلُکَ يا رَبِّ تَمامَ ما أَنعَمتَ عَلَينا وَ لا تَجعَلنا مِنَ المُعانِدينَ وَلا تُلحِقنا بِالمُکَذِّبينَ بِيَومِ الدّينِ وَ اجعَل لَنا قَدَمَ صِدقٍ مَعَ المُتَّقينَ وَ اجعَل لَنا مِن لَدُنکَ رَحمَهً وَ اجعَل لَنا مِنَ المُتَّقينَ إِماماً إِلى يَومِ الدّينِ يَومَ يُدعى كُلُّ أُناسٍ بِإِمامِهِم وَ اجعَلنا فى ظِلِّ القَومِ المُتَّقينَ الهُداهِ بَعدَ النَّذيرِ المُنذِرِ وَ البَشيرِ الأَئِمَّهِ الدُّعاهِ إِلَى الهُدى وَ لا تَجعَلنا مِنَ المُكَذِّبينَ الدُّعاهِ إِلَى النّارِ وَ هُم يَومَ القِيامَهِ وَ أَولياؤُهُم مِنَ المَقبُوحينَ رَبَّنا فَاحشُرنا فى زُمرَهِ الهادِى المَهدىِّ وَ أَحيِنا ما أَحيَيتَنا عَلَى الوَفاءِ بِعَهدِكَ وَ ميثاقِكَ المَأخُوذِ مِنّا عَلى مُوالاهِ أَوليائِكَ وَ البَراءَهِ مِن أَعدائِكَ المُكَذِّبينَ بِيَومِ الدّينِ وَ النّاكِثينَ بِميثاقِكَ وَ تَوَفَّنا عَلى ذلِكَ وَ اجعَل لَنا مَعَ الرَّسُولِ سَبيلاً وَ أَثبِت لَنا قَدَمَ صِدقٍ فِى الهِجرَهِ إِلَيهِم وَ اجعَل مَحيانا خَيرَ المَحيا وَ مَماتَنا خَيرَ المَماتِ وَ مُنقَلَبَنا خَيرَ المُنقَلَبِ عَلى مُوالاهِ أَوليائِكَ وَ البَراءَهِ مِن أَعدائِكَ حَتّى تَوَفّانا وَ أَنتَ عَنّا راضٍ قَد أَوجَبتَ لَنَا الخُلُودَ فى جَنَّتِكَ بِرَحمَتِكَ وَالمَثوى فى جِوارِكَ وَ الإِنابَهَ إِلى دارِ المُقامَهِ مِن فَضلِكَ لا يَمَسُّنا فيها نَصَبٌ وَلا يَمَسُّنا فيها لُغُوبٌ رَبَّنا إِنَّكَ أَمَرتَنا بِطاعَهِ وُلاهِ أَمرِكَ وَ أَمَرتَنا أَن نَكُونَ مَعَ الصّادِقينَ فَقُلتَ أَطيعُوا اللهَ وَ أَطيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِى الأَمرِ مِنكُم وَ قُلتُ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللهَ وَ كُونُوا مَعَ الصّادِقينَ رَبَّنا سَمِعنا وَ أَطَعنا رَبَّنا ثَبِّت أَقدامَنا وَ تَوَفَّنا مَعَ الأَبرارِ مُسلِمينَ مُصَدِّقينَ لِأَوليائِكَ وَلا تُزِغ قُلُوبَنا بَعدَ إِذ هَدَيتَنا وَ هَب لَنا مِن لَدُنكَ رَحمَهً إِنَّكَ أَنتَ الوَهّابُ رَبَّنا آمَنّا بِكَ وَ صَدَّقنا نَبِيَّكَ وَ وَالَينا وَلِيَّكَ وَ الأَولياءَ مِن بَعدِ نَبِيِّكَ وَ وَلِيَّكَ مَولَى المُؤمِنينَ عَلِىَّ بنَ أَبى طالِبٍ صَلَواتُ اللهِ عَلَيهِ وَ الإِمامَ الهادِىَ مِن بَعدِ الرَّسُولِ النَّذيرِ المُنذِرِ وَ السِّراجِ المُنيرِ رَبَّنا فَكَما

کـانَ مِن شأنِـکَ أن جَعَلتَنـا مِن أَهـلِ الوَفـاءِ بِعَهـدِکَ بِمَنِّکَ عَلَینـا وَ لُطفِـکَ لَنـا فَلیَکُن مِن شأنِکَ أن تَغفِرَ لَنا ذُنُوبَنا وَ تُکَفِّرَ عَنّا سَیِّئاتِنـا وَ تَوَفَّنـا مَعَ الأَبرارِ رَبَّنـا وَ آتِنا ما وَعَـدتَنا عَلی رُسُـلِکَ وَ لا تُخزِنا یَومَ القِیامَهِ إنَّکَ لا تُخلِفُ المیعادَ رَبَّنا آمَنّا بِکَ وَ وَفَینا بِعَهدِکَ وَ صَدَّقنا رُسُلَکَ وَ اتَّبَعنا وُلاهِ الأَمرِ مِن بَعدِ رُسُلِکَ وَ والَینا أَولیاءَکَ وَ عادَینا أَعداءَکَ فَاکتُبنا مَعَ الشّاهِدینَ وَ احشُرنا مَعَ الأَئِمَّهِ الهُـداهِ مِن آلِ مُحَمَّدٍ الرَّسُولِ البَشیرِ النَّذیرِ آمَنّا یـا رَبِّ بِسِـرِّهِم وَ عَلانِیَتِهِم وَ شاهِـدِهِم وَ غائِبِهِم وَ مَشاهِـدِهِم وَ بِحَیِّهِم وَ مَیِّتِهِم وَ رَضِـینا بِهِ أئِمَّهً وَ سـادَهً وَ قـادَهً لا نَبتَغی بِهِم بَـدَلاً وَلا نَتَّخِـذُ مِن دُونِهِم وَلائِـجَ أَبَـداً رَبَّنا فَأَحیِنا ما أَحیَیتَنا عَلی مُوالاتِهِم وَ البَراءَهِ مِن أَعدائِهِم وَ التَّسلیمِ لَهُم وَ الرَّدِّ إلَیهِم وَ تَوَفَّنا إذا تَوَفَّیتَنا عَلَی الوَفاءِ لَکَ وَ لَهُم بِالعَهدِ وَ المیثاقِ وَ المُوالاهِ لَهُمُ وَ التَّصدیقِ وَ التَّسـلیمِ لَهُم غَیرَ جاحِدینَ وَ لا ناکِثینَ وَ لا مُکَذِّبینَ اللّهُمَّ إنّی أَسأَلُکَ بِالحَقِّ الَّذی جَعَلتَهُ عِندَهُم وَ بِالَّذی فَضَّلتَهُم عَلَی العالَمینَ جَمیعـاً أَن تُبـارِکَ لَنـا فی یَومِنـا هـذَا الَّذی أَکرَمتَنـا فیهِ بِالوَفـاءِ لِعَهـدِکَ الَّذی عَهِـدتَ إلَینـا وَ المیثـاقِ الَّذی وَاثَقتَنا بِهِ مِن مُوالاهِ أَولِیائِـکَ وَ البَراءَهِ مِن أَعـدائِکَ وَ تَمُنَّ عَلَینا بِنِعمَتِکَ وَ تَجعَلَهُ عِنـدَنا مُسـتَقَرّاً ثابِتاً وَ لا تَسـلُبَناهُ [تَسـلُبناهُ] أَبَـداً وَ لا تَجعَلَهُ [تجعَلهُ] عِنـدَنا مُستَودَعاً فَإنَّکَ قُلتَ فَمُستَقَرٌّ وَ مُستَودَعٌ فَاجعَلهُ مُستَقَرّاً ثابِتاً وَ ارزُقنا نَصرَ دینِکَ مَعَ وَلِیٍّ هادٍ مِن أَهلِ بَیتِ نَبِیِّکَ قائِماً رَشیداً هادیاً مَهـدیّاً مِنَ الضَّلالَهِ إلَی الهُـدی وَ اجعَلنا تَحتَ رایَتِهِ وَ فی زُمرَتِهِ شُـهَداءَ صادِقینَ مَقتُولینَ فی سَبیلِکَ وَ عَلی نُصـرَهِ دینِکَ.(۱)ل.

ص: ۲۶۲

---

۱- بحارالانوار، ج۹۸، ص۳۰۳ تا ۳۰۷، به نقل از اقبال الاعمال.

### ۸- دعای عید فطر، قربان و جمعه

ابوحمزه ثمالی نقل می کند که امام باقر علیه السلام فرمودند: وقتی آماده خارج شدن (برای ادای نماز جمعه یا عید فطر یا قربان) شدی، این دعا را بخوان:

اللّهُمَّ مَن تَهَیَّأ فی هذَا الیَوم أَو تَعَبَّأ أَو أعَدَّ وَ استَعَدَّ لِوفادَةٍ إلَی مَخلُوقٍ رَجاءَ رِفدِهِ وَ جَائِزَتِهِ وَ نَوافِلِهِ فَإلَیکَ یا سَیِّدی کانَت وِفادَتی وَ تَهیئَتی وَ إعدادِی وَ استِعدادِی رَجاءَ رِفدِکَ وَ جَوائِزِکَ وَ نَوافِلِکَ اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبدِکَ وَ رَسُولِکَ وَ خیرَتِکَ مِن خَلقِکَ وَ عَلی أَمیرِ المُؤمِنینَ وَ وَصیِّ رَسُولِکَ وَ صَلِّ یا رَبِّ عَلی أَئِمَّهِ المُؤمِنینَ الحَسَنِ وَ الحُسَینِ وَ عَلیٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ جعفرٍ وَ موسی وَ علیٍّ وَ محمّدٍ وَ عَلیٍّ وَ الحسنِ وَ الحجّهِ صاحِبِ الزّمان علیهم السلام.

پس می گویی:

اللّهُمَّ افتَح لَهُ فَتحاً یَسیراً وَ انصُرهُ نَصراً عَزیزاً اللّهُمَّ أَظهِر بِهِ دینَکَ وَ سُنَّهَ رَسُولِکَ حَتّی لا یَستَخفَی بِشَیءٍ مِنَ الحَقِّ مَخافَهَ أَحَدٍ مِنَ الخَلقِ اللّهُمَّ إنّا نَرغَبُ إلَیکَ فی دَولَهٍ کَریمَهٍ تُعِزُّ بِهَا الإسلامَ وَ أَهلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفاقَ وَ أَهلَهُ وَ تَجعَلُنا فیها مِنَ الدُّعاهِ إلی طاعَتِکَ وَ القادَهِ إلی سَبیلِکَ وَ تَرزُقُنا بِها کَرامَهَ الدُّنیا وَ الآخِرَهِ اللّهُمَّ ما أَنکَرنا مِن حَقٍّ فَعَرِّفناهُ وَ مَا قَصُرنا عَنهُ فَبَلِّغناهُ.

آنگاه فرمودند:

و در حقّ آن حضرت دعا می کنی و دشمن او را نفرین می نمایی و حاجت خود را می خواهی و آخرین کلام تو این عبارت باشد:

اَللّهُمَّ استَجِب لَنا اللّهمَّ اجعَلنا ممَّن یُذَکَّرُ فَیَذکُرُ.

ص: ۲۶۳

## ۹- دعای عید فطر

متن دعای منقول از امام هشتم علیه السلام که برای روز عید فطر، هنگام رفتن برای ادای نماز عید، وارد شده چنین است:

اللّهُمَّ إِلَیکَ وَجَّهتُ وَجهِیَ وَ إِلَیکَ فَوَّضتُ أَمری وَ عَلَیکَ تَوَکَّلتُ اللهُ أَکبَرُ کَما هَدانا اللهُ أَکبَرُ إِلهُنا وَ مَولانا اللهُ أَکبَرُ عَلی ما أَولانا وَ حُسنِ ما أَبلانا اللهُ أَکبَرُ وَلِیُّنا الَّذی اجتَبانا اللهُ أَکبَرُ رَبُّنَا الَّذی بَرَأَنا اللهُ أَکبَرُ الَّذی أَنشَأَنا اللهُ أَکبَرُ الَّذی بِقُدرَتِهِ هَدانا اللهُ أَکبَرُ الَّذی خَلَقَنا فَسَوّانا اللهُ أَکبَرُ الَّذی بِدینِهِ حَبانا اللهُ أَکبَرُ الَّذی مِن فِتنَتِهِ عافانا اللهُ أَکبَرُ الَّذی بِالإِسلام اصطَفانا اللهُ أَکبَرُ الَّذی فَضَّلَنا بِالإِسلام عَلی مَن سِوانا اللهُ أَکبَرُ وَ أَکبَرُ سُلطاناً اللهُ أَکبَرُ وَ أَعلی بُرهاناً اللهُ أَکبَرُ وَ أَجَلُّ سُبحاناً اللهُ أَکبَرُ وَ أَقدَمُ إِحساناً اللهُ أَکبَرُ وَ أَعَزُّ أَرکاناً اللهُ أَکبَرُ وَ أَعلی مَکاناً اللهُ أَکبَرُ وَ أَسنی شَأناً اللهُ أَکبَرُ ناصِرُ مَنِ استَنصَرَ اللهُ أَکبَرُ ذُو المَغفِرَهِ لِمَنِ استَغفَرَ اللهُ أَکبَرُ الَّذی خَلَقَ وَ صَوَّرَ اللهُ أَکبَرُ أَماتَ وَ أَقبَرَ اللهُ أَکبَرُ الَّذی إِذا شاءَ أَنشَرَ اللهُ أَکبَرُ وَ أَعلی وَ أَکبَرُ اللهُ أَکبَرُ اللهُ أَکبَرُ وَ أَقدَسُ مِن کُلِّ شَیءٍ وَ أَطهَرُ اللهُ أَکبَرُ رَبُّ الخَلقِ وَ البَرِّ وَ البَحرِ اللهُ أَکبَرُ کَما یُحِبُّ رَبُّنا أَن یُکَبَّرَ اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبدِکَ وَ رَسُولِکَ وَ نَبِیِّکَ وَ صَفِیِّکَ وَ نَجیبِکَ وَ أَمینِکَ وَ حَبیبِکَ وَ صَفوَتِکَ مِن خَلقِکَ وَ خَلیلِکَ وَ خاصَّتِکَ وَ خیرَتِکَ مِن بَرِیَّتِکَ اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ عَبدِکَ وَ رَسُولِکَ الَّذی هَدَیتَنا بِهِ مِنَ الضَّلالَهِ وَ عَلَّمتَنا بِهِ مِنَ الجَهالَهِ وَ بَصَّرتَنا بِهِ مِنَ العَمی وَ أَقَمتَنا به عَلی المَحَجَّهِ العُظمی وَ سَبیلِ التَّقوی وَ کَما أَرشَدتَنا وَ أَخرَجتَنا بِهِ مِنَ الغَمَراتِ إِلی جَمیعِ الخَیراتِ وَ أَنفَذتَنا بِهِ مِن شَفا جُرُفِ الهَلَکاتِ اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَفضَلَ وَ أَکمَلَ وَ أَشرَفَ وَ أَکبَرَ وَ أَطهَرَ وَ أَطیَبَ وَ أَتَمَّ وَ أَعَمَّ وَ أَزکی وَ أَنمی وَ أَحسَنَ وَ أَجمَلَ ما صَلَّیتَ عَلی أَحَدٍ مِنَ العالَمینَ اللّهُمَّ

ص: ۲۶۴

شَرِّف بُنیانَهُ وَ عَظِّم بُرهانَهُ وَ أعلِ مَکانَهُ وَ کَرِّم فِی القیامَهِ مَقامَهُ وَ عَظِّم عَلی رُؤُوسِ الخَلائِقِ حالَهُ اللّهُمَّ اجعَل مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ یومَ القِیامَهِ أَقرَبَ الخَلقِ مِنکَ مَنزِلَهً وَ أعلاهُم مِنکَ مَکاناً وَ أَفسَحَهُم لَدَیکَ مَنزِلَهً وَ مَجلِساً وَ أعظَمَهُم عِندَک شَرَفاً وَ أَرفَعَهُم مَنزِلاً اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الأَئِمَّهِ المُهتَدینَ وَ الحُجَجِ عَلی خَلقِکَ وَ الأَدِلَّاءِ عَلی سَبیلِکَ وَ البابِ الَّذی مِنهُ تُؤتی وَ التَّراجِمَهِ لِوَحیِکَ کَما سَنُّوا سُنَّتَکَ النّاطِقینَ بِحِکمَتِکَ وَ الشُّهَداءِ عَلی خَلقِکَ اللّهُمَّ صَلِّ عَلی وَلِیِّکَ المُنتَظِرِ أمرَکَ المُنتَظِرِ لِفَرَجِ أَولیائِکَ اللّهُمَّ اشعَب بِهِ الصَّدعَ وَ ارتُق بِهِ الفَتقَ وَ أَمِت بِهِ الجَورَ وَ أَظهِر بِهِ العَدلَ وَ زَیِّن بِطُولِ بَقائِهِ الأَرضَ وَ أَیِّدهُ بِنَصرِکَ وَ انصُرهُ بِالرُّعبِ وَ قَوِّ ناصِرَهُم وَ اخذُل خاذِلَهُم وَ دَمدِم عَلی مَن نَصَبَ لَهُم وَ دَمِّر عَلی مَن غَشَّهُم وَ اقصِم بِهِم رُؤُوسَ الضَّلالَهِ وَ شارِعَهَ البِدَعِ وَ مُمیتَهَ السُّنَّهِ وَ المُتَعَزِّزینَ بِالباطِلِ وَ أَعِزَّ بِهِمُ المُؤمِنینَ وَ أَذِلَّ بِهِمُ الکافِرینَ وَ المُنافِقینَ وَ جَمیعَ المُلحِدینَ وَ المُخالِفینَ فی مَشارِقِ الأَرضِ وَ مَغارِبِها یا أَرحَمَ الرّاحِمینَ اللّهُمَّ فَصَلِّ عَلی جَمیعِ المُرسَلینَ وَ النَّبِیِّینَ الَّذینَ بَلَّغُوا عَنکَ الهُدی وَ اعتَقَدُوا لَکَ المَواثیقَ بِالطّاعَهِ وَ دَعَوُا العِبادَ إِلَیکَ بِالنَّصیحَهِ وَ صَبَرُوا عَلی ما لَقُوا مِنَ الأَذی وَ التَّکذیبِ فی جَنبِکَ اللّهُمَّ وَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ عَلَیهِم وَ عَلی ذَرارِیِّهِم وَ أَهلِ بُیُوتاتِهِم وَ أَزواجِهِمُ الطّاهِراتِ وَ جَمیعِ أَشیاعِهِم وَ أَتباعِهِم مِنَ المُؤمِنینَ وَ المُؤمِناتِ وَ المُسلِمینَ وَ المُسلِماتِ الأَحیاءِ مِنهُم وَ الأَمواتِ وَ السَّلامُ عَلَیهِم جَمیعاً فی هذِهِ السّاعَهِ وَ فی هذَا الیَومِ وَ رَحمَهُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ اللّهُمَّ اخصُص أَهلَ بَیتِ نَبِیِّنا مُحَمَّدٍ المُبارَکینَ السّامِعینَ المُطیعینَ لَکَ الَّذینَ أَذهَبتَ عَنهُمُ الرِّجسَ وَ طَهَّرتَهُم تَطهیراً بِأَفضَلِ صَلَواتِکَ وَ نَوامی بَرَکاتِکَ وَ السَّلامُ عَلَیهِ وَ عَلَیهِم وَ رَحمَهُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ.

ضمناً فرمودند:

اگر نتوانستی قبل از نماز همه دعا را بخوانی، مقدار باقی مانده را پس از نماز قضا کن.(۱)

## ۱۰- دعای صبح روز بیست و یکم ماه رمضان

امام صادق علیه السلام در صبح روز بیست و یکم ماه مبارک رمضان پس از ادای نماز صبح، در حال سجده این دعا را خواندند:

لا إلهَ إلّا أَنتَ مُقَلِّبُ القُلُوبِ وَ الأَبصارِ لا إلهَ إلّا أَنتَ خالِقُ الخَلقِ بِلا حاجَةٍ فیکَ إلَیهِم لا إلهَ إلّا أَنتَ مُبدِئُ الخَلقِ لا یَنقُصُ عَن مُلکِکَ شَیءٌ لا إلهَ إلّا أَنتَ بَاعِثُ مَن فِی القُبُورِ لا إلهَ إلّا أَنتَ مُدَبِّرُ الأُمُورِ لا إلهَ إلّا أَنتَ دَیّانُ الدّینِ وَ جَبّارُ الجَبابِرَهِ لا إلهَ إلّا أَنتَ مُجرِی الماءِ فِی الصَّخرَهِ الصَّمّاءِ لا إلهَ إلّا أَنتَ مُجرِی الماءِ فِی النَّباتِ لا إلهَ إلّا أَنتَ مُکَوِّنُ طَعمِ الثِّمارِ لا إلهَ إلّا أَنتَ مُحصی عَدَدِ القَطرِ وَ ما تَحمِلُهُ السَّحابُ لا إلهَ إلّا أَنتَ مُحصی عَدَدِ ما تَجری بِهِ الرّیاحُ فِی الهَواءِ لا إلَهَ إلّا أَنتَ مُحصی ما فِی البِحارِ مِن رَطبٍ وَ یابِسٍ لا إلهَ إلّا أَنتَ مُحصی ما یَدِبُّ فی ظُلُماتِ البِحارِ وَ فی أَطباقِ الثَّری أَسأَلُکَ بِاسمِکَ الَّذی سَمَّیتَ بِهِ نَفسَکَ أَوِ استَأثَرتَ بِه فی عِلمِ الغَیبِ عِندَکَ وَ أَسأَلُکَ بِکُلِّ اسمٍ سَمّاکَ بِهِ أَحَدٌ مِن خَلقِکَ مِن نَبیٍّ أَو صِدّیقٍ أَو شَهیدٍ أَو أَحَدٍ مِن مَلائِکَتِکَ وَ أَسأَلُکَ بِاسمِکَ الَّذی إذا دُعیتَ بِهِ أَجَبتَ وَ إذا سُئِلتَ بِه أَعطَیتَ وَ أَسأَلُکَ بِحَقِّکَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَهلِ بَیتِه صَلَواتُکَ عَلَیهِم وَ بَرَکاتُکَ وَ بِحَقِّهِمُ الَّذی أَوجَبتَهُ عَلی نَفسِکَ وَ أَنَلتَهُم بِه فَضلَکَ أَن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ عَبدِکَ وَ رَسُولِکَ الدّاعی إلَیکَ بِإِذنِکَ وَ سِراجِکَ السّاطِعِ بَینَه.

ص: ۲۶۶

---

۱- بحارالانوار، ج۹۱، ص۱۶ تا ۱۸، ح۴، به نقل از اقبال الاعمال و البلد الامین والجنّه.

عِبـادِکَ فی أَرضِـکَ وَ سَـمائِکَ وَ جَعَلتَهُ رَحمَهً لِلعـالَمینَ وَ نُوراً استَضاءَ بِهِ المُؤمِنُونَ فَبَشَّرَنـا بِجَزیـلِ ثَوابِکَ وَ أَنـذَرَنا الأَلیمَ مِن عِقابِکَ أَشهَدُ أَنَّهُ قَد جاءَ بِالحَقِّ وَ صَدَّقَ المُرسَلینَ وَ أَشهَدُ أَنَّ الَّذینَ کَذَّبُوهُ ذائِقُوا العَذابِ الأَلیم أَسأَلُکَ یا اللهُ یا اللهُ یا اللهُ یا رَبّاه یا رَبّاه یا رَبّاه یا سَـیِّدی یا سَیِّدی یا سَیِّدی یا مَولایَ یا مَولایَ یا مَولایَ أَسأَلُکَ فی هذِهِ الغَداهِ أَن تَصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَن تَجعَلَنی مِن أَوفَرِ عِبـادِکَ وَ سَائِلیـکَ نَصـیباً وَ أَن تَمُنَّ عَلَیَّ بِفَکـاکِ رَقَبَتی مِنَ النّـارِ یا أَرحَمَ الرّاحِمینَ وَ أَسأَلُکَ بِجَمیعِ ما سَأَلتُکَ وَ مـا لَم أَسأَلُکَ مِن عَظیمِ جَلالِکَ ما لَو عَلِمتُهُ لَسَأَلتُکَ بِهِ أَن تُصَـلّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ أَهلِ بَیتِهِ وَ أَن تَأذَنَ لِفَرَجِ مَن بِفَرَجِهِ فَرَجُ أَولِیائِـکَ وَ أَصـفیائِکَ مِن خَلقِکَ وَ بِهِ تَبیـدُ الظّالِمینَ وَ تُهلِکُهُم عَجِّل ذلِکَ یا رَبَّ العالَمینَ وَ أَعطِنی سُؤلی یا ذَا الجَلالِ وَ الإِکرامِ فی جَمیعِ مـا سَأَلتُکَ لِعاجِلِ الـدُّنیا وَ آجِلِ الآخِرَهِ یـا مَن هُوَ أَقرَبُ إِلَیَّ مِن حَبـلِ الوَریـدِ أَقِلنی عَثرَتی وَ اقلِبنی بِقَضاءِ حَوائِجی یـا خـالِقی وَ یـا رازِقی وَ یـا بـاعِثی وَ یـا مُحییَ عِظامی وَ هِیَ رَمیمٌ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ استَجِب لی دُعائی یا أَرحَمَ الرّاحِمین.(۱)

## ۱۱- دعای شب بیست و سوم ماه رمضان

صـورت کامـل تری از دعـای «اللّهُمَّ لِوَلیِّکَ...» که در شب ۲۳ مـاه مبـارک رمضان و هر زمان دیگری خوانـده می شود، چنین است:

پس از تمجید خداوند و صلوات بر پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم و آل ایشان می گویی:

اللّهُمَّ کُن لِوَلِیِّکَ القـائِمِ بِأَمرِکَ مُحَمَّدِ بنِ الحَسَنِ المَهـدیِّ عَلَیهِ وَ عَلی آبـائِهِ أَفضَـلُ الصَّلاهِ وَ السَّلامِ فی هـذِهِ السّاعَهِ وَ فی کُلِّ ساعَهٍ وَلیّاً وَ۸.

ص: ۲۶۷

---

۱- بحارالانوار، ج۹۸، ص۱۵۷ و ۱۵۸.

حافِظاً وَ قائِداً وَ ناصِراً وَ دَلیلًا وَ مُؤَیِّداً حَتّی تُسکِنَهُ أَرضَکَ طَوعاً وَ تُمَتِّعَهُ فیها طُولاً وَ عَرضاً وَ تَجعَلَهُ وَ ذُرِّیَّتَهُ مِنَ الأئِمَّهِ الوارِثینَ اللّهُمَّ انصُرهُ وَ انتَصِر بِهِ وَ اجعَلِ النَّصرَ مِنکَ عَلی یَدِه وَ اجعَلِ النَّصرَ لَهُ وَ الفَتحَ عَلی وَجهِهِ وَ لا تُوَجِّهِ الأَمرَ إلی غَیرِهِ اللّهُمَّ أَظهِر بِهِ دینَکَ وَ سُنَّهَ نَبِیِّکَ حَتّی لا یَستَخفَی بِشَیءٍ مِنَ الحَقِّ مَخافَهَ أَحَدٍ مِنَ الخَلقِ اللّهُمَّ إِنّی أَرغَبُ إِلَیکَ فی دَولَهٍ کَریمَهٍ تُعِزُّ بِهَا الإِسلامَ وَ أَهلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفاقَ وَ أَهلَهُ وَ تَجعَلُنا فیها مِنَ الدُّعاهِ إِلی طاعَتِکَ وَ القادَهِ إِلی سَبیلِکَ وَ آتِنا فِی الدُّنیا حَسَنَهً وَ فِی الآخِرَهِ حَسَنَهً وَ قِنا عَذابَ النّارِ وَ اجمَع لَنا خَیرَ الدّارَینِ وَ اقضِ عَنّا جَمیعَ ما تُحِبُّ فیهِما وَ اجعَل لَنا فی ذلِکَ الخَیَرَهَ بِرَحمَتِکَ وَ مَنِّکَ فی عافِیَهٍ آمینَ رَبَّ العالَمینَ وَ زِدنا مِن فَضلِکَ وَ یَدِکَ المَلأَی فَإِنَّ کُلَّ مُعطٍ یُنقُصُ مِن مِلکِهِ وَ عَطاؤُکَ یَزیدُ فی مِلکِکَ.(۱)

## ۱۲- دعا در روز عاشورا

حدیثی که عبدالله بن سنان در مورد اعمال روز عاشورا از امام صادق علیه السلام نقل کرده و ما قسمت هایی از آن را در بخش دوم کتاب آوردیم، شامل دعاهایی است که متون آنها را در این جا عیناً نقل می کنیم. می گوید: پس از خواندن چهار رکعت نماز- به ترتیبی که بیان شد - و ابلاغ سلام و درود به حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام و فرزندان و نزدیکان ایشان و پس از لعن کشندگان ایشان، قدم هایی به عنوان «سعی» از مکانی که هستی حرکت می کنی و اذکاری را که گفته شد به زبان می آوری. سپس در مکان نماز خود می ایستی و می گویی:

اللّهُمَّ عَذِّبِ الفَجَرَهَ الَّذینَ شاقُّوا رَسُولَکَ وَ حارَبُوا أَولیاءَکَ وَ عَبَدُوا غَیرَکَ وَ استَحَلُّوا مَحارِمَکَ وَ العَنِ القادَهَ وَ الأَتباعَ وَ مَن کانَ مِنهُم فَخَبَّ وَ أَوضَعَ مَعَهُم أَو رَضِیَ بِفِعلِهِم لَعناً کَثیراً اللّهُمَّ وَ عَجِّل فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ل.

ص: ۲۶۸

---

۱- بحارالانوار، ج۹۷، ص۳۴۹، به نقل از اقبال الاعمال.

اجعَل صَلَواتِکَ عَلَیهِم وَ استَنقِذهُم مِن أَیدِ المُنافِقینَ وَ المُضِلّینَ وَ الکَفَرَهِ الجاحِدینَ وَ افتَح لَهُم فَتحاً یَسیراً وَ أَتِح لَهُم رُوحاً وَ فَرَجاً قَریباً وَ اجعَل لَهُم مِن لَدُنکَ عَلی عَدُوِّکَ وَ عَدُوِّهِم سُلطاناً نَصیراً.

سپس دو دست خود را بالا بگیر و در حالی که به دشمنان آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم اشاره می کنی، به حالت قنوت، بخوان:

اللهُمَّ إنَّ کَثیراً مِنَ الأُمَّهِ نَاصَبَتِ المُستَحفَظینَ مِنَ الأئِمَّهِ وَ کَفَرَت بِالکَلِمَهِ وَ عَکَفَت عَلَی القادَهِ الظَّلَمَهِ وَ هَجَرَتِ الکِتابَ وَ السَّنَّهَ وَ عَدَلَت عَنِ الحَبلَینِ اللَّذَینِ أَمَرتَ بِطاعَتِهِما وَ التَّمَسُّکِ بِهِما فَأَماتَتِ الحَقَّ وَ حادَت عَنِ القَصدِ وَ مالَأَتِ الأَحزابَ وَ حَرَّفَتِ الکِتابِ وَ کَفَرَت بِالحَقِّ لَمّا جاءَها وَ تَمَسَّکَت بِالباطِلِ لَمّا اعتَرَضَها فَضَیَّعَت حَقَّکَ وَ أَضَلَّت خَلقَکَ وَ قَتَلَت أَولادَ نَبِیِّکَ وَ خِیَرَهَ عِبادِکَ وَ حَمَلَهَ عِلمِکَ وَ وَرَثَهَ حِکمَتِکَ وَ وَحیِکَ اللهُمَّ فَزَلزِل أَقدامَ أَعدائِکَ وَ أَعداءَ رَسُولِکَ وَ أَهلَ بَیتِ رَسُولِکَ اللّهُمَّ وَ أَخرِب دِیارَهُم وَ افلُل سِلاحَهُم وَ خالِف بَینَ کَلِمَتِهِم وَ فُتَّ فی أَعضادِهِم وَ أَوهِن کَیدَهُم وَ اضرِبهُم بِسَیفِکَ القاطِعِ وَ ارمِهِم بِحَجَرِکَ الدّامِغَ وَ طُمَّهُم بِالبَلاءِ طَمّاً وَ قُمَّهُم بِالعَذابِ قَمّاً وَ عَذِّبهُم عَذاباً نُکراً وَ خُذهُم بِالسِّنینَ وَ المَثُلاتِ الَّتی أَهلَکتَ بِها أَعداءَکَ إِنَّکَ ذُو نَقِمَهٍ مِنَ المُجرِمینَ اللّهُمَّ إِنَّ سُنَّتَکَ ضائِعَهٌ وَ أَحکامَکَ مُعَطَّلَهٌ وَ عِترَهَ نَبِیِّکَ فِی الأَرضِ هائِمَهٌ اللّهُمَّ فَأَعِنِ الحَقَّ وَ أَهلَهُ وَ اقمَعِ الباطِلَ وَ أَهلَهُ وَ مُنَّ عَلَینا بِالنَّجاهِ وَ اهدِنا إِلَی الإِیمانِ وَ عَجِّل فَرَجَنا وَ انظِمهُ بِفَرَجِ أَولیائِکَ وَ اجعَلهُم لَنا وُدّاً وَ اجعَلنا لَهُم وَفداً اللّهُمَّ وَ أَهلِکَ مَن جَعَلَ یَومَ قَتلِ ابنِ نَبِیِّکَ وَ خیرَتِکَ عیداً وَ استَهَلَّ بِه فَرَحاً وَ مَرَحاً وَ خُذ آخِرَهُم کَما أَخَذتَ أَوَّلَهُم وَ أَضعِفِ اللّهُمَّ العَذابَ وَ التَّنکیلَ عَلی ظالِمی أَهلِ بَیتِ نَبِیِّکَ وَ أَهلِکَ أَشیاعَهُم وَ قادَتَهُم وَ أَبرِ حُماتَهُم وَ جَماعَتَهُم اللّهُمَّ وَ

ضاعِف صَلَواتِکَ وَ رَحمَتَکَ وَ بَرَکاتِکَ عَلی عِترَهِ نَبِیِّکَ العِترَهِ الضّائِعَهِ الخائِفَهِ المُستَذَلَّهِ بَقِیَّهِ مِنَ الشَّجَرَهِ الطَّیِّبَهِ الزّاکِیَهِ المُبارَکَهِ وَ أَعلِ اللّهُمَّ کَلِمَتَهُم وَ أَفلِج حُجَّتَهُم وَ اکشِفِ البَلاءَ وَ اللَّأواءَ وَ حَنادِسَ الأَباطیلِ وَ العَمی عَنهُم وَ ثَبِّت قُلُوبَ شیعَتِهِم وَ حِزبِکَ عَلی طاعَتِکَ وَ وِلایَتِهِم وَ نُصرَتِهِم وَ مُوالاتِهِم وَ أَعِنهُم وَ امنَحهُمُ الصَّبرَ عَلَی الأَذی فیکَ وَ اجعَل لَهُم أَیّاماً مَشهُودَهً وَ أَوقاتاً مَحمُودَهً مَسعُودَهً یُوشِکُ فیها فَرَجُهُم وَ تُوجِبُ فیها تَمکینَهُم وَ نَصرَهُم کَما ضَمِنتَ لِأَولیائِکَ فی کِتابِکَ المُنزَلِ فَإِنَّکَ قُلتَ وَ قَولُکَ الحَقُّ وَعَدَ اللهُ الَّذین آمَنُوا مِنکُم وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ لَیَستَخلِفَنَّهُم فِی الأَرضِ کَمَا استَخلَفَ الَّذینَ مِن قَبلِهِم وَ لَیُمَکِّنَنَّ لَهُم دِینَهُمُ الَّذی ارتَضی لَهُم وَ لَیُبَدِّلَنَّهُم مِن بَعدِ خَوفِهِم أَمناً یَعبُدُونَنی لایُشرِکُونَ بی شَیئاً اللّهُمَّ اکشِف غُمَّتَهُم یا مَن لا یَملِکُ کَشفَ الضُّرِّ إِلّا هُوَ یا واحِدُ یا أَحَدُ یا حَیُّ یا قَیُّومُ وَ أَنا یا إِلهی عَبدُکَ الخائِفُ مِنکَ وَ الرّاجِعُ إِلَیکَ السّائِلُ لَکَ المُقبِلُ عَلَیکَ اللّاجی إِلی فِنائِکَ العالِمُ بِأَنَّهُ لا مَلجَأَ مِنکَ إِلّا إِلَیکَ فَتَقَبَّلِ اللّهُمَّ دُعائی وَ استَمِع یا إِلهی عَلانِیَتی وَ نَجوایَ وَ اجعَلنی مِمَّن رَضیتَ عَمَلَهُ وَ قَبِلتَ نُسُکَهُ وَ نَجَّیتَهُ بِرَحمَتِکَ إِنَّکَ أَنتَ العَزیزُ الکَریمُ اللّهُمَّ وَ صَلِّ أَوَّلاً وَ آخِراً عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بارِک عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارحَم مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ بِأَکمَلِ وَ أَفضَلِ ما صَلَّیتَ وَ بارَکتَ وَ تَرَحَّمتَ عَلی أَنبیائِکَ وَ رُسُلِکَ وَ مَلائِکَتِکَ وَ حَمَلَهِ عَرشِکَ بِلا إِلهَ إِلّا أَنتَ اللّهُمَّ وَ لا تُفَرِّق بَینی وَ بَینَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَواتُکَ عَلَیهِ وَ عَلَیهِم وَ اجعَلنی یا مَولایَ مِن شیعَهِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ فاطِمَهَ وَالحَسَنِ وَ الحُسَینِ وَ ذُرِّیَّتِهِمُ الطّاهِرَهِ المُنتَجَبَهِ وَ هَب لِیَ التَّمَسُّکَ بِحَبلِهِم وَ الرِّضا بِسَبیلِهِم وَ وَ الأَخذَ بِطَریقَتِهِم إِنَّکَ جَوادٌ کَریمٌ.

سپس صورت خود را بر زمین (خاک) بگذار و بگو:

یـا مَن یَحکُمُ مـا یَشـاءُ وَ یَفعَـلُ مـا یُریـدُ أَنتَ حَکَمتَ فَلَکَ الحَمـدُ مَحمُوداً مَشـکُوراً فَعَجِّل یا مَولایَ فَرَجَهُم وَ فَرَجَنا بِهِم فَإِنَّکَ ضَمِنتَ إِعزازَهُم بَعدَ الـذِّلَّهِ وَ تَکثیرَهُم بَعدَ القِلَّهِ وَ إِظهـارَهُم بَعـدَ الخُمُولِ یـا أَصـدَقَ الصّادِقینَ وَ یا أَرحَمَ الرّاحِمینَ فَأَسأَلُکَ یا إِلهی وَ سَیِّدی مُتَضَـرِّعاً إِلَیـکَ بِجُودِکَ وَ کَرَمِـکَ بَسـطَ أَمَلی وَ التَّجـاوُزَ عَنّی وَ قَبُولَ قَلیـلِ عَمَلی وَ کَثیرِهِ وَ الزِّیادَهَ فی أَیّامی وَ تَبلیغی ذلِـکَ المَشـهَدَ وَ أَن تَجعَلَنی مِمَّن یُـدعی فَیُجیبُ إِلی طـاعَتِهِم وَ مُوالاتِهِم وَ نَصـرِهِم وَ تَرِیَنی ذلِکَ قَریباً سَـریعاً فی عافِیَهٍ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ.

سپس سرت را به سوی آسمان بلند کن و بگو:

أَعُوذُ بِکَ مِن أَن أَکُونَ مِنَ الَّذینَ لا یَرجُونَ أَیّامَکَ فَأَعِدنی یا إِلهی بِرَحمَتِکَ مِن ذلِکَ.

آنگاه فرمودند:

ای ابن سـنان این عمل از چقـدر حـج و چقـدر عمره مسـتحبّی که مال خود را برای ادای آنها خرج کنی و بـدنت را به زحمت بیندازی و از خانواده و فرزندانت جدا شوی، بافضیلت تر است!(۱)

## ۱۳- دعای دیگر در روز عاشورا

نقل دیگری از عبدالله بن سنان در مورد اعمال خاصّ روز عاشورا رسیده که آن را نیز در این جا می آوریم. می گوید: در روز عاشورا خـدمت مولایم ابی عبدالله جعفربن محمّد علیهما السـلام رسـیدم در حالی که رنگ (چهره) ایشان تغییر کرده و اشـک هایشان همچون درّ بر گونه هایشان سرازیر بود. عرض کردم: ای آقای من! گریه شما به خاطر۷.



---

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۰۴ تا ۳۰۷.

چیست؟ خداوند چشمانتان را گریان نکند. ایشان به من فرمودند:

آیا نمی دانی که در یک چنین روزی حسین علیه السلام به شهادت رسیده است؟!

آنگاه پس از بیان مطالبی فرمودند:

ای عبدالله بن سنان، بهترین عملی که می توانی در این روز انجام دهی این است که لباس های پاکی بپوشی و دکمه های آن را باز نگه داری و آستین هایش را تا آرنج بالا بزنی و پاهایت را برهنه کنی. سپس به یک زمین خالی که هیچکس تو را نبیند یا داخل خانه ات می روی در اواسط روز (حوالی ظهر) و چهار رکعت نماز با دو سلام می خوانی. در رکعت اوّل حمد و «قل یا ایّها الکافرون» و رکعت دوم حمد و «قل هو الله احد» و رکعت سوم حمد و سوره احزاب و رکعت چهارم حمد و منافقین را می خوانی. سپس سلام می دهی و رو به سوی قبر ابی عبدالله علیه السلام می کنی و قتلگاه ایشان را پیش روی خود مجسّم می نمایی و ذهن و بدن خود را (از هر فکر و عمل دیگری) فارغ می سازی و حواسَت را کاملاً جمع می کنی. سپس بر قاتل آن حضرت هزار بار لعنت می فرستی. به ازای هر لعنتی هزار کار خوب برایت نوشته می شود و هزار کار بد از نامه اعمالت محو می گردد و هزار درجه در بهشت بالا می روی. سپس از محلّی که در آن نماز خواندی، هفت بار سعی می کنی (قدم بر می داری) و در هر بار از سعی خود، هفت بار می گویی:

إنّا لِلّهِ وَ إنّا اِلیهِ راجِعُونَ رِضیً بِقَضاءِ اللهِ وَ تَسلیماً لِاَمرِه.

و حال تو در ضمن انجام این کار حال مادر فرزند مرده غمگین و متأسّف باشد که حزن و اندوه در او دیده می شود. وقتی از انجام این کار فراغت یافتی، در همان محلی که نماز خوانده بودی، می ایستی و هفت بار می گویی: اللّهُمَّ عَذِّبِ الَّذینَ حارَبُوا رُسُلَکَ وَ شاقُّوکَ وَ عَبَدُوا غَیرَکَ وَ استَحَلُّوا مَحارِمَکَ وَ العَنِ القادَةَ وَ الأَتباعَ وَ مَن کانَ مِنهُم وَ مَن رَضِیَ بِفِعلِهِم لَعناً کَثیراً.

ص: ۲۷۲

سپس می گویی:

اللّهُمَّ فَرِّج عَن أَهلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَ عَلَيهِم أَجمَعينَ وَ استَنقِذهُم مِن أَيدِى المُنافِقينَ وَ الكُفّارِ وَ الجاحِدينَ وَ امنُن عَلَيهِم وَ افتَح لَهُم فَتحاً يَسيراً وَ اجعَل لَهُم مِن لَدُنکَ عَلی عَدُوِّکَ وَ عَدُوِّهِم سُلطاناً نَصيراً.

آنگاه در حال قنوت بگو:

اللّهُمَّ إِنَّ الأُمَّةَ خالَفَتِ الأَئِمَّةَ وَ كَفَرُوا بِالكَلِمَهِ وَ أَقامُوا عَلَى الضَّلالَهِ وَ الكُفرِ وَ الرَّدى وَ الجَهالَهِ وَ العَمى وَ هَجَرُوا الكِتابَ الَّذى أَمَرتَ بِمَعرِفَتِهِ وَ الوَصِيَّ الَّذى أَمَرتَ بِطاعَتِهِ فَأَماتُوا الحَقَّ وَ عَدَلُوا عَنِ القِسطِ وَ أَضَلُّوا الأُمَّةَ عَنِ الحَقِّ وَ خالَفُوا السُّنَّةَ وَ بَدَّلُوا الكِتابَ وَ مَلَكُوا الأَحزابَ وَ كَفَرُوا بِالحَقِّ لَمّا جاءَهُم وَ تَمَسَّكُوا بِالباطِلِ وَ ضَيَّعُوا الحَقَّ وَ أَضَلُّوا خَلقَکَ وَ قَتَلُوا أَولادَ نَبِيِّکَ صلّی الله علیه و آله و سلّم وَ خِيَرَةَ عِبادِکَ وَ أَصفيائِکَ وَ حَمَلَهِ عَرشِکَ وَ خَزَنَهِ سِرِّکَ وَ مَن جَعَلتَهُمُ الحُكّامَ فی سَماواتِکَ وَ أَرضِکَ اللّهُمَّ فَزَلزِل أَقدامَهُم وَ أَخرِب دِيارَهُم وَ اكفُف سِلاحَهُم وَ أَيدِيَهُم وَ أَلقِ الإِختِلافَ فيما بَينَهُم وَ أَوهِن كَيدَهُم وَ اضرِبهُم بِسَيفِکَ الصّارِمِ وَ حَجَرِکَ الدّامِغِ وَ طُمَّهُم بِالبَلاءِ طَمّاً وَ ارمِهِم بِالبَلاءِ رَمياً وَ عَذِّبهُم عَذاباً شَديداً نُكراً وَ ارمِهِم بِالغَلاءِ وَ خُذهُم بِالسِّنينَ الَّذى أَخَذتَ بِها أَعداءَکَ وَ أَهلِكهُم بِما أَهلَكتَهُم بِه اللّهُمَّ وَ خُذهُم أَخذَ القُرى وَ هِىَ ظالِمَهٌ إِنَّ أَخذَهُ أَليمٌ شَديدٌ اللّهُمَّ إِنَّ سُبُلَکَ ضائِعَهٌ وَ أَحكامَکَ مُعَطَّلَهٌ وَ أَهلَ نَبِيِّکَ فِى الأَرضِ هائِمَهٌ كَالوَحشِ السّائِمَهُ اللّهُمَّ أَعلِ الحَقَّ وَ استَنقِذِ الخَلقَ وَ امنُن عَلَينا بِالنَّجاهِ وَ اهدِنا لِلإِيمانِ وَ عَجِّل فَرَجَنا بِالقائِمِ عليه السلام وَاجعَلهُ لَنا رِدءاً وَ اجعَلنا لَهُ رِفداً اللّهُمَّ وَ أَهلِکَ مَن جَعَلَ قَتلَ أَهلِ بَيتِ نَبِيِّکَ عيداً وَ استَهَلَّ فَرَحاً وَ سُرُوراً وَ خُذ آخِرَهُم بِما أَخَذتَ بِهِ أَوَّلَهُم اللّهُمَّ أَضعِفِ البَلاءَ وَ العَذابَ وَ التَّنكيلَ عَلَى الظّالِمينَ مِنَ الأَوَّلينَ وَ الآخِرينَ وَ عَلی

ظالِمی آلِ بَیتِ نَبیّکَ صلّی الله علیه و آله و سلّم نَکالاً وَ لَعنَةً وَ أَهلِک شیعَتَهُم وَ قادَتَهُم وَ جماعَتَهُم اللّهُمَّ ارحَم العِترَةَ الضّائِعَةَ المَقتُولَةَ الذَّلیلَةَ مِنَ الشَّجَرَةِ الطَّیِّبَةِ المُبارَکَةِ اللّهُمَّ أَعلِ کَلِمَتَهُم وَ أَفلِج حُجَّتَهُم وَ ثَبِّت قُلُوبَهُم وَ قُلُوب شیعَتِهِم عَلی مُوالاتِهِم وَ انصُرهُم وَ أَعِنهُم وَ صَبِّرهُم عَلَی الأَذی فی جَنبِکَ وَ اجعَل لَهُم أَیّاماً مَشهُورَةً وَ أَیّاماً مَعلُومَةً کَما ضَمِنتَ لِأَولیائِکَ فی کِتابِکَ المُنزَلِ فَإِنَّکَ قُلتَ وَعَدَ اللهُ الَّذینَ آمَنُوا مِنکُم وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ لَیَستَخلِفَنَّهُم فِی الأَرضِ کَما استَخلَفَ الَّذینَ مِن قَبلِهِم وَ لَیُمَکِّنَنَّ لَهُم دِینَهُمُ الَّذی ارتَضی لَهُم وَ لَیُبَدِّلَنَّهُم مِن بَعدِ خَوفِهِم أَمناً اللّهُمَّ أَعلِ کَلِمَتَهُم یا لا إِلهَ إِلّا أَنتَ یا لا إِلهَ إِلّا أَنتَ یا لا إِلهَ إِلّا أَنتَ یا أَرحَمَ الرّاحِمینَ یا حَیُّ یا قَیُّومُ فَإِنّی عَبدُکَ الخائِفُ مِنکَ وَ الرّاجِعُ إِلَیکَ وَ السّائِلُ لَدَیکَ وَ المُتَوَکِّلُ عَلَیکَ وَ اللّاجی بِفِنائِکَ فَتَقَبَّل دُعائی وَ اسمَع نَجوایَ وَ اجعَلنی مِمَّن رَضیتَ عَمَلَهُ وَ هَدَیتَهُ وَ قَبِلتَ نُسُکَهُ وَ انتَجَیتَهُ بِرَحمَتِکَ إِنَّکَ أَنتَ العَزیزُ الوَهّابُ أَسأَلُکَ یا اللهُ بِلا إِلهَ إِلّا أَنتَ أَلّا تُفَرِّقَ بَینی وَ بَینَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الأَئِمَّةِ صَلَواتُ اللهِ عَلَیهِم أَجمَعینَ وَ اجعَلنی مِن شیعَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

در این قسمت اخیر فرمودند:

آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم را یکی یکی اسم می بری تا به حضرت قائم علیه السلام برسی.

یعنی به عنوان مثال باید در دعا چنین گفت:

و اجعَلنی مِن شیعَةِ مُحَمَّدٍ وَ عَلیٍّ وَ فاطِمَةَ وَ الحَسَنِ وَ الحُسَینِ وَ عَلِیِّ بنِ الحُسَینِ وَ مُحَمَّدِبنِ عَلیٍّ وَ جَعفَرِبنِ مُحمَّدٍ وَ مُوسَی بنِ جَعفَرٍ وَ عَلیِّ بنِ مُوسی و محمَّدِبنِ عَلیٍّ وَ عَلیِّ بنِ مُحمَّدٍ وَ الحَسَنِ بنِ عَلیٍّ وَ الحُجَّةِ القائِمِ المَهدیّ علیه السلام.

وَ أَدخِلنی فیما أَدخَلتَهُم فِیه وَ أَخرِجنی مِمّا أَخرَجتَهُم مِنهُ.

سپس گونه های خود را بر زمین (خاک بگذار و بگو:

یا مَن یَحکُمُ بِما یَشاءُ وَ یَعمَلُ ما یُریدُ أَنتَ حَکَمتَ فی أَهلِ بَیتِ مُحَمَّدٍ ما حَکَمتَ فَلَکَ الحَمدُ مَحمُوداً مَشکُوراً وَ عَجِّل فَرَجَهُم وَ فَرَجَنا بِهِم فَإِنَّکَ ضَمِنتَ إِعزازَهُم بَعدَ الذِّلَّهِ وَ تَکثیرَهُم بَعدَ القِلَّهِ وَ إِظهارَهُم بَعدَ الخُمُولِ یا أَرحَمَ الرّاحِمینَ أسأَلُکَ یا إِلهی وَ سَیِّدی بِجُودِکَ وَ کَرَمِکَ أَن تُبلِغَنی أَمَلی وَ تَشکُرَ قَلیلَ عَمَلی وَ أَن تَزیدَنی فی أَیّامی وَ تُبلِغَنی ذلِکَ المَشهَدَ وَ تَجعَلَنی مِنَ الَّذین دُعِیَ فَأَجابَ إِلی طاعَتِهِم وَ مُوالاتِهِم وَ أَرِنی ذلِکَ قَریباً سَریعاً إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ.

سپس فرمودند:

سرت را بلند کن که این عمل از یک حج و یک عمره بافضیلت تر است.(۱)

## ۱۴– دعای امام رضا علیه السلام

متن دعایی که امام رضا علیه السلام به یونس بن عبدالرّحمن درباره امام عصر علیه السلام تعلیم دادند، مطابق نقل دوم مرحوم سیّد بن طاووس در کتاب «جمال الاسبوع» چنین است:

اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ادْفَعْ عَنْ وَلِیِّکَ وَ خَلیفَتِکَ وَ حُجَّتِکَ عَلی خَلْقِکَ وَلِسانِکَ المُعَبِّر عَنْکَ بِإِذْنِکَ النّاطِقِ بِحِکْمَتِکَ وَعَیْنِکَ النّاظِرَهِ فی بَرِیَّتِکَ وَشاهِداً(۲) عَلی عِبادِکَ، الجَحْجاحِ الُمجاهِدِ المُجتَهِد عَبدِکَ العائِذِ بِکَ اللّهُمَّ وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ ما خَلَقْتَ وَ ذَرَأتَ وَ بَرَأْتَ وَأَنْشَأْتَ وَ صَوَّرْتَ وَاحفَظْهُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ یَمِینِهِ وَ عَنْ شِمالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ بِحفْظِکَ الَّذی لا یَضِیعُ مَنْ حَفظْتَهُ بِهِ وَاحْفَظْ فِیهِ رَسُولَکَ وَآباءَهُ أَئِمَّتِکَ وَدَعائِمِ دِینِکَ د.

ص: ۲۷۵

---

۱– بحارالانوار، ج۱۰۱، ص ۳۰۹ تا ۳۱۲.

۲– ظاهراً باید الشاهد صحیح باشد.

صَلَواتُکَ عَلَیهِم أجمَعینَ وَاجْعَلْهُ فِی وَدِیعَتِکَ الَّتِی لا تَضِیعُ وَ فِی جِوارِکَ الَّذِی لا یُحْتَقَرُ(۱) وَ فِی مَنْعِکَ وَ عِزِّکَ الَّذِی لا یُقْهَرُ وَآمِنْهُ بِأمانِکَ الوَثِیقِ الَّذِی لا یُخْذَلُ مَنْ آمَنْتَهُ بِهِ وَاجْعَلْهُ فِی کَنَفِکَ الَّذِی لا یُضامُ مَنْ کانَ فِیهِ وَ انصُرهُ بِنَصرِکَ العَزِیزِ وَ أَیِّدْهُ بِجُنْدِکَ الغالِبِ وَ قَوِّهِ بِقُوَّتِکَ وَأَرْدِفْهُ بِمَلائِکَتِکَ اللّهُمَّ والِ مَنْ والاهُ وَ عادِ مَن عاداهُ، وَ أَلْبِسْهُ دِرْعَکَ الحَصِینَه وَحُفَّهُ بِمَلائِکَتِکَ حَفّاً اَللَّهُمَّ وَ بَلِّغْهُ أَفْضَلَ ما بَلَّغْتَ القائِمِینَ بِقِسْطِکَ مِنْ أَتْباعِ النَّبِیِّینَ اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ وَارْتُقْ بِهِ الفَتْقَ وَأَمِتْ بِهِ الجَوْرَ وَأَظْهِرْ بِهِ العَدْلَ وَزَیِّنْ بِطُولِ بَقائِهِ الأَرْضَ وَأَیِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَانْصُرْهُ بِالرُّعْبِ وَ افتَح لَهُ فَتحاً یَسیراً وَ اجعَل لَهُ مِن لَدُنکَ عَلی عَدُوِّکَ وَ عَدُوِّهِ سُلطاناً نَصیراً. اللّهُمَّ اجعَلهُ القائِم المُنتَظَرَ، وَ الإمامَ الَّذی بِهِ تَنتَصِرُ وَ أَیِّدهُ بِنَصرٍ عَزیزٍ وَ فَتحٍ قَریبٍ وَ وَرِّثهُ مَشارِقَ الأَرضِ وَ مَغارِبَها اللّاتی بارَکتَ فیها وَ أَحیِ بِهِ سُنَّهَ نَبِیِّکَ صَلَواتُکَ عَلَیهِ وَ آلِهِ حَتّی لا یَستَخفَی بِشَیءٍ مِنَ الحَقِّ مَخافَهَ أَحَدٍ مِنَ الخَلقِ وَ قَوِّ ناصِرَهُ وَاخْذُلْ خاذِلَهُ وَدَمْدِمْ عَلی مَنْ نَصَبَ لَهُ وَدَمِّرْ عَلی مَنْ غَشَّهُ اللّهُمَّ وَاقتُلْ بِهِ جَبابِرَهَ الکُفْرِ وَعُمُدَهُ وَدَعائِمَهُ وَ القُوّامَ بِهِ وَاقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّلالَهِ وَشارِعَهَ البِدَعِهِ وَمُمِیتَهَ السُّنَّهِ وَمُقَوِّیَهَ الباطِلِ وَأَذَلِّلْ بِهِ الجَبّارِینَ، وَأَبِرْ بِهِ الکافِرِینَ وَ المُنافِقِینَ وَ جَمِیعَ المُلْحِدِینَ حَیثُ کانُوا وَ أَینَ کانُوا مِن مَشارِقِ الأَرْضِ وَمَغارِبِها وَبَرِّها وَبَحْرِها وَسَهْلِها وَجَبَلِها حَتّی لا تَدَعَ مِنْهُمْ دَیّاراً(۲) وَلا تُبْقِیَ لَهُمْ آثاراً اَللَّهُمَّ وَ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلادَکَ وَاشْفِ مِنْهُمْ عِبادَکَ وَأعِزَّ بِهِ المُؤْمِنِینَ وَأَحْیِ بِهِ سُنَنَ المُرْسَلِینَ وَدارِسَ حُکْمَ ت.

ص: ۲۷۶

---

۱- در بحارالانوار «لا یُخفَرُ» آمده است.

۲- در بحارالانوار «دِساراً» آمده است.

النَّبِيِّينَ، وَجَدِّدْ بِهِ مَا مُحِيَ مِنْ دِينِکَ وَبَدِّلْ مِنْ حُکْمِکَ حَتّی تُعِيدَ دِينَکَ بِهِ وَعَلی يَدَيْهِ غَضّاً جَدِيداً صَحِيحاً مَحْضاً لا عِوَجَ فِيهِ وَلا بِدْعَهَ مَعَهُ حَتّی تُنِيرَ(۱) بِعَدْلِهِ ظُلَمَ الجَوْرِ وَتُطْفِئَ بِهِ نِيرانَ الکُفْرِ وَتُظهِرَ(۲) بِهِ مَعاقِدَ الحَقِّ وَمَجْهُولَ العَدْلِ وَ تُوضِحَ بِهِ مُشکِلاتِ الحُکم اللّهُمّش وَ إِنَّهُ عَبْدُکَ الَّذِی اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِکَ وَاصْطَفَيْتَهُ مِن خَلقِکَ وَ اصطَفَيتَهُ عَلی عِبادِکَ وَائْتَمَنْتَهُ عَلی غَيْبِکَ وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَبَرَّأْتَهُ مِنَ العُيُوبِ وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرِّجْسِ وَ صَرَّفتَهُ عَنِ الدَّنَسِ وَ سَلَّمتَهُ مِنَ الرَّيبِ اللَّهُمَّ فَإِنّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ القِيامَهِ وَيَوْمَ حُلُولِ الطّامَّهِ أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ وَ لَم يَأتِ حُوباً وَلَمْ يَرْتَکِبْ لَکَ مَعْصِيَهً وَلَمْ يُضَيِّعْ لَکَ طاعَهً وَلَمْ يَهْتِکْ لَکَ حُرْمَهً وَلَمْ يُبَدِّلْ لَکَ فَرِيضَهً وَلَمْ يُغَيِّرْ لَکَ شَرِيعَهً وَأَنَّهُ الإمام التَّقیُّ الهادِی المَهْدِیُّ الطّاهِرُ النَّقِیُّ الوَفِیُّ الرَّضِیُّ الزَّکِیُّ اَللّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيهِ وَ عَلی آبائِهِ وَ أَعْطِهِ فِی نَفْسِهِ وَ وُلدِهِ وَأَهْلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَ أُمَّتِهِ وَ جَمِيعِ رَعِيَّتِهِ ما تُقِرُّ بِهِ عَيْنَهُ وَتَسُرُّ بِهِ نَفْسَهُ وَتَجْمَعُ لَهُ مُلْکَ المُمْلَکاتِ کُلِّها قَرِيبِها وَبَعِيدِها وَعَزِيزِها وَذَلِيلِها حَتّی يَجْرِیَ حُکْمُهُ عَلی کُلِّ حُکم وَيَغْلِبَ بِحَقِّهِ عَلی کُلَّ باطِلٍ اَللّهُمَّ وَ اسْلُکْ بِنا عَلی يَدَيْهِ مِنْهاجَ الهُدی وَالمَحَجَّهَ العُظْمی وَالطَّرِيقَهَ الوُسْطَی الَّتِی يَرْجِعُ إِلَيْهَا الغالِی وَيَلْحَقُ بِهَا التّالِی اللّهُمَّ وَقَوِّنا عَلی طاعَتِهِ وَثَبِّتْنا عَلی مُشايَعَتِهِ وَامْنُنْ عَلَيْنا بِمُتابَعَتِهِ وَاجْعَلْنا فِی حِزْبِهِ القَوّامِينَ بِأَمْرِ الصّابِرِينَ مَعَهُ الطّالِبِينَ رِضاکَ بِمُناصَحَتِهِ حَتّی تَحْشُرَنا يَوْمَ القِيامَهِ فِی أَنْصارِهِ وَأَعْوانِهِ وَمُقَوِّيَه سُلْطانِهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ ذلِکَ کُلَّهُ مِنّا لَکَ خالِصاً مِنْ کُلِّ شَکٍّ وَشُبْهَهٍ وَرِياءٍ ت.



---

۱- در بحارالانوار «تُبَيِّنَ» آمده است.

۲- در بحارالانوار «تطهّر» آمده است.

وَسُمْعِهِ حَتّی لا نَعْتَمِدَ بِهِ غَیْرَکَ وَلا نَطْلُبَ بِهِ إِلّا وَجْهَکَ وَحَتّی تُحِلَّنا مَحَلَّهُ وَتَجْعَلَنا فِی الجَنَّهِ مَعَهُ وَلا تَبتَلِنا فی أَمرِهِ بِالسَّأمَهِ وَالکَسَلَ وَ الفَترَهِ وَ الفَشَلِ وَاجْعَلْنا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِینِکَ وَتُعِزُّ بِهِ نَصْرَ وَلِیِّکَ وَلا تَسْتَبْدِلْ بِنا غَیْرَنا فَإِنَّ اسْتِبْدالَکَ بِنا غَیْرَنا عَلَیْکَ یَسِیرٌ وَهُوَ عَلَیْنا کَبیرٌ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلی وُلاهِ عُهُودِهِ وَبَلِّغْهُمْ آمالَهُمْ وَزِدْ فِی آجالِهِمْ وَانصُرهُمْ وَتَمِّمْ لَهُمْ(۱) ما أَسْنَدْتَ إِلَیْهِمْ مِنْ أَمْرِدینِکَ وَ اجعَلنا لَهُمْ أَعْواناً وَعَلی دِینِکَ أَنْصاراً وَ صَلِّ عَلی آبائِهِ الطّاهِرِینَ الأَئِمَّهِ الرّاشِدینَ اللّهُمَّ فَإِنَّهُمْ مَعادِنُ کَلِماتِکَ وَ خُزّانُ عِلمِکَ وَ وُلاهُ أَمرِکَ وَ خالِصَتُکَ مِن عِبادِکَ وَ خیَرَتُکَ مِن خَلقِکَ وَ أَولِیاؤُکَ وَ سَلائِلُ أَولیاءِکَ وَ صَفوَتُکَ وَ أَولادُ أَصفیاءِکَ صَلَواتُکَ وَ رَحمَتُکَ و بَرَکاتُکَ عَلَیهِم أَجمَعینَ اللّهُمَّ وَ شُرَکاؤُهُ فی أَمرِهِ وَ مُعاوِنُوهُ عَلی طاعَتِکَ الَّذینَ جَعَلتَهُم حِصنَهُ وَ سِلاحَهُ وَ مَفزَعَهُ وَ أُنسَهُ الَّذینَ سَلَوا عَنِ الأَهلِ وَ الأَولادِ وَ تَجافَوُا الوَطَنَ وَ عَطَّلُوا الوَثیرَ مِنَ المِهادِ قَد رَفَضُوا تِجاراتِهِم وَ أَضَرُّوا بِمَعایِشِهِم وَ فَقَدُوا فی أَندیَتِهِم بِغَیرِ غَیبَهٍ عَن مِصرِهِم وَ حالَفُوا البَعیدَ مِمَّن عاضَدَهُم عَلی أَمرِهِم وَ خالَفُوا القَریبَ مِمَّن صَدَّ عَن وِجهَتِهِم وَ ائتَلَفُوا بَعدَ التَّدابُرِ وَ التَّقاطُعِ فی دَهرِهِم وَ قَطَعُوا الأَسبابَ المُتَّصِلَهَ بِعاجِلِ حُطامٍ مِنَ الدُّنیا فَاجعَلهُمُ اللّهُمَّ فی حِرزِکَ وَ فی ظِلِّ کَنَفِکَ وَ رُدَّ عَنهُم بَأسَ مَن قَصَدَ إِلَیهِم بِالعَداوَهِ مِن خَلقِکَ وَ أَجزِل لَهُم مِن دَعوَتِکَ مِن کِفایَتِکَ وَ مَعُونَتِکَ لَهُم وَ تَأییدِکَ وَ نَصرِکَ إِیّاهُم ما تُعینُهُم بِهِ عَلی طاعَتِکَ وَ أَزهِق بِحَقِّهِم باطِلَ مَن أَرادَ إِطفاءَ نُورِکَ وَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ املَأْ بِهِم کُلَّ أُفُقٍ مِنَ الآفاقِ وَ قُطرٍ مِنَ الأَقطارِ قِسطاً ت.



---

۱- در بحارالانوار «له» آمده است.

وَ عَدلاً وَ رَحمَهً(۱) وَ فَضلًا وَ اشکَر لَهُم عَلی حَسَبِ کَرَمِکَ وَ جُودِکَ وَ ما مَنَنتَ بِهِ عَلَی القائِمینَ بالقِسطِ مِن عِبادِکَ وَ اذخَر لَهُم مِن ثَوابِکَ ما تَرفَعُ لَهُم بِهِ الدَّرَجاتِ إِنَّکَ ما تَشاءُ وَ تَحکُمُ مَا تُریدُ آمینَ رَبَّ العالَمین.(۲)ت.



---

۱- در بحارالانوار «مَرحَمَهً» آمده است.

۲- این دعای شریف در بحارالانوار، ج۹۵، از ص ۳۳۲ تا ۳۳۶، به نقل از جمال الاسبوع ذکر شده است.

## فهرست منابع


۱- قرآن کریم

۲- البلد الامین، تقی الدین ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، چاپ سنگی.

۳- ابواب الجنّات فی آداب الجمعات (آئین جمعه)، سیّد محمّد تقی موسوی اصفهانی، قم: مدرسه الامام المهدی علیه السلام، ۱۳۶۳ شمسی.

۴- الاحتجاج، ابو منصور احمد بن ابی طالب الطبرسی، نجف اشرف: دار النعمان، ۱۳۸۶ قمری.

۵- الارشاد، شیخ مفید، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ قمری.

۶- اقبال الاعمال، سیّدبن طاووس، تهران: دارالکتب الاسلامیّه، ۱۳۶۷ شمسی.

۷- اقرب الموارد، سعید شرتونی.

۸- البرهان فی تفسیر القرآن، سیّد هاشم حسینی بحرانی، قم: دارالکتب العلمیّه، ۱۳۳۴ شمسی.

۹- التّفسیر، ابو نضر محمّد بن مسعود بن عیّاش سمرقندی، تهران: المکتبه العلمیّه الاسلامیّه، ۱۳۸۰ قمری.

۱۰- التّوحید، شیخ صدوق، بیروت: دارالمعرفه.

۱۱- التّهذیب، شیخ طوسی، تهران: دارالکتب الاسلامیّه، ۱۳۶۲ شمسی.

۱۲- بحارالانوار، محمّدباقر مجلسی، تهران: المکتبه الاسلامیّه، ۱۳۹۷ قمری.

۱۳- بصائر الدّرجات، ابوجعفر محمّدبن حسن صفّار، بیروت: مؤسّسه النعمان، ۱۴۱۲ قمری.

۱۴- پیوند معنوی با ساحت قدس مهدوی، صدرالاسلام همدانی، تهران: انتشارات بدر، ۱۳۶۱ شمسی.

۱۵- تفسیر کنز الدّقائق و بحر الغرائب، شیخ محمّد بن محمّد رضا قمّی مشهدی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۷ شمسی.

۱۶- تفسیر نور الثّقلین، عبد علی بن جمعه العروسی الحویزی، قم: المطبعه العلمیّه، ۱۳۸۲ قمری.

۱۷- تنبیه الخواطر و نزهه النّواظر، ورّام بن ابی فراس، قم: مکتبه الفقیه (افست نسخه دارالتعارف بیروت، ۱۳۷۶ قمری).

۱۸- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق، قم: انتشارات اخلاق، ۱۳۷۷ شمسی.

۱۹- جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع، سیّدبن طاووس، تهران: آفاق، ۱۳۷۱ شمسی.

۲۰- حدیث بندگی و دلبردگی، عبدالکریم سروش، تهران: مؤسّسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۸ شمسی.

۲۱- حدیث دو سفیر، سیّد مجتبی بحرینی، تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۳ شمسی.

۲۲- راز پنهانی و رمز پیدایی، دکتر سیّد محمّد بنی هاشمی، تهران: انتشارات نیک معارف، ۱۳۸۴ شمسی.

۲۳- سلوک منتظران، دکتر سیّد محمّد بنی هاشمی، تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۳ شمسی.

۲۴- سه رساله درباره حجّه بن حسن العسکری (عج)، محمّد باقر مجلسی، با مقدّمه سیّد محمود میردامادی، اصفهان: کانون پژوهش، ۱۴۱۶ قمری.

۲۵- شرح فصوص الحکم (متن: ابن عربی، شرح: قیصری)، انتشارات بیدار، ۱۳۶۳ شمسی.

۲۶- صحیفه کامله سجّادیّه، امام زین العابدین علیه السلام، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۶ شمسیم.

۲۷- صحیفه مهدویّه، ترجمه محمّد حسین رحیمیان، قم: دارالثقلین، ۱۳۷۹ شمسی.

۲۸- العروه الوثقی، سیّد محمّد کاظم طباطبایی یزدی، تهران: المکتبه العلمیّه الاسلامیّه، ۱۳۵۸ شمسی.

۲۹- عیون اخبار الرّضا علیه السلام، شیخ صدوق، تهران: انتشارات جهان.

۳۰- غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحدبن محمّد آمدی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ شمسی.

۳۱- الغیبه، ابن ابی زینب محمّد بن ابراهیم نعمانی، تهران: مکتبه الصدوق.

۳۲- فرهنگ نوین (ترجمه القاموس العصری)، سیّد مصطفی طباطبایی، تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامیّه، ۱۳۵۸ شمسی.

۳۳- فلاح السّائل. سیّدبن طاووس، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیّه قم.

۳۴- الکافی، محمّد بن یعقوب کلینی، تهران: دارالکتب الاسلامیّه، ۱۳۴۸ شمسی.

۳۵- کامل الزّیارات، جعفربن محمّد بن قولویّه قمی، قم: نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ قمری.

۳۶- کرامات الحسینیّه علیه السلام، جلد ۲، علی میرخلف زاده، قم: انتشارات مهدی یار، ۱۳۷۹ شمسی.

ص: ۲۸۱

۳۷- کمال الدّین و تمام النّعمه، شیخ صدوق، تهران: دارالکتب الاسلامیّه، ۱۳۹۵ قمری.

۳۸- کنز الغنائم فی فوائد الدّعاء للقائم علیه السلام (همراه با «نورالابصار» و «سراج القبور»)، سیّد محمّد تقی موسوی اصفهانی، اصفهان: انتشارات مشعل، ۱۳۸۰ شمسی.

۳۹- لسان العرب، ابن منظور، بیروت: دار صادر، ۲۰۰۰ میلادی.

۴۰- اللّهوف علی قتلی الطّفوف، سیّد بن طاووس، تهران: انتشارات جهان، ۱۳۴۸ شمسی.

۴۱- مثنوی، جلال الدّین محمّد بلخی رومی، تهران: کتابفروشی اسلامیّه، ۱۳۳۸ شمسی.

۴۲- مجمع البحرین، طریحی، تهران: انتشارات المکتبه المرتضویّه، ۱۳۹۵ قمری.

۴۳- محاسبه النّفس، سیّد بن طاووس، تهران: المکتبه المرتضویه، ۱۳۵۱ شمسی.

۴۴- مرآه العقول، محمّد باقر مجلسی، تهران: دارالکتب الاسلامیّه، ۱۳۶۹ شمسی.

۴۵- مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، قم: مؤسّسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۸ قمری.

۴۶- المصباح، کفعمی، قم: انتشارات رضی، ۱۴۰۵ قمری.

۴۷- مصباح المتهجّد، شیخ طوسی، مؤسسه فقه الشّیعه، ۱۴۱۱ قمری.

۴۸- معانی الاخبار، شیخ صدوق، بیروت: دارالمعرفه، ۱۳۹۹ قمری.

۴۹- المعجم الوسیط، ابراهیم مصطفی و ... استانبول: المکتبه الاسلامیّه، ۱۳۹۲ قمری.

۵۰- مفاتیح الجنان، شیخ عبّاس قمّی.

۵۱- المفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی، تهران: المکتبه المرتضویّه، ۱۳۷۳ قمری.

۵۲- مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۲ قمری.

۵۳- مکیال المکارم، سیّدمحمّد تقی موسوی اصفهانی، قم: المطبعه العلمیّه، ۱۳۹۷ قمری.

۵۴- من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، قم: جامعه مدرّسین حوزه علمیّه، ۱۴۱۳ قمری.

۵۵- منهاج الصّالحین، آیه الله سیستانی، قم: انتشارات ستاره، ۱۴۱۶ قمری.

۵۶- مهج الدّعوات، سیّدبن طاووس، تهران: مؤسسه آفاق، ۱۳۸۰ شمسی.

۵۷- نجم الثّاقب، میرزا حسین نوری، قم: انتشارات مسجد مقدّس جمکران، ۱۳۷۷ شمسی.

۵۸- نهج البلاغه، صبحی صالح، بیروت: ۱۳۸۷ قمری.

۵۹- وسائل الشّیعه الی تحصیل مسائل الشّریعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۹ قمری.

ص: ۲۸۲

## دیگر آثار مؤلف

۱- گوهر قدسی معرفت، قطع رقعی، ۲۳۲ صفحه

۲- معرفت امام عصر علیه السلام، قطع وزیری، ۴۳۲ صفحه

۳- شمیم آشنایی، قطع رقعی، ۲۲۴ (خلاصه کتاب معرفت امام عصر علیه السلام)

۴- آفتاب در غربت

* شکر نعمت، قطع رقعی، ۱۱۶ صفحه

* نعمت آفتاب قطع رقعی، ۲۴۰ صفحه

* غربت آفتاب قطع رقعی، ۱۳۶ صفحه

* یاری آفتاب قطع رقعی، ۱۷۶ صفحه

۵- آشنای غریب، قطع رقعی، ۳۲۰ (خلاصه کتاب آفتاب در غربت)

۶- سلوک منتظران، قطع رقعی، ۳۴۴ صفحه

۷- راز پنهانی و رمز پیدایی، قطع وزیری، ۳۹۲ صفحه

۸- پیمان غدیر، قطع رقعی، ۶۴ صفحه

۹- بیعت با مهدی علیه السلام، قطع رقعی، ۱۶۰ صفحه

۱۰- کتاب عقل (۳-۱)، قطع وزیری، ۵۵۰ صفحه

۱۱- در ضیافت ضریح، قطع وزیری، ۴۷۶ صفحه

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.


آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹